تلاش در راه رسیدن به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی

یکصد و سی یکمین سال زادروز

دکتر مصدق

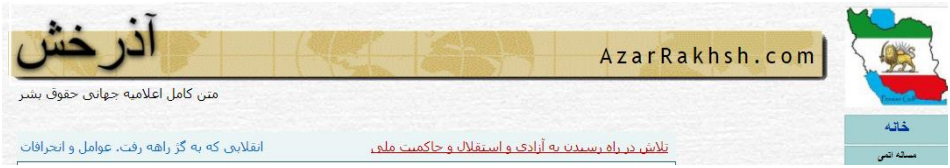

May 2015, Reston, Virginia USA

Contents Page

پیشگفتار 7
نوشته ای از مجله تایمز در کتاب مردان شاه 7
آغاز کودتا توسط طرح آژاکس 7
از مجله سیاست خارجی امریکا 8
درآمد 11
نفت و مشکلات آن 15
حسین مکی 24
به سوی رهایی از سلطه چند صد ساله بریتانیا 26
دولت بریتانیا ملی شدن نفت ایران را برسمیت می شناسد 27
نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی 27
تصویب طرح اجرائی ملی کردن صنعت نفت 28
شرایط زندگی کارکنان ایرانی در مناطق نفت خیز 29
آغاز زمامداری دکتر مصدق 33
بزرگنمایی های حزب توده 35
زد و خورد در کارخانه چیت سازی 35
متن طرح اجرای ملی شدن نفت بعد از تصحیحات مجلسین 35
وزرای دولت دکتر مصدق 37
زمزمه های مخالفت در بحبوحه خلع ید 40
پیام دکتر مصدق به کارکنان شرکت ملی نفت ایران 41
طرح چهار ماده تشکیل هیأت مدیره موقت و وظایف آنها 41
پیام دکتر مصدق به ملت ایران 42
شکایت انگلیس به دیوان داوری لاهه 44
امروز خلع ید بطور کامل اجرا شد 44
پاسخ دولت ایران به دیوان دادگستری لاهه و رد عرضحال دولت انگلیس 45
دادگاه دادگستری بین المللی لاهه 45
متن رأی دیوان دادگستری لاهه 45
دکتر مصدق در شورای امنیت 50
انتشار اوراق قرضه ملی 53
نخست وزیر لایحه قرضه ملی را تقدیم مجلس میکند 53

مخالفت حزب توده با ملی شدن نفت 54
آغاز مخالفت با دولت دکتر مصدق در مجلس 57
جنجال و تظاهرات در مجلس 57
جمال امامی 59
آقای فولادوند 60
آقای پیراسته 61
نطق آقای نخست وزیر 63
پیام نخست وزیر راجع به انتخابات 70
شروع انتخابات در روز 26 آذر 73
شوشتری 75
دکتر شایگان 77
استیضاح دولت 79
مذاکرات نخست وزیر با سفیر امریکا 80
نوشتاری از دکتر گریدی سفیر سابق امریکا در ایران 82
تحریکات در انتخابات 92
اغتشاش در زابل 92
شورش در نیشابور 94
دزفول 94
کرمانشاه 95
زاهدان 95
جهرم 95
جنجال انتخاباتی در شهر ری 95
تقدیم لایحه دفاعیه ایران به دادگاه لاهه 97
کمپانی کروپ و بازرگانان ایتالیائی 97
سوء قصد به دکتر حسین فاطمی 98
سیاست امریکا در ایران 99
توطئه برای قتل نخست وزیر 100
رفتار امریکا و انگلیس درمورد نفت با ایران 103
مصاحبه مطبوعاتی دکتر شایگان درمورد انگلستان 104
پاسخ وزارت امور خارجه به کاردار انگلیس 107

سخنان اورل هاریمن درمورد دکتر مصدق 108
اساس دفاعیات ایران علیه انگلیس در لاهه 109
قرارداد 5 میلیون دلاری معامله پایاپای با ژاپن 110
متن نامه های متبادله بین ایران و امریکا 111
انعکاس بیانیه هیأت نمایندگی ایران درسازمان ملل 113
اظهارات دادستان انگلستان 123
کاخ سفید 19 تیر 1331 127
محمد رضا پهلوی 127
اسعفای دکتر مصدق از نخست وزیری 128
فرمان نخست وزیری احمد قوام صادر میشود 128
آماده گی نیروهای امنیتی 129
شرفیابی نمایندگان جبهه ملی 129
اولین اطلاعیه قوام 130
تهران 27 تیر 1330 رئیس الوزرا قوام السلطنه 132
اعلامیه شماره 1 ، 28 نفر نمایندگان مجلس 132
29 تیر 1331 133
اعلامیه تعطیل عمومی 133
اعلامیه فرمانداری نظامی درمورد عبور و مرور 133
نخستین جرقه پیروزی 134
کشتار ، خون و آتش 135
سخنرانی کریمپور شیرازی مدیر روزنامه شورش 136
سازمانهای دست چپی چه میکنند 137
نظر روزنامه های انگلیس درمورد رخدادهای ایران 138
اعلامیه وزارت دربار درباره روز 30 تیر 139
کفیل وزارت دربار شاهنشاهی - ابوالقاسم امینی 139
کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب کردند. 142
نفت ایران در بازار ژاپن 142
اغتشاش در دزفول 142
سومین مرحله توطئه علیه نهضت ملی 142
قتل سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی 143

درخواست سلب مصونیت از بقایی 144
نامه آقای لطفی وزیردادگستری بمجلس شورای ملی 144
گزارش وزارت دفاع 145
فرماندار شهرستان تهران - سرهنگ ستاد اشرفی 145
اعلامیه فراکسیون آزادی 146
آغاز سومین سال زمامداری دکتر مصدق 147
گزارش قتل تیمسار افشار طوس به مجلس 147
اعتصاب کارگران دخانیات 148
تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس 148
نامه زاهدی به کاشانی رئیس مجلس شورای ملی 149
اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی 149
جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه 150
نامه فراکسیون نهضت ملی 151
هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی 151
علت اصلی تنظیم گزارش 152
وضع سیاست خارجی 154
فروش نفت با تخفیف 162
قتل مرحوم افشار طوس 164
کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب کردند 168
اغتشاش در دزفول 168
سومین مرحله توطئه علیه نهضت ملی 168
نامه آقای لطفی وزیردادگستری بمجلس شورای ملی: 169
اعتصاب کارگران دخانیات 172
تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس 172
اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی 173
جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه 174
هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی 175
پیشنهاد دوم نخست وزیر 177
نطق حسین مکی نماینده تهران وعضو سابق فراکسیون نهضت ملی 177
علت اصلی تنظیم گزارش 179

وضع سیاست خارجی 180
ناکامی کمیسیون حل اختلاف 181
توهین به دولت 194
روش مخالفین 195
رفراندوم 195
نطق دکتر مصدق به مناسبت قیام 30 تیر 196
پیام نخست وزیر 199
نظارت در نشر اسکناس 204
اعلامیه کاشانی 205
تحصن نمایندگان اقلیت در مجلس 208
اطاعیه وزارت کشور در مورد برگذاری رفراندم و چگونگی اخذ آراء 208
نامه آیت الله بهبهانی 210
نامه چند نفر از روحانیون مقیم نجف 210
اعلامیه کاشانی درمورد تحریم رفراندوم 211
اعلامیه حزب ایران 211
اطلاعیه و استعفای دکتر معظمی 212
دکتر عبدالله معظمی 213
نتیجه رفراندوم تهران و حومه 213
نطق رئیس جمهور امریکا 213
تلگراف فراکسیون آزادی به دبیر کل سازمان ملل 214
اعلامیه وزارت کشور درباره نتیجه انتخابات رفراندم در سراسر کشور 215
کودتا علیه نهضت ملی ملت ایران 216
اطلاعیه دولت 216
جلسه وزراء در خانه نخست وزیر 218
دعوت فراکسیون نهضت ملی از مردم برای شرکت در متینگ 219
نطق دکتر فاطمی 222
تلگراف شاه به آیت الله بهبهانی 230
آخرین دفاع دکتر مصدق 233

پیشگفتار

استیفن کینزر، نویسنده، تحلیلگر و خبرنگار نیویورک تایمز که بیش از پنجاه کشور را بازدید وگزارش وتحلیل های جامعی درباره سیاست گذاران و اثرات آنها تهیه کرده است، درکتاب"همه مردان شاه "درمورد کودتای ایران دیدگاه های مختلفی را از تحلیل گران نقل میکند:

نوشته ای از مجله تایمز در کتاب مردان شاه

روزی، روزگاری درسرزمینی کوهستانی که میان بغداد ودریاچه خاویار واقع شده است نجیب زاده ای زندگی میکردکه پس ازیک عمر شکوه وشکایت از حکومت سلطنتی کشورش رئیس دولت شد. او در عرض چند ماه همه دنیا را متوجه کلمات و رفتار و لطیفه ها و خنده ها و کج خلقی های خود کرد. در پشت دلقک بازی های مضحک او نکات متعددی درموردجنگ یاصلح وجودداشت که بسیاری از سرزمین های ماورای این سرزمین کوهستانی را تحت تأثیر قرار داد. او محمد مصدق ، نخست وزیر ایران در سال ۱۳۳۰ بود. او مرد سال بود. او تجارت نفت را به آشوب کشید. اشک های او ستون های باقیمانده یک امپراتوری بزرگ را ویران کرد. او با صدای بریده بریده و محزون ، مبارزه ای جسورانه را که مملو از حسرت و نفرت و برای غرب تقریبا غیر قابل درک بود منعکس ساخت.

موفقیت بریتانیا درسراسر خاور میانه ناامید کننده است. آن ها همه جا مورد نفرت و بی اعتمادی اند. رابطه استعماری گذشته به آخر رسیده است و هیچ قدرت دیگری نمیتواند جانشین بریتانیا شود. ایالات متحده امریکا چه بخواهد و چه نخواهد ناچار به اتخاذ سیاستی برای خاور میانه است ، هنوز مردد است و تصمیمی اتخاذ نکرده است.امریکا درنقش رهبرکشورهای غیر کمونیست مسؤلیت خطیری برشانه هایش احساس میکند، یکی از آنها رویاروئی با مبارزات اخلاقی است که جادوگری پیر و عجیب که در این سرزمین کوهستانی زندگی میکند و مرد سال است آغاز نموده است.

آغاز کودتا توسط طرح آژاکس

.... در این زمان تبلیغات منفی علیه مصدق به اوج رسیده بود. مطبوعات بر ضد او حرف میزدند و مقالاتی که مرکز عملیات دیکته میکرد در روزنامه ها منعکس میشد. سازمان سیا با یادداشت های جعلی از جانب حزب توده به رهبران مذهبی هشدار میداد که اگر با مصدق مخالفت کنند به مجازات سنگینی محکوم میشوند و تلفن های تهدید کننده به خانه های آنها زده میشد و در خانه یکی از رهبران مذهبی بطور ساختگی بمب گذاری شد. به زودی خبر رسید که شاه مستقیما در عملیات ضد مصدق دخالت دارد. این خبر از طریق مرکز عملیات روزولت بر سر زبان ها افتاد.

در 23 مرداد، مرکز عملیات تلگرافی به واشنگتن فرستادواعلام داشت که پس از پایان عملیات آژاکس حکومت زاهدی با خزانه خالی روبرو خواهد بود و نیاز به کمک مالی دارد و پنج میلیون دلار پول تقاضا شد که سازمان سیا باید چند ساعت پس از پایان عملیات این مبلغ را تهیه میکرد.

شامگاه ۲۴ مرداد روزولت و سایر عوامل کودتا کاری نداشتند جز این که منتظر خبر اعلام پیروزی باشند اما خبری که دریافت داشتند نا امید کننده بود. زیرا آنچه روزولت ازآن وحشت داشت اتفاق افتاد و نه تنها سرتیپ ریاحی بازداشت نشد بلکه نصیری که فرمان عزل مصدق را داشت خلع سلاح و بازداشت شد. ولی ۳ روز بعد کودتا با موفقیت انجام و شاه دوباره جایگاهش را بدست آورد اما....

از مجله سیاست خارجی امریکا

حقیقت این است که اگرآن کودتا نبود، ایران میتوانست از دموکراسی بالغی بهره مند شود. یادآوری آن کودتا آن قدر دردناک بود که در سال ۱۳۵۷ ، زمانی که شاه ایران را ترک میکرد بسیاری ترس ازآن داشتندکه تاریخ تکرار شود و این یکی از انگیزه های دانشجویان برای اشغال سفارت امریکا در تهران بود. بحران گروگان گیری در مقابل موجب تهاجم عراق به خاک ایران گردید و ازطرفی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد که روسیه به افغانستان حمله کند. حاصل کلام آنکه، بخش وسیعی از تاریخ تنها به دلیل عملیاتی که فقط یک هفته به طول انجامید شکل گرفت.

کودتای سال ۱۳۳۲ و پیآمد های آن ، نقطه آغازین صف بندی های سیاسی امروز خاور میانه و درون قاره آسیا بود. آیا کسی میتواند با اندیشیدن به گذشته بگوید که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران اجتناب ناپذیر بود؟ یا اینکه انقلاب به وقوع پیوست زیرا امید های ملت ایران در سال ۱۳۳۲ برای همیشه به باد رفته بودند؟

با دید تاریخی آسان است که تأثیرات فاجعه آمیز عملیات آژاکس را به عیان دید. این تأثیرات سال های طولانی دنیا را به ستوه خواهد آورد. اما اگر کودتا در ایران اجرا نمیشد چه اتفاقی میافتاد؟

رئیس جمهور ترومن (رئیس جهور دموکرات) تا آخرین لحظه حضور در کاخ سفید اصرارداشت که امریکا نباید دراموراداخلی ایران دخالت کند. راستی اگر رئیس جمهور آیزنهاور نیزبا ترومن اتفاق نظر داشت، چه اتفاقی میافتاد؟

ریچارد کاتم: " تصمیم بر براندازی مصدق راستی تصمیمی تاریخی بود. ایران در نقطه عطفی قرار گرفته بود که در آن درصد افرادی که وارد جریانات سیاسی میشدند و یا از شرکت در این جریانات منع می گشتند ، با رشدی سریع افزایش می یافت. این افراد بیدار شده رهبران خود را به الگوی ارزش ها و سنت های خود می پذیرفتند و از آنها حمایت میکردند. اگر مصدق، جبهه ملی و رهبران مذهبی که گفته های قرآن را به نحو ملایم تری بیان میکردند حکومت را در دست خود حفظ مینمودند ، می توانستند در نقش ناجیان اجتماعی به این ملت بیدار خدمت کنند. اما در عوض پادشاهی دیکتاتور حکومت را بدست گرفت و از مردم جدا ایستاد. سیاست امریکا شالوده تاریخ ایران را دگرگون ساخت ، این سیاست کمک کرد تا افراد فرهیخته ملی گرا ، همان هائی که امریکا را دوست خود می پنداشتند و آن را حامی خارجی قابل اعتماد خود تلقی میکردند از میدان خارج شوند ».

مارک گازیوفسکی: « با نگاهی به گذشته ، کودتای امریکائی که در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ درایران روی داد به صورت حادثه ای بحرانی در تاریخ پس از جنگ دوم جهانی به ثبت رسیده است. اگر این کودتا اجرا نشده بود ، آینده ایران به یقین متفاوت بود. نقش امریکا در تقویت قدرت دیکتاتوری شاه پس از کودتا نیز در ارتباطات آتی ایران با امریکا بسیار سرنوشت ساز بود. دخالت امریکا در این حوادث به وضوح در حملات تروریستی به امریکا و رویداد هائی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ در ایران رخ داد، در طبیعت انقلاب ضد امریکائی سال ۱۳۵۷ و همچنین در سایر عملیات ضد امریکائی که در ایران پس از انقلاب رخ داد و مهم تر از همه در ماجرای گروگان گیری در سفارت امریکا در تهران منعکس شده است. امروز طرفداران این کودتا ادعا میکنند که حداقل بیست و پنج سال ثبات و آرامش کشور ایران تحت رهبری حکومتی طرفدار امریکا مدیون همین کودتا بوده است ، درحالی که مضرات انقلاب ایران برای منافع امریکا هر روز آشکارتر میشود، این سؤال پیش میآید که "آیا کودتا ارزش چنین بهای سنگین و طولانی مدتی را داشته است؟"

مری آن هایس :" شاید در دراز مدت بپذیریم که ناتوانی بریتانیا در معامله با مصدق، که دارای سیاست معتدلی بود ، راه را نه تنها برای شاه و عواملش در طول چند دهه بعدی، بلکه برای حکومت افراطی ضد غربی که پس از سال ۱۳۵۷ روی کار آمد هموار ساخت. دخالت امریکا در کودتای سال ۱۳۳۲ و قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳

، ملت ایران را متقاعد ساخت که امریکا کوچکترین توجهی به منافع آنها ندارد و بیشتر نگران تثبیت نظام امپریالیستی بریتانیا است تا خواسته های ملی و استقلال طلبی ایرانیان. این امر موجب گشت که ملی گرایان ایران امریکا را شیطان بزرگ بخوانند و آن را مسبب همه بدبختی های ملت ایران بدانند.

منازعات نفتی دهه ۱۳۳۰ با سرکوبی ایرانیان ملی گرا هسته اصلی انقلاب اسلامی را در دل ایرانیان کاشت که ۲۵ سال بعد منجر به روی کار آمدن حکومتی شد که برخلاف دکتر مصدق احساسات ضد غربی داشت. نتیجه آنکه این پیآمد ها حتی اکنون بر خلیج فارس و ماورای آن سایه ای سنگین افکنده است تعجب آور نمیباشد".

نیکی اورکدی : « کودتای سال ۱۳۳۲ که نتایجش در قرارداد نفت سال بعد ظاهر گشت و محصولات نفتی و بازاریابی و ۵۰ درصد منافع نفت را در اختیار کارتل های نفتی خارجی گذاشت ، تأثیرات دردناکی بر افکار عمومی ایرانیان نهاده که تا به امروز ادامه یافته است. احساس خشم ملت پس ازآگاهی ازدخالت مستقیم امریکا در کودتای ایران به اوج رسید. حمایت امریکا از دیکتاتوری شاه به مدت ۲۵ سال به آتش این خشم دامن زد. اما در هرحال اتهامات گاه مبالغه آمیز و افراطی ایرانیان، هم درمورد امریکا و هم انگلیس میتواند ریشه در رویداد های مهم و حقیقی داشته باشد ، به ویژه شرکت در سرکوب حرکت های انقلابی مردمی و حمایت از حکومت های غیر مردمی».

ویلیام راجرز لوئیس : "ملت ها نیز چون افراد نمیتوانند استثمار شوند ، مگر آنکه سر انجام استثمار کننده باید روزی تصفیه شود... در کوتاه مدت ، دخالت امریکا در کودتای سال ۱۳۳۲ مفید واقع شد ، اما در طولانی مدت ، شاید درایت سیاسی حکم میکرد که امریکا دستان خود را از ایران کوتاه کند".

این نگرش ها هم جهت با آرای عمومی است ، و کسانی را که مخالف براندازی مصدق بودند، بطور قابل ملاحظه ای تبرئه میکند. رئیس جمهور ترومن پیش بینی میکرد که روش نادرست مقابله با بحران ایران موجب ایجاد " فاجعه ای برای جهان آزاد" میشود. هنری گریدی، سفیر ترومن در تهران هشدار داده بود که اجرای کودتا در ایران « کاملا احمقانه است و موجب تجزیه ایران و عواقب آن میشود ». اگر کسی در طی ربع قرن پس از کودتا در ایران این کلمات را میخواند آنها را اشتباه میدانست ، اما اکنون تاریخ درستی آنها را نشان میدهد. نتایج عملیات آژاکس همان طور که آن ها پیش بینی میکردند وحشتناک بود. اگر چه ضربات نهائی آن ، بیش از آنچه مردم انتظار داشتند به طول انجامید.

اگر عوامل انگلیس وامریکا آن چنان بی شرمانه در امور داخلی ایران دخالت نکرده بودند، سرانجام صلح، آرامش ورفاه به ایران بازمیگشت. نمیتوان تصور کرد که هیچ حادثه دیگری چون عملیات آژاکس می توانست این همه دردو وحشت درطول ۲۵ سال بعد برملت ایران نازل کند.

کودتا ایرانی قابل اعتماد را به مدت ۲۵ سال به ایالات متحده امریکا، انگلیس و غرب اهدا کرد و این یک پیروزی کامل بود، اما با توجه به آنچه بعد ها رخ داد و با پذیرش فرهنگ عملیات پنهانی به صورت بخشی از سیاست خارجی امریکا ، پیروزی ای خدشه دار بود. از خیابان های پرهرج و مرج تهران و سایر پایتخت های کشورهای اسلامی تا صحنه های حملات تروریستی در سراسر جهان ، اسطوره دردناک و وحشت آفرین عملیات « آژاکس » به چشم میخورد.

اشتباه بزرگ امریکا و انگلیس در ایران

دکتر گریدی سفیر کبیر سابق امریکا در ایران درحضور بیش ازچند هزار نفردانشجو و اساتید دانشگاه "ایندیانا" که حدود 15دانشجوی ایرانی نیز درآن دانشگاه به تحصیل مشغول هستند درنطقی به شدت دولت امریکا را مورد انتقاد

قرارداد وگفت جای تأسف است که دولت امریکا هنوز هیچگونه کمک عملی به دولت ایران نکرده است ودولت انگلیس نیز بدبختانه هنوز با ایران مانند یک کشور مستعمره رفتار میکند.

وی گفت دولت شوروی بدون تصرف منابع نفت ایران قادر نیست در جنگ با مغرب پیروز شود، لذا نفت ایران دیگرصورت تجارتی ندارد بلکه باید آنرا یک مسأله سیاسی و نظامی دانست که سرنوشت آینده جنگ بین شرق و غرب را تعیین میکند. اگر در آتیه نزدیکی یک نوع توافق بین ایران وانگلیس حاصل نشود دورنمای بسیار خطرناکی صلح دنیا را تهدید میکند.

البته از نقطه نظر انگلیس نفت ایران قسمت اعظم احتیاجات نیزو های نظامی انگلیس را تأمین میکرد و فقدان آن باعث شد که چرچیل به امریکا آمده وبرای پیدا کردن راه حلی که مجددا جریان نفت ایران را به انگلستان تضمین کند با ترومن مذاکره نماید ولیکن من فکر میکنم که انگلیس ها در کوتاه کردن نفوذ شوروی در ایران چندان مجاهدت به خرج نمیدهند و بطور کلی آنها برای جواب سیاسی مسأله نفت ایران اهمیت زیاد قائل نیستند بلکه بیشتر متوجه اهمیت تجارتی این مسأله هستند.

با وجودی که ازنقطه نظر اصول دموکراسی عمل دولی که مبادرت به ملی کردن صنایع و ثروت های طبیعی خود مینمایند باید به رسمیت شناخته شوند معذالک انگلستان تاکنون سعی کرده که با ایران مانند یک کشور مستعمره رفتار نماید. این رفتار انگلیس بکلی با اصول دموکراسی مباینت دارد. دولت انگلیس مدعی است هروقت وضع مالی ایران دچار تزلزل شد دولت ایران حاضر خواهد شد با کمپانی نفت قراردادی منعقد سازد. انگلیس ها و حتی امریکائی ها انتظار نداشتند و بلکه باور نمیکردند که ایران برای حفظ حیثیت وآبروی خود حاضر خواهد شد بزرگ ترین فداکاری ها و محرومیت ها را متحمل گردد و به قراردادهائی که متناقض با مصالح ملی است تن درندهد.

نمیدانم چرا دولت انگلیس حاضر نیست این حقیقت مسلم را قبول کند که هر اقدام انگلستان صد در صد صحیح و کامل و منطقی نیست باید در سیستم قدیم معامله با دول خارجی یک تجدید نظر کلی به عمل آورد.

امریکا تاکنون قدم مثبت ومفیدی به نفع مردم ایران برنداشته است. وزارت امور خارجه امریکا ابتدا نسبت به ایران افکار و عقاید صحیحی داشت ولیکن در مذاکرات خود با انگلستان ضعف و عجز عجیبی از خود نشان داد. جای تأسف است که امریکا بزرگترین دول غربی بشمار میآید و معذالک نمیتواند نظرو عقاید خود را بسایر دول ضعیف غربی تلقین و یا تحمیل کند.

آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران برای جبران کمبود بودجه خود که از تعطیل شدن صنعت نفت ایران ناشی شده است از امریکا تقاضای 120 میلیون دلار وام کرده است. کمک های مالی ما به فرانسه ، ایتالیا و یونان باعث شده است که کمونیست ها در آن کشورها با شکست های ممتد مواجه شوند ولی با کمال تأسف باید گفت مساعی ما در ایران به وضع مفتضحی درآمده و ما هیچگونه موفقیتی در آن کشور بدست نیاوردیم.

هنگامیکه من به ایران رفتم وزارت خارجه امریکا قول داده بودکه 50 میلیون دلار به ایران وام خواهد داد ، این وام سپس به 25 میلیون دلار تقلیل یافت سپس در سفری که به واشنگتن کردم اولیای وزارت امور خارجه صریحا به وی گفتند که پرداخت این وام با مشکلات فنی توام شده است. من اعلام میکنم که دیپلماسی انگلیس وامریکا در سال گذشته بزرگترین اشتباه را درایران مرتکب شده اند.

درآمد

هموطن...

من و تو همدردیم

پس بیا ...

تا من و تو، ما بشویم

تا دگر بار، خانه اجدادی را

ز غم و عسرت واماندگی خویش

رهایی بخشیم

هم میهن، نوروز امسال با دوست نازنینی که از سال اول دبستان، سپس دبیرستان و نهایتا در آخرین سال دانشگاه، دوست و همدم یکدیگر بودیم بعد از گذشت سالیان بس دراز موفق به دیدار او شدم. سخنانی میگفت که در ژرفای آن هزاران درد پنهان بود، نه برای خود، بلکه برای بیشتر هم میهنانی که در زادگاه خودبه سختی لقمه نانی برای ادامه زندگی بدست میآورند. وبا شرایط حاکم برکشور امیدی به فردای خود نمیتواند در سینه خود داشته باشد.

چه کس یا چه کسانی مقصر هستند؟ دوست نازنین من یکی از قربانیان کودتایی است که روند سرنوشت ما ایرانیان را تغییر داد. او بعد از کودتای مرداد 32 سه سال به جرم ملی گرایی با هدف رهایی میهن خود از سلطه جنایتکارانه انگلستان در زوز 28 آذر 1332 با اعلام محکومیت دکترمصدق درمحکمه نظامی شاه بدون توجه به شرایط در خیابان کاخ روبروی خانه شماره 107 با فریاد "زنده باد دکتر مصدق" بازداشت و به سه سال زندان محکوم گردید.

بعد از گذشت 25 سال از کودتا وقتی محمدرضا پهلوی که از پشتیبانی مردم ایران برخوردار نبوده، علیه اربابان خود طغیان میکند و در اجلاس اوپک سرکشی آغاز مینماید. ضمن اعلام افزایش بهای نفت، تراست های نفتی را تهدید میکند که "بعد از پایان قرارداد کنسرسیوم در سال 1979 که بر اساس قرارداد سال 1333 میبایست سه نوبت پنجساله قرارداد را تمدید میکرد، اعلام داشت که هرگز قرارداد را تمدید نخواهد کرد، به گناه سرکشی از فرامین اربابان، در کنفرانس "گوآدلوپ" با پایه ریزی نظام دینی در ایران با دیدگانی پر ز اشک، اجبارا میهن خویش را ترک و پس ازچند سال دور از میهن به ابدیت می پیوندد. متاسفانه مرگ به او فرصت نمیدهد که به ثمره بی درایتی خودبنگرد، وشاهد باشدکه ایران تبدیل به ویرانه ای میگردد.

نگاهی بسطور این نوشتارصرفنظر ازتحریکات بیگانگان به ما خواهند گفت چگونه گروهی بی وطن با بزرگترین جنبش ملی گرایی میهن خود مبارزه کردند تا خودخواهی و فرومایگی آنها در صفحاتی از تاریخ میهن پایدار نگاه داشته شود.

زیر و بمهای این نوشتار شاید ناقوسی برای ما باشدکه هنوز کسانی طبل هایی مینوازند و دیدگان خود را به حقایقی که آسمان میهن ما را فرا گرفته هست فرو می بندند، زیرا گذشته درسی عبرت آمیز برای آنها نمیباشد.

چرا و چگونه چنین شده است؟ آیا همکاری و هم اندیشی هیولای جنایتکار انگلستان و چند کشور غربی عامل شکست نهضت رهایی بخش مردم ایران بودند؟ یا خود بودیم که در دام فریب جنایتکاران رذلی قرار گرفتیم که در حساس ترین موقعیت علم مخالفت با دولتی را برافراشتند که صادقانه در اندیشه رهایی میهن و هم میهنان خود از زندان بزرگ بریتانیا بود. تو و من هر که هستیم و هر مرام و مسلکی که داریم باید بپذیریم که مردم میهن برای حفظ حاکمیت ملی و حفظ استقلال میهن، نیاز به هم بستگی ملی دارند. چگونه میتوانیم درد های هموطنان خود را به شادی و ناله های جانگداز آنها را به خنده تبدیل کنیم؟

سی و شش سال است که در درهای بسته گروه هایی که مدعی هستند درد وطن و هموطن را دارند گرد میآیند، سخنی میگویند و جوابی می شنوند، اما هیچ گاه اقدام مثبتی که نتیجه ثمر بخشی داشته باشد نداشته ایم. چرا؟ همه میدانیم چرا؟ زیرا هر کدام سخن خود را میگوییم و آمادگی آن را نداریم که حرف دیگری را بپذیریم. ولی اکنون با شرایط موجود اجبار داریم به گذشته بیندیشیم و شجاعانه راه گریزی از حلقه ای که میهن ما در آن گرفتار شده است پیدا کنیم.

گروهی ازما به یاد دارند وگروهی نیز تاریخ را خوانده ایم. آزادی گوهر گرانبهایی است که رایگان بدست نخواهد آمد. ملت های آزاد جهان برای رسیدن به آزادی ازخود گذشتگی کرده و میکنند. به تاریخ های دور نرویم. درجنگ دوم جهانی ارتش فرانسه پس از مقاومت کوتاهی تسلیم نازی ها میشود. و ژنرال پتن فرمانده ارتش قرارداد تسلیم را امضا می کند. هیتلر با غروربه پاریس میآید و مفتخرانه در خیابان های پاریس زیر چتر حمایتی اس اس ها پرسه میزند و به موزه لوور چشم طمع میدوزد. اما مردم فرانسه آن قرارداد ننگین را نمی پذیرند.

هرچندفرانسویان باتفکرات وعقاید مختلف وابستکی های احساسی زیادی به اندیشه های خود داشتند اما غریزه میهن دوستی آن ها فرا تر از تفکرات و مسلک های شخصی آنها بود. گروه هایی که تا قبل از جنگ دشمنان سوگند خورده یکدیگر بودند یکباره فارغ از همه تفکرات فردی برای نجات میهن بهم پیوستند. کمونیست ها، سوسیالیست ها، محافظه کاران و بی طرف ها همگی در زیر پرچم واحدی که پرچم میهن آنها بود صرفنظر از همه اختلافات مذهبی و مسلکی زیر پرچم رهایی میهن گرد آمدند و حماسه هایی آفریدند که قرنهای متوالی نه

فقط در تاریخ فرانسه بلکه در تاریخ همه ملت هایی که به میهن خود عشق میورزند به جای خواهد ماند.

آزادی مردم لهستان از سلطه حاکمیت کمونیستی دست نشانده و تحمیلی روسیه، مبارزه مردم افریقای جنوبی برای محو آپارتاید و رسیدن به زیستی مسالمت آمیز با انگلیسی های مهاجر و فارغ شدن از قوانین ظالمانه فرمانداران انگلیسی، با همدلی و هم فکری همه افراد ممکن گردید. در هر دو کشور همچون همه مردم جهان اختلاف عقیده و سلیقه وجود داشت، اما فرهیخته گان جامعه به مرحله ای از تکامل فکری رسیده بودند که درآن شرایط خاص مصلحت ملی خودرا فراتر از مسلک ومرام و سنت های قبیله ای خود دانستند و هموطنان خود را به اتحاد و همدلی فرا خواندند. بدین جهت بودکه علیرغم برتری فرمانروایان نازی، زوسی، انگلیسی همه جهانیان شاهد پیروزی آنها شدند.

هموطن شرایط میهن بما این اجازه را نمیدهد که با عناوین ملی گرا، چپ رو، مذهبی، سکولار، شاهی، سوسیالیستی، جبهه ملی، فدائیان اکثریت یا اقلیت، آذری، کرد، بلوچ، فارس، عرب، لر، ترکمن، طبری، گیلک صفی علیشاهی، گنابادی و..... نتوانیم در کنار یکدیگر قرار گیریم و برای رهایی میهن وهم میهنان خوداز فرو رفتن درمرداب نابودی تلاش نکنیم.

باردیگر ببهانه ای "نو " استقلال میهن ما در معرض مخاطره قرار گرفته است. تحریم های جانفرسا همچون آسیابی زجر آور هم میهنان ما را زیر فشار درناکی قرار داده که هر ایرانی را افسرده میکند.

به بهانه تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای علاوه بر اینکه میلیارد ها دلار از منابع ملی مردم ایران تلف گردید، میلیارد دلار نیز به عنوان تحریم در بانک ها و تراست های بین المللی در گردش بهره برداری میباشد و طبیعی به نظر میرسد که آنها حاضر نخواهند بود به آسانی سرمایه بر باد آورده را باز پس دهند. و پس از سالیان دراز و فشار تحریم های سخت علیه مردم ایران که منجر به عقب گرد هیأت حاکمه نه برای رهایی مردم ایران از فقر و بی کاری، بلکه برای ادامه فرمانروایی خود حاضر شده اند به میز مذاکره بیایند، یکبار دیگر مردم ایران ناچار به صحنه ای پای گذارده اند که خاطره دردناک کودتای 28 مرداد 1334 را زنده میکند.

دیدگان مردم دربند ایران و همه جهانیان به گروه های خارج از کشور دوخته شده که بدانند ما چه اندازه درگفتار و کردارخود صادق می باشیم. تصمیم گیری نهایی در مورد آینده ایران و مردم ایران به عهده مردمی است که سی و شش سال در بلاتکلیفی گرفتار میباشند. آنها هستند که در مورد سرنوشت خود باید تصمیم بگیرند، اما ما به عنوان ایرانیانی که در فضای آزاد خارج از کشور زندگی می کنیم، میتوانیم با توجه به پشتیبانی افکار عمومی جهانیان و با نگرش به شرایط و روابط بین دولت ها در جستجوی راه هایی منطقی و عملی باشیم تا بتوانیم دین خویش را به مام میهن اهدا کنیم و ژادگاه خود و نیاکان خویش را از سراشیبی

که در آن فرو رفته بدون آنکه خون هموطنی در دشتها و سطوح خیابانها و کوچه های شهر و روستا فرو ریزد رهایی بخشیم.

ما در خارج از کشور امکانات فراوانی را در اختیار داریم اما نخست باید خود را ایرانی بدانیم و از تفکرات و علایق فردی بطور موقت با توجه به امکانات و روابط و زیر و بم های جهانی چشم بپوشیم و منحصرا به هم میهنان و میهن خود بیندیشیم.

دراین نوشتار گذری به تاریخ کشور خویش میاندازیم، شاید رمز عدم موفقیت "نهضت رهایی بخش ملی شدن نفت" را صرفنظر از توطئه های برون مرزی، درعملکرد های خودبیابیم تاپندی باشد برای امروزما

نفت و مشکلات آن

در سال 1872 (1251) ناصر الدین شاه زیر امتیاز نامه ای را امضا میکند که بر اساس آن استخراج نفت و کلیه معادن زیر زمینی به استثنای (طلا ، نقره و جواهر) و کشیدن راه آهن به ژولیوس رویتر تبعه انگلیس واگذار می شود. اما به دلیل مخالفت عمومی با آن، امتیاز نامه لغو می گردد.

در سال 1901 (1280) مظفرالدین قاجار مجدداً امتیاز اجازه اختصاصی و انحصاری اکتشاف ، استخراج ، حمل و فروش گاز طبیعی ، نفت و آسفالت مملکت به استثنای ولایات آذربایجان ، گیلان ، مازندران ، خراسان و استرآباد (که مراکز نفوذ روسیه تزاری بودند) را برای مدت 60 سال به ویلیام نوکس دارسی استرالیائی که تبعه انگلیس بود واگذار میکند.

حق الامتیاز ایران دراین قرارداد شانزده درصد ازسود خالص و 2000 تومان درسال تعیین میشود و دارنده امتیاز از پرداخت هرگونه مالیات و حقوق گمرکی معاف می گردد.

عملیات اکتشاف ازسال 1903 (1282) درناحیه نفتون مسجد سلیمان آغاز و در سال 1904 نخستین نشانه وجود نفت پدیدار میشود، اما پس از سه ماه فوران نفت متوقف میگردد. بعد از قطع فوران نفت و تمام شدن سرمایه شرکت دارسی، عملیات اکتشاف متوقف میشود. اما با توجه بجای گزینی نفت با زغال سنگ و افزایش سریع مصرف نفت درجهان کمیسیون دریاداری انگلیس ظاهراًبا سهیم کردن شرکت انگلیسی برمه با شرکت دارسی به یاری دارسی میشتابد ودستگاه های حفاری دوباره بکار می افتند که تا سال 1908 ادامه مییابد.

با فوران نفت از چاه شماره 1 نفتون در مسجد سلیمان شرکتی به نام شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن تشکیل و به ثبت میرسد و به اصرار وینستون چرچیل لرد اول دریاداری انگلیس به بهانه تأمین منبع قابل اطمینان سوخت برای دریاداری انگلیس شمار قابل ملاحظه ای از سهام شرکت دارسی و برمه به شرکت نفت انگلیس و ایران منتقل میگردد.

این نقل و انتقال سهام بلافاصله در پارلمان انگلیس تصویب و مقررات قانونی آن بدین ترتیب به تصویب میرسد :

دومیلیون ودویست هزار لیره انگلیس دراختیار شرکت نفت قرار میگیرد که شامل دو میلیون لیره سهام عادی ، هزار لیره سهام ممتاز و 199000 لیره اوراق قرضه خواهد بود. در ازاء خرید این سهام دو نفر از مدیران هیات مدیره شرکت توسط دولت انگلیس تعیین میگردند. درسیاست گذاریهای شرکت، دولت انگلیس دارای حق وتو میشود. تامین سوخت موردنیاز دریاداری ببهای نازل تر از قیمت بازار جهانی در اختیار دریاداری انگلیس قرار میگیرد.

ولی دولت ایران که واگذار کننده امتیاز و صاحب منابع نفتی میباشد نقشی در این نقل و انتقالات ندارد.

بدین ترتیب فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران همزمان با شروع جنگ جهانی اول آغاز میشود که تا ملی شدن صنایع نفت در 29 اسفند سال 1330 وخلع ید از شر کت انگلیس - ایران در 30 خرداد 1331 ادامه می یابد.

برای آگاهی از میزان احجاف شرکت نفت انگلیس نسبت به صاحبان اصلی نفت ، نگاهی به کتاب "بحران جهانی" نوشته چرچیل در پایان جنگ دوم جهانی می نماییم " دولت بریتانیا در دوره چهار ساله جنگ علاوه بر اینکه مبلغی بالغ بر هفت میلیون و پانصد هزار لیره از شرکت با کمپانی نفت سود برده است، نفت مورد نیاز دریا داری انگلیس نیز با بهائی بسیار نازل تر از بازار جهانی بوسیله شرکت نفت تأمین شده است.

در سال 1928 جان کدمن معاون شرکت نفت انگلیس و ایران ضمن مذاکره با تیمور تاش وزیر دربار درخواست تجدید نظردر قرارداد دارسی را می نماید. تیمور تاش در نامه ای به شرکت نفت می نویسد که قرارداد دارسی در زمانی منعقد شده است که حکومت قاجار از اهمیت نفت و امتیازی را که داده اطلاعی نداشته است و از اینرو دولت ایران مصراً می خواهد اصول قرارداد مورد تجدید نظر قرار گیرد.

درآبان همان سال (1307) رضا شاه بعد ازبازگشت از سفر خوزستان نارضایتی خود از شرکت نفت و میزان پرداخت سالیانه به دولت ایران را به شرکت نفت اعلام و متذکر میگردد "چنانچه اولیای شرکت روش و میزان پرداخت به دولت ایران را تغییر ندهند عواقب سوء آن متوجه خود آنها خواهد بود".

در آوریل سال 1929 بعد از مذاکرات هیأت ایرانی و سر جان کدمن نماینده شرکت نفت در مورد تغییر شروط قرارداد دارسی ، نمایندگان ایران تجدید قرارداد را منوط به تعهد شرکت به پرداخت مقرری سالیانه دو میلیون وهفتصد هزار لیره به دولت ایران اعلام می دارند . ولی دولت انگلیس علاوه بر اینکه از قبول آن به عنوان زیاده خواهی ایرانیان سر باز میزند به بهانه بحران اقتصادی درجهان سهم سالیانه ایران را به مبلغ 307000 لیره کاهش میدهد، درحالی که حقوق پرداخت شده به مدیران شرکت در آن سال 220648 و مالیات پرداختی به دولت بریتانیا 894027 لیره بوده است.

مذاکرات نمایندگان ایران و شرکت نفت از سال 1929 تا سال 1931 ادامه می یابد بدون آنکه توافقی بین طرفین صورت گیرد. در تمام این مدت آنچه بیشترین وقت مذاکرات را میگیرد اصرارنمایندگان شرکت نفت به افزایش مدت قرارداد تا سال 1993است .

در جولای 1932 (خرداد1311) شرکت نفت بیلانی منتشر میکند که شامل پرداخت های شرکت از سال 1915 تا 1931 به دولت ایران میباشد:

سال 1915 تا 1920 مجموعا 1000000

سال 1920 تا سال 1931 مجموعا 9966000 لیره

سال 1929 ، 1437000 لیره ، بیشترین مبلغ (زمان شروع مذاکره) و سال 1931 ،307000 لیره ، کمترین مبلغ (در سال اعتراض دولت ایران به عمل کرد شرکت) ، درحالیکه تولید نفت درسال 1931 برابر 6540000 هزار تن بود.

درآبان سال 1311 (1932) روزنامه ایران درمقاله ای با عنوان سوقات شاهانه مینویسد که "افکار عمومی ازاعلیحضرت استدعا می کنند که نسبت به لغو امتیاز دارسی اقدام فرمایند".

با توجه به اینکه اعلیحضرت شاهنشاه برای مردم ایران حقی قائل نبودند افکار عمومی نمیتواند اثری در خیمه شب بازی اجرای درخواست دولت بریتانیای کبیر برای تمدید قرارداد تا سال 1993 داشته باشد.

علی دشتی در روز سوم آذر 1311 دولت را زیرسؤال میبردکه " چرا درالغاء امتیازنامه دارسی مسامحه می شود؟ "

در همین زمان لرد کدمن برای مذاکره مجدد در مورد نفت به ایران میآید. بر اساس نوشته مهدیقلی هدایت نخست وزیر" شاه درخواست میکند دوسیه نفت را به هیأت دولت بیاورند. شب ششم آذر تیمور تاش دوسیه را به هیأت دولت میآورد ، شاه دوسیه را گرفته به داخل بخاری می اندازد و میگوید حالا امتیاز را لغو کنید".

طبق نوشته مصطفی فاتح دوسیه نفت شامل مدارک با ارزشی بود که میتوانست در مجامع بین المللی دراختلافات فیمابین به نفع دولت ایران مورد استفاده دولت قرار گیرد که عبارتند بودند:

1- فروش نفت ارزان به دریا داری انگلیس.

2- عدم پرداخت سهم دولت ایران به میزان 16 درصدازدرآمد خالص فروش نفت توسط شرکت نفت .

3- عدم ارائه تراز نامه و میزان استخراج و تولید نفت به دولت ایران به عنوان شریک و صاحب منابع نفت.

دولت انگلیس به جامعه ملل شکایت میکند. همزمان واسطه هایی برای حل اختلاف مداخله می نمایند ، نهایتاً با ورود نمایندگان عالیرتبه دولت انگلیس به عنوان نمایندگان شرکت نفت به ایران ، اعلیحضرت در جلسه هیأت دولت بدون مشورت با هیأت دولت به تقی زاده وزیر دارائی ، فروغی ، علا و داور دستور میدهدکه با در نظرگرفتن چهار شلینگ برای هر تن نفت، کار را تمام کنید. و با اصرار لرد کدمن برای تمدید قرارداد تا آوریل سال 1993، به دستور اعلیحضرت رضا شاه، تقی زاده متن قراردادی را که از پیش توسط شرکت نفت نوشته شده بود امضا میکند. این قرار داد بدون هیچ مخالفت در مجلس شورای ملی نیز به تصویب میرسد

درقرارداد تمدید شده علاوه برطولانی شدن مدت قرارداد سهم ایران از درآمد نفت به مراتب کمتر از قرارداد دارسی میباشد.

با توجه به اظهارات علی دشتی در روز چهارم مهر 1320 در مجلس ، درمورد دارائی های رضا شاه ، شاید بتوان پاسخ دلیل واقعی لغو و تمدید قرارداد را پیدا کرد. بر طبق گفته دشتی "جزء دارائی های رضا شاه مقداری سهام شرکت نفت نیز وجود داشته است" علاوه بر آن رضا شاه سالیانه مبلغ 12000 لیره بابت اجاره اراضی بایر نفت شاه و خطوط لوله مربوط به آن را از شرکت نفت دریافت می داشته است.

***

یازده سال بعد ازتمدید قراردادر روز نوزده مرداد 1323 ساعد نخست وزیر در پاسخ دو نفر از نمایندگان مجلس ، طوسی نماینده بجنورد و دکتر رادمنش عضو فراکسیون حزب توده ایران درباره مذاکرات دولت با نمایندگان شرکت های نفتی اظهار میدارد " دو نفر از مدیران شرکت نفت شل از لندن و دو نفر از نمایندگان شرکت های امریکایی پیشنهاداتی دایر به اخذ امتیاز نفت در قسمت جنوب شرقی ایران به دولت تسلیم کرده اند که در دست مطالعه میباشد و به مجرد پایان مطالعات به مجلس گزارش داده خواهد شد".

بعد از فاش شدن مذاکرات محرمانه دولت با نمایندگان شرکت های نفتی، درتاریخ بیست و چهارم شهریور هیأت اقتصادی شوروی به ریاست کافتارادزه به ایران وارد و درخواست امتیاز نفت در بعضی از مناطق شمالی را مینمایند.

روز یازده آذردکتر مصدق طرحی درچهار ماده بقید دو فوریت به مجلس شورای ملی ارائه وتصویب آنرا درخواست مینماید. به موجب این طرح

اول - هیچ دولتی نمیتواند با نمایندگان شرکت های نفتی مذاکره یا قرار دادی امضا نماید.

دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره کند مذاکره نمایند و از جریان باید مجلس شورای ملی را مستحضر کنند .

سوم - متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

چهارم - تعقیب متخلفین ازسوی دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس آنها را تصویب نماید.

این طرح با اکثریت آراء به تصویب میرسد.

در پانزدهم فروردین 1325 در موافقت نامه ای که بین قوام نخست وزیر و سادچیکوف سفیر دولت شوروی درایران در مورد واگذاری امتیاز نفت منعقد میشود ضمن مذاکرات در مورد اصول موافقت نامه ، دولت شوروی بنا به درخواست دولت ایران متعهد میگرددکه ارتش های خود را از ایران خارج کرده و مسأله خود مختاری آذربایجان نیز به عنوان یک مسأله داخلی تلقی گرددکه باید طرفین ذینفع آنرا حل و فصل نمایند. ضمناً طرفین موافقت میکنند که قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ اسفند 1325 تا انقضای مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم ارجاع گردد.

در روز بیست و پنج تیر ماه دوره پانزدهم مجلس شورای ملی افتتاح میگردد. قبل از گشایش مجلس معاون وزارت امور خارجه امریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار میدارد:" دولت امریکا امیدوار است که لایحه نفت شمال از تصویب مجلس ایران نگذرد".

در روزهای پیش از گشایش مجلس ، نمایندگان که اکثریت منتخبین حزب دموکرات قوام بودند ماده واحده ای را در چهار ماده به منظور کان لم یکن کردن توافقنامه قوام- سادچیکف تنظیم میکنند که بعد ازگزارش نخست وزیر آن را از تصویب مجلس بگذرانند.

بند های اول و دوم ماده واحده مربوط به لغو مقاوله نامه قوام - سادچیکوف می باشد.

بند سوم "چون ایران درباره نفت جنوب ادعای غبن داردوبا تمدید بدین صورت موافق نیست بدین جهت دولت وظیفه دارد با دولت انگلیس در این مورد مذاکره کند".

بند چهارم درخواست برقراری استقرار حاکمیت ایران بر جزیره بحرین.

طبق برنامه قبلی قرار بود عصر روز بیست و هشتم مهر جلسه علنی مجلس برای بحث در مورد برنامه دولت تشکیل شود ، ولی به علت عدم حضور گروهی از نمایندگان جلسه به علت نرسیدن به حد نصاب تشکیل نمیشود و قوام نیز به مجلس نمیآید.

طبق نوشته روزنامه ها علت تشکیل نشدن جلسه این بود که جرج الن سفیر امریکا در ایران از قوام میخواهد قبل ازتشکیل جلسه برای مذاکره در مورد مسائلی که قرار است در مجلس شورا مطرح گردد بدیدن او برود، از اینرو قوام بجای حضور در مجلس بدیدن سفیر میرود! و

مذاکرات آنها تا نیمه شب ادامه می یابد ، نتیجه مذاکرات این است که بند چهارم مربوط به الحاق بحرین از طرح پیشنهادی اکثریت حذف میشود.

درهمین جلسه عباس اسکندری نماینده مجلس نیزطرحی شامل دو ماده به مجلس ارائه میکند : قرارداد سال 1312 لغو و ضرر و زیانی که در نتیجه آن به ملت ایران وارد شده جبران شود. در ماده دوم بازپس گرفتن بحرین از دولت انگلیس و لغو قرارداد بهره برداری امریکا از چاه های نفت بحرین است.

این پیشنهاد برای اظهار نظر به کمیسیون ارجاع میگردد.

همزمان با مذاکرات مجلس و انعکاس آن در خارج از کشور در بحرین تظاهرات گسترده ای برگذار می شود و در قطعنامه تظاهرات درخواست می گردد مستشاران انگلیسی از بحرین اخراج گردند ، روابط تجارتی با ایران برقرار و مسافرت به ایران آزاد شود و بجای سربازان انگلیسی پلیس ملی تشکیل گردد.

دولت انگلیس بسرعت عکس العمل نشان داده اعلام میدارد بحرین دولت مستقلی است و بنا بر مفاد قرارداد سال 1924 دولت انگلیس متعهد است که از استقلال آن دفاع کند.

همزمان هارولد سکی رئیس کمیته اجرائی حزب کارگر برای اینکه از حمایت دولت شوروی در مسأله نفت برخوردار گردد در مورد واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه در مجلس عوام میگوید"ما در انگلستان راجع به واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه اعتراضی نداریم و معتقد هستیم همچنان که انگلیسی ها در جنوب ایران اراضی نفت خیز مهمی را در اختیار دارند، شوروی ها نیز حق دارند در شمال ایران نفت داشته باشند ".

بعد ازلغو مقاوله نامه قوام - سادچیکوف تا دی ماه 1327 مسائل مربوط به نفت بفراموشی سپرده میشود. در دی ماه که ساعد مجددا به نخست وزیری منصوب میگردد در مصاحبه ای با مخبر خبرگزاری رویتر در تهران اظهار می دارد " از چند ماه پیش بین دولت ایران و کمپانی نفت مذاکراتی درجریان بوده است و دولت من صمیمانه میکوشد که از حقوق ملت ایران دفاع کند و به اجرای پاره ای از مواد کمپانی را مجبور نماید."

بعد از پخش این خبر موجی از اعتراض در روزنامه ها و مجلس بوجود میآید و عباس اسکندری دولت ساعد را مورد استیضاح قرار می دهد. در همان جلسه تقی زاده که در موقع تمدید قرارداد وزیر دارائی و امضا کننده قرارداد بود اظهار میکند: " قرارداد در زمانی تمدید شد که برای هیچ کس در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید، شد آنچه که شد. یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب الاختیار به آن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق هر تصوری ملول شدیم ".

در اوایل بهمن سال 1327 طرح الغای امتیازنامه نفت جنوب تنظیم و به امضای ده نفر از نمایندگان اقلیت میرسد. اما چون برای قرار رفتن یک طرح در دستور کار مجلس می بایست پانزده نفر زیر درخواست را امضا نمایند ، پیش از اینکه فعالیت برای جلب موافقت پنج نفر دیگر انجام شود ، در روز پانزده بهمن که قرار بود شاه به دانشگاه برود ، هنگامی که در برابر دانشکده حقوق از ماشین پیاده میشود، شخصی به نام ناصر فخرآرائی که دارای کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام بود شاه را مورد سوء قصد قرار میدهد.

ضارب با گلوله سرتیپ صفاری که به پایش اصابت می کند اسلحه را به زمین می اندازد . در این حال با وجودی که هم شاه و هم دکتر متین دفتری فریاد میزنند: "ضارب را نکشید اما افسران حاضر در محل با شلیک یازده گلوله او را از پا درمی آورند."

بعدازسوء قصد به شاه حکومت نظامی درسراسرکشوربرقرار میگردد. حزب توده ایران بعنوان عامل سوء قصد منحل اعلام میشود. روزنامه هایی که مقالاتی درمورد نفت می نوشتند و یا انتقاداتی از شاه یا دولت می کردند توقیف و مدیران آنها بازداشت میگردند. شخصیت های مخالف دولت بر اساس ماده 5 حکومت نظامی بازداشت و اجتماعات بیش از سه نفر ممنوع اعلام میگردد. با استفاده از فضای بوجود آمده به دستور محمد رضا شاه مجلس مؤسسان تشکیل و اختیاراتی برخلاف اصول قانون اساسی، ازجمله حق انحلال مجلسین شورا و سنا به شاه تفویض میگردد.

در خفقان حاکم بر کشور استیضاح اسکندری منتفی میشود. در این شرایط دولت ساعد با نمایندگان شرکت نفت مذاکره و قرارداد الحاقی بین وزیردارائی گلشائیان وگس نماینده تام الاختیارشرکت نفت تنظیم میشود تا در آخرین روزهای دوره پانزدهم برای تصویب به مجلس داده شود.

با حاکمیت نظامیان و ممانعت از فعالیت احزاب و اعتراضات عمومی ، دولت انگلیس و هیأت حاکمه بار دیگر رؤیای تکرار فاجعه سال 1312 را مجسم می بینند و اطمینان دارند که قرارداد به آسانی به تصویب خواهد رسید.

نخستین نماینده ای که در دوره پانزدهم در مورد شرکت نفت سخن میگوید مهندس رضوی نماینده کرمان است که ضمن مخالفت با برنامه دولت ساعد خلافکاریهای شرکت نفت را بر ملاء میسازد، ولی پس از چند روز در حیاط مجلس مورد ضرب و جرح یک سرهنگ ارتش قرار میگیرد.

با تصویب اکثریت قرارداد الحاقی برای اظهار نظر به کمیسیون دارائی و پیشه و هنر ارجاع میگردد درحالیکه میبایست به کمیسیون های دارائی، بودجه و خارجه ارجاع می شد. اما لایحه بدون اظهار نظر به درخواست دولت مجددا به مجلس عودت داده میشود.

روزی که قرارداد الحاقی درجلسه علنی مجلس مطرح میشود حسین مکی نماینده اراک به عنوان مخالف برای صحبت پشت تریبون قرار میگیرد. مکی صحبت خود را با خواندن نامه ای از دکتر مصدق خطاب به نمایندگان آغاز میکند که با این سطور به پایان می رسد:

"آقایانی که در مجلس اقلیت متشتت دارند سکوت نکنند که برخلاف مصالح ایران است و هیچ فرقی بین این سکوت و رأیی که مجلس برای تمدید داد نمی باشد. به دولت رأی منفی بدهید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایران هستید".

بعد از خواندن نامه دکتر مصدق ، مکی در مخالفت با قرارداد الحاقی شروع به صحبت میکند وعلیرغم جنجال اکثریت و تذکرات سردار فاخر حکمت رئیس مجلس ، مکی با حمایت دکتر بقائی ، عبدالقدیر آزاد، دکتر معظمی و حائری زاده و امیر تیمور کلالی به بازگویی و بررسی جزئیات مواد لایحه که با یاری مهندس حسیبی تنظِم میگردید آنقدر ادامه میدهد تا آنکه درساعت یک بامداد روز ششم مرداد سال 1328 بدون تصمیم گیری درباره قرارداد الحاقی عمر مجلس دوره پانزدهم به پایان میرسد.

بعد از عدم موفقیت در مجلس پانزده ، هیأت حاکمه و دولت انگلیس همه امیدوار هستند در انتخابات دوره شانزدهم بتوانند با انتخاب مهره های دست چین شده لایحه الحاقی را در جو خفقانی که ساخته اند به تصویب برسانند.

تقلب و اعمال نظر در حوزه های انتخاباتی در دوره شانزده بدان حد میرسدکه رئیس انجمن نظارت بر انتخابات تبریز در مصاحبه با خبرنگار باختر امروز میگوید" انتخابات تبریز از روی تحمیل و تطمیع انجام گرفت و اکثریت انجمن نظار رأی بر ابطال انتخابات دادند ، لکن دولت وکلای بی اعتبارنامه شهرتبریز را بعنوان نمایندگان تبریز درمجلس میپذیرد ".

با شمارش آراء در تهران به علت اینکه شمارش آراء توسط اعضای سازمان نگهبانان آزادی که به ابتکار دکتر بقائی از جمعی دانشجویان و دانش آموزان به منظور نظارت در انتخابات تهران تشکیل شده بود کنترل میشود، دکتر مصدق ، اقلیت دوره پانزده و جمعی از رجال مورد اعتماد مردم در رأس حائزین اکثریت قرار میگیرند. ولی در روزهای آخر شمارش آرا ببهانه برگذاری مراسم عزاداری ایام محرم دربار و شرکت شاه در روز عاشورا در آن مراسم ، به دستور هژیر وزیر دربار، صندوق های آراء ازمسجد سپهسالار به فرهنگستان منتقل میشوند. در فاصله دو روز و درغیاب ناظرین، حائزین اکثریت قبلی به نفرات سیزده به پائین تنزل میکنند. برای اعتراض به نحوه برگذاری انتخابات دکتر مصدق درنامه ای خطاب به ملت ایران اعلام می دارد "ما تصمیم گرفته ایم که روز جمعه 22 مهر ماه دو ساعت قبل از ظهر در جلو در سنگی اعلیحضرت حاضرشویم، ای مردم ما را تنها وبی کس نگذارید"

استقبال آنروزمردم تهران بی سابقه و غرورآفرین بود. پاسخی که آنها به دعوت دکتر مصدق و یاران او میدهند طلیعه امیدی برای مردم و زنگ خطری برای دولت بریتانیا و یاران ایرانی آن ها میشود.

به منظور هم آهنگ کردن مبارزه، نوزده نفر از جمع حاضر انتخاب و درخواست خود را در 2 ماده به وزیر دربار ارائه میدهند:

اول - الغای انتخابات کشور

دوم - تعیین دولت بی نظری که درکمال آزادی انتخابات را برگذار کند".

پس از اعلام دو شرط و تصویب آن با هماهنگی کلیه شرکت کنندگان تحصن پایان میبابد، ودر همان مکان تشکیل جبهه ملی ایران را اعلام میگردد.

دکتر محمد مصدق ، شمس الدین امیر علائی ، دکتر شایگان ، دکتر حسین فاطمی ، محمود نریمان ، دکتر سنجابی ، دکتر بقائی ، حسین مکی ، عبدالقدیر آزاد ، عباس خلیلی ، حایری زاده ، آیت اله غروی ، عمیدی نوری ، جلالی نائینی ، احمد ملکی ، ارسلان خلعتبری ، مهندس زیرک زاده ، یوسف مشار ، دکتر کاویانی .

در نیمه دوم آبان انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات تهران به استناد گزارش هائی که درباره تخلفات انتخاباتی دریافت کرده بود انتخابات تهران و حومه را باطل اعلام میدارد.

با تجدید انتخابات تهران کاندیداهای جبهه ملی حائز اکثریت میگردند. دکترمصدق وکیل اول تهران برنامه کارنمایندگان جبهه ملی در مجلس را مخالفت با قرارداد الحاقی، وحفظ آزادیهای فردی واجتماعی اعلام میدارد.

چون ساعدنتوانسته بودلایحه الحاقی نفت را به تصویب برساند برکنار و بجای او منصور به نخست وزیری منصوب میشود. منصور پیشنهاد میکند کمیسیونی به نام کمیسیون نفت تشکیل گردد تا لایحه نفت برای بررسی دقیق تر به کمیسیون ارجاع گردد. بدین ترتیب لایحه الحاقی به کمیسیون نفت که پنج نفر از نه نفر اعضای آن از جبهه ملی هستند ارجاع می گردد.

برخلاف دولت ساعد که دفاع و به تصویب رسانیدن لایحه الحاقی را صدر برنامه های دولت خود قرار داده بود، دولت منصور نه علاقه ای به دفاع از لایحه الحاقی و نه تصویب آن نشان میدهد.

ازسوی دیگر با توجه به پشتیبانی اکثر ملت ایران ازاهداف جبهه ملی و با توجه به مصر بودن دکتر مصدق و یاران او در دفاع ازحقوق مشروع ملت ایران کنفرانسی درلندن با شرکت وزرای خارجه انگلیس امریکا و فرانسه به منظور بررسی رخدادهای ایران تشکیل میگردد.

نتیجه مذاکرات این نشست استعفای منصور در روز پنجم تیر و چند ساعت بعد از استعفای دولت منصور، رزم آرا رئیس ستاد ارتش بدون تمایل مجلسین به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی میگردد.

جبهه ملی انتصاب رزم آرا را یک شبه کودتا اعلام وبا دولت او مخالفت می ورزد و در روز بیست مهر 1329 دولت رزم آرا را استیضاح مینماید. دکترمصدق که ریاست کمیسیون نفت را به عهده دارد در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام میکند " ملت ایران نه قرارداد دارسی و نه قرار داد 1933 و نه قرار داد الحاقی را نمیتواند به رسمیت بشناسد و این نوع اوراق بی ارزش نخواهند توانست وسیله غصب حقوق مردم باشند ".

در پاسخ به استیضاح ، رزم آرا اعلام میدارد که از لایحه الحاقی دفاع خواهد کرد و درجلسه خصوصی مجلس میگوید:

"آقایان شما که یک کارخانه سیمان را هنوز نمی توانید با پرسنل خود اداره نمایید، با کدام پرسنل و با کدام وسایل میخواهید نفت را شخصاً استخراج و ملی نمائید؟ " درمصاحبه با مخبرین جراید نیزمیگوید "ملت ایران شایستگی ساختن لوله هنگ را هم ندارد".

روز چهارم آذر کمیسیون نفت پیشنهاد خود را با امضای پنج نفر از نمایندگان جبهه ملی به مجلس شورای ملی ارائه میدهد:

"به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت ایران باشد"

حایری زاده - الهیار صالح - دکتر شایگان - دکتر مصدق -

حسین مکی

درروزنوزدهم آذرکمیسیون نفت با عنوان اینکه قراردادالحاقی گلشائیان گس کافی برای استیفای حقوق ملت ایران نمی باشد گزارش خود را مبنی بر رد لایحه الحاقی تقدیم مجلس شورای ملی میکند. رروز 16 اسفند رزم آرا درصحن مسجد شاه بدست خلیل طهماسبی به قتل میرسد. پس از قتل رزم آرا حسین علا یکی از عاقدین قرارداد 1933 بدون تمایل مجلس شورا با فرمان مستقیم شاه به نخست وزیری منصوب میگردد. د

در روز نوزده فروردین 1330 جلسه ای در واشنگتن با شرکت سفیر انگلیس سر اولیور فرانسیس و جرج مک گی نماینده امریکا تشکیل و پیشنهادات زیر را به دولت ایران ارائه میدهند:

- دولت انگلستان با ملی شدن نفت موافقت میکند.

- قراردادی با دولت ایران منعقد مینماید که به موجب آن شرکت نفت به نمایندگی از طرف دولت ایران عملیات شرکت نفت را انجام میدهد.

- منافع حاصله بطور تساوی تقسیم میگردند.

- دولت ایران بعلت نقض قرارداد به دولت انگلیس غرامت می پردازد.

- چون دولت ایران قادر به پرداخت غرامت نمی باشد دولت امریکا حاضر میشود مبلغ مزبور را در اختیار دولت ایران بگذارد.

درروز 26 فروردین 1330 کمیسیون نفت به ریاست دکتر مصدق هفت نفر را انتخاب می نماید که طرح اجرایی قانون ملی شدن صنعت نفت را تنظِم و در طول دو ماه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند.

دولت انگلیس امیدوار است طی این دو ماه به نحوی مسأله نفت فیصله یابد. زیرا شاه و علا هردو با ملی شدن نفت مخالف میباشند و دوره دو ماهه مذاکرات کمیسیون هفت نفره نفت ممکن است شانسی در اختیار آنها برای کان لم یکن کردن آن بگذارد.

رور پنجم اردیبهشت کمیسیون نفت طرح 9 ماده ای اجرای قانون صنعت نفت را بر اساس خلع ید از شرکت نفت با اکثریت آرا به تصویب میرساند. و در روز 6 اردیبهشت علاء به عنوان اعتراض به تصمیم مجلس از نخست وزیری استعفا میدهد.

یک روزبعد از استعفای علا سفیر انگلیس در مصاحبه مطبوعاتی در تهران نقطه نظرات دولت انگلیس را در مخالفت با ملی شدن نفت اعلام و ادعا میکند که قرارداد منعقده تا سال 1953 معتبر و غیر قابل تغییر است. وبرای اثبات حقانیت شرکت و پرداخت منصفانه بر اساس قراردادبدولت ایران آماری ارائه میدهد که توجه بآنها برای درک ضرورت نهضت ملی مردم ایران لازم میباشد.

استخراج نفت برابر3،666،600،000 تن پرداخت سود بصاحبان سهام 115000000 لیره
پرداخت مالیات به دولت انگلیس 175000000 لیره

وجوه برداشتی از درآمد 500000000 لیره

حق الامتیاز به دولت ایران 105000000 لیره

بعد از استعفای علاء روز هفتم اردیبهشت جمال امامی در مجلس شورای پیشنهاد مینماید دکتر مصدق برای حل مسأله نفت با نخست وزیری خود موافقت نماید. بعد از پایان سخنان امامی مجلس شورای ملی تمایل خود را به نخست وزیری دکتر مصدق اعلام میدارد. اما دکتر مصدق قبولی نخست وزیری را منوط به تصویب لایحه 9 ماده ای کمیسیون نفت میکند. لایحه خلع ید بلافاصله همانروز در مجلس شورای ملی تصویب و در روزنهم اردیبهشت نیز در مجلس سنا به تصویب میرسد.

بعد از اعلام تمایل مجلس شورا به نخست وزیری دکتر مصدق رادیو لندن اعلام میدارد"دولت انگلیس ازاین به بعد در مورد مسائل فیمابین دو دولت مستقیما با شاه تماس خواهد گرفت".

دکتر مصدق برنامه دولت خود را در دو بند اعلام میدارد. " اجرای قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور مصوب نهم اردیبهشت ماه سال 1330 و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی و اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها ".

به سوی رهایی از سلطه چند صد ساله بریتانیا

فرمان نخست وزیری رزم آرا بلافاصله بعد از استعفای علاء با تأیید دولتهای بریتانیا و امریکا پیش از رأی تمایل مجلس، توسط شاه صادر میگردد. ولی رزم آرا در طول چند ماه نخست وزیری خود روی خوشی به امریکا نشان نمیدهد و با توجه نکردن به درخواست امریکا برای اعزام سربازان ایران به کره و لغو قرارداد های چند شرکت امریکایی در ایران عملاً در جهت کاهش نفوذ امریکا در راستای منافع بریتانیا اقدام میکند.

رزم آرا در این اندیشه بود که با اعلام وضعیت غیر عادی و درخواست انحلال مجلسین از شاه و برگذاری یک انتخابات فرمایشی و یا سلب مصونیت از نمایندگان طرفدار نهضت ملی و زندانی کردن آنها شرایط لازم را برای تصویب قرارداد الحاقی فراهم سازد.

با توجه به این طرح و اطمینان کامل از تصویب قرارداد در تاریخ 12 بهمن 1329 مذاکرات محرمانه ای با شرکت نفت انگلیس برای دریافت کمک مالی ازشرکت انجام دادکه اسناد مبادله شده بعد ازترور رزم آرا در تاریخ دوم اردیبهشت 1330 فاش گردید.

اول اردیبهشت 1329

دولت بریتانیا ملی شدن نفت ایران را برسمیت می شناسد

خبرگزاری یونایتد پرس از واشنگتن اعلام داشت که نمایندگان تام الاختیار دولت انگلستان در جلسات متوالی کنفرانس واشنگتن اصل ملی شدن صنعت نفت و حق مالکیت ملت ایران را بر منابع نفت کشور خود به رسمیت می شناسد.

مذاکرات انجام شده بین امریکا و انگلستان بیشتر بر این اساس بود که دولت ایران حق کامل حاکمیت برنفت خودرا داشته باشدودر عوض نفت را بدون زحمت به بزرکترین مشتری خود که انگلستان میباشد بفروشد. همچنین مقرر شد شرکت نفت ایران و انگلیس در آن کشور منحل و بجای آن یک شرکت مختلط ایران و انگلیس با حفظ سرمایه فعلی در ایران تشکیل گردد.

کلیه متحصصین وکارشناسان نفت که فعلا درپالایشگاه ویا سایر نقاط نفت خیز مشغول کار هستند پس از انحلال شرکت و تأسیس شرگت مختلط ایران وانگلیس کماکان دراین شرکت انجام وظیفه خواهند کرد.

دولت انگلیس در مذاکرات آینده خود با دولت ایران سعی خواهد کرد نظریه خود را مبنی بر اینکه " منابع زیرزمینی متعلق به ایران و مؤسسات روی زمین تحت نظارت انگلیس ها باشد" برکرسی بنشاند

نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی

ششم اردیبهشت 1329

آقایان، نمایندگان مجلس شورای ملی

طبق اطلاعاتی که دارم در آتیه ممکن است اتفاقاتی روی دهد که همه کار ها و فداکاری هایی را که شما و ملت ایران کرده اید عقیم گردد. روی این اصل هرچه زودتر به این کار نفت خاتمه دهیم اعمال و افکار آنها کمتر به نتیجه میرسد، به فرض اینکه این اخبار صحیح نباشد ازنظر اقتصادی ما هر روز حدود سیصد هزار لیره ضرر میدهیم درحالیکه با این درآمد می توانیم تعداد زیادی گرسنه را سیر نمائیم.

کمیسیون نفت با این رویه ای که دارد موفق نخواهد شد که قبل از حوادثی که ممکن است روی دهد وظیفه خود را تمام کند ، استدعای من از آقایان اعضای کمیسیون این است که آقایان چهار بعد از ظهر تشریف بیاورند تا کمیسیون را تشکیل بدهیم و اگر کار امروز تمام نشد روز جمعه هم تشریف بیاورند در مجلس و این کار را تمام کنند و جناب آقای رئیس مجلس سنا هم عصر روز شنبه مجلس را تشکیل بدهند تا آنچه را که کمیسیون می کند به عنوان یک طرح سه فوریتی بیاورند و تصویب کنند تا کار نفت خاتمه یابد.

آقایان شما به این مملکت خدمتی کردید و به اتفاق رأیی دادید و مردم هم نهایت فداکاری را کردند.لذا نبایدبگذارید که فداکاری مردم وخدمت شما بنفع شرکت غاصب نفت به هدر برود.

ممکن است برای از بین بردن کار و فداکاری شما و مردم حوادثی روی دهد که تمام این مسائل عقیم بماند ، شما اگر این قدم آخری را برداشتید میتوانید فداکاری خود را به مرحله آخر برسانید و به عایداتی که متجاوز از تمام عایدات مملکت است نایل شوید.

بعضی میگویند این هیأتی را که ما در نظر داریم از قوه مقننه تشکیل بدهیم دخالت قوه مقننه در مجریه است ، در حالیکه بهیچوجه اینطور نیست زیرا کار این کمیسیون این است که بلافاصله تأسیسات نفت جنوب را از شرکت سابق نفت تحویل بگیرد ، یعنی خلع ید از آنها بکند و در عایدات نفت جنوب نظارت کند و عده ای را بگمارد تا این کار را انجام دهند و بعد اساسنامه نفت جنوب را تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی نمایند.

7 اردیبهشت 1330

تصویب طرح اجرائی ملی کردن صنعت نفت

کمیسیون نفت که بر اساس قانون 24 و 29 اسفند 1329 مأمور تهیه اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور تشکیل گردید در روز 5 اردیبهشت طرحی را باتفاق آراء تصویب و در تاریخ 7 اردیبهشت برای اظهار نظر نهایی و تصویب به مجلس شورای ملی ارائه داد.

ماده 1- به منظور ترتیب اجرای قانون مورخه 24 و 29 اسفند 1329 راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیأت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هریک ازمجلسین ووزیر دارائی یا قائم مقام او یکنفر به انتخاب دولت تشکیل میشود.

ماده 2- دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع یدکند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عذروجود ادعایی بر دولت متعرض شود دولت میتواند تا میزان 25 درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعابه شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده 3- دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به مطالعات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده و نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد و پس از تصویب مجلسین به موقع اجرا گذارده شود.

ماده 4- چون از تاریخ 29 اسفند 1329 که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف

است با نظارت هیأت مختلط به حساب شرکت رسیدکی کند و نیز هیأت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیأت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده5 - هیأت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیأت عامله وهیأت نظارت مختلطی از متحصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده 6 - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیأت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد.

(مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.)

ماده 7 - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال 1948 تا تاریخ بیست و نهم اسفند ماه (20 مارس 1951) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این ببعد هم به نرخ عادله بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر درصورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده 8 - کلیه پیشنهاد های هیأت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تسلیم میشود باید قبلا به کمیسیون نفت مجلس شورای ملی تسلیم ودرصورت موافقت کمیسیون گزارش به مجلس شورای ملی تقدیم گردد.

ماده 9 - هیات مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده 8 به مجلس تقدیم کند و درصورتی که احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید.

شرایط زندگی کارکنان ایرانی در مناطق نفت خیز

منوچهر فرمانفرمائیان که در سال 1328 رئیس اداره نفت در وزارت دارائی بود در مورد کارگران ایرانی صنعت نفت چنین میگوید :

"حقوق کارگران روزانه 50 سنت بود. آنها در زمان بیماری و یا تعطیلات حقوق دریافت نمیکردند. کارگران در شهر مخروبه ای به نام حلبی آباد زندگی میکردند که فاقد آب و برق بود. در زمستان سیل جاری میشد و شهر را دربر میگرفت. مردم تا زانو در گل و لای فرو میرفتند و با قایق رفت

و آمد میکردند. پس از توقف باران هجوم مگس ها که از مرداب های درون شهر برمیخاستند اهالی را به تنگ میآوردند. دسته های مگس بر لبه ظروف پخت و پز می نشستند ، انگار با چسبی محکم به آنها چسبیده بودند.

کارمندان دون پایه که دارای دیپلم دبیرستان و یا فارغ التحصیل آموزشگاه شرکت نفت بودند در خانه هایی زندگی میکردند که تنها وسیله خنک کردن آنها در تابستان یک پنکه سقفی بود از داشتن یخچال محروم بودند. شرکت نفت در روزهای تابستان یک بار در روز با ماشین مقداری یخ به منازل این کارکنان تحویل میداد.

در روزنامه جروسالم پست یک اسرائیلی که سال ها در آبادان کار کرده بود مردم آبادان را فقیر ترین مخلوقات روی زمین می خواند. "آنها هفت ماه سوزان سال را در زیر درخت ها زندگی می کنند. در زمستان این توده جمعیت به سالن های بزرگی که شرکت نفت ساخته بود انتقال می یافتند و درحدود 300 یا 400 نفر در هر یک از این سالن های بهم پیوسته زندگی میکردند. هر خانواده فضائی به اندازه یک پتو اشغال میکردند. دستشوئی و توالت وجود نداشت. ما در گفتگو با همکاران انگلیسی مان تلاش می کردیم که اشتباهات آنها را به آنها نشان بدهیم و معمولا پاسخ آنها این بود " ما انگلیس ها تجربه صد ساله در رفتار با ملت ها بدست آورده ایم. در کشور ما سوسیالیسم قابل قبول است ، اما اینجا ما باید ارباب باشیم".

***

با پخش خبر تصویب طرح اجرای اصل ملی شدن نفت در کمیسیون نفت در شامگاه روز پنجم اردیبهشت آقای علا بحضور شاه شرفیاب و بعد از مذاکرات طولانی استعفای خود را به دلیل اینکه مشکلات طوری است که ادامه کار برای دولت ایشان غیر میسر میباشد و بهتر است کنار برود به شاه تقدیم میدارد.

درساعت 9 روز 7 اردیبهشت جلسه خصوصی مجلس شورای ملی تشکیل میگردد.

آقای جمال امامی اظهارمیدارد آقای دکتر مصدق اظهار کردند که آقای علاء را مجبور به استعفا کردند، من جداً این اظهار را تکذیب میکنم زیرا مطلع هستم که اعلیحضرت همایونی به هیچوجه راضی نبودند که آقای علاء استعفا بدهند وحتی اصرارکردند دراینموقع باریک کشور را دچار بحران نکند. ولی استدلال آقای علا این بود که کمیسیون نفت با عملی که کرده بدون استشاره با دولت عملا به دولت رأی عدم اعتماد داده است. حالا هم دکتر مصدق میفرمایند برویم در مجلس نسبت به رأی کمیسیون نفت رأی بگیریم. بنده با این نظر مخالفم زیرا دولتی وجود ندارد که نظریه خود را ابراز کند و ما نمیتوانیم بدون حضور دولت به این موضوع رأی بدهیم ، بنابراین در نظری که اظهار میدارم خدا را شاهد میگیرم که هیچگونه غرضی ندارم ، نظر من

این است که آقایان فی المجلس و متفقاً به آقای دکتر مصدق رأی تمایل بدهند که ایشان زمامدار شده و اگر میخواهند آن لایحه را خود ایشان به مجلس عرضه بدارند و متفقاً رأی بدهیم.

بعد از سخنان اقای جمال امامی در تالار جلسه علنی جلسه سری برای ابراز تمایل به نخست وزیر آینده تشکیل شد و آقای حکمت اعلام رأی نمود که در نتیجه از 100 نفر عده حاضر 79 نفر به آقای دکتر مصدق ابراز تمایل نمودند و 17 نفر ورقه سفید دادند.

دکترمصدق قبولی پست نخست وزیری را منوط بتصویب طرح اجرائی قانون ملی شدن صنعت نفت اعلام میدارد.

در مخالفت با نظر دکتر مصدق آشتیانی زاده به عنوان مخالف اظهار داشت: این امرباید با دقت رسیدگی شودخصوصا اینکه این امر مواجه با اعلامیه واشنگتن شده است. این 9 ماده نفت را ملی نمیکند و منافع منافع ملت ایرا را تأمین نمینماید. جناب دکتر مصدق در جلسه گذشته فرمودند یک حوادثی در شرف تکوین است و این حوادث بی نهایت خطرناک است و اگر ما جلسه فوق العاده تشکیل ندهیم و این کار را نکنیم ممکن است برای مملکت خطراتی داشته باشد.

می خواستم از جناب دکتر بپرسم این حوادث چیست که شما اطلاع دارید و ما نداریم؟ آیا اگر با ترور میخواهید نمایندگان را مجبور کنید رأی بدهند اگر حوادثی برای این ملت و مملکت در آینده رخ دهد و منافع ما را تأمین نکرد شما مسؤل می شوید یا خیر؟

ماده هفتم ملی شدن نفت این معنی را میدهد که ارتش ایران برود و مؤسسات شرکت نفت را بگیرد و بعد به مزایده گذاشته شود.

آقای فرامرزی درموافقت اظهارداشت ما درمقابل قضیه ای قرار گرفته ایم که تا تمام نشود ممکن است هر روز گرفتار خطراتی شویم که اکنون نمونه هایش را می بینیم ضمناً باید به عرض برسانم آنچه را که ملت میخواهد مجلس انجام می دهد برای اینکه مجلس نماینده ملت است.

آقای آشتیانی زاده گفتند این حوادثی را که آقای دکتر مصدق کفتند ما خبرنداریم، بنده عرض میکنم ما هم میدانیم وحتی بچشم خود می بینیم. این آتش زدن انبار مهمات شیراز که 16 میلیون دلار ارزش داشته و اعتصاب خوزستان اینها مسائلی است که ما می بینیم .

دیشب که به من گفتند دولت ساقط شده من باور نکردم برای اینکه تا ساعت 10 پنج شنبه ما با آقای علا بودیم و ایشان ابداً راجع به استعفا صحبت نمیکردند و از مطبوعات استمداد میکردندکه به دولت مساعدت شود. بعلاوه مسأله نفت که برای آقای علا چیز تازه ای نبود ،

آقای علا می گفتند که نفت را به آنها بفروشیم قانع میشوند و ما گفته ایم که اینکار را میکنیم زیرا نفت را میخواهیم بفروشیم ولی آقای آشتیانی زاده گفتند که هر اتفاقی بیفتد بدست کمپانی است.

متأسفانه این تصور در رجال ما پیدا شده و همین تصور به پای ما زنجیر بسته و یک مأمور عالیرتبه هم خیال میکند که اگر انگلیس ها میخواهند آن مأمور می ماند و الا خیر!

درشور دوم آقای تیمورتاش بعنوان مخالف گفتند موقعی که مجلس در حال تنفس بود یکی از ارباب جراید نامه تهدید آمیزی برای من نوشته و کفته که عاقبت کار معلوم است که چیست. بنده عرض میکنم که اگر گلوله ای به سینه من بنشیند من آن را ترجیح میدهم باینکه ببینم زنم و بچه ام در معرض خطر خواهند افتاد.

از اینکه مجلس شورای ملی تصمیمی گرفته که مورد بحث همه دنیا است حرفی نیست ولی نکته ای که برای من غیر قابل فهم است این است که با وجود تمام حسن نیتی که مجلس نشان داد و با وجودی که همه موافق هستند که این بار سنگین به مقصد برسد چه چیز موجب شده که باید با عجله و فی البداهه جلسه فوق العاده تشکیل شود و در عرض چند ساعت این تصمیم گرفته شود؟

جناب آقای دکتر مصدق درجلسه گذشته اعلام خطر کرده و گفتند اگر این گزارش تصویب نشود حوادثی در شرف تکوین است. من خواهش میکنم بفرمائید که چه حادثه ای مهم ترو خطیرتر از حادثه ای که فعلا دارد در این مملکت پیش میآید هست. در موقعی که دولت استعفا داد انبار مهمات فارس منفجر میشود. آقایان تأمل کنید، فکر کنید ، زیرا بالاخره این ملت و این پرچم باید پایدار بماند.

آقایان در دنیای امروز هیچ دولتی بدون دوست و بدون موافق نمیتواند زندگی کند زیرا دنیا دنیای هم آهنگی و توافق است ، شما آقایان نمایندگان اگرفقط روی احساسات بخواهیدبروید عاقبتتان وخیم است.

بعدازآقای تیمورتاش آقای دکترشایگان به عنوان موافق اظهار داشتند مجلس شورای ملی چند سال است که درباره نفت فکر میکند ، بنابراین امر یک مسأله تازه نیست. باید عرض کنم تا ریشه در آب است ، امید ثمری هست. این استخوان را باید از لای زخم درآورد زیرا مخالفین ملی شدن نفت مایلند که این استخوان همیشه در زخم بماند. جبهه ملی می خواهد هرچه زودتر قطع ریشه فساد را بکند. بنابراین نباید تأخیر کرد و آقایان باید رأی خود را بدهند و همان نام نیک گذشته را که به اتفاق آرا برای خود کسب کرده اند دوباره تأیید کنند.

مطالبی که آقای آشتیانی زاده گفتند که درست نبود. ایشان گفتند که آقای دکتر مصدق مجلس را تهدید کرده اند در حالی که هر عرضی از طرف جبهه ملی می شود برای جلب

توجه آقایان است نه برای تهدید. هر دو ناطق محترم که به عنوان مخالف صحبت کردند خودشان حوادث اخیر را دیده اند ولی باز میگویند ما را نسبت به حوادث روشن کنید و بگوئید که چه حوادثی رخ میدهد. بنده در خصوص این حوادث عرض می کنم که آقایان چرا دولتی که مورد علاقه مجلس بود بدون سابقه یک دفعه رفت و استعفا داد؟ همه میدانند که رفتن این دولت بی جهت نبود و ایشان را مجبور کردند که استعفا بدهد.

8 اردیبهشت 1330

آغاز زمامداری دکتر مصدق

در جلسه امروزمجلس شورای ملی بعد از اظهار نظر نمایندگان موافق و مخالف در مورد لایحه اصول اجرای قانون ملی شدن نفت و انجام تصحیحاتی درآن ، لایحه با حضور هشتاد و پنج نماینده حاضر به اتفاق آرا تصویب گردید.

مجلس سنا نیز به دولت آقای دکتر مصدق رأی اعتماد داد و با صدور فرمان همایونی دکتر مصدق رسما به نخست وزیری انتخاب گردید.

شرکت نفت درمورد ملی شدن نفت و تصویب طرح اجرائی قانون ملی شدن نفت به دولت ایران اعتراض کرد.

9 اردیبهشت 1329

پیام دکتر مصدق به ملت ایران

هموطنان عزیز

هیچ تصور میشد موقعی پیش آید که به عنوان نخست وزیر به وسیله رادیو با شما صحبت کنم و هیچ تصور نمیکردم با ضعف مزاجی که دارم مسؤلیت چنین کار خطیری را قبول نمایم. قضیه نفت سبب شد که من این بار گران را به دوش بکشم و اکنون تنها خدا میداند تا کی بتوانم آن را تحمل نمایم.

هموطنان عزیز، رأی بی سابقه وبی شائبه نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اظهار تمایل آنها به زمامداری اینجانب سبب شد که از نظر فریضه ملی از قبول زمامداری کوتاهی نکنم و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در تشکیل دولت اطاعت نمایم.

هموطنان عزیز ، تردید ندارم که برای قبول این کار و بار گرانی که به دوش گرفته ام، از بین میروم چون مزاج من متناسب با قبول چنین وظیفه مهمی نیست ولی در راه شما جان چیز قابلی نیست و از صمیم قلب راضی هستم که آن را فدای آسایش شما کنم.

در اینجا از دو دسته از هموطنان عزیزم درخواستی دارم که ناچارم آن را عرض کنم و از حضورشان تقاضا نمایم با قبول آن به من کمک کنند.

تقاضای اول من از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه نگاران است که از آزادی سوء استفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند زیرا هیچوقت نمیخواهم ترتیبی پیش آیدکه آنها نتوانند منویات خودرا اظهار کنند ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران وحقوق مشروع آنها وبه امنیت مملکت خللی وارد نکند.

تقاضای دوم من از هموطنان عزیزم کارگران است که من آنها را مثل فرزندان حقیقی خود دوست دارم و میدانم آنها زحمت می کشند و نان می خورند و از کار دیگران سوء استفاده نمی نمایند.

امیدوارم فرداکه به مناسبت روز اول ماه مه که عید کارگران دنیا است و آنها هم بالطبع در آن جشن بزرگ شرکت می کنند طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش آنها برای دیگران سرمشق شود.

گارگران ارجمند وعزیز ما میدانند که جبهه ملی از ابتدای تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تأمین آزادی و مخصوصا برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرده و در راه نجات ملت ستم دیده ایران و وصول به این مقاصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر منابع ثروت ملی تشخیص داده است.

اینک که به خواست خداوند متعال و به همت نمایندگان مجلسین بزرگترین منابع ثروت ملی به ملت بازگشته همگی یقین داریم که اگر درست از آن ثروت سرشار استفاده شود ملت ما خواهد توانست در آتیه با نهایت رفاه و آسایش بسر برده و دوش به دوش ملل راقیه وظیفه خود را در کمک به تمدن عالم به انجام برساند ولی واضح است که اگر تفرقه و نفاق و اغتشاش در میان ما پیدا شود تمام زحمات ملت ایران نقش بر آب خواهد شد زیرا با هرج و مرج و بی نظمی قوای ملی باید مبارزه با اغتشاش کند و ناچار از بهره برداری ازمنابع نفت و از هرگونه فعالیت برای عمران و آبادی کشور خود باز خواهد ماند.

ولی اطمینان دارم کارگران هوشیارما با حفظ نظم وآرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را از دست دشمنان خواهند گرفت و به دنیا ثابت خواهند کردکه ملت ایران راه را ازچاه تشخیص میدهد واینک که می بیند شب تیره کشور رنج دیده آنها به سحر نزدیک شده و عنقریب انشاالله آفتاب سعادت ملت ایران طالع میشود به دولتی که جز خدمت به آنها

هیچگونه منظور و مقصودی ندارد مجال خواهند داد تا با فراغ بال به وظیفه خطیر ملی خود که تقویت استقلال اقتصادی کشور است عمل نموده، عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش عموم طبقات مملکت را انشاالله فراهم کند شما را بخدا می سپارم واز باریتعالی مسألت دارم که مرا درمقابل هموطنان عزیزم شرمسار نکند.

8 اردیبهشت 1330

بزرگنمایی های حزب توده

زد و خورد در کارخانه چیت سازی

برای جلوگیری از دامنه دارشدن اعتراضات کارگران کارخانه چیت سازی امروز مأمورین انتظامی با قصد توقیف عاملین اغتشاشات به کارخانه میروند. با ورود مأمورین به کارخانه اعتراضات تبدیل به حمله بمأمورین میشود و دو نفر از مأمورین با مشت و سنگ کارکران مجروح میگردند ویکی ازبازرسین شهربانی که خود را در میان کارکران محصور می بیند با شلیک تیر هوایی با اسلحه کمری موفق میشود خود را از مهلکه نجات دهد.

با این عمل به شدت عملیات کارگران افزوده میشود. پس از خاتمه غائله شش نفر از کارگران و همچنین سرگرد قطبی معاون کلانتری و یک مأمور دیگر مجروح میگردند.

10 اردیبهشت 1330

درجلسه فوق العاده مجلس سنا طرح اجرای قانون ملی شدن نفت به اتفاق آراء به تصویب رسید. باتوجه به این امر سخنگوی وزارت امورخارجه انگلیس اظهار داشت: از این پس برای حل قضیه نفت مستقیماً با شاه ایران تماس خواهند گرفت.

صدای امریکا دربرنامه شامگاهی خوداظهار داشت امروزملت ایران به رهبری شاهنشاه خودآینده ای خوشتر وسعادت بارترخواهند داشت. و در رأس دولت شخصیتی میهن پرست و دموکرات قرار گرفته است. این همان سیاستمداری است که مجلس پانزدهم را وادار ساخت که بتقاضای شوروی مبنی برگرفتن امتیازبهره برداری نفت شمال جواب منفی بدهد.

روزنامه تایمز لندن درسرمقاله امروز خود می نویسد : نفت ایران برای انگلستان جنبه حیاتی دارد و حتی اگر مجلس سنای ایران طرح کمیسیون نفت را تصویب و شاه ایران آنرا توشیح کند معذالک دولت انگلیس و شرکت نفت با این طرح موافقت نخواهند کرد.

متن طرح اجرای ملی شدن نفت بعد از تصحیحات مجلسین

ماده 1- به منظور اجرای قانون مورخ 24 و 29 اسفند ماه 1329 راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیأت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از

نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی وقت و یا قائم مقام او تشکیل میشود.

ماده 2 - دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس وایران خلع یدکند وچنانچه شرکت برای تحویل فوری بعذر وجود ادعایی بر دولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان 25 درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعابه احتمالی شرکت دربانک ملی ایران و یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده 3 - دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس ازتصویب مجلسین به مورد اجرا گذاشته شود.

ماده 4 - چون از تاریخ 29 اسفند 1329 که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است ، دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیأت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیأت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده 5 - هیأت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت ایران را که در آن هیأت عامله و هیأت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده 6 - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیأت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوطه به منابع نفت به کشور های خارج را تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخت خواهد شد.

ماده 7 - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی 1948 تا تاریخ 29 اسفند 1329 از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند می توانند از این ببعد هم به نرخ عادلانه بین المللی همان مقداررا سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر درصورت تساوی شرایط در خریدن حق تقدم خواهند داشت.

ماده 8 - کلیه پیشنهادات هیأت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد به کمیسیون مخصوص نفت ارسال میگردد.

ماده 9 - هیأت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده 8 به مجلس تقدیم کند و درصورتیکه احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید. تا زمانی که تمدید مدت بهرجهتی از جهات از تصویب مجلس نگذشته است هیأت مختلط میتواندبکارخودادامه دهد.

وزرای دولت دکتر مصدق

آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه، آقای وارسته وزیر دارائی، آقای سرلشگر زاهدی وزیر کشور،آقای دکترحسن ادهم وزیر بهداری، آقای علی هیئت وزیر دادگستری، آقای سپهبد نقدی وزیر جنگ، آقای فرهمند وزیرکشاورزی، آقای یوسف مشار وزیر پست و تلگراف و تلفن، آقای دکتر سنجابی وزیر فرهنگ.

نامه شاهنشاه در مورد اجرای قانون ملی شدن نفت

با تأیید خداوند متعال

ما محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم :

ماده اول - طرح قانونی دائر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در جلسه نهم اردیبهشت ماه 1330 به تصویب مجلس سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم - هیأت دولت مأمور اجرای این قانون است.

تاریخ دهم اردیبهشت ماه 1330

نیویورک تایمز مینویسد مسأله ملی شدن نفت و اقدام ایران را بزرگترین حادثه جهان در سال 1951 باید خواند.

بایدتصریح کنیم تاچندی قبل انگلیس ها نهضت مردم ایران را شوخی تصور میکردند. برخلاف عده ای که انگلیس ها را در تَشخیص حقایق و همراهی و همآهنگی با جریانات جدید سیاسی و تاریخی استادی مبرز میدانند باید اذعان کنیم که این ملت یعنی انگلیس ها در تشخیص حقایق مربوط به ایران نه تنها هیچگونه استادی نشان نداده اند بلکه هنوز نتوانسته اند به عمق تحولات اجتماعی و جنبش های ملی و فکری ملل دیگر جهان واقف گردند.

با کمال تأسف باید گفت که هنوز عده زیادی از سیاستمداران و روزنامه نگاران، ایران را در ردیف کشورهای سودان و سومالی وگینه جدیدقرار میدهند و هنگام بحث از حوادث اخیر ایران

طوری نام آن کشور را به زبان میآورند که گویی از میراث محرز و مسلم امپراطوری گذشته خود صحبت می کنند. مضحک این است که در قرن بیستم که قرن آزادی و دمکراسی است انگلیس ها صحبت از پیاده کردن نیرو در ایران و ارسال ناوگان جنگی به آب های آن کشور می کنند و بدینوسیله سعی دارند ازیک جنبش ملی با زورو تهدیدچلوگیری کنند.

15 اردیبهشت 1330 امروز آقای دکتر مصدق برنامه دولت را که شامل دو ماده است برای اظهار نظر به مجلس شورای ملی تقدیم داشته است: اول - اجرای قانون طرح ملی شدن صنایع نفت. دوم- اصلاح قانون انتخابات مجلسین شورا و سنا. بعد از اظهارات نمایندگان مخالف و موافق در مورد برنامه دولت مجلس شورای ملی با اکثریت 99 موافق 1 مخالف و 2 ممتنع به تصویب رسید.

نظریات دکتر مصدق ما فکر میکنیم که اصلاحات این نیست که چند نفر را تغییر و تبدیل دهیم بلکه اگر بعضی با حقوق بسیار کم زندگی میکنند و حقوقشان اغلب کفاف کرایه خانه شان را هم نمیدهد شاید نتوانند به راستی و درستی به خدمت خود ادامه دهند.

بنابراین تا دولت معاش مستخدمین خود را اداره نکند نمیتوان امیدوار بود که مستخدمین به وظیفه خود عمل کنند. اصلاحی که ما به آن معتقد بودیم این بود که هم از حیث معاش و هم از حیث اخلاق مردم مؤثر باشد و این اصلاح ملی شدن نفت بود که ما بوسیله آن هم فقر و بدبختی را از مملکت برکنار می کنیم و هم دست شرکت نفت را از مملکت کوتاه مینمائیم. نظر موافق مجلسین درمورد ملی ملی شدن نفت سبب شد نقشه هایی برای عدم پیشرفت موضوع کشیده شود و به همین لحاظ من در یکی از جلسات مجلس شورای ملی اعلام خطر کردم و بعد هم در کمیسیون نفت گزارش اجرای طرح ملی شدن نفت گذشت و آنهایی که میخواستند این امر انجام نشود نقشه دیگری کشیدند و همان روز که این گزارش تصویب شد آقای علاء شب به منزل من آمدند و درباره گزارش با من صحبت کردند و من به ایشان عرض کردم که گزارش اجرای ملی شدن نفت از کمیسیون نفت گذشته است.

ایشان یک نسخه از گزارش را گرفتند و در آن موقع به هیچوجه خیال استعفا نداشتند و غرضشان فقط مطالعه گزارش بود ولی بعدکه آن نقشه میخواست اجرا شود دولت آقای علاء استعفا داد و قرار بود که دولتی تشکیل شود که کارها را فلج کند و آن نقشه را اجرا ننماید.

بنابراین در آن موقعی که در جلسه خصوصی مرا بعضی از اشخاص کاندیدای نخست وزیریکردند من دیدم اگر قبول نکنم دولتی تشکیل میشود که تمام فداکاری های ملت ایران را عقیم خواهد گذاشت و شاید مجلس شورای ملی را منحل کند و یا اینکه لااقل در مرحله اجرا به راه راست نرود. این بود که من با وجود کسالت مزاج خدمت را قبول کردم و بعد هم کوشش

کردم که آن گزارش در عرض سه روز از مجلسین گذشت و اعلیحضرت همایونی هم با نظریات صادقانه ای که به مملکت دارند تا قانون را دیدند توشیح فرمودند.

حالا ما قانونی داریم که باید آنرا عملی کنیم و اگر بخواهیم در محیط متشنجی وارد کار شویم به هدف نمیرسیم. ما اکنون به اتفاق احتیاج داریم. من عرض می کنم اگر به این هدف برسیم تمام بدبختی های مملکت از بین رفته است. مسلماً باید زندگی معلمین خود را تأمین کنیم تا بتوانند فرزندان ما را درست تربیت کنند. ما باید زندگانی ارتشی های خود را تأمین کنیم تا بتوانند به نفع مملکت خود جنگ نمایند.

18 اردیبهشت 1330

امروز مجلس سنا با اکثریت 48 نفر از 50 نفر سناتور حاضر، به برنامه پیشنهادی دولت رأی موافق داد.

آقای مکی نماینده تهران طی نطق مفصلی در جلسه علنی مجلس شورای ملی اظهار میدارد:

امروز تمام ملل آزاد جهان دیدند که سیاسیون امریکا و وزارت خارجه و دولت امریکا برخلاف آنچه که تاکنون مدعی بودند در امور داخلی ایران که کشوری آزاد و مستقل است، مداخله مینمایند.

ما انتظار داشتیم که بعداز هشت ماه دخالت در حکومت رزم آرا دولت امریکا لااقل از تجربیات تلخ خود عبرت گرفته و دیگر به کمک شرکت غاصب نفت به جنگ ملت ایران نمیآمد، ولی متأسفانه چنین نشد و دولت امریکا به کمک شرکت غاصب نفت شتافت. از اینکه امریکا اعلامیه بدهد یا ندهد برای ما کمترین ارزشی را ندارد ، برای اینکه ملت ایران و مجلسین ایران که قانون ملی شدن نفت را به تصویب رسانیدند که ضامن این تصویب هیجده میلیون نفر ملت ایران است. امریکا و انگلیس با این مانور ها میخواهند ما را در آغوش شوروی بیاندازند. وقتی ملت ایران راه را از هر طرف مسدود دید آن وقت است که زمینه برای کمونیسم آماده میشود.

آقای نخست وزیر فعلی در یکی از جلسات مجلس شورای ملی قبل ازملی شدن نفت چنین اظهار نمودند" ای کاش نمایندگانی از مجلس شورای ملی انگلستان به ایران میآمدند و بچشم خود میدیدند که شرکت نفت بروز مردم این مملکت چه میآورد و چگونه برخلاف حق و انصاف و عدالت عایدات گزاف سرشار میبرد و حق مملکت را غصب کرده است."

رفتار و عملیات شرکت سابق نفت طوری مردم ایران را خشمگین و عصبانی ساخته بودکه اراده واقعی ملت ایران به خاتمه دادن بآن اوضاع و ملی شدن صنعت نفت قرار گرفت و اکنون

که قانون مزبور از تصویب مجلسین گذشته است، دولت غیر ازاجرای آن تکلیفی ندارد و اندک تعلل و مسامحه در اجرای آن خشم و غضب ملت ایران را جلب میکند. بنابراین انتظار این است که ملت بزرگ و آزادیخواه امریکا بطوری که در پاره ای از موارد از لحاظ طرفداری از حق و عدالت کمک های معنوی به اجرای مقاصد حقه ایران نموده اند در این مورد نیز مانند سابق روش بی طرفانه و دوستانه خود رااز دست ندهند.

18 خرداد 1330

آقایان دکتر متین دفتری، مکی، واردلان نمایندگان هیأت خلع ید از شرکت نفت در میان استقبال بی نظیر اهالی اهواز با هواپیما وارد فرودگاه اهواز شدند وقرار است به سوی آبادان حرکت نمایند. شرکت نفت نام چهار نفراز نمایندگان خود را که قرار است در مذاکرات مربوط به نفت در تهران شرکت نمایند به دولت ایران اطلاع داده است. ریاست این گروه با آقای جاکسون معاون شرکت نفت میباشد.

ترومن رئیس جمهور امریکا در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشت امیدوار هستم دولت های ایران و انگلیس بتوانند در موضوع نفت به یک وحدت نظر دوستانه ای نایل گردند و این مسأله را که مورد توجه خاص دولت های غربی است و با ادامه جریان صنایع و اقتصاد کشورهای اروپایی ارتباط مستقیم و محسوس دارد بطور مودت آمیزی حل گردد.

زمزمه های مخالفت در بحبوحه خلع ید

آقای عبدالغدیرآزاد در مجلس شورای ملی اظهار داشت آقایان میدانند که من عضو جبهه ملی و فراکسیون وطن بودم و مدتی با آقای دکتر مصدق همکاری میکردم. روزی که آقای دکتر مصدق کابینه خود را معرفی کرد من بایشان رأی ندادم و بعد از فراکسیون وطن نیز استعفا کردم.

در پروژه ای که برای ملی کردن صنعت نفت نوشته شده ماده اول میگوید هیأتی مرکب از چهار نفر نمایندگان مجلس سنا ، چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و وزرای مالیه ، دادگستری ، اقتصاد ملی و مدیر کل بانک ایران به نام هیأت تصفیه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت تشکیل میشود.

خیلی مضحک است که تمامی رفقای جبهه ملی و آقای دکتر مصدق مکرر در اینجا اظهار داشتندکه میخواهیم قراردادنفت جنوب را ملغی و صنعت نفت را ملی کنیم که دست انگلیس ها از دامن ملت کوتاه شود. آنها مکررد پشت همین تریبون گفتند که ضرر سیاسی شرکت نفت بیشتر از ضرر مالی است. دولت حق ندارد که نمایندگان دولت انگلیس را بپذیرد. من

حدس میزنم میخواهند مؤسسات نفت را روی کاغذ به ما تحویل بدهند. سه نفرکجا میتوانند تأسیسات شرکت نفت را تصرف کنند.

22 خرداد1330

پیام دکتر مصدق به کارکنان شرکت ملی نفت ایران

در این موقع که بحمدالله صنعت نفت ملی شده و نتیجه کار کارکنان شرکت سابق نفت مستقیما عاید مملکت میشود مناسب دیدم آن برادران عزیز را مطمئن کنم که از وجود آنها استفاده کامل به عمل خواهد آمد و دولت هم در فراهم نمودن اسباب ترقی مادی و معنوی انها از هیچ چیز دریغ نخواهد نمود.

انتظار ملت و دولت از آنها این است که به دست توانای آنها صنعت نفت روز بروز ترقی کند، و بدین وسیله مملکت از نتیجه زحمات آنها بهره مند شود و برای مصرف کنندگان نفت به هیچوجه نگرانی پیش نیاید. دکتر محمد مصدق

امروز پرچم ایران بعد از 50 سال برفراز ساختمان شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در خرمشهر به اهتزاز درآمد. هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران از رئیس شرکت سابق نفت رسماً خواسته است تأسیسات پالایشگاه نفت آبادان را در اختیار نمایندگان هیأت موقت قرار دهد.

دریک رئیس شرکت نفت در روزنامه اخبار روز اعلام داشت که شرکت حاضر نیست ناظر مداخله شما درامور مؤسسات خود باشد واو دراین مورد منتظر دریافت دستور از لندن میباشد.

طرح چهار ماده تشکیل هیأت مدیره موقت و وظایف آنها

اول - هیأت مدیره موقت مرکب از آقایان مهندس بازرگان ، دکتر علی آبادی ، مهندس بیات به مجرد ابلاغ از طرف دولت به خوزستان حرکت مینمایند که طبق مواد شش گانه راجع به اجرای ماده 2 قانون مصوب 29 اردیبهشت 1330 با نظارت هیأت مختلط عمل نمایند.

دوم - در حکم مأموریت هیأت نامبرده که بامضای جناب آقای نخست وزیر صادر میگردد تصریح خواهدشدکه مؤسسات تابع شرکت سابق نفت باید ازاین تاریخ کلیه دستورالعمل های هیأت موقت را اجرا نمایند وحکم مزبوروهمچنین خب عزیمت هیأت نامبرده منتشرخواهد شد.

سوم - درموضوع حقوق و عوارض گمرکی هیأت مدیره موقت نظر خود را به اطلاع دولت میرساند تا دستور مقتضی صادر گردد.

چهارم - هیأت مدیره موقت باید ترتیبی فراهم نماید که در توزیع داخله خللی وارد نیاید.

پیام دکتر مصدق به ملت ایران

هموطنان عزیز، درود فراوان و سلام صمیمانه خود را برای شما میفرستم.

بخوبی میدانید که در تاریخ حیات ملت ها ندرتاً روزهای درخشان و پر مسؤلیت و افتخار و موفقیت پیدا میشود. ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه اش را در برابر وطن ، پرچم و تاریخ مملکت ادا کند بیشتر از دیگران قدرت اخلاقی و عظمت روحی از خود نشان داده است.

امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان میتوانید صفحه جدید و مقدسی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از پنجاه سال که از استقلال و آزادی سیاسی ما نامی بیش باقی نمانده بود دوره نوینی را در برابر نژاد معاصر و نسل آینده بوجود بیاورید. رشد و نبوغ سیاسی شما میتواند امروز را مبدأ تحول آینده قرار دهد یا خدای ناکرده موجب سر شکستگی و خجلت و انفعال بشود. پیمودن این راه اکنون در اختیار عزم و اراده و همت شما است. من تردید ندارم که شما هموطنان عزیز آن طریق را انتخاب خواهید کرد که با شرافت ایرانیت و با غرور ملی و احساسات وطنی مطابقت دارد. باید یک بار دیگر به دنیایی که چشم دقت به سوی ما دوخته است نشان بدهیم که ما لیاقت حفظ مواریث گرانبها و پر عظمت نیاکان خود را داریم و میخواهیم کاملا آزاد و فارغ ازتحریکات و دسایس این و ان زندگانی قرین عزت و احترام و سربلندی را دز پیش گیریم.

آوازه همت و عزم خلل ناپذیر شما در گسستن زنجیرهای استعمار اقتصادی بگوش جهانیان رسیده و خواهد رسید و همه خواهند دانست که روح ایرانی ار ورای تاریخ کهن چندین هزار ساله اش از نو درخشیدن گرفته و روزهای زبونی و ضعف و ناتوانی خویش را اینک پشت سر گذارده است. هیچ چیز جز اراده آهنین شما نمیتوانست این زنجیر های جانفرسا و گران را از میان بردارد. تقویت و احساسات صمیمانه هموطنان غزیزم کار نفت را بدانجا کشانید که قوه قانونگذاری مملکت به متابعت از افکار عمومی ملی شدن صنعت نفت و قانون اجرایی آن را به اتفاق آراء تصویب کرد و آن قانون به توشیح اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید و مأموریت انجام این امر خطیر به من محول گردید.

قبول این مسؤلیت برای کسی که به ضعف مزاج مبتلا است و عمر خود را در بستر میگذراند جزتبعیت از اراده ملت چیزدیگر نبود. من افتخار خدمت گزاری مردم را بالاترین و پر قیمت ترین افتخارات حیات خود محسوب داشته و میدارم و بغیر از اطاعت و امتثال فرمان هموطنان چاره دیگر ندارم. از روز اول زمامداری تمام سعی و مجاهدت اینجانب به حل مسالمت آمیز قضیه نفت معطوف گردید و در تمام مکاتبات و مذاکرات با نمایندگان و وابستگان کمپانی سابق مکرر تذکر دادم که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت برای این است که ملت ایران از یک طرف بند های سیاسی را از گردن خود بردارد و از طرف دیگر به فقر و بدبختی غلبه کند. آنچه توانستیم تسهیلات فراهم آوردیم و طریق حل مشکلات را پیش بینی کردیم و دست خریداران

سابق نفت را برای خریدآن بازگذاشتیم وموافقت کردیم آنان همچنان گردش چرخ صنایع مملکت خویش را با نفت خوزستان تأمین کنند ولی ناچار بودیم قانون را اجرا کنیم.

شرکت سابق در جواب اخطار خلع ید که از طرف دولت ایران به او ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهاد هایی در زمینه قانون ملی شدن نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطلب به تهران اعزام میدارد. دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیأت و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه پرده از روی پیشنهادات آنها برداشته شد معلوم گردید که زبان ما را نخواسته اند بفهمند. من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشت ها و بیانیه ها و مصاحبه ها اعلام کرده بودم که به هیچوجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است نمیتوانم قصور و مسامحه بکار برم.

گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفته اند و راه ادامه مذاکرات را بر ما بستند. بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و وقفه و تأخیری در کار روی ندهد صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط نفت و هیأت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود.

اکنون به شما هموطنان عزیز که در تهران و ولایات پراکنده اید این پیام مخلصانه و صمیمانه را میفرستم و از تقویت و حمایتی که در همه حال از دولت برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت نموده و مینمائید قبلا تشکر میکنم و تمنا دارم با آرامش و دور اندیشی بیشتری که شأن و شایسته ملت تاریخی ایران است مراقب اوضاع باشید و صف آهنین وحدت و یگانگی خود را حفظ کنید و نگذارید عوامل و ایادی حریف کهنه کار بر قدرت روحی و نیروی ایمان شما هجوم آورد.

شرکت سابق نفت میخواست بدون توجه به حق مسلم حاکمیت ملی و قانون مصوب مجلسین ما را با دادن چند میلیون لیره علی الحساب گرم مذاکرات دور و درازنگهدارد غافل از اینکه من اطمینان دارم فرد فرد شما بادیه و کاسه ای را که در خانه دارید حاضرید همه را در راه نجات وطن در اختیار حکومت خدمتگذار خود بگذارید و گلیم زیر پای خویش را در گذر ها بفروش برسانید.

در پایان این پیام حاجت به تذکر نیست که هوشمندی و شرافت کارمندان و کارگران ایرانی مخصوصاً در منطقه نفت خیز در پیشرفت و انجام این منظور ملی تاکنون بی نهایت مؤثر بوده و یقین دارم این متانت و خونسردی قابل تحسین تا پایان کار کاملا حفظ خواهد شد و ما را هر روز به مقصد نهایی نزدیکتر خواهد ساخت. عرایض خود را با درود قلبی به شما و با اتکاء به حول قوه الهی و بامید موفقیت ملت لایق و رشید ایران پایان میدهم.

1 تیر 1330

شکایت انگلیس به دیوان داوری لاهه

دولت انگلیس از دادگاه بین المللی لاهه درخواست کرده قبل از اینکه دادگاه به ماهیت دعوی ایران و انگلیس رسیدگی نماید برای جلو گیری از هرگونه خسارت به مؤسسات آبادان موقتاً اقدامات تأمینی در مناطق نفت خیز آبادان به عمل آورد. دولت انگلیس همچنین درتقاضای خود به دیوان دادگستری بین المللی خاطر نشان ساخته است که اگر اشخاص بی تجربه بخواهند تأسیسات و دستگاه های آبادان را مورد استفاده قرار دهند ممکن است خطرات جانی و مالی فوق العاده زیادی در بر داشته باشد. و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط حق تقدم خواهند داشت لازم بود از شرکت سابق نفت تحقیقات بعمل آورد. بعلاوه چون سعی دولت و هیأت مختلط در این بود که اجرای قوانین نفت وعمل خلع ید را حتی پیش از پاسخ شرکت نفت اجرا نماید، این عمل انجام گردید.

6 تیر 1330

امروز خلع ید بطور کامل اجرا شد

با توجه به اینکه دریک رئیس شرکت سابق نفت در مناطق نفتخیز به ضرب العجل هیأت مدیره موقت در مورد انجام مسؤلیت فعلی خود زیر نظر هیأت مدیره موقت پاسخی نداده است امروز آقای مهندس بازرگان به جای دریک در اطاق کار او قرار گرفت و به این ترتیب تمام عملیات پالایشگاه و بهره برداری از چاه های نفت زیر نظر شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته عملیات اجرائی خلع ید به پایان رسیده است. با عزیمت دریک به کویت و استعفای دو نفر از معاونین او تقریبا اکثریت کارکنان انگلیسی از آبادان و مناطق نفتخیز خوزستان و منطقه غرب از ایران خارج شده اند.

کشتیهای نفتکش که برای بارگیری نفت عازم آبادان بودند به علت درخواست دولت ایران که نفتکشها باید رسیدهای نفت تحویلی را امضاء نمایند در خارج از شط العرب متوقف شده اند. علاوه بر ناو جنگی موریشس که در 200 متری آبادان لنگر انداخته، امروز نیزرزمناو

دیگری در بصره قرار گرفته است و کشتی 4500 تنی مسینا که مخصوص حمل تانک است به آب های شط العرب رسیده است. معهذا امروز سفیر انگلیس در تهران در مصاحبه ای اظهار داشد که ورود رزمناو و ناوشکن های انگلیسی بآب های مجاور ایران تهدید به حکومت ایران محسوب نمیشود.

پاسخ دولت ایران به دیوان دادگستری لاهه و رد عرضحال دولت انگلیس

دادگاه دادگستری بین المللی لاهه

دادگاه دادگستری بین المللی لاهه امروز برای رسیدگی به عرضحال دولت انگلیس تشکیل گردید. هیأت نمایندگی انگلستان شامل دادستان کل انگلیس و شش نفر از کارشناسان شرکت نفت انگلیس و ایران میباشند. این دادگاه باید به درخواست دولت انگلیس مبنی بر تأخیر اجرای عمل خلع ید دولت ایران تصمیم اتخاذ نماید.

دولت ایران چون صلاحیت دادگاه را در مورد اتخاذ تصمیم در موضوع ملی شدن صنعت نفت قبول ندارد از فرستادن نماینده جهت شرکت در جلسات دادگاه خودداری کرده است ولی امروز آقایان دکتر شایگان و معاونین حقوقی وزارت امور خارجه آقایان حسن صابر و اصغر زاده پارسا توضیحات کتبی دولت ایران را به لاهه میبرند که به دادگاه تسلیم نمایند.

13 تیر 1330

متن رأی دیوان دادگستری لاهه

تاریخ 5 ژوئیه 1951

دادگاه با شرکت 12 قاضی برای بررسی به شکایت دولت انگلستان تشکیل گردید و با توجه به مواد 41 و 48 اساسنامه دیوان و نظر به ماده 61 آئین نامه دیوان در دعوائی که به موجب عرضحال مورخ 26 می از طرف دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی برعلیه دولت ایران در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس در حضور دیوان افتتاح یافته قرار زیر را صادر مینماید :

نظربه درخواست 22 ژوئن 1951 که در همانروز به دفتر دیوان تسلیم و ثبت شده و به موجب آن دولت انگلیس با اشاره به ماده 41 اساسنامه و ماده 61 آئین نامه و عطف به عرضحال مورخ 26 می که به موجب آن حق تقاضای اقدامات تأمینی را برای خود محفوظ داشته از دیوان درخواست نموده که در انتظار صدور رأی قطعی دیوان در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس مقرر دارد که :

الف - دولت شاهنشاهی ایران باید به شرکت نفت ایران و انگلیس محدود و کارکنان و مأمورین آن اجازه دهد که نفت را جستجو و استخراج و حمل و تصفیه نمایند و بهر طریق دیگر مورد عمل قرار دهند و آنرا برای تجارت آماده کنند و نفت استخراجی را بفروشند و یا صادر کنند. بطوری که بهره برداری را که شرکت قبل از اول ماه می 1951 می نمود ادامه دهد و دولت شاهنشاهی ایران و کارمندان یا مأمورین آن یا هر هیأت و کمیسیون یا کمیته یا دستگاه های دیگر که از طرف دولت نامبرده تعیین شده باشد باید از هرگونه مداخله که منظور آن ممانعت یا به مخاطره انداختن عملیات شرکت باشد خودداری نماید.

ب - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی از اجرای عملیات فوق یا ادامه اجرای آن به توسط شرکت نفت ایران و انگلیس جلوگیری و ممانعت نماید یا سعی در جلوگیری و ممانعت از آن کند.

ج - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی هیچیک از اموال شرکت نفت ایران و انگلیس را توقیف و یا ضبط نماید یا سعی در توقیف و ضبط آن کند و به هیچوجه به این قبیل اموال به انضمام اموالی که دولت شاهنشاهی ایران تاکنون ملی کرده یا به نحو دیگری خلع ید نموده لطمه وارد آورد.

د - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی وجوه تحصیلی شرکت نفت ایران و انگلیس یا وجوهی که در تصرف یا تحت نظر شرکت نفت انگلیس و ایران است به انضمام وجوهی که دولت شاهنشاهی ایران ملی کرده است یا به نحو دیگری خلع ید نموده یا وجوه حاصله از اموالی را که دولت نامبرده ملی کرده یا بنحو دیگری موردخلع ید قرارداده توقیف یا ضبط نمایدیا سعی درتوقیف یا ضبط آن کند.

ه - دولت شاهنشاهی ایران نباید به هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی به شرکت نفت ایران و انگلیس دستور دهد که وجوه مذکور در بند (د) فوق مورد استفاده قرار گیرد یا سعی در صدور چنین دستوری کند مگر آنکه استفاده از این وجوه برطبق مفاد قرار داد 1933 یا بر طبق هر اقدام دیگری که از طرف دیوان معلوم میشود باشد.

و - دولت شاهنشاهی ایران باید ترتیبی دهد که هیچ اقدامی به عمل نیاید که به حقوق دولت انگلستان در اجرای رایی که دیوان در ماهیت امر بر له او صادر میکند اصرار کند.

ز - دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس باید ترتیبی دهند که هیچ اقدامی به عمل نیاید که اختلاف مرجوعه به دیوان تشدید یا توسعه یابد من الجمله دولت شاهنشاهی ایران باید از هرگونه تبلیغات به منظور تهییج افکار عمومی ایرانیان برعلیه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان خودداری کند.

نظر به اینکه روز تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی ، متن درخواست مزبور به دولت ایران ارسال شده و نیز در همان روز استنتاجات مذکور در آن بوسیله تلگراف به دولت نامبرده مخابره شد.

نظر به اینکه دفتر دیوان عطف به بند 2 از ماده 41 اساسنامه درخواست مذکور را به دبیر کل ملل متحد ابلاغ کرده و برطبق بند 3 از ماده 40 اساسنامه درخواست مزبور توسط دبیر کل به اعضای ملل متحد و سایر دولی که در مقابل دیوان اجازه اقامه دعوا دارند ابلاغ شده است.
نظر به پیامی که رئیس دیوان تلگرافا در تاریخ 23 ژوئن به نخست وزیر و وزیر امور خارجه ایران به مضمون زیر فرستاده شده است:

«چون دیوان باید برای رسیدگی به درخواست تعیین اقدامات تأمینی که در تاریخ 22 ژوئن توسط نماینده دولت انگلیس تسلیم شده تشکیل گردد لذا اینجانب برطبق ماده 61 آئین نامه موظف هستم اقداماتی را که لازم بدانم به عمل آورم تا دیوان بتواند به طرز مفیدی اظهار نظر نماید. برای این منظور محترما به آن جنابان پیشنهاد میکنم که دولت شاهنشاهی ایران به دوایر خود دستور دهد که از هرگونه اقداماتی که ممکن است اجرای رأی دادگاه را غیر ممکن سازدخودداری نماید و مراقبت کندکه ازتشدید اختلاف مرجوع به دیوان جلوگیری شود.

اقداماتی که دولت شاهنشاهی ایران برای این منظور مقرر خواهد داشت با نظریاتی که دولت نامبرده خواه در رسیدگی نسبت به درخواست اقدامات تأمینی که هریک از طرفین حق اظهار نظر در جلسه 30 ژوئن را خواهند داشت و خواه بعداً نسبت به عرضحال مورخ 26 می انگلستان مقتضی بداند به دفتر دیوان برساند منافات نخواهد داشت.»

نظر به پاسخ پیام مزبور که در تاریخ 29 ژوئن تلگرافی به سفارت ایران در لاهه مخابره شده و همان روز توسط وزیر مختار ایران در لاهه به رئیس دیوان تسلیم گردید و به ثبت رسیده و به نماینده دولت انگلیس ابلاغ شده. نظر به متن قطعی پیام مزبور که مرکب از پیامی به امضای ب. کاظمی وزیر امور خارجه ایران به انضمام شرحی متضمن سه پیوست است و متن مزبور در تاریخ 30 ژوئن توسط وزیر مختار ایران به رئیس دیوان تسلیم شده و آن نیز به نماینده انگلیس ابلاغ گردیده. و نظر به اینکه پاسخ مزبور اشعار میدارد:

"بنا برملاحظات فوق دولت ایران امیدوار است که دیوان نظریه نقد اختیار قضائی مدعی وباتوجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع به دیوان نیست اعلام نماید که موضوع از صلاحیت اوخارج است، در این شرایط درخواست تعیین اقدامات تأمینی باالطبع مردود است".

نظر به اینکه روز 23 ژوئن یعنی روز بعد از تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی دولت انگلیس به وسیله نماینده ای که در این قضیه تعیین کرده و به دولت ایران به وسیله وزیر امور خارجه آن اطلاع داده شده که دیوان جلسه خود را روز 30 ژوئن تشکیل خواهد داد تا طرفین بتوانند ملاحظات خود را درباره درخواست اظهار نمایند.

نظر به اینکه در موقع شروع جلسه ای که بدین طریق تعیین شده بود رئیس دیوان مشاهده نمود که نماینده دولت انگلیس سر اریک بکت و مشاور حقوقی وزارتخارجه انگلیس و جناب سر فرانک ساسکیس دادستان کل و آقای لوئی پاکت استاد حقوق بین الملل دانشگاه کمبریج و آقای ا. ک. راتنی از اداره شرقی وزارت امور خارجه و آقایان فیشر و جانسن مشاورین در دیوان حضور دارند.

نظر به اینکه دولت ایران به این جلسه نماینده نفرستاده بیانات سر فرانک ساسکیس را درباب ملاحظاتی که به نام دولت انگلیس راجع به درخواست تعیین اقدامات تأمینی ابرازنمود استماع کرد.

نظربااینکه استنتاجات درخواست دولت انگلیس که در بالا ذکر گردید در جلسه تأیید گردید.

نظر به اینکه دولت ایران در پیام 29 ژوئن 1951 خود اظهار داشته که درخواست دولت انگلیس را مبنی براقدامات تأمینی را رد مینماید و علل عمده آنرا عدم صلاحیت دولت انگلیس در مراجعه به دیوان در قضیه اختلاف حاصله بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران و همچنین کیفیت این اختلاف که مربوط به اجرای حقوق حاکمیت ایران و منحصراً در صلاحیت ملی این دولت است ذکر نموده و به این دلیل رسیدگی به آن را بعلت نوع اختلاف از اصول حق اختلاف مشروحه در منشور خارج میداند.

نظر باینکه از عرضحال تقاضای رسیدگی دولت انگلیس مستفاد می گرددکه دولت نامبرده دراین قضیه برای یک شرکت انگلیسی تقاضای تقاضای احقاق حق مینماید و چون به عنوان حمایت سیاسی اقدام میکند.

نظر به اینکه شکایت مندرجه در عرضحال عبارت از ادعای نقض حقوق بین المللی است که با نقض قرارداد امتیاز مورخ 29 آوریل 1933 ایجاد گردیده و همچنین عبارت از استنکاف دادرسی است که به عقیده دولت انگلیس ناشی ازامتناع دولت ایران ازقبول داوری مذکور در این قرارداد میباشد و بنابراین نمیتوان (پرریو موتو) قبول کرد که درخواستی مبنی برچنین شکایتی باشد بکلی از حیطه قضاوت بین المللی خارج است.

نظر به اینکه ملاحظات فوق کافی است که به دیوان از نظر حقوقی اجازه دهد که درخواست تعیین اقدامات تأمینی را رسیدگی کند.

نظر به اینکه تعیین این قبیل اقدامات به هیچوجه در صلاحیت دیوان از جهت رسیدگی به ماهیت امر لطمه وارد نمیکند و حق مدعی علیه را از حیث اقامه وسایل خود به منظور رد صلاحیت محرز نگاه میدارد.

نظر به اینکه منظور از اقدامات تأمینی مذکوره در اساسنامه عبارت است ار حفظ حقوق هر یک از طرفین تا زمان صدور رأی دیوان است و از فرمول کلی که در ماده 41 اساسنامه استعمال شده و از حقی که بند 6 از ماده 61 این آئین نامه برای دیوان قاعل گردیده که رأساً اقدامات تأمینی را تعیین نماید چنین نتیجه گرفته میشود که دیوان باید با این قبیل وسائل در حفظ حقوقی که حکم صادره دیوان بعداً خواه برای مدعی و خواه برای مدعی علیه بشناسد اقدام کند.

نظر به اینکه اوضاع فعلی تعیین اقدامات تأمینی را موجه میسازد بنا براین جهات دیوان در انتظار رأی قطعی در دعوایی که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت

شاهنشاهی ایران تسلیم نموده اقدامات موقتی ذیل را که بر اساس رعایت متقابل بایستی اجرا شود تعیین مینماید که بر اساس احترام متقابل اجرا شود :

اول - دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هریک مراقبت نمایند که از هرگونه عمل زیان آور نسبت به حقوق طرف دیگر در اجرای رأیی که دیوان ممکن است در ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند.

دوم - دولت ایران و دولت انگلستان هرکدام مراقبت نمایند که از هرگونه عملی از هر قبیل که ممکن است اختلاف مرجوع به دیوان را تشدید یا توسعه دهد جلوگیری کند.

سوم - دولت ایران و دولت انگلیس هرکدام مراقبت نمایند که هیچگونه اقدامی از هر قبیل به منظور ممانعت از ادامه بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و ایران به نحوی که شرکت نامبرده قبل از اول می 1951 میکرده اجرا نشود.

چهار - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیره آن به شکلی که قبل از اول می 1951 موجود بود با قید تغییراتی که ممکن است با موافقت کمیسیون نظارت مذکور در بند 5 بعمل آید ادامه یابد.

پنج - برای تأمین اجرای مقررات فوق که بهر حال اعتبار خود را حفظ مینماید با توافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیسیون نظارت مرکب از دو عضو به تعیین هر یک از دول فوق و یک عضو پنجم تبعه یک دولت ثالث که با توافق دول مزبور یا درصورت عدم توافق بنا به تقاضای مشترک طرفین توسط رئیس دیوان تعیین میشود تشکیل گردد. وظیفه کمیسیون این خواهد بودکه مراقبت نماید بهره برداری شرکت مطابق آنچه قبلا بوده است ادامه یابد. منجمله وظیفه دار خواهد بود که درآمد ها و هزینه ها را رسیدگی کند و مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق به شرکت نفت انگلیس و ایران باشد به مؤسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و مؤسسات بانکی مزبور تعهد نمایند که آن وجوه را جز برطبق نتایجی که خواه از تصمیمات دیوان و خواه از موافقت طرفین حاصل شود به مصرف نرسانند.

در کاخ صلح لاهه به تاریخ پنجم ژوئیه به انگلیسی و فرانسه (متن انگلیسی معتبر است) در چهارنسخه تنظیم شدکه یک نسخه آن به بایگانی دیوان و نسخ دیگر به دولت شاهنشاهی ایران و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و دبیر کل ملل متحد برای ارسال به شورای امنیت تسلیم خواهد شد.

امضای رئیس دیوان و رئیس دفتر

دکتر مصدق در شورای امنیت

جناب آقای رئیس، اعضای محترم شورای امنیت ، پیش از آغاز سخن لازم می دانم از فرصتی که در این جلسه به من می دهید تا پاسخ دولت ایران را به شکایت بدون اساس دولت بریتانیای کبیر، به اطلاع آن جنابان برسانم سپاس گزاری کنم. به عقیده دولت ایران و بر اساس دلایلی که متعاقباً به اطلاع خواهم رساند. شورای امنیت سازمان ملل متحد صلاحیت رسیدگی به این شکایت را ندارد. ولی باید اذعان دارم که این شورا مجمع معتبری است که مسؤلیت حفظ صلح و امنیت جهان را به عهده دارد این مکان مطمئن ترین پناهگاه برای کشور های ضعیف و زیر سلطه می باشد و آخرین مدافع حقوق آنها است.

من با ضعف مزاج سفردرازی راطی کرده ام تا دراین مکان بیان کننده احترامات کشور خود به این مجمع محترم باشم. شورای امنیت سازمان ملل متحد با این اعتقاد تأسیس شده است که کشور های بزرگ وکوچک در کنار یکدیگر نشسته تا با همکاری یکدیگر بتوانند بر پایه اصولی که سازمان ملل متحد بر اساس آن ها به وجود آمده است از صلح جهان نگهبانی نمایند. اما اگر ابر قدرت ها نخواهند از اصولی که این سازمان بر پایه آن اصول بنا شده پیروی کنند. شورای امنیت قادر نخواهد بود به عنوان پناهگاه کشور های کوچک قلمداد گردد. علاوه بر این اگر کشوری بخواهد مسأ له ای را در شورای امنیت مطرح کند که خارج از صلاحیت شورا باشد ولی شورا به علل سیاسی تصمیمی درباره آن مسأ له اتخاذ کند که اطلاع درست و کاملی از آن نداشته باشد در آن صورت شورا وسیله ای خواهد شد برای دخالت در امور داخلی کشور های دیگر. در نتیجه شورا اعتماد کشورهای جهان را از دست میدهد و از انجام وظیفه خود که حفظ صلح و امنیت جهان می باشد عاجز می ماند.

جنگ دوم جهانی نقشه جهان را تغییر داده است در همسایگی کشور من صد ها میلیون نفرآسیائی بعد از قرن ها مستعمره بودن و استثمار شدن، استقلال و آزادی خود را به دست آورده اند. این باعث خوشحالی است که می بینیم قدرت های اروپایی به حقوق قانونی مردم هند، پاکستان و اندونزی و ملت هایی که در اشتیاق به دست آوردن حق ورود به خانواده ملت های آزاد دارای حقوق کامل و برابر هستند احترام می گذارند. این امر سبب دلگرمی است که می بینیم سازمان ملل متحد برای به ثمر رسانیدن این آرزو ها از هیچ کمکی دریغ نمیکند. ایران در حال حاضر این حق را از شورای امنیت درخواست می کند. انتظار این است که این دادگاه عالی بین المللی و قدرت های بزرگ و صلح دوست جهان به ما کمک کنند تا استقلال اقتصادی خود را برای رسیدن به ترقیات اجتماعی بدست آوریم تا بتوانیم استقلال سیاسی خود را نیز تأمین کنیم. میهن ما با وسعتی برابر ۱۶۰۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع دارای فقط 18000000 جمعیت می باشد که قربانیان موانع و مشکلات بی شمار طبیعی

هستند. هم میهنان من فاقد کلیه امکانات زندگی می باشند. استاندارد زندگی آن ها احتمالاً یکی از بدترین استاندارد های زیستی در بین ملتهای جهان است. بزرگترین سرمایه طبیعی ما نفت است. این سرمایه باید صرف تولید کار و تأ مین غذا برای ساکنین ایران شود. بهره برداری از نفت باید صنعت اصلی و ملی ما باشد و عایدات آن میبایست صرف بهبود شرایط زندگی مردم ایران گردد ، همان طورکه اکنون در این راستا در حرکت می باشد. صنعت نفت ایران تاکنون عملا نه کاری برای بهبود زندگی ایرانیان کرده و نه سبب توسعه صنایع کشور شده است. شاهدی که برای اثبات این گفتار می باشد این است که بعد از پنجاه سال بهره برداری توسط یک کشور خارجی ما هنوز به اندازه کافی کارکنان فنی برای نگهداری و اداره آن نداریم و باید از متخصصین خارجی استفاده کنیم.

با آنکه ایران سهم نسبتاً زیادی در تأمین نفت مصرفی کشور های جهان دارد و در طول پنجاه سال گذشته مقدار ۳۵۰ میلیون تن نفت از چاه های آن استخراج شده است ولی کل درآمد ایران بر حسب صورت حساب های کمپانی سابق نفت برابر ۱۱۰ میلیون پوند بوده است. برای اینکه دیدی واقعی در مورد درآمد ایران از این منبع عظیم داشته باشید به اطلاع میرسانم که در سال ۱۹۴۸ بر طبق صورت حسابی که شرکت سابق ارائه داده است درآمد خالص کمپانی ۶۱ میلیون پوند است ، اما دریافتی ایران فقط ۹ میلیون پوند بوده است در حالی که خزانه داری دولت بریتانیا مبلغ ۲۸ میلیون پوند به عنوان مالیات از شرکت سابق نفت دریافت کرده است. ارقامی که به استحضار آن جنابان رسیده است ارقامی هستند که از دفاتر مالی شرکت سابق نفت استخراج شده اند و شاید این موضوع باعث تعجب شودکه در طول پنجاه سال گذشته شرکت نفت سابق اجازه نداده است که نمایندگان دولت ایران دفاتر مالی شرکت را بارزسی و یا حتی آنها را رؤیت نمایند.

من باید حقیقت دیگری را به استحضار برسانم. در جنوب ایران در مناطق نفت خیز و آبادان که بزرگترین پالایشگاه نفت دنیا در آن قرار دارد کارگران نفت و اهالی که در آن منطقه زندگی می کنند در شرایطی هستند که می توان آن را فقر مطلق نامید. آن ها حتی فاقد ابتدائی ترین وسایل روز مره زندگی هستند. با توجه به این شرایط تصدیق خواهید کرد که اگر بهره برداری از نفت ایران همان طور که در گذشته انجام میشده ادامه داشته باشد و این وضع را نیز بپذیریم که ایرانی ها فقط کارهای ساده و غیر تخصصی را در مناطق نفتخیز مسجد سلیمان، آغاجاری، کرمانشاه و آبادان انجام دهند و کارکنان خارجی همچون گذشته درآمد حاصل از نفت را بخود اختصاص دهند، درآن حالت مردم آن نقاط برای همیشه درفقرمطلق باقی خواهند ماند. با توجه به این حقایق تلخ بود که پارلمان ایران (مجلس شورای ملی و سنا) به اتفاق آرا به نفع ملی شدن صنایع نفت ایران در سراسر کشور رأی موافق دادند.

بیان کلمه باتفاق آراء مؤید این است که ملی کردن صنایع نفت آرزو و خواست همه ملت ایران بوده است که امروز موضوع شکایتی شده است که در شورای امنیت مطرح میباشد. جنبش خود جوشی که امروز در ایران وجود دارد مردمی هستند که کاملا به حقوق خود واقف می باشند. این مردم مصمم هستند که از این منبع حیاتی که بخشی از ارثیه ملی آن ها به

حساب می آید ، برای بهبود زندگی خود استفاده کنند تا عاملی برای توسعه و تداوم صلح در جهان شود برای نیل به این اهداف مردم ایران انتظار دارند که از کمک و پشتیبانی سازمان ملل وکشورهای صلح دوستی که اعضای سازمان ملل متحد را تشکیل داده اند برخوردار گردند. با توجه به منشور ملل متحد و اصول والایی که در آن درج شده و بطور مسلم جوهر آن در اعضای تشکیل دهنده باید متبلور شده باشد ، ملت ایران انتظار دارد دست هایی را که به سوی آن ها دراز کرده اند بفشارند ، و این امر نشانه واقعی همکاری بین المللی برای توسعه و پیشرفت های اجتماعی می باشد که منظور غائی نویسندگان منشور سازمان ملل متحد است.

من آرزو می کنم توانسته باشم توجه اعضای محترم شورای امنیت را به این نکته جلب نمایم که اگر ابر قدرتی در فرستادن چترباز و ناوگان جنگی به کشور کوچکی دچار تردید میباشد، علت آن وجود سازمان ملل متحد است و این امر مؤید این است که این سازمان به خوبی از وظیفه ای که به عهده دارد آگاه بوده و بدان عمل می کند. در این صورت من اطمینان کافی دارم که این شورای محترم عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به شکایتی که بدان ارجاع شده اعلام خواهد داشت و باین ترتیب صلح و بهروزی را برای کشور های ضعیف به ارمغان خواهد آورد. در مورد مصالحه بین دو کشور که بریتانیای کبیر آن را به شورای امنیت احاله داده است، باید به اطلاع شورا برسانم که کشور من در نهایت حسن نیت پیشنهاداتی ازنده بر اساس روشهای مختلف برای جبران خسارت و فروش نفت را کراراً به نمایندگان شرکت سابق نفت ارائه کرده است. ولی متأ سفانه این روش مسالمت آمیزانه تاکنون بدون نتیجه بوده و فقط اتلاف وقت و جلوگیری از جریان نفت به بازارهای مصرف قبلی شده است که نتیجه آن تشدید مشکلات اقتصادی ایران می باشد. علاقمند هستم یک بار دیگر مصراً اعلام دارم که دولت من کاملا برای آغاز گفتگو های مستقیم در مورد دو نکته ای که بدان ها اشاره کرده ام با دولت بریتانیا آمادگی کامل دارد. اما اگر شروع بهره برداری و صدور نفت به بازارهای جهانی به علل مختلف به تأخیر بیفتد اقتصاد کشور ما از بد نیز بد تر خواهد شد. به این علت امیدوار هستم شورای امنیت بپذیرد که صلاحیت دخالت در این امر را ندارد و برای این که توافق مشترک بین طرفین را تسریع کند از ابراز هرگونه توصیه در این مورد خودداری ورزد.

اساسی ترین دلیلی که عدم دخالت شورای امنیت را در این مورد توجیه پذیر می کند این است که منابع نفتی ایران مشابه خاک، رود ها و کوه های ایران هستند که متعلق به مردم ایران می باشند. مردم ایران هستند که حق دارند تصمیم بگیرند چگونه ، چه وقت و توسط چه کسی باید از مایملک خود استفاده کنند. آن ها هیچ وقت موافقت نخواهند کرد حاکمیت و مالکیت خود را با کسی تقسیم کنند یا کسی را درآن سهیم نمایند. حاکمیت و مالکیت ایران انتقال ناپذیر می باشد. شاید لازم باشد بار دیگر اعلام دارم که چگونه ملت ایران توسط نمایندگان منتخب خود در مورد باز پس گرفتن منابع نفتی خویش تصمیم گرفته اند. در بیستم مارس ۱۹۵۱ قانون گزاران ایران به اتفاق آرا تصمیم گرفته اند با تصویب قانونی بهره برداری از منابع نفتی ایران را کاملا ملی اعلام نمایند و بدنبال آن در تاریخ ۳۰ آوریل چگونگی اجرای

قانون ملی شدن نفت را نیز به تصویب رسانیدند. جامعیت این قانون تمام حوزه جغرافیائی ایران را در بر می گیرد.

آقایان اعضای شوری، پاره ای از دلایلی را که ضمن توضیحات خود به اطلاع آن جنابان رسانیده ام کلا در جهتی بودند که ثابت کنند شکایت دولت بریتانیای کبیردخالت در امور داخلی یک کشور مستقل می باشد و نمی تواند مورد قبول واقع گردد.

به سبب مسؤلیت های کاری که اجبار به بازگشت دارم از این رو از نمایندگان محترم شوری خدا حافظی می کنم و از آن جنابان درخواست می نمایم در قضاوت خود عدالت را در نظرداشته باشید. هرچند اطمینان دارم تصمیم گیری شما درباره کشور کوچکی که مورد ظلم قرار گرفته با احساس همدردی و رعایت عدالت همراه خواهد بود. مردم ایران اعتماد کامل دارند که اعضای شورای امنیت در مورد شکایت بریتانیا تصمیمی اتخاذ نخواهند کرد که سدی در برابرآرزو های ملی آنان ایجاد کند. جنابان آقایان اعضای شورای امنیت به خاطر پذیرانی صمیمانه آن جنابان و توجه کاملی که به عرایض بنده نموده اید ضمن سپاسگزاری بسخنان خود پایان میدهم.

بعد از پایان سخنان دکتر مصدق، گلادوین چب نماینده انگلیس دلایل ارجاع مسأله شکایت دولت انگلیس به شورای امنیت را شرح میدهد که پس از رأی گیری اکثریت اعضای شورای امنیت به عدم صلاحیت شورا رأی دادند و مسأله را به دیوان بین المللی داد گستری لاهه ارجاع نمودند.

انتشار اوراق قرضه ملی

نخست وزیر لایحه قرضه ملی را تقدیم مجلس میکند

مجلس شورای ملی، بطوری که خاطر نمایندگان مستحضر است دراثر ملی شدن نفت از طرف طبقات مختلف چه در داخل و چه در خارج کمک های شایان توجهی خواه رایگان و خواه به عنوان مردم به دولت پیشنهاد و افراد وطن خواه از روی احساسات پاک و صادقانه فکر کمک به دولت را استقبال نمودند، لیکن برای اینکه استمداد از مساعدت ملی به صورت صحیح و منظم انجام شود و از طرفی چون احتمال میرود تا موقعی که کار فروش نفت به مرحله اجرا درآید دولت احتیاج به کمک موقت مالی پیدا میکند چنین مصلحت دیده شد که برای استفاده از کمک مالی مردم به تحصیل اجازه مقدماتی برای اقدام به قرضه عمومی درصورت ضرورت مبادرت نماید که با آزمایشی که در این مدت از احساسات خالصانه مردم به عمل آمده دولت امیدواری کامل دارد که عموم افراد میهن دوست کشور ایران از نیت دولت حسن استقبال نموده و کمک لایقی به اجرای کامل قانون ملی شدن نفت که آرزوی تمام ایرانیان میباشد به عمل آورند و روی این اصل ماده واحده دیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب مینماید.

ماده واحده - به دولت اجازه داده میشود برای کلیه امور مربوط به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت درصورتی که ضرورت ایجاب نماید تا حدود دو میلیارد ریال به عنوان قرضه ملی به مدت دو سال برگ های وام دویست ریالی بی اسم و قابل انتقال با بهره صدی شش منتشر نماید.

تبصره 1- اوراق قرضه در چهار سری و هر سری پانصد میلیون ریال منتشر خواهد شد و مدت انتشار هر یک از سری ها حداکثر دو ماه خواهد بود.

تبصره 2 - کوپن های بهره اوراق قرضه مربوط به هر سری از ابتدای سال دوم در باجه های کلیه بانک ها به حساب دولت قابل پرداخت است.

تبصره 3 - از تاریخی که اوراق قرضه به موجب این قانون قابل پرداخت است دارندگان آنها میتوانند اوراق مزبور را بابت مالیات و حقوق و عوارض و سایر دیون دولت واگذار نمایند. و مأمورین وصول مکلف به قبول این اوراق میباشند.

تبصره 4 - وچوه پرداختی از بابت وام و بهره آن از هرگونه مالیات معاف میباشد.

هریمن نماینده رئیس جمهورامریکا برای مذاکره به ایران میآید

آقای آورل هریمن مشاور رئیس جمهور امریکا در امور بین الملل عازم ایران میباشد تا درباره موضوع نفت با آقای دکتر مصدق مذاکره کند.

23 تیر 1330

مخالفت حزب توده با ملی شدن نفت

برای اینکه به روش وتاکتیکهای حزب توده ایران در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و عواملی که باعث حادثه دردناک 23 تیر ماه 1330 شد آگاه گردیم نگاهی گذرا به نشریات مختلف حزب توده و دیدگاه این حزب نسبت به جبهه ملی ایران و دکتر مصدق می نمائیم تا از نقش خراب کارانه حزب توده در مردمی ترین نهضت مردم ایران آگاه شویم.

"جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت که پس از رد قرارداد الحاقی گلشائیان - گس در کمیسیون مجلس شورای ملی ، توسط حزب توده ایران تشکیل گردید به بهانه (یادبود شهدای 23 تیر سال 1325 خوزستان) ازهواداران و مردم دعوت مینماید با شعار "اعلام لغو امتیاز نفت ایران و انگلیس" در یک راه پیمائی شرکت نمایند.

علیرغم دفاع نمایندگان جبهه ملی ایران در مجلس شورای ملی از زندانیان سیاسی که منحصراً شامل رهبران و فعالین حرب توده بودند که پس از حادثه سوء قصد به شاه در 15 بهمن 1327 و اعلام غیر قانونی بودن حزب دستگیر و محکوم شده بودند در بسوی آینده ارگان حزب مینویسد:

"ملی نقاب سیاهی است که چهره های ننگین را میپوشاند. ملی سرپوشی است که قبایح و رذایل را مخفی میکند. عوام فریبان ، دزدان ، غارتگران ، مزدوران فرومایه استعمار و آخرین تیر ترکش استعمار هستند که دکتر مصدق نماینده این گروه میباشد. " مردم ارگان مخفی حزب توده نیز در برابر شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور که توسط جبهه ملی داده شده شعار" الغای بی قید و شرط امتیاز نفت جنوب " را اعلام و از همه میخواهند برای پیشبرد این شعار در جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت " متحد شوند. با این طرز تفکر در روز ورود اورل هریمن راه پیمائی حزب توده آغاز میگردد.

راه پیمایان حرکت خود را از اول خیابان استانبول آغاز و بسوی میدان بهارستان ادامه مییابد. هنگامی که کامیون حامل دکل که نوشته جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت بر روی آن نصب بود عده ای از راه پیمایان به بلندگوی صامت و ساکت حزب ایران حمله ور و با چوب و سنگ آنرا خورد میکنند و شیشه مغازه های اطراف آن را نیز درهم می شکنند عده ای نیز قصد خورد کردن تابلوی حزب ایران را داشتند که میسر نشد و جمعیت درحالی که پرچم ها را از چوب ها جدا میکنند به طرف حزب زحمتکشان در خیابان اکباتان حمله ور میشوند.

در اینجا اولین مداخله پاسبان ها شروع میشود و افراد پلیس ابتدا سعی میکنند تا جلو مهاجمین را سد کنند و چون این عمل ممکن نشد ناچار در چهارگوشه میدان بهارستان به استعمال گازهای اشک آور مبادرت مینمایند.

پخش گازهای اشک آور درفضا و اثر آن بر روی چشم مهاجمین تا اندازه ای از هجوم جمعیت ممانعت به عمل میآوردولی مأمورین انتظامات راه پیمائی پی درپی به تظاهر کنندگان دستور حمله به پاسبان ها را میدهند. پاسبان ها که ابتدا دستور تیراندازی نداشتند در مقابل سنگ و چوب مهاجمین مجبور به عقب نشینی میشوند و همین امر باعث تشویق حمله کنندگان و شدت حملات آنها میگردد.

ساعت هفت و سه ربع بعد ازظهر چون تعداد افراد پلیس کافی نبود ارتش به کمک پاسبان ها میآیند. با پیاده شدن سربازان از کامیون ها چون هنوز تظاهر کنندگان آرام نمیشوند سربازان ناچار تیرهای هوائی شلیک میکنند. در همین موقع چند تانک از راه شاه آباد و سرچشمه به میدان بهارستان میآیند ولی تظاهر کنندگان با سنگ و چوب به تانگ ها حمله و سربازان را مجروح میکنند.

یکی از تانک ها که با سرعت از خیابان شاه آباد عبور میکرد به یک کامیون که حامل عده ای از تظاهر کنندگان بود تصادف کرده و کامیون در پیاده رو واژگون میگردد در این حادثه عده از تظاهر کنندگان مجروح میگردند. یکی دیگر از تانکها در اثر هجوم جمعیت نرده های اطراف محوطه چمن میدان بهارستان را خورد و وارد محوطه گلکاری میگردد. تانک ها تا ساعت 10 شب در خیابان شاه آباد ، سرچشمه و بهارستان در حرکت بودند و عبور و مرور از ساعت 8 در این خیابان ها قطع میگردد.

تظاهر کنندگان بعد از این جریان پراکنده شده و عده ای از آنها در خانه صلح که محل برگذاری انجمن هواداران صلح میباشد و در خیابان فردوسی واقع است اجتماع میکنند ولی از طرف شهربانی برای اینکه اتفاق سوئی رخ ندهد از ازدحام آنها جلوگیری میکند و جمعیت پراکنده میشوند.

19 آذر 1330

آغاز مخالفت با دولت دکتر مصدق در مجلس

جنجال و تظاهرات در مجلس

ازساعت 8 صبح امروز روزنامه نگاران متحصن و عده ای ازافراد غیر روزنامه نویس درباغ بهارستان اجتماع ودر انتظار تشکیل جلسه بودند. موقعیکه آقای کشاورز صدر وارد مجلس گردید روزنامه نگاران متحصن و عده ای از افراد متفرقه دوراو جمع بنای پرخاش گذاردند که چرا به دولت رأی موافق میدهی ؟

آقای کشاورز صدر در برابر اظهارات آنها گفت "دکتر مصدق با اجنبی مبارزه کرده و به نظرمن و تمام وکلا که به او رأی میدهند این مرد را خادم مملکت میدانند و این تشنجات را هم ایادی شرکت سابق ایجاد میکند تا اتحاد و اتفاق ما را از بین ببرند."

پس ازمدتی مباحثه روزنامه نگاران شروع به پرخاش و ادای کلمات رکیک کردند و آقای کشاورز صدر به ناچار به سرسرای مجلس وارد و جریان را به سایر نمایندگان اطلاع داد.

امروز چون قرار بود آقای نخست وزیر به مجلس بیایند کارت ورود به تالار مجلس بین تماشاچیان پخش نشد ولی روزنامه نگاران متحصن و همراهان آنها از دری که باغ بهارستان را به تالار جلسه متصل میکند بالا رفتند و در انتظار نواختن زنگ در راهرو پشت جلسه علنی منتظر ماندند.

ساعت ده و دقیقه آقای نخست وزیر از در چاپخانه وارد بهارستان شد و راه سرسرا را پیش گرفت. چند نفر از وزرا نیز قبلا به مجلس آمده بودند. در خارج شایع بود که طرفداران نمایندگان مخالف دولت امروز به جلسه آمده و میخواهند علیه نخست وزیر و موافقین تظاهرکنند.

ساعت 11:20 زنگ جلسه علنی نواخته شد وروزنامه نگاران و طرفداران آنها به سرعت به داخل تالار هجوم برده و همه صندلی ها را اشغال نمودند.

ساعت یازده و سی دقیقه نمایندگان مخالف با هم به جلسه آمدند و ناگهان از لژ روزنامه نگاران و تماشاچیان فریاد زنده باد جمال امامی ، زنده باد شوشتری و مرده باد دکتر مصدق، مرده باد نخست وزیر سر دادند.

از طرف دیگر عده ای از تماشاچیان طرفدار دولت و کریمپور شیرازی با فریاد زنده باد مصدق مرگ بر جمال امامی به مقابله پرداختند.

چون تعداد تماشاچیانی که با روزنامه نگاران متحصن آمده بودند تعداد زیادی تری بودند با برداشتن صندلی ها به طرفداران دولت حمله کرده به ضرب و جرح آنها پرداختند.

پیراسته نماینده اقلیت و عده ای از کسانی که فریاد زنده باد جمال امامی سر داده بودند شروع به زدن کریمپور کردند و درحالی که او را به زمین انداخته بودند با مشت و لگد کتکش میزدند. ولی سربازان گارد مجلس به کمک کریمپور آمده او را نجات دادند.

عده ای از مدیران روزنامه ها میر اشرافی (آتش) عباس شاهنده (سیاسی) عباس پهلوان (سپید سیاه) که درلژ بانوان نشسته بودند هنوزفریاد مرگ بر مصدق وزنده باد جمال امامی سر میدادند. همزمان در بیرون نیزعده ای که از صبح در خارج بهارستان اجتماع کرده بودند با فریاد زنده باد جمال امامی لیدر اقلیت و مرده باد دکتر مصدق با تماشاچیان داخل همزبانی میکردند.

با شنیدن فریادهای مرگ بردکترمصدق عده زیادی ازطرفداران دولت که با شنیدن مرگ برمصدق باطراف بهارستان آمده بودند بطرف طرفداران جمال امامی و اقلیت هجوم آوردند ولی در این زمان چند کامیون سرباز و پاسبان به میدان بهارستان آمده جمعیت را محاصره نمودند و هر لحظه به تعداد جمعیت در میدان افزوده میشد. با آمدن جمعیت به تدریج تعداد طرفداران دولت افزایش می یافت و فریاد مرده باد جمال امامی نوکر انگلیس و مرده باد اقلیت جای شعارهای قبلی را گرفت. یکی فریاد زد مردم تهران نوکران انگلیس با ایجاد واقعه روز 14 آذر و مانور امروز میخواهند دولت ملی دکتر مصدق را ساقط کنند.

سرتیپ دانشپور مرتب ازجمعیت خواهش میکردکه متفرق شوند اما چون جمال امامی امروز 300 چاقوکش استخدام کرده بود که با گرفتن کارت ورودی و بطور قاچاق وارد تالار شده بودند. چاقو کشان جمال امامی علیه مردی که انگلیس ها را از این مملکت بیرون کرد عربده کشی میکردند تا از او انتقام بگیرند.

در ساعت نیم بعد ازظهر جمعیت کثیری در میدان بهارستان اجتماع کرده و علیه نمایندگان مخالف ابراز احساسات میکردند. سربازان و پاسبان ها اطراف نرده های بهارستان را مسدود کرده و مانع ورود جمعیت به داخل مجلس میشدند.

در ساعت سه ربع بعد از ظهر آقای مکی به میدان بهارستان آمد و بعد از چند دقیقه صحبت از مردم درخواست کرد میدان را ترک کنند. مردم نیز بتدریج میدان را ترک کردند. چند دقیقه بعد میدان به حالت عادی درآمد.

جلسه علنی مجلس

سه ربع بعد از ظهر زنگ جلسه زده شد و نمایندگان به تدریج وارد جلسه شدند. یک ساعت بعد ازظهر نخست وزیرپشت تریبون رفت ولی نمایندگان اقلیت یکی بعد از دیگری شروع به اعتراض کردند و با مشت روی میز های صندلی میکوبیدند

نخست وزیر گفت اگر هر فریادی میخواهید بزنید و تخته ها را خورد کنید ولی چند دقیقه تحمل کنید. اگر تحمل نکنید من میروم بیرون و نطق خود را میکنم.

جمال امامی ، بلند شو برو بیرون هر کاری میخواهی بکن، به جهنم

که رفتی ! شما هوچی هستید نخست وزیر نیستید!

نخست وزیر، شما بفرمائید حرف خودرا بزنید بعد من حرفم را میزنم.

اظهارات جمال امامی ،

بنده بار ها عرض کردم که مجلس را از کشمکش های خصوصی مصون بدارید ولی این آقای نخست وزیر وقتی در صف اقلیت بود این امر را مراعات نکرد و کشمکش های خارج را به داخل مجلس کشانید. هر وقت تماشاچیان برای ایشان تظاهرات کردند من اعتراض کردم امروز باز تماشاچیان تظاهرات کردند من اعتراض کردم. در خارج از مجلس من به آقای مکی عرض کردم به آقای نخست وزیربگوئید امروزصلاح نیست مجلس تشکیل شود نماینده گان احساساتی هستند ممکن است اتفاقات سوئی پیش آید.

شما هیچوقت در عمرت نخست وزیری که مراعات قانون را بکند نبوده ای اصلا فردی نبوده ای که مراعات قانون را بکنی ، شما مگر نبودی رفتی جلوی مجلس به مردم گفتی آنجا مجلس نیست اینجا مجلس است ؟ (نخست وزیر ، حالا هم میگویم) آقا برو برای چاقوکش ها و چاقوکش های شهربانی صحبت کن ، حالا ما را تهدید میکنی؟ من میدانستم این مرد از زنده باد و مرده باد خوشش میاید ولی نمیدانستم اینطور جاه طلب باشد. یک مرد هفتاد وچند ساله ای که زود بیهوش میشود میرود، امریکا شلنگ تخته میزند یک روز دکان نفت باز میکند ، این دکان تخته میشود دکان انتخابات باز میکند ، دکان انتخابات تخته میشود، دکان خبازی و نعل بندی باز میکند. در این مدت 8 ماه چه کرده ای برای این ملت ؟ خداوند هر وقت بخواهد ملتی را از بین ببرد مرضی بین آن ها شیوع میدهد، مصدق هم یکی از این امراض است که خدا برای ملت ایران ایجادکرده است. شما نمایندگان این ملت هستید زمام امور مملکت در دست شما است. شما ها تصمیم بگیرید من او را میفرستم به خانه اش !

اگرمیخواهی نظرملت را نسبت بخودبدانی استعفا بده برو توی خانه بنشین اگریکی ازاین رفقای اکثریت آمدنددنبالت من هم خواهم آمد.

آقا جان از جان مملکت چه میخواهی؟ گفتی آمدم خلع ید کنم ، خوب خلع ید کردی و مملکت را به فلاکت انداختی و چشمه های درآمد مملکت را خشک کردی ، گفتی من نخست وزیر انتخابات نیستم و به این قانون اعتراض کردی بعد آمدی گفتی میخواهم انتخابات را شروع کنم. این چه جنگولک بازی است که برای انتخابات درست کردی ؟ من کاندید انتخابات نیستم و دیگر به این قبیل مجالس نخواهم آمد.

آمدی اینجا بما چه بگوئی ؟ شما چه گزارشی داری که بگوئی ؟ چه

صحنه سازی تازه ای میخواهی بکنی ؟ میخواهی بگوئی من نخست وزیر بچه های مردم را کشتم و شهر را غارت کردم. حالا تهدید میکنی که اگر نگذارید من صحبت کنم میروم بیرون با مردم صحبت میکنم.

آقایان نمایندگان چرا اعتراض نمیکنید شما وکیل هستید و باید حیثیت خود را حفظ کنید. این مرد تمام عمرش را عوام فریبی کرده این مرد اینکاره نیست. در حکومت شما مملکت رو به انقراض میرود والله تمام طرفداران شما همه عقیده شان همین است چون ازاول به اشتباه بشما گرویده اند حالا دیگر رویشان نمیشود ازشما روی برگردانند.

آقایان نمایندگان شما باید نفع و ضرر مملکت را تشخیص بدهید دیگر برای مملکت چیزی باقی نمانده است. آقایان دکتر حسین فاطمی با من دشمنی دارد. این آقای دکتر فاطمی رفیق شعبان بی مخ است به من جاسوس میگوید. آقای دکتر مصدق پول دادید و دزد ها را روزنامه نویس کردیدشما دکتر فاطمی را آوردید که به ما فحش بدهد. این روزنامه باختر امروز را توی رختخواب بخوان به بین بمن چه نوشته اگر شما خجالت نمی کشید باشد تا تصفیه حساب با ایشان بکنم.

آقای فولادوند، در کابینه دکتر مصدق من همیشه به ایشان احترام میگذاشتم.

من به خاطر ایشان به حکومت رزم آرا رأی ندادم و من در دوره 16 مجلس ازآقای دکتر مصدق حمایت کردم ولی نمیدانم حالا چه کرده ام که گرفتار چاقوکش های دکتر مصدق شده ایم؟ آنچه مرا وادار به تحصن در مجلس شورای ملی کرد مربوط به امور خصوصی نیست زیرا اگر منظوری برای حفظ منافع شخصی داشتم بخوبی میتوانستم خود را از هواداران دولت نشان بدهم و آنچه را که دیگران با چاپلوسی وتملق میخواهند بدست بیاورندکسب میکردم ولی هدف من خیلی بالاتر از مقام وکالت است ، مقصودم صیانت از آزادی است.

روزی که دکتر مصدق میخواست زمام امور را بدست بگیرد همه از ایشان حمایت میکردیم زیرا فکر میکردیم که ایشان در ردیف مؤتمن الملک و مستوفی الممالک است و امیدوار بودیم که ایشان نخست وزیری خواهند بوده به آمال وآرمان های ملت احترام بگذارد. آقای دکتر مصدق از قبول زمام داری دو هدف داشتند یکی حفظ اصول پارلمانی و دیگری احیا و حفظ حقوق کشور. در خصوص ملی کردن صنعت نفت به عقیده جمعی ایشان پیروز شده اند و من هم در این خصوص به ایشان تعرضی ندارم ولی آقای دکترمصدق و هوا خواهانش میخواهند آزادی را خفه کنند نسبت به نمایندگان مجلس و سنن پارلمانی اهانت میکنند.

آقای دکتر مصدق درصدد اجرای انتخابات دوره هفدهم برآمده اند و به قراری که سخنگویان دولت به دنیا اعلام داشته اند ایشان تصمیم دارند عمال دولت را ازدخالت درانتخابات ممنوع و به مردم اجازه دهند که آزادانه وکلای خود را به کرسی پارلمان بنشانند ولی اینجانب سؤال میکنم آیا کسی میتواند شرافتمندانه بگوید و اطمینان حاصل کند که با وجود عناصری که ما در اطراف دکتر مصدق می بینیم و تمام قدرت دولت را بدست گرفته و سلسله جنبان وقایعی مانند روز 14 آذر بوده اند آیا ممکن است در فلان نقطه دور دست مردم آزادانه رأی خود را به صندوق بریزند؟ وقتی که این اعمال را درجلو چشم شما بنام مبارزه با حزب توده به حساب شما میگذارند آیا میتوانید باز هم بگوئید من به ملت ایران خدمت میکنم ؟ آخر حزب توده با فرض وجود آن چه میتواند بکند؟

ما در چند ماه گذشته معنی حکومت پارلمانی وآزادی عقیده و حریت افکار را آن طورکه اعضا هیأت دولت استنباط کردند دیدیم و مزه آن را چشیدیم و همین اکنون معنی آن بهشت موعودی که باید بدست همین آقایان و نامزد های انتخابات دوره هفدهم تهیه شود میتوانیم درک کنیم و ملت ایران هم میتواند به کنه وعده های دکتر مصدق پی ببرد. به هرحال من که زیر بار این حکومت نمیروم.

آقای پیراسته ، برای بنده خیلی مشکل و ناگوار است که با ارادتی که به شخص دکتر مصدق با آن مقام علمی که دارند مخالفت کنم ولی چه باید کرد موضوع مملکت است و ناچارم به خاطر وطن خود با دولت دکتر مصدق مخالفت کنم. اینک دلایل خود را بطور خلاصه عرض میکنم.

امروز ما ناظر وضع آزادی در ایران میباشیم و می بینیم با مردم ستم دیده چگونه رفتار میشود. متأسفانه یا خوشبختانه این ایام که ملت ایران فاقد آزادی فردی و اجتماعی است مصادف با روز تصویب اعلامیه حقوق بشر میباشد و کشور ما هم یکی ازاعضای آن است. حقوق بشر عبارت است از آزادی فکر و عقیده و گفتار و برخوردار بودن از حمایت قانون که در ایران حتی نمایندگان مجلس هم ار آن برخوردار نیستند.

قریب 8 ماه است که دولت فعلی ما تشکیل شده ، روزی که آقای دکتر مصدق زمام امور را بدست گرفت به مجلس و مردم وعده داد که در ظرف چند روز دست کمپانی غاصب نفت را

از ایران کوتاه نموده و روزی 300 هزار لیره منافع منابع نفت را به جیب ملت ایران خواهد ریخت مجلسین با این امید به دولت رأی اعتماد دادند و مردم ایران هم که نیم قرن از مظالم این کمپانی غاصب غارتگر به ستوه آمده بود با جان و دل دولت را تأیید کردند. پس از گذشت ضرب العجل معلوم شد گذشته از اینکه روزی سیصد هزار لیره به خزانه دولت وارد نشد عده ای از اطرافیان دولت هم مانند چپاولگران دست تعدی به بیت المال مردم دراز کردند و خود را زیر سپر نفت پنهان کردند و اوراقی به نام روزنامه بدست آنها منتشر کردند و آنچه درخور همان نویسندگان و حامیان آنها بود نثار کسانی کردند که با آنها اختلاف عقیده داشتند.

با این وصف وقتی که قضیه نفت به شورای امنیت مراجعه شد و نخست وزیرعازم امریکا شد نمایندگان اقلیت با وجود مشاهده هزاران اعمال خلاف قانون سکوت اختیار کردند دولت رفت وبدون کسب جزئی ترین موفقیتی مراجعه کرد و بعد بجای اینکه بیاید جوانمردانه حقیقت را بنمایندگان ملت گزارش دهد بنای اغفال و عوام فریبی را گذارد و مردم را با زنده باد ومرده با گفتن سرگرم کرد. شاید خود نخست وزیر قصد کناره گیری داشت ولی یک عده هوچی که در اطراف او بودند نگذاشتند آقای نخست وزیر کنار بروند. در روز 14 آذر اجامر و اوباش به مدارس دخترانه رفته و به ناموس دختران تجاوز کردند ! منظور دولت از این واقعه این بود که نفس ها را در سینه ها حبس کند و آن وقت در این شرایط انتخابات آراد را انجام دهند. اگر انتخابات آزاد این است که کسی جرئت نکند ازخانه خودبیرون آیدمن میترسم که خدای نخواسته عمال شرکت غاصب نفت با این وضع ما را به زانو درآورند.

آقای شوشتری، بدو علت تحصن نمایندگان اقلیت را معروض میدارم. من ازنخستین روز با زمامداری دکترصدق مخالف بودم وتعجب میکنم چطور این روزها را میدیدم! چهل سال آشنائی و سابقه ایشان این پیش بینی ها را برایم روشن کرده بود. پس از مخالفت اینجانب عده ای از نمایندگان متوجه شدند که ایشان مملکت را به پرتگاه میبرد و اقلیت بوجود آمد در نتیجه دکتر واطرافیان برخوردند که بیانات اقلیت دکان نفتی آنها را که برای مردم ساده لوح باز کرده اند می بندند زیرا دکتر مصدق میدانست مردم ایران از مداخله خارجی ها ناراضی و منتظر فرصتند که دست رد به سینه آنها هم بزنند. آقای دکتر از این عدم رضایت استفاده کرده و یکی از لوازم آن بود که انتقاد کنندگان را وابسته به انگلیس بدانند ولی خدای ایران نمایندگان اقلیت را متوجه کرد که مقاومت کنند نگذارند حقیقت زیر ابر جهالت پنهان شود.

دکترو اطرافیان موضوع مسافرت به امریکا را پیش آوردند تا بعد حساب ما را برسند. آن روز نمایندگان اقلیت مصلحت دیدند آقای دکترمصدق را هنگام مسافرت انتقاد نکنند تا نتیجه روشن شود و اگر خدمتی کردند حمله ای به ایشان نکرده باشند و چنانچه نتیجه ای حاصل نشد مجددا در مقام انتقاد برآیند. اقلیت تصمیم خود را انجام داد پس از ختم شورای امنیت حق آن بود که به ایران بیایند نه آنکه در امریکا بمانند و از جریان اقدامات خود به نمایندگان اطلاعی نداده به مصر بروند. این اعمال موجبات عدم رضایت مردم را فراهم کرد و استقبال با زور و پول کردند همان موضوع باعث شد که مردم را به فکر تازه ای متوجه نمایند ، انتخابات را پیش آورند و نفت را از بین ببرند درصورتی که ایشان به کرات گفته بودند دولت انتخاباتی نیستند لیکن

پس از ورود به تهران گفتند انتخابات را شروع میکنم هرچه گفتند رأی مجلس را محترم بشمارید قبول نکردند. همه فهمیدیم که در امریکا بین آقای دکتر مصدق و کمپانی های نفتی که نمیخواهم مداخلات آنها را بگویم مذاکراتی شده است و خبر گذاری ها منعکس کردند که دولت در انتخابات توفیق پیدا خواهد کرد و این مداخله اجنبی در ایران است و روزنامه های دولتی مخالفین را به فحش گرفتند و نتیجه به واقعه 14 آذر منتهی شد نمایندگان اقلیت مخفی شدند تا این جنجال و بلواها را از میان بردارند و نگذارند نفوذ اجنبی در ایران بکار بیفتد.

نطق آقای نخست وزیر

درهرمملکتی که اقلیت آزاد نباشد درمجلس صحبت کندآن مملکت به هیچ وجه ترقی نخواهد کرد. اقلیت باید حرف های خود را بزند و مردم قضاوت بکنند. این آقایان به من شخصا و وارثا محبت داشته اند و من فقط این مطلب را میتوانم عرض کنم که با تمام معایبی که جناب آقای امامی برای من ذکر کرده اند ایشان خودشان مرا پیشنهاد نخست وزیری کردند. من نمیدانم که این تقصیر با جناب آقای امامی است یا با من که جاه طلب بوده ام و با این معایب نخست وزیری را قبول کرده ام امیدوارم که ملت ایران قضاوت کند و خودش وضعیت را درک کند.

اکنون استدعا میکنم آقایان درست به عرایض من گوش بدهند اگر آقایان خسته هستند و ناهار میل نفرموده اند برای من که ناتوان هستم هیچ اشکال ندارد که در این مجلس بمانم و آقایان بروند ناهار خود را میل کنند و بعد بیایند و عقاید را اصغاء کنند. در سوئیس وقتی تحصیل میکردم شنیدم میگویند یکی ازوکلای شهرنوشاتن وکیل خوبی است چون میتواند همیشه حرف ناحق را به کرسی حق بنشاند. دولت انگلیس به شورای امنیت مراجعه کرد من تصمیم گرفتم که در مقابل ادعای انگلیس خودم به شورای امنیت بروم و از حقوق حقه ایران دفاع کنم و بعد از اینکه انگلیس فهمید که من شخصا برای دفاع میروم و اشخاصی نیستند که بتواند آنها را آلت دست خود قرار دهد لذا در تقاضای خود تخفیف داد. در بیمارستان عده ای از نمایندگان شورای امنیت از آن جمله آقای تریکولی دبیر کل سازمان ملل متحد بدیدن من آمدند و پیشنهاد کردند وقتی انگلیس تقاضای خود را تجدید کرد و قائل به تخفیف شد سزاوار است که شما هم رویه مسالمت آمیزی اختیار کنید و این کار را به ترتیب صلح و آشتی انجام بدهید. من به نمایندگان گفتم این کار سابقه دارد و در جامعه ملل سابق هم همین پیشنهاد را به نمایندگان ایران کردند و بالاخره منجر به قرارداد 1933 گردید.

در روز اول شورا من احساس کردم نمایندگان شورای امنیت با نظریات دولت ایران موافق نیستند و روز دوم من به نمایندگان وعده دادم که در روز سوم مدارکی ارائه میدهم و دلایلی میگویم که حقانیت ایران را ثابت کند.

در آن روز یعنی در جلسه سوم من گفتم که تمام حرف های شرکت سابق ودولت انگلیس که حمایت از آن میکند مبتنی بر قرارداد 1933 است که این قرارداد مدرک قانونی ندارد زیرا بر طبق اصول حقوقی هر قرار دادی که باید منعقد شود طرف قرارداد باید اهلیت داشته باشد و

امضا کند و از روی اکراه و اجبار قرارداد را امضا نکند و اکنون من به شما ثابت میکنم که مجلس شورای ملی که این قانون را تصویب کرد و وزیر دارائی که این قرار داد را امضا کرد اهلیت نداشته و از روی اکرا و اجبار آنرا امضا کرده.

احکامی که از وزارت کشور برای انتخاب نمایندگان دوره نهم صادر شده بود قبل از حرکت عکس برداری شد و من بسیار زحمت کشیدم که این احکام در بین راه از بین نروند و آنها را به سلامت به مقصد برسانم. من تعدادی ازاحکام را در جلسه شورا قرائت کردم و پس ازاینکه شورا دید مجلس نهم طبق این احکام تشکیل شده و مجلس نهم بهیچ وجه من الوجوه ملاک قانونی نداشته و یک نفر از نمایندگان نماینده حقیقی ملت نبوده اند بکلی رویه خود را تغییر داد و بالاخره حق داد و رأی داد که تقاضای انگلیس به هیچوجه مورد توجه وارد نشود و کار در محکمه دادگستری بین المللی که سابقا هم در آنجا مورد قبول واقع شده بود خاتمه یابد.

آنهائی که میگویند ما در شورای امنیت موفق نشدیم، حرفی بی حساب و نظری از روی غرض شخصی اظهار میکنند اگر ما موفق نشده بودیم شورا بایدحق بانگلیس میداد و تقاضای انگلیس مورد قبول واقع میشد.

نتیجه اینست که دولت ایران درشورای امنیت موفقیت کامل حاصل کرده است. من یک تعداد از آن احکام وزارت کشور را که در آن وقت دولت صادر کرده و نمایندگان به انتصاب دولت در مجلس شورای ملی وکیل شده اند با خود باینجا آورده ام. من خواستم احکامی را که نسبت به مرده ها صادر شده اینک در اینجا بیاورم تا باعث سرشکستگی آن زنده هائی که در اینجا هستند و به قرارداد 1933 رأی داده اند نشود.

اینجا لازم است به عرض آقایان محترم برسانم که این دولت بهیچوجه غیر از صلاح مملکت نظر نداشته و در هرکاری که کرده روی مصالح مملکت بوده و علت اینکه کار ما پیشرفت نکرد سوء سیاست شرکت سابق نفت بوده. اگر شرکت سابق دردوره پانزدهم همان 50 درصدی را که حالا حاضر است بدهد آن موقع میداد من یقین دارم هیچ اختلافی بین ایران و شرکت نفت رخ نمیداد و شرکت لجاجت میکرد.

انتخابات تهران و انتخاب یک عده بخصوص که با قرارداد مخالفت داشتند یک رفراندوم بود و نظر ملت ایران را روشن کرد آقایان توانستند با کمک ملت ایران نفت را ملی کنند و دولت حاضر شد برای مساعدت با شرکت سابق نفت برای حفظ روابط و صمیمیت با دولت انگلیس که داشت و حالا هم دارد و بهیچوجه خللی به آن روابط وارد نشده فقط یک قبض رسید از کشتی های نفتکش بگیرد که دیدید شرکت با چه لجاجت و سرسختی نخواست این پیشنهاد ایران را قبول کند. پس از اینکه این پیشنهاد قبول نشد باز دولت پیشنهاد کرد که متخصصین انگلیسی را با همان مزایای سابق استخدام کند ، مع الاسف این هم یکی از لجاجت ها و سوء سیاست بود که دولت انگلیس نخواسته به آن توجه کند. بعد دولت ایران مجبور شد به

وسیله ابطال جواز اقامت منخصصین را از ایران خارج کند. اکنون که متخصصین انگلیسی از مملکت خارج شده اند دولت انگلیس نمیخواهد از آن نظریاتی که دارد عدول کند و میخواهد با همان رویه قرن 19 با ما رفتار کند.

اما راجع به اینکه چرا ما موفقیت کاملی حاصل نکردیم لازم است عرض کنم که دولت امریکا گرچه ظاهرا با ایران همکاری میکند ولی نمایندگان آن دولت بقدری تحت تأثیر و نفوذ انگلیس هستند که نمیتوانند کاری برخلاف میل آنها بکنند. سفرای کبار امریکا که در ایران بودند همه از سیاست وزارت خارجه امریکا انتقاد میکردند از قبیل آقایان دریفوس ، والاس مری و گریدی ، بنده صاف و پوست کنده عرض میکنم که آقای ژرژ مک گی در عرض این 25 روز اقامت در امریکا با من مثل یک برادر صمیمی بود و هم آهنگی داشتیم.

ولی همین هم آهنگی باعث شد که او سفیر کبیر امریکا در ترکیه بشود. ما ناچاریم با هر سختی و تحمل شده است استقلال خود را که بدست آورده ایم حفظ کنیم.

آقایان مردم انگلیس در سال فقط هفته ای دو روز گوشت خورد و لباس پاره پوشید. وقتی من با طیاره از روی دره نیل میگذشتم و آن زمین های آباد را میدیدم بخاطرم آمد که اگر ما فقط همین خوزستان را بتوانیم آباد کنیم جبران درآمد نفت را میکند. باید دید درآمد نفت تا بحال بچه مصرفی رسیده ، آنچه که مسلم است ملت ایران از این درآمد استفاده نمیکرده است. مقداری از این پولها صرف خرید اسلحه شده است که بعد هم این اسلحه ها را از ما گرفته و رفته اند.

ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد مثل افغانستان و سایر ملل اروپا دارای نفت نیست ما باید از مخارج خود بکاهیم و بر عایدات بیفزائیم و ملت ایران باید تحمل هرگونه مشقتی را بکند تا طوق رقیت را به گردن خود نگذارد. برای ما شایسته نیست بگویند دولت ایران دولت عقب افتاده است دولتی که تمدن تاریخی دارد باید سعی کند که احترام خود را از دست ندهد. اینکه آقایان فرمودند روزی سیصد هزار لیره به دولت ایران ضرر وارد شده حرفی است که بدون تحمل گفتند زیرا ما نفتی نفرستادیم ضرربکنیم نفت ما در معادن ما باقی مانده تا اگر خود بتوانیم استفاده کنیم و اگر نتوانستیم اعقاب و اولادانمان از آن استفاده کنند. بنابراین این حرف بی حساب است دراین کشور هرگونه اصلاحی منوط به آزادی انتخابات است. آن مجلسی که با این احکام نمایندگانش وارد شوند دو پول سیاه ارزش ندارد. این نمایندگان در مقابل چند نفر نماینده حقیقی ملت نمیتواند مبارزه کند.

من شنیدم که سفیرانگلیس بچند نفر از نمایندگان گفته بود چه شده که شما 120 نفر هستید و نمایندگان جبهه ملی 7 نفر و شما نمیتوانید در مقابل آنها اقدامی کنید. جواب داده بودند پشتیبان این نمایندگان تهران ملت ایران است و ما هم چون وطن پرست هستیم و نمیتوانیم

با آمال ملت ایران مخالفت کنیم ناچاریم با این عده همکاری کنیم. آقایان محترم ملاحظه نمودید که در جراید نوشتند دولت انگلیس تادکترمصدق سرکار است حاضر برای هیچ قراردادی نمیشود.

این برای چیست؟ برای این است که دولت انگلیس نمیتواندار دکتر مصدق وهمکارانش آن چیزی را که میخواهد تحصیل کند. اگرآقایان میفرمایند دلیل دیگری دارد منطقی نیست. انگلیس میخواهد دولتی بیاوردکه آن دولت بلا اراده باشد. ما دیدیم که دولت انگلیس و سفیر انگلیس در هیأت وزیران حاضر شدند و درباب این قرارداد الحاقی اظهار نظر نمودند و روی نظریات او این قرار داد تنظیم گردید ولی این دولت حاضرنیست که کوچکترین حرفی از دولت انگلیس و دول دیگر بشنود.

آقایان محترم که اظهار وطن پرستی میکنند، باید بدانند اگر نفاقی بین دولت و یک عده از وکلا پیدا شد این به ضرر مملکت تمام میشود. خارجی ها و آنها که میخواهند ملت ایران را تحت اسارت بگیرند از این نفاق استفاده میکنند. اگر بین نمایندگان مجلس شورای ملی مثل مجلس سنا اتفاق باشد هیچ کس به اجرای مقصود خود موفق نمیشود.

در امریکا که بودم اگر یک سخنی در مجلس ما گفته میشد روزنامه های نیویورک که هواخواه سیاست انگلیس بودند آنرا با آب و تاب منتشر میکردند و میخواستد بگویند این دولت در مجلس هوا خواه ندارد ولی اگر کسی نتوانست بگوید که بین آقای شوشتری ودکتر مصدق مخالفت است، ولو اینکه من مقصر باشم و آقای شوشتری از گناهان کبیره من بگذرد آن وقت دنیا خواهد گفت که شوشتری در مجلس شورای ملی با حکومت یکی است. و هیچ خارجی نمیتواند در حکومت ایران رخنه کند و عدم رخنه سبب خواهد شد که ما بتوانیم استقلال سیاسی خود را خفظ کنیم.

اگر استقلال سیاسی خود را حفظ کردیم استقلال اقتصادی خود را هم حفظ خواهیم کرد. اگر این حرفهائی که مینویسند و میگویند این دول توانسته اند نفت خود را از منابع نفتی دیگر بدست آورند صحیح است پس آنها را دیگر با ما چکار. ما که بخیل نیستیم

اما این حرف صحیح نیست اینها مجبورند که بیایند با ما قراردادی منعقد کنند. پس اگر اختلافی بین ما دیدند قراردادی بنام خود تنظیم میکنند. اگر دیدند که ملت ایران دست بدست هم داده نه در مجلس و نه درخارج هیچ اختلافی بین مجلس و دولت نیست آنها هم مجبور میشوند که هرچه میگوئیم قبول کنند.

بر طبق ماده هفتم قانون چهارم اردیبهشت دولت مکلف است که نفت خود را با مصرف کنندگان سه سال اخیر معامله کند که ما نهایت سعی را کردیم که آنها بیایند و با ما معامله کنند. اعلاناتی در ممالک خارج منتشر کردیم ولی من نمیخواهم به ساحت مقدس دولت انگلیس اسائه ادب کنم بلکه میخواهم عرض کنم شرکت سابق نفت نگذاشت کسی بیاید و با ما

معامله کند برای اینکه دولت ایران را بدبخت و مستأصل کند تا هر شرایطی را میخواهند تحمیل کند ملت ایران آنرا از راه استیصال قبول کند.

من لازم میدانم عرض کنم که به ترومن گفتم دلایل ملی شدن نفت دو چیز بود. یکی سیاسی و دیگری اقتصادی ما در این 9 ماده اینطور نوشته ایم که اکتشاف ، استخراج و بهره برداری معادن سرتاسر مملکت باید در دست دولت ایران باشد برای اینکه اگر کوچکترین فایده ای شرکت نفت ببرد دیگران هم ممکن بود ازما همین تقاضا را بکنند. ما این صنعت را ملی کردیم تا هیچ دولتی از ما تقاضائی نداشته باشد.

اما درمورد دلیل اقتصادی به ترومن گفتم بودجه ما قریب 300 تا 400 ملیون کسر داردشما چطورتصور میفرمائید یک ملتی که تا این اندازه کسر بودجه دارد بتواند امنیت و انتظامات را درکشور حفظ کند. دربودجه ما دیناری برای امور عمرانی وتولیدی نیست و بدین لحاظ عده زیادی از مردم این مملکت به ادارات دولتی هجوم آورده اند که ما نمی توانیم آنها را از ادارات اخراج کنیم ولی اگرما بودجه تولیدی داشته باشیم جلوی بیکاری گرفته میشود. این بیکاری و عدم رضایت بخودی خود سبب میشود صلح بین المللی را در مملکت ما دچار خطر کند. آقای ترومن هم کاملا با نظر من موافق بودند.

لازم است از وقایع روز 14 آذر هم توضیحاتی خدمت آقایان عرض کنم. روی همان اصل که عرض کردم اگرنفاقی بین نمایندگان مجلس و دولت باشد کمپانی سابق استفاده میکند. اگر اختلافی بین یکدسته از مردم این مملکت باشد خارجیها هم آن سوء استفاده رامیکنند. عده ای اعلان کردند که میخواهند متینگ سیار بدهند و جلوی میدان بهارستان جمع شوند. این اعلان برخلاف مقررات دولت بود زیرا دولت قبل از مسافرت من میدان فوزیه را برای متینگ و اجتماع تعیین کرده بود. همچنین مطابق مقررات سه روز قبل باید به اداره شهربانی خبر میدادند، اما آقایان نه به شهربانی اطلاع دادند و نه حاضر شدند به میدان فوزیه بروند.

ما بوسیله چند بیانیه که آخرین آن درساعت 11 شب پنجشنبه صادر شد باطلاع عموم رساندیم که هرکس برخلاف مقررات رفتارکند مورد تعقیب واقع خواهد شد همچنین گفتیم که میدان فوزیه میدان متینگ است و حق تظاهرات در غیر این نقطه را ندارند و بعد نقشه دانشگاه را آوردند و شش خیابان مربوط به دانشگاه قرار شد تحت نظارت قوای انتظامی قرار بگیرد و همین طور هم شد و بواسط اقدامات آقای وزیر جنگ که من از ایشان خیلی ممنونم و همچنین وزارت کشور همینطور اقدام کرد و قرار شد عده ای پاسبان ونظامی روزپنجشنبه این نقاط را تصرف کنند. من نمیخواهم از رئیس دانشگاه که در واقعه یک ماه قبل میبایست از تشنج دانشگاه جلوگیری میکرد گله کنم ولی در این باب تصمیم گرفتم از تشنج جدا جلوگیری کنم.

ولی عده ای دیگر وارد خیابان شاه آباد شدند و در جلو مجلس تظاهراتی کردند که منجر به این شد که آنها را متفرق کنند و بالاخره یکی از صاحب منصبان شریف این مملکت کشته شود. من میخواهم بگویم که اگر این آقایان متینگ دهندگان وطن پرست هستند نباید دراین

موقع که دولت وارد انجام یک امر مهمی است به تظاهر بپردازند. بنابراین اگر به بعضی ازآنها اگر چه صدمه ای هم رسیده باشد به هیچوجه متأسف نیستم. باید نظامات اجرا شود این دولت هیچ وقت موافق آشوب طلبی نیست و قویا هرکس را که مخالف انتظامات باشد تنبیه و به محاکم صالحه تحویل میدهیم. بعد از ظهر روز پنجشنبه اتفاقی رخ داد که به هیچ وجه موافق میل دولت نبود و باعث تأسف است. البته در هر مملکتی ممکن است اتفاقاتی بیفتد ولی اگردولت مرتکبین را تنبیه نکرد آنوقت جای ایراد است.

میخواهم عرض کنم که قضیه بعد ازظهر 5 شنبه قضیه ای غیر مترقبه و غیر منتظره بود. به دولت نمیتوان گفت چرا بعد از ظهر 5 شنبه یک عده اوباش جمع شده و غارت کردند و دولت خیلی از این پیش آمد متأسف است وچند نفراز قضات محترم را مأمورکرده است که در شهربانی مشغول تحقیق بشوند. من ازآقایانی که خسارت دیده اند تقاضا میکنم نمایندگان خود را بفرستند و خسارت خود را تعیین کنند تا جبران شود.

آقایان دولت تابع مجلس است. این دولت با یک رأی میآید و با یک رأی میرود من ازآقایان اقلیت تقاضا دارم مطالب خود را به اکثریت مجلس ثابت کنند اگر دولت قضوری نموده آقایان میتوانند با ورقه کبود برکنارش کنند. من خدا را شاهد میگیرم که به هیچوجه مایل نبودم دردوره انتخابات باشم و میخواستم حق انتخاب با کسی باشد که سواد داشته باشد ولی این وضع انجام نشد.

من روزاولی که خدمت اعلیحضرت مشرف شدم گفتم راجع بمجلس مؤسسان استدعا میکنم این کار تأخیر شود و تقاضا کردم دو لایحه بمجلس داده شود یکی راجع به مطبوعات و دیگری راجع بانتخابات.

اعلیحضرت فرمودند منصورالملک را میفرستم منزل شما اینکار را مطالعه نموده و اقدام کند. لایحه مطبوعات بامشورت آقایان روزنامه نویسان تنظیم شد ولایحه انتخابات را خود تنظیم کردم. بنده دو لایحه برای انتخابات تهیه کرده ام که در بلوکات همان قانون سابق اجرا شود ولی در شهرها بتوانیم از اصل چهارم قانون انتخابات برای افزایش عده نمایندگان که 64 نفر به عده نمایندگان اضافه شود استفاده کنیم وازاشخاص با سواد برای گرفتن تعرفه استفاده کنیم و برای هیچ کس ضرری نداشت و هر دو دسته میتوانستند انتخاب شوند و اشخاص شهر نشین راضی شوند ولی متأسفانه لایحه بصورتی درآمد که تصویب نشد. در آن دخالت هائی کردند و نوشتند تمام رأی دهندگان بایستی با سواد باشند. بنده نمیتوانم در این باب عرضی بکنم ولی خدا را به شهادت می طلبم که درانتخابات این دوره نمیخواستم دخالت کنیم. ولی قضیه نفت سبب شد که بیایم و ناچار درانتخابات هم دخالت کنم. بیشتر ازآن جهت درامریکا ماندم که شاید کار نفت تمام شود که در موقع انتخابات نباشم.

اکنون وجدانا فکر میکنم و می بینم اگر من بروم و این کار نفت مطابق مرام ملی ایران انجام نشود لعنت ابدی برای من خواهد بود و خواهند گفت تو آمدی کاری را شروع کردی و آن را خراب کردی ، بنابراین تا نفسم درمیآید میمانم تا کارنفت را خاتمه دهم. حالا اگرآقایان تصور میکنند از من کاری ساخته نیست یک رأی عدم اعتماد بدهید من هم میآیم و روی همه آقایان را میبوسم و میروم.

در خاتمه لازم است عرض کنم که ماده 7 اجرای ملی شدن صنعت نفت به مصرف کنندگان سه سال اخیر برای استفاده از منابع نفتی ایران مقدم دانسته ولی هیأت مختلط به من نوشتند دولت مختار است بهر کس که میخواهد نفت را بخردبا مدت ویا بی مدت معامله کند. من فردا به سفارت خانه هائی که در تهران هستند می نویسم که اگر تا ده روز دیگر آمدند و با دولت معامله کردند که معامله میکنیم وگرنه دولت میتواند هرکس خواه با مدت یا بی مدت خواست نفت بخرد معامله کند. البته آقایان محترم راضی نخواهند شد که شرکت سابق نفت این ملت کهنسال را به روز سیاه بنشاند و در مضیقه بگذارد و به روزی دربیاورد که هرچه آنها میگویند قبول کند ومن این مسأله را به وجدان آقایان واگذار میکنم و دیگری عرضی ندارم

اظهارات سخنگوی دولت

آقای دکترفاطمی معاون سیاسی وسخنگوی دولت، امروز در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

امروزمتن نامه ای که به امضای آقای دکترمصدق نخست وزیربه سفیر یا کاردار و یا وزیر مختار و کشورهائی که در تهران هیأت نمایندگی دارند ارسال شده است. برای اجرای ماده هفتم از قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت درسراسرکشور مورخه دهم اردیبهشت 1330 دائر براینکه کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس وایران هر مقدار نفتی را که از اول سال 1948 تا تاریخ مارس 20 1951 ازآن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند ازاین ببعد هم بنرخ عادله بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر درصورت تساوی شرایط خرید حق تقدم خواهند داشت. و در تاریخ 10 تیر 1330 بموجب دستور هیأت مختلط نفت و هیأت دولت از طرف هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ضمن آگهی مراتب به وسیله مأمورین دولت شاهنشاهی درخارجه باطلاع مشتریان سابق نفت ایران رسید ولی تا انقضای مدت معین هیچ یک از آنان پیشنهادی نداده و مراجعه ننموده اند.

گرچه با این ترتیب دیگر مطابق قانون حقی برای آنان باقی نیست معهذا دولت ایران برای ابراز مزید حسن نیت لازم دانست بار دیگر موضوع را به آن سفارت کبرا برساند تا به دولت متبوعه خود اطلاع دهند که اگر افراد یا شرکت هائی که تابعیت آن کشوررا دارا میباشند ازتاریخ وصول این نامه تا ده روز برای معامله خرید نفت مراجعه نکنند دولت ایران آزادی عمل جهت فروش

نفت بهر مشتری که تقاضا کند خواهد داشت و در این صورت حق تقدمی که درصورت تساوی شرایط برای خریداران سابق منظور شده بود دیگر موردی نخواهد داشت.

نخست وزیر- دکتر محمد مصدق

24 آذر 1330

پیام نخست وزیر راجع به انتخابات

هموطنان عزیزم افتخار میکنم که متعاقبا روزی با شما صحبت میکنم که سرلوحه روزهای سال و مبارک ترین ایام جهان است زیرا روز ولادت پیامبر اسلام و نجات دهنده بشر از شرک و نفاق است. این روز را تبریک میگویم و برای انتخابات دوره هفدهم آن را طلیعه سعادت دانسته و به فال نیک میگیرم.

هموطنان عزیزاین پیام در شبی به شما میرسد که فردا درقسمت مهمی از کشور انتخابات عمومی آغاز میشود. شانزده دوره از مجلس ایران سپری شده و در تمام طول نیم قرن مشروطیت ایران هیچ وقت یک چنین فرصتی نصیب ملت ایران نشده که آزادانه و بدون دخالت عوامل داخلی و خارجی شالوده بنای سعادت و حیات سیاسی و اقتصادی خود و نسل های آینده را بریزند. گاهی فرصت های دقیق و حساس نصیب اقوام و ملل میشود که اگربا هوشیاری ونظم و وحدت کلمه از آن حسن استفاده شود بدون شک جریان تاریخ و سیرزمان را به نفع خویش عوض میکنند وبه قرن ها محرومیت و ناکامی و بدبختی خاتمه میدهند.

هیچکس منکر فرهنگ کهن و تمدن درخشان وا فتخارات گذشته ایران نیست. هر کتاب تاریخی را که ورق بزنند از هوش و لیاقت و استعداد پدران ما مشحون است. به موزه های دنیا که نظر می افکنند بهتر و روشن تر میتوانند به میزان نبوغ و هوشمندی و شخصیت نیاکان ما واقف شوند.

اگرحوادثی چند مانع ترقی وپیشرفت ما شده و اگر بی لیاقتی و طمع ورزی بعضی از عناصر مؤثر مملکت مجال خرابکاری و سوء استفاده به دیگران داده هرگز نباید دلیل این فرضیه غلط بشود که روح فعال و احساسات پاک و افکار روشن ایرانی برای همیشه محو و بی اثر شده است. اشتباه سیاست هائی که میخواهند شرق همیشه مطیع و اسیر آنها باشد این است که گمان میکنند فشارها و زجرها و سختی هائی که به این ملل وارد آورده اند کافی است که لااقل برای چند قرن دیگر خاور میانه و نزدیک در سکوت و خمود بسر برند و هوس زندگی انسانی نکنند و تا زمانی که اقویا بخواهند در حال عقب ماندگی و ناتوانی و ضعف مفرط باقی بمانند.

اگر حافظه شما یاری کند بخوبی میتوانید حوادث چند سال اخیر را مثل پرده سینما از زیر نظر بگذرانید و مبارزات دو سه ساله اخیر خود را نیز جلو چشم بیاورید و آنگاه قضاوت کنید که چه

راه دور و درازی را پیموده و از کجا به کجا رسیده اید. پرده پوشی را کنار میگذارم و صریح میگویم که اراده بیگانگان دراموركلی و اساسی ما دخالت عمده داشت و چنگال های خون آلود استعمار تا مغز و قلب ملت ایران رسوخ کرده بود.

این یأس ونا امیدی و حالت غیرعادی که مملکت را بسقوط و بدبختی تهدید میکرد اگر دوام پیدا نموده بود و اگر کوشش مردانه و توجه عامه در قطع دست اجانب و عمال آنان همت به خرج نمیداد بعید نبود که استقلال مملکت بکلی ازمیان برود و حقیقتا جا داشت که نسل های بعدی ما را مسؤل انقراض و انحطاط کشور بشناسد و بی حسی فرزندان امروز موجبات شرمساری و خجالت نسل آینده را فراهم آورد.

من تصدیق میکنم که جماعتی همیشه سعی میکردند که با فساد مبارزه کنند ولی تلاش های کوچک و کم اثر کافی نبود که آنرا ریشه کن کنند. انتخابات گذشته درحالی که سرنوشت آینده ایران در تاریکی عمیقی فرو رفته بود شروع شد ولی مبارزه دلیرانه وسر سخت مردم تهران که با کمال تهور و شهامت از حقوق مشروع خود دفاع کردند آن روزنه امیدی را که جامعه همیشه در انتظار آن بود پدید آورد و متجاوزین به آراء مردم شکست خوردند و جبهه ملی با آنکه تشکیلات وسیع و عمیق نداشت پیروز شد.

این فتح ملی امیدواری و دلگرمی مردم را آفزون ساخت و آنها را به تأیید وتقویت نمایندگانی که به مجلس فرستاده بودند وادار کرد. مبارزه آشتی ناپذیر نفت که از دوره 14 و 15 آغاز شده بود از اول این دوره قوت گرفت و نورانی ترین صفحات جهاد مقدس یک ملت دلیر و شجاع در طول 25 ماه گذشته تکوین گردید. ملل دیگر که بیش از نیم قرن دچار زحمت شده و خون جگر حوذده اند هنوز موفقیتی را که شما در این مدت کوتاه بدست آورده اید پیدا نکرده اند. شما در راه تحصیل این موفقیت براثر موقع شناسی زجر و مرارت زیاد متحمل نشده و این راه را که در زمان عادی پیمودنش در زمان عادی خالی از وحشت و اشکال نبوده است در حساس ترین اوقات با قدمهای مطمئن و با شجاعت و جسارت با حساب طی کرده اید اکنون قدم های آخر را بسوی موفقیت باید برداشت و قدم آخر این موفقیت انتخابات دوره هفدهم میباشد.

آنچه را دولت با هدف تأمین آزادی و تضمین این مسلم ترین حق مشروع جامعه در اختیار داشت و دارد با نهایت خلوص و صمیمیت انجام داده و میدهد. مأمورین مؤثر ولایات را با آنکه نقل و انتقال آنها خالی از اشکال نبود به سرعت تعویض کرد و دست هائی را که میخواستند از راه نفوذ در دوایر دولتی جلوی آزادی عمومی را بگیرند بدین صورت قطع نموده. من مصمم بوده و هستم که بهر قیمت شده آنچه را از پشت تریبون مجلس شورای ملی به مردم گفته و وعده داده ام به مرحله اجرا و عمل درآورم و هر خطری را که در این راه وجود داشته باشد با جان و دل استقبال کنم. من تشخیص داده ام که بدون یک مجلس ملی که مظهر اراده و تمایلات اکثریت مردم ایران باشد نه تنها کاری از پیش نخواهد رفت و کوشش های بی ریا و

صادقانه ملت به باد فنا میرود بلکه بدون چنین مجلسی موجودیت و استقلال وطن ما در مخاطره عظیم قرار خواهد گرفت.

این انتخابات در سرنوشت فردای مملکت بقدری مهم و مؤثر است که اگر کسی در دادن رأی یا در اظهار نظر و ابراز عقیده اهمال و مسامحه کند و یا با بی اعتنائی و لاقیدی این وظیفه وطنی را برگذار نماید به خانواده و شهر و کشور خود ظلم و ستم روا داشته است. مردمان پاک و وطن پرست که سابقه کار و طرز رفتارشان با خدمت گذاری وصراحت و مبارزه با نفوذ اجنبی توأم است از هر دسته و طبقه ای که باشند خواهند توانست مظهر اراده ملت فداکار و قهرمان ما قرار گیرند.

درنظر من همه مردم خدمتگذار و صمیمی به مصالح این آب و خاک یکسان هستند و دولت در موقع انتخابات وظیفه ای ندارد جز اینکه آراء عمومی را از دستبرد و چپاول و تعویض صندوق ها حفظ کند و محتاج به ذکر نیست که دولت برای انتخابات نامزدی ندارد. هر کس را که مردم انتخاب کنند و رأی اعتماد خود را به او بسپارند مورد علاقه و احترام قلبی این دولت است وتنها آرزوئی که من در ایام آخر عمر خود دارم این است که موفق بشوم انتخاباتی را که پنجاه سال در راه تحصیل آزادیش مبارزه و مجاهده کرده ام به بهترین صورت به پایان برسانم.

هموطنان عزیز ، حق دارم که برای نیل به یک چنین افتخار و خدمت ملی دست توسل و کمک بسوی شما دراز کنم و از صمیم قلب درخواست نمایم که با حفظ نظم و آرامش رعایت آزادی دیگران و احتراز از ماجراجوئی و تشتت در ایامی که دنیا نگران طرز رفتار و نحوه این انتخابات است نگذارید کاری شود که دشمنان ما موجبات سرشکستگی و شرمندگی ما را فراهم کنند و دشمنان کینه توز ما فریاد برآورند که ملت ایران آماده برای قبول آزادی نیست.

رعایت نظم و ترتیب و عدم تشتت و تفرقه باید منظور نظر باشد. به خصوص در این موقع که دشمنان مملکت میخواهند بین ما نفاق و تفرقه ایجاد کنند و حوادثی بوجود آورند که ملت ایران را از نیل به مقصود محروم نمایند.

هموطنان عزیزآرزوی من این بود که طرح اصلاحی انتخابات که در دوره 14 تقدیم مجلس نموده ام در این دوره به تصویب برسد و انتخابات برطبق آن صورت گیرد و چون این طرح به تصویب نرسید هیچ میل نداشتم با قانون فعلی کار انتخابات را به عهده گیرم ولی کار نفت هنوز به انجام نرسیده و حریف ما پیوسته امیدوار است وضع را دگرگون کند و با اعمال نفوذ در انتخابات نگذارد نمایندگان حقیقی مردم به مجلس هفدهم بروند تا بدین وسیله بتواند هر منظوری دارد در دوره آینده عملی کند. به این دلیل وظیفه ملی خود دانستم که انتخابات را با همه مشکلات آن به انجام رسانم و با تمام قوا برای تأمین آزادی ملت ایران در انتخاب نمایندگان خود مجاهده کنم. امیدوارم به کمک و همت شما نمایندگان حقیقی ملت به مجلس هفدهم بروند و نقشه

های حریف نقش برآب شود و امید هر نوع نفوذ و مداخله اجنبی درامور داخلی ما در آینده قطع گردد.

در پایان این گفتار بار دیگر لازم میدانم تصریح کنم که هر یک از مأمورین کشوری و لشگری اگر کوچکترین مداخله نامشروع در انتخابات بکنند یا اعمال نفوذ و توصیه در حقی که مربوط به آحاد و افراد مملکت است بکار برند به شدیدترین مجازات قانونی خواهند رسید و بلافاصله در هر طبقه و مقامی باشند تسلیم محاکم میشوند. یقین دارم در پناه حفظ انتظامات و آرامش واقعی ملت رشید و عزیز ایران در ایجاد یکی از درخشان ترین ادوار تقنینیه توفیق کامل خواهند یافت. این نکته را نیز اضافه میکنم که ماجرا جوئی و تهدید آزادی مردم و تطمیع ازطرف هرکس و هرجمعیت که باشد وظیفه مأمورین انتظامی است که با کمال قدرت از آن جلوگیری نمایند و راه ابراز رأی آزاد را برای همه مردم هموار سازند.

25 آذر 1330

شروع انتخابات در روز 26 آذر

ساعت 9 وربع امروزآقایان قضات دادگستری که بسمت بازرسان قضائی انتخابات استان ها و شهرستانها طبق قرعه تعیین شده بودند درمعیت اعضای شورایعالی انتخابات، آقای اخوی دادستان کل و آقای امیرعلائی وزیردادگستری و آقای دکتر فاطمی معاون نخست وزیر در منزل آقای نخست وزیر حضور یافتند. نخست آقای نخست وزیر تصویب نامه انتخابات را قرائت نمود و اظهار داشت من بسیار خوشوقتم که از میان قضات پاکدامن دادگستری عده ای را برای انجام بزرگترین خدمت ملی به قید قرعه برگزیده شدند و امروزبرای نظارت در قانونی که با سرنوشت ممکمت ما تماس دارد و حقوق آحاد مردم در آنجا تضمین و تأمین است به ولایات اعزام میشوند.

آقایان مورد اعتماد مردم و افکار عمومی هستید و به همین جهت به خدمتی مأموریت پیدا میکنید که رابطه مستقیم با افکارعامه دارد من یقین دارم که برای انجام این وظیفه بزرگ ازهرگونه مجاهدتی دریغ نمیکنید و این مأموریت را آن طوری که هم میهنان شما انتظار دارند از روی کمال وجدان و عدالت و قانون انجام خواهید داد.

آقایان محترم ، اگر حسن نیت باشد همه کارها بآسانی حل میشود ومشکلات را یکی بعد ازدیگری ازپیش پای خود برمیدارید واگرخدای ناکرده حسن نیت درمیان نباشد هیچ کاری بروفق مصالح مملکت و مردم انجام نخواهد شد. درایران قوانین برای همه کار هست اساس مطلب این است که صلحا مأمورین اجرای قوانین باشند آنوقت بدون تردید درتمام شئون مملکت اصلاحات انجام میشود ولی با مجریان فاسد و بد بهترین قوانین مضرترین نتیجه را خواهد داد.

ما اگر بخواهیم با افتخار و استقلال و سربلندی زنده بمانیم نباید از کشته شدن بترسیم ، خدا میداند خود من هر وقت ازخانه بیرون میروم امید بازگشت بخانه را ندارم زیرا ازروزی که قبول

مسؤلیت کرده ام با تشخیص این بوده که درراه انجام وظیفه و خدمتگزاری همیشه انواع خطرات موجود است.

اعتراضات مجدد نمایندگان اقلیت

تیمورتاش ، نظر باینکه امروز26 آذر انتخابات دوره هفدهم قانون گذاری شروع میشود ودولت اعلام کرده که رادیو برای تبلیغات انتخاباتی در اختیار همه دستجات گذارده میشود نمایندگان اقلیت ومدیران جراید مستقل پایتخت که در مجلس شورای ملی متحصن میباشند تقاضا دارند ساعتی برای فردا شب تعیین وقت کند که آقای جمال امامی به نمایندگی آقایان متحصنین در مجلس مبارزه انتخاباتی را افتتاح کند و یک ساعت وقت رادیو در اختیار نماینده اقلیت باشد و بعد از آن هم در تمام مدت انتخابات هر شب یک ساعت وقت برای تبلیغات انتخاباتی نمایندگان اقلیت تخصیص داده شود.

در جلسه گذشته عرض من در مورد ارمغانی بود که آقای دکتر مصدق از شورای امنیت برای ما آوردند آن روز دو نفر از آقایان راجع به این مسأله اعتراض کردند و گفتند ما صلاحیت دیوان لاهه را به رسمیت نشناختیم ولی بعد فرمودند که ما تصور کردیم که اگر خودمان برویم و راجع به عدم صلاحیت دفاع کنیم مؤثر تر است لذا تصمیم گرفتیم به لاهه برویم. به نظر من دیوان لاهه محکمه ای است که آن رأی ظالمانه را در مورد ما صادر کرده است. بعد آقایان رفتند به شورای امنیت و از حقوق ما دفاع کردند.

ما از این بابت متشکریم ولی چیزی را که برای ما ارمغان آوردند این است که همان محکمه ای که صلاحیت آن را رد کرده بودیم دوباره مأمور رسیدگی به کار ما شد. من نمیدانم چه حوادثی پیش آمده که ما باید تصورکنیم که دیوان بین المللی دادگستری این بار به نفع ما رأی خواهد داد.

آقای دکتر مصدق چندی قبل فرمودند که نقش انگلیس ها این است که با تضعیف مالی ما را به زانو درآورند و بعد فرمودند که ما 4 ماه وقت داریم تا در عرض این مدت کار نفت را تمام کنیم. من از جناب پیشوا میپرسم با وجود چنین اعترافی چطور شده که ایشان موافقت فرموده اند که مدتی جلسه دیوان لاهه به تأخیر افتد تا این 4 ماه زودتر تمام شود و ما از لحاظ اقتصادی به زانو درآئیم؟

من و رفقای من از روز اول به ملی شدن نفت رأی دادیم زیرا تنها راه برای از بین رفتن قرارداد 1933 ملی شدن نفت است. من نفهمیدم چه شد که تا چند ماه خلع ید عملی نشد تا آنکه آقای مکی به خوزستان رفتند و خلع نفت را عملی کردند و نمیدانم عرض این مدت انگلیس ها چقدر نفت خام ذخیره کردند؟ به نظر من تغییر ماده 7 قانون ملی شدن نفت سیاست کلی

کشور را دگرگون میسازد. حق بود که آقای دکتر مصدق میآمدند و می گفتند ما میخواهیم سیاست کشور را عوض کرده و خود را به بلوک شرق و جبهه کمونیسم نزدیک کنیم.

در دوره چهاردهم کافتارادزه پیشنهادی برای امتیاز نفت شمال داد و یکی از افتخارات دکتر مصدق این است که با این پیشنهاد مخالفت کرد و نگذاشت که این پیشنهاد تصویب شود. آیا امروز ایشان میفرمایند ما باید با شوروی معامله کنیم و بلوک شرق را در سرنوشت خود مداخله دهیم؟

من از ایشان تقاضا میکنم نفت را همان طور زیر زمین دفن کنند و اجازه ندهند کشور ما به طرف کمونیسم سوق داده شود.

همه آزادیخواهان جهان این جمله را میدانند که « ما به اراده ملت به اینجا آمده ایم و جزبا زور سرنیزه از اینجا خارج نمیشویم » این جمله میرابو پدر آزادی فرانسه است. اما بعد اسنادی بدست آمد که گوینده این جمله با لوئی شانزدهم مظهر استبداد فرانسه بند و بست داشت و به همین جهت ملت فرانسه جسد او را آتش زد. حالا من امیدوارم دربین ما میرابو وجود نداشته باشد.

شوشتری ، میگویند چون نمیگذارند وکلای اقلیت وکیل بشوند آنها متحصن شده اند. این موضوع صحیح نیست و ما نفع شخصی را در نظر نداریم. ملت ایران که به رشد سیاسی و ملی خود رسیده قضاوت صحیح خواهد کرد. آقای دکترمصدق از روزی که نخست وزیر شده تمام قدرت خود را برای فنای منتقدین بکار برده است. ما میگوئیم در عرض 8 ماه حکومت مصدق غیر از حرف و هوچی گری چیزی تحویل نگرفته ایم. ما مدتی صبر کردیم و بعد که فهمیدیم عمل آقای مصدق با حرفشان منطبق نیست ناچار گرد هم جمع شدیم و علیه ایشان قیام کردیم.

قبل ازعزیمت به ایشان به امریکا ما سکوت کردیم و دم فرو بستیم. پس ازمراجعت ایشان و اظهارات بی اساس ایشان ناچار سکوت را شکستیم و مبارزه را آغاز کردیم زیرا بیم آن میرفت که عظمت ایران بدست این مرد مرموز درهم شکسته شود. شما را بخدا جواب ایشان در روز سه شنبه آیا با سؤالات ما وفق میداد؟ مگر ما پرسیده بودیم شما در امریکا چه کرده بودید؟ بنده روز اول گفتم که ایشان اهل کار نیست ، کار مثبت عقل سلیم و از خود گذشتگی لازم دارد. این آقا فقط وجاهت خود را میداند. آیا در عرض این 8 ماه غیراز تهی شدن خزانه مملکت و خرج چهارده میلیون لیره و هشت ملیون دلار و ترویج هرج و مرج و نفاق و شقاق کار دیگری کرده است؟

مصدق همشیره زاده فرمانفرما هرچه میخواهد بکند و روزی نامه های او هرچه میخواهند بنویسند ولی ما روزی مبارزه را شروع کردیم که هنوز صحبت از انتخابات نبود. اگر ما فکر انتخابات در سر داشتیم از همان روز اول به این دولت می چسبیدیم. برای برگشت افکار و انحراف مردم از نفت مصدق موضوع انتخابات را پیش کشید و سعی کرد وکلا را در خوف و رجا

نگه دارد. ما مردم را بیدار خواهیم کرد و به عموم مجامع بین المللی اثبات خواهیم کرد که انتخابات دوره هفدهم برخلاف قانون و روی آزادی نیست.

مصدق وآقای کاشانی میخواهند افرادی رامنصوب بنمایندگی نمایند. من ممکن است یکی چند روز به حوزه انتخاباتی و سایرنقاط بروم و اسناد مداخله را جمع آوری نموده ودردسترس دنیا بگذارم. بیان ایشان در جلسه قبل طوری بود که از واقعه پنجشنبه 14 آذر متأسف نیستند. آیا این عمل با مملکت داری و مسلمانی وفق میدهد؟

آقای دکتر مصدق من بخاطر دارم که تقریبا 30 سال قبل آقای خلیلی در روزنامه اقدام مقاله ای نوشته بود و درآن مقاله انحراف شما را به استناد کتابی که نوشته بودید از توحید ثابت ساخته بود شما در آن تاریخ به عده ای از علما متوسل شدید که فایده نبخشید بالاخره به آقای سید اسدالله خرقانی متوسل شدید و آن مرحوم خواست ماست مالی کند ولی نتیجه نداد چون در این تاریخ اطلاع پیدا کردید کتاب شما را بدست آورده اند و میخواهند مردم را به افکار و حقایق شما آشکار سازند پیشدستی کردید که مبادا انتشار کتاب شما را به جامعه معرفی سازد.

آقای دکتر مصدق آشنایان به دوران شما شاید هنوز از سابقه شما و ریاست مالیه شما در خراسان اطلاع داشته باشند ، مگر شما همان کسی نیستید که با وکیل الملک پدر مرحوم علی اکبر دبیر سهرابی همدست شده و با شیخ محمد نام رزاز نوکر مرحوم سید علی اکبر مجتهد تفرشی اسناد و فرامین قراء قوچان را مثل قریه فرحواز و هی هی و غیره که مرحوم امیر سهرابی 7 سال قبل از فوتش با ارشاد اینجانب به مرحوم اسدی صلح کرد و آن مرحوم وقف برای ساختن بیمارستان نمود جعل نمودید.

مگر شما برای آقاخان محلاتی پدر آقاخان فعلی نشان و حمایل و فرمان مخصوص نفرستادید؟ و وقتی مظفرالدین شاه باین عمل واقف شد شهرت یافت که میخواهد دست شما را قطع کند و با توسل به مرحوم سید علی اکبر تفرشی شاه از شما صرفنظر کرد و در جلو تخت مرمر به فلک بسته شدید و چوب نخوردید و تبعید به فرنگستان گردیدید؟ آیا هیچ فکر میکردید من درتمام زندگانی سیاسی و آشنائی شما حاضر نشدم حتی یک مرتبه در خانه شما قدم بگذارم برای چه بود؟ برای اینکه از پیر مردان و معتمدین مکرر این قصه و قصه های دیگر را ازشما شنیده بودم.

دیروز عده زیادی از مردمان محترم که بدیدن آقای جمال امامی و متحصنین آمده بودند آقای محترم فاضلی که با شما دو سال قبل در دربار تحصن جسته بود صریحا اظهار داشت شما در مدت تحصن در دربار حتی یک مرتبه نماز نخواندید. آقای مصدق شما نماز نمیخوانید و خیال میکنید ما آنرا فراموش کرده ایم؟ هرقدر میتوانید سلب آزادی از ما بنمائید ما هم ناچاریم شما را به مردم معرفی کنیم. اسنادی از شما در نزد آقای جمال امامی موجود است که همه اصرار

دارند فاش شوند و در مجلس بخوانند ولی دیشب ایشان صریحا فرمودند من از خارجی ها خجالت میکشم که نخست وزیر ایران را با این اسناد معرفی کنم.

آقایان نمایندگان ، شما نطق دکتر مصدق را در رادیو شنیدید با هر بیان فریبنده و شیرین بود ولی شما را به خدا آیا سزاوار بود آقای مصدق نمایندگان مجلس شانزدهم را که به اتفاق کلمه به ملی شدن نفت رأی دادند وکلای تحمیلی خطاب کنید؟ درآینده مردم ایران قضاوت خواهند کرد که انتخابات ایشان چه صورت داشته آیا آزاد بوده یا انتصابی؟

دکتر شایگان ، من از اقلیت متشکرم که درباب یک مسأله مهم مملکتی خواهان توضیح شده اند و آن مراجعه به دیوان دادگستری بین المللی است. درباب شورای امنیت آقایان محترم نمایندگان اقلیت گفتند ما نتیجه ای از شورای امنیت نگرفته ایم. این مطلب اشتباه است. تقاضائی که دولت انگلستان ازشورای امنیت کرده بوداین بود که آن چیزی که به عنوان اقدام تأمینیه از طرف دیوان بین المللی تعیین شده بود آن را دستور اجرا بدهد و بعد هم که بعون الله ما موفق شدیم انگلیس ها را اخراج کنیم در آن تغییر داده و گفتند صرفنظر از این قسمت بقیه اقدامات تأمینیه را شورای امنیت دستور اجرا بدهد. و اما آنچه را که ما میخواستیم این بود که شورای امنیت این مطلب را رد کند و بگوید در صلاحیت ما نیست.

اول کاری که شورای امنیت کرد این بود که خواسته دولت انگلیس را رد کرد ولی از آن جائی که طرفدار زیادی داشت و خود شورا نمی توانست رسما علیه آنها رأی دهد آمد و رائی داد که برای انگلستان نفعی نداشت ولی برای ما مفید بود. یعنی فرمولی پیدا کرد و گفتند تا وقتی که دادگاه بین المللی دادگستری درباب صلاحیت خود اظهار نظر نکرده ما این قضیه را مسکوت میگذاریم. آنها که به جریانات بین المللی آشنا هستند میدانند که با این رأی چه پیشرفت عظیمی نصیب دولت ایران شده و حال شاید بفرمائید که چون من طرفدار دولت دکتر مصدق هستم این امر را عرض میکنم ولی این طور نیست و خود امریکائی ها در مجلات و روزنامه های خود نوشتند که دکتر مصدق فاتح شد و انگلستان شکست خورد.

مجله لایف همان روز عکس دکتر مصدق را کشید و با یکی از خنده های عمیق مخصوص به خود ایشان و بعد هم عکسی از سر گلادوین جپ کشید که بسیار متأثر است و بعد زیر آن نوشته بود که دکتر مصدق از رأی شورای امنیت خندان و جپ گریان است و اما راجع به دیوان دادگستری بین المللی که مطالب در این امر برای اقلیت روشن نیست.

اقدام دولت در مرحله اولی و آخری یکی نبوده است. بایستی عرض کنم که دولت مصدق در سیاست داخلی و خارجی خود مایل به استتار نیست و میل دارد تمام نمایندگان ملت از آن مطلع شوند. در مرحله اولی که این قضیه شکایت انگلیس به دادگاه لاهه پیش آمد ما خوف داشتیم با تسلطی که دولت انگلیس در مؤسسات بین المللی دارد ممکن است از آن مؤسسه رأیی صادر شود که مضر به ملی شدن نفت باشد و این ترس باعث شد که ما بگوئیم

به هیچ نحو از انحاء در کار دیوان شرکت نمیکنیم ولی ضمنا برای اینکه حرف حق خود را هم به سمع قضات دادگاه رسانیده باشیم آمدیم و با از خود گذشتگی کامل و کمی وقت دلایل خود را نوشتیم و آنرا با دو دلیل قوی یکی راجع به عدم صلاحیت محکمه و دیگری راجع به عدم اهلیت مدعی فرستادیم برای دیوان و چون ما را غافلگیر کرده بودند ما تصمیم گرفتیم که یک شخص مطمئنی دلایل ما را زودتر به لاهه ببرد و خودش هم شفاها با قضات صحبت کند. بعد از این اقدام دادگاه نهایت بی انصافی را کرد و قراری صادر کردند که بالاتفاق تصویب نشد چون بی عدالتی کرده بودند. درمورد اینکه آیا ما باید میرفتیم در دادگاه شرکت میکردیم یا نمیکردیم بحث درازی شده است. عده ای میگویند اگر ما میرفتیم و دفاع میکردیم و این رأی صادر میشد و بعد آنرا اجرا نمیکردیم به ضرر ملت ایران تمام میشد. اما دسته دیگر میگویند اگر شرکت کرده بودیم و دلایل خود را میگفتیم این رأی صادر نمیشد.

اما وضع فعلی با وضع سابق تفاوت کلی دارد، چند اتفاق تازه افتاده که سبب میشود ما برویم و در دادگاه شرکت کنیم. یکی اینکه گفته میشود اولا امروز خلع ید از آنها شده است. ثانیا این است که دولت انگلیس اصالتا و وکالتا از طرف شرکت نفت ملی شدن صنعت نفت را به رسمیت شناخته است و مطلب سوم این است که به نظر ما تجربه ای هم بدست آمده و در شورای امنیت دیدیم این کار به ضرر انگلستان تمام شد یکی از نظر رأیی که به ضرر آنها بوده و دیگر از نظر اینکه دولت ایران موفق شد مظالم شرکت نفت را به سمع دنیا ارزان و مناسب برساند یعنی کاری را که آقایان میخواستند با میلیونها دلار بکنند با شرکت ما در جلسه شورا عملی شد.

آما این مطلب که آیا این دفعه به دیوان برویم یا نرویم هنوز در بحث است و هنوز هیچ نوع تصمیمی درباب صلاحیت بلکه حتی در امر شرکت هم گرفته نشده است. یک مرحله این است که ما تصمیم بگیریم که آیا باید شرکت کنیم یا نکنیم و چون هنوز تصمیم گرفته نشده آقایان اقلیت ممکن است تشریف بیاورند به هیأت مختلط و نظرات خود را بگویند. اما مرحله دوم این است که تازه اگر شرکت کنیم شرکت ما دال بر شناسائی صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری نیست بلکه شرکت میکنیم تا بگوئیم شما صالح برای رسیدگی به این کار نیستید رأیی که در مرحله اول علیه ایران دادند این بود که اقدامات تأمینیه را ترتیب دادند و حرف ما این بود که میگفتیم آقای محکمه تو حق نداری قبل از تعیین صلاحیت قرار تأمینیه صادر نمایی ولی الان وضع این نیست و امر دایر بر این نیست که آیا اول راجع به صلاحیت حرف بزنند یا امر دیگر بلکه امر دایر بر این است که حالا صحبت از ماهیت دعوا در میان است و طبق آئین نامه دادگاه اول باید در صلاحیت تصمیم بگیرد و بعد وارد ماهیت دعوی شود.

اما درمورد مخارج مسافرت بنده، باز آقایان حرفهائی زدند وگفتند که یکصد و پنجاه هزار تومان خرج کرده ایم ولی من عرض کردم فقط هشتصد لیره بما دادند و الان هم رسید دولت مبنی بر اعاده سیصد لیره بقیه این پول حاضر است که آنرا تقدیم مقام ریاست میکنم.

من شنیدم در اینجا گفته شد که بچه مدیر روزنامه چلنگر را کشته اند من لرزیدم ولی بعد که رفتم و تحقیق کردم دیدم چنین چیزی صحیح نیست و اصلا حتی در همسایگی مدیر چلنگر هم بچه ای کشته نشده است. صبح روز شنبه من در منزل آقای دکتر مصدق بودم و خبر دادند که عده ای رجاله ریخته اند در خانه مدیر روزنامه فرمان و آنجا را غارت کرده اند. فورا من و آقای مکی و آقای دکتر فاطمی رفتیم به خانه آقای مدیر روزنامه فرمان و معلوم شد حتی یک شیشه از خانه ایشان هم شکسته نشده است. بنابراین آقایان حرف حق بزنید تا مردم از شما پیروی کنند.

تمام آقایان میگویند ما میخواهیم ایجاد یک دمکراسی صحیح بکنیم. این اقلیتی که میخواهد حکومت کند یا باید اختیار و قدرت خود را از دیکتاتور بگیرد و حکومت را بدست یک قلدر بسپارد که ملت ایران آنرا رد کرده و آقایان هم این را قبول ندارند یا اینکه بسوی یک طرز حکومت دیگر روند و قدرت را از ملت بگیرند کسی که میخواهد ازملت قدرت بگیرد باید در رفتار و کردارش محتاط باشد. تمام ملت فیلسوف و عالم نیستند و شما باید مردم را نگهدارید. شما نباید به ملت فحش بدهید. شما درس خوانده هستید، شمائی که میخواهید این ملت پشت سر شما باشند حق ندارید احساسات این مردم را جریحه دار کنید. شمائی که میخواهید استفاده از آراء مردم بکنید بایستی با تمام هوش و ذکاوتی که دارید از مردم بد نگوئید. ما هم اقلیتی بودیم در برابر حکومت رزم آرا ، اگر من مقوائی با رزم آرا مبارزه میکردم برای این بود که وقتی از اینجا بیرون میرفتم مردم مرا روی دست بلند میکردند. شما که نه مردم را قبول دارید نه حکومت را پس با کدام قدرت میخواهید حکومت کنید؟

28 آذر 1330

نامه نمایندگان اکثریت به رئیس مجلس

چون درجلسه اخیرمجلس بعضی ازناطقین اقلیت فعلی اهانت وبی ادبی هائی به یکی ازشخصیت های بزرگ عالم اسلام وایران یعنی حضرت آیت الله کاشانی نموده اند بنابراین امضا کنندگان ذیل مادام که جلوگیری از این قبیل جسارت ها نشود و رفع اهانت به عمل نیاید دیگر در جلسه رسمی شرکت نخواهیم کرد.

5 دیماه 1330

استیضاح دولت

امضاکنندگان زیر دولت مصدق را نسبت به موارد زیر استیضاح میکنیم.

1- تخلف از قوانین کشور 2 - سلب آزادی و امنیت از افراد ملت 3- سوء سیاست اقتصادی، 4 - عدم مراعات احترام مجلس شورای ملی

جمال امامی ، دولتشاهی ، شوشتری ، سنندجی ، تیمور تاش ، فولادوند ، پالیزی ، پیراسته ، غضنفری ، پناهی ، اعظم زنگنه ، مهدوی

8 دیماه 1330

مذاکرات نخست وزیر با سفیر امریکا

نظر به اینکه در هشتم ماه دسامبر یعنی 20 روز قبل موعد قرارداد منعقده بین دولتین ایران و امریکا منقضی شده و هنوز دولت ایران نظر خود را برای تجدید یا تمدید قرارداد مزبور به دولت امریکا اطلاع نداده است لذا آقای هندرسن در ملاقات اخیر خویش با آقای دکتر مصدق بدوا نظر دولت ایران را در این زمینه استفسار کرده است.

همچنین آقای هندرسن برای آنکه نخست وزیر از شرایط کمک امریکا به ایران مستحضر گردد متن قانون کمک امریکا را که به تصویب کنگره امریکا رسیده است در اختیار آقای نخست وزیر قرار داده است. بر اساس این قانون کشورهای کمک گیرنده قبلا باید موافقت خود را با شرایط مزبور اعلام دارند تا بتوانند از کمک های امریکا استفاده کنند.

قانون کمک نظامی و اقتصادی امریکا به کشورهای جهان شامل 6 ماده است که دول استفاده کننده ناگزیر هستند کلیه مواد آنرا قبول نمایند و چون در یکی از مواد آن صراحتا اشاره شده است که امضا کنندگان پیمان به منظور حفظ صلح بین المللی باید از محل کمک های امریکا نیروهای دفاعی خود را تقویت نموده و بدین ترتیب به نیروهای تدافعی بین المللی کمک نمایند. لذا آقای دکتر مصدق قبول این ماده را چون خلاف مصالح عمومی کشور دانسته و معتقد هستند اجرای قانون مزبور با استقلال سیاسی ایران منافات دارد و لذا ادامه مذاکرات فیمابین به بعد موکول خواهد گردید.

دلایل رد پیشنهاد از طرف نخست وزیر ایران به دلایل زیر میباشند.

اول - دولت ایران بنا بر مندرجات منشور سازمان ملل متحد برای مجاهدت در راه تأمین صلح بین المللی تعهداتی دارد.

دوم - میزان کمکی که امریکا به موجب پیمان مورد بحث به ایران خواهد داد به اندازه ای کم است که حاجتی به قبول چنین تعهدات سنگینی نیست.

سوم - استفاده دولت ایران از کمک امریکا و قبول هرگونه تعهد منوط به تصویب مجلسین ایران میباشد.

بنا باظهار سخنگوی وزارت امور خارجه ایران چون مذاکرات فیمابین مقامات ایران و امریکا در زمینه شرایط استفاده از کمک های امریکا در مرحله ابتدائی میباشد هنوز نمیتوان درمورد آن اظهار نظر قاطعی کرد.

17 دیماه 1330

اعتراض به طرح نمایندگان اقلیت

تعداد 100 نفر از نمایندگان بازرگانان ، اصناف و پیشه وران امروز به عنوان اعتراض به طرح نمایندگان اقلیت درمورد نظارت برانتخابات با رئیس مجلس شورای ملی ملاقات نمودند. در ابتدای جلسه که به غیر از آقای رئیس آقایان دکتر معظمی ، مکی ، ملک مدنی ، شایگان ، حائری زاده ، بقائی و محمد علی مسعودی حضور داشتند محمد حسین راسخ افشار از طرف نمایندگان بازرگانان و اصناف اظهار داشت ما آمده ایم تا از تصمیمات گذشته مجلس نسبت به وضع قوانین مفید تشکر کنیم و همچنین متذکر شویم که اقدامات دولت در امر انتخابات تاکنون مورد قبول ملت ایران بوده و اگر احیانا متصدیانی بوده اند که مورد سوء ظن واقع شده اند آنها را هم تعویض کرده اند.

طبق قانون انجمن مرکزی است که میتواند به صحت و سقم انتخابات نظر بدهد و تاکنون دردنیا قانونی تصویب نشده که به مدعی حق نظارت بدهد. وکیلی که امروز برکرسی مجلس نشسته مدعی است از برای آن کس که میخواهد دوره بعد وکیل شود بنابراین چطور میتوان اورا در امر انتخابات حاکم نمود و به او اجازه داد که هر انتخاباتی را دلش میخواهد نقض کند و هر انتخابات دیگر را تأیید نماید؟

آقای مکی اظهار داشت من خیلی خوشوقتم که ملت ایران بیدار شده و در هر امری از امور کشور اظهار نظر مینماید. البته بازار هم یک واحد سیاسی است که هر وقت خواسته اند مطالب خود را با آقای رئیس مجلس درمیان نهاده اند. حربه نماینده درمورد عملیات خلاف قانون دولت باید استیضاح وسؤال باشد نه اینکه درامور اجرائیه دخالت کند. ما البته از استیضاح هم نگرانی نداریم زیرا در شرایط کنونی استیضاح موقعیتی بدست دولت داده تا مطالب خود را به ملت ایران بگوید و به او نشان دهد که برای نجات از استعمار یک راه بیشتر در جلو ندارد.

روزنامه تریبون دوناسیون اخیرا نوشته در وزارت خارجه انگلیس دو فکر هست یا آنکه کاشانی مصدق و مکی را ترور کرده و ازبین ببرند و یا اینکه بدست سایر مقامات حکومت دیکتاتوری برپا کنند.

نامه رئیس مجلس به نخست وزیر و پاسخ دکتر مصدق

جناب آقای نخست وزیر، چون سه فوریت طرح نمایندگان دایر به تعیین یک هیأت نظارت ازطرف مجلس برای رسیدگی به امور انتخاباتی تصویب شده و اینک باید اصل آن مطرح گردد و از طرف دیگر طبق ماده 116 آئین نامه داخلی هنگام طرح لوایح و طرح ها وزیر مسؤل یا معاون

وی باید در جلسه حضور داشته باشند و اینک وزیر کشور مستعفی و معاون ایشان نیز به مجلس معرفی نشده است لذا متمنی است یک نفر را برای حضور در جلسه علنی و شرکت در دفاع طرح معرفی فرمائید.

پاسخ نخست وزیر

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی، نامه جنابعالی عرض وصول ارزانی بخشید و چون در جلسه 19 آذر که بنده برای شرکت درجلسه علنی به مجلس آمده بودم تماشاچیانی با اسلحه در مجلس حضور داشتند که مقصودشان اجرای توطئه علیه اینجانب بوده و برحسب پیش آمد نقشه آنان عملی نشده و این جانب از آن جلسه جان سالم بدر بردم اکنون هم که حضوراینجانب ضرورت دارد چون انتظامات داخلی مجلس از وظایف آن جناب است تمنا دارم بفرمائید بچه ترتیب امنیت جلسه را تأمین خواهیدفرمود تا پیش آمدی نظیرآن روی ندهد؟

پاسخ رئیس مجلس به نخست وزیر
چون همانطور که گفته شد طبق ماده 116 آئیننامه داخلی رئیس مجلس باید به وزیر مسؤل یا معاون او اطلاع دهد که در موقع مذاکره درباره طرح و لوایح در جلسه علنی شرکت نماید لذا نامه قبلی صادر شد و منظور این بود که جنابعالی یکی از این آقایان را تعیین بفرمائید.

اما راجع به توطئه 19 آذر ماه که اشاره کرده بودید عده ای از تماشاچیان اسلحه داشته اند گرچه خود من در آن جلسه مجلس را اداره نمیکردم ولی طبق تحقیقاتی که بعمل آمده به هیچ تماشاچی با اسلحه اجاره ورود تاکنون داده نشده است و همانطور که در موقع تحصن جنابعالی انتظامات داخلی مجلس که از وظایف اینجانب است حفظ میشد خاطر محترم مطمئن باشد که از این پس نیز هر وقت به مجلس تشریف بیاورید انتظامات مجلس از هرجهت تأمین بوده وانتظار وقوع هیچ پیش آمد سوئی نخواهد بود.

23 دیماه 1330

نوشتاری از دکتر گریدی سفیر سابق امریکا در ایران

دکترگریدی سفیرکبیر سابق امریکا در هران که از نزدیک شاهد مبارزه ملت ایران برای ملی شدن صنایع نفت خود بوده است در مجله ساتردی ایونینگ پست در 5 ژانویه در مقاله زیر عنوان « امریکا در ایران چه اشتباه هاتی کرده » نوشته است امروز موقع آن رسیده است که بی پرده بدون هیچگونه ملاحظه درباره اوضاع اخیر ایران صحبت کنم. بحران فعلی آن کشور مهم تر از ملی شدن نفت و از کار افتادن بزرگترین پالایشگاه های نفت جهان میباشد زیرا درنتیجه تحول اوضاع موقعیتی پیش آمده است که هرلحظه ممکن است ایران بدست یک حکومت کمونیست بیفتد و یک کره ثانی بوجود آید.

در این مقاله شرح خواهم داد این وضع دراثر مذاکرات و حوادثی در واشنگتن و لندن و تهران و مسکو بوجود آمده و من در اینجا جریان این وقایع را که منجر بوضع بحران آمیز کنونی شده است صاف و پوست کنده شرح میدهم.

بنظر من عقب نشینی و شکست از این جهت نصیب سیاست غرب شده است که گفته میشد توجه به ایران چندان ضروری نیست. انگلستان در موقع حساس خطر آنرا بیان کرد ولی بطوربدی آغاز شد. اگر در ژوئن 1950 که به سمت سفیر کبیر وارد تهران شدم صورتی از اشتباهاتی که ممکن است روی دهد تنظیم میکردم هرگز این همه اشتباهاتی که در مورد نفت شده نمیتوانستم پیش بینی کنم.

اما نباید فراموش کردکه امریکا هم دراین میان باید مورد سرزنش قرار گیرد زیرا اگر چه سیاست انگلستان در ایران خودپسندانه و غیر عملی بود اما امریکا هم سیاستی کاملا نا مفهوم و غیر قابل درک داشت. اکنون که قلم بدست گرفته و از نظر کسی که از نزدیک شاهد و مربوط با این جریانات بوده است وقایع را مینویسم. یگانه هدفم اصلاح است و هرگزقصد تهمت وبدگوئی ندارم.

من کاملا احساس میکنم که همکاری امریکا و انگلستان برای بهبود وضع جهان ضروری است ولی این همکاری باید عمیق و صمیمانه باشد و متأسفانه در ایران اینطور نیست. شاید بتوان با دولت چرچیل یک همکاری حقیقی برقرار ساخت تا درصورتی که دراین فکر هستیم که مصیبت و حادثه خطرناک ایران را جبران کنیم و از حوادثی نظیر آن در آینده جلوگیری نمائیم مورد استفاده ما قرار گیرد.

گرچه وقایع ایران موجد یک سلسله مشکلات دیگری برای انگلستان و کشورهای غرب گردید و واقعه مصر پیش آمد ، با وجود این میتوان درس عبرتی برای امریکا و انگلستان باشد و آنها را در آینده روشن سازد. من به یک معمای بزرگ و مشکل جهانی به مراتب زیاد تر از نزاکت سیاسی اهمیت میدهم وازاین جهت اطلاعات خود را در اینجا مینویسم و حقایق را فاش میسازم.

تا زمانی که انگلیسها ازایران خارج نشده بودند ایران بیش ازتمام کشور های حوزه خلیج فارس نفت استخراج میکرد. این قسمت از جهان که عراق و عربستان سعودی و نواحی کوچک کویت و بحرین و قطر نیز شامل آن میباشند متجاوز از 50 درصد ذخایر نفتی جهان را در خاک خود مدفون کرده است و 17 درصد ار محصولات نفت جهان را میدهد درصورتیکه دولت شوروی فقط 6 درصد از نفت دنیا را استخراج میکند.

ایران 1200 مایل با روسیه مرز مشترک دارد و مردم آن با آنکه در بد ترین شرایط زندگی می کنند با اینحال از غرور ملی بهره مند هستند. بنابراین معلوم است که چرا دولت روسیه به این بزرگترین همسایه اش که هنوز تحت تسلط او درنیامده توجه دارد و از آن طرف نشان میدهد

که ایران کشوری نیست که کشورهای غرب در ایران چنین اشتباهاتی درمورد آن بکنند. حتی اگر صاحب معادن نفت نبود وکشورهای هم جوارش نیزنفت نداشتند بازتوجه روسیه را جلب میکرد تا درهر فرصتی آنرا بدست آورد.

چنانچه روسیه بطرف جنوب سرازیر شود ایران در قدم و مرحله اول مورد تجاوزقرار خواهد گرفت واز لحاظ جغرافیائی چون دهلیز و راهرو ساختمانی است که از آن ستون پنجم و ارتش میتواند به اطاقهای آن یعنی کانال سوئز، شمال افریقا واز طرف دیگر پاکستان و هندوستان وارد گردد. روسیه نمیخواست با اشغال ایران خودرا مسؤل حمله و تجاوری قرار دهد که آتش جنگ سوم را روشن نماید. ولی اشتباهات انگلیس وامریکا چنان زمینه مناسب وجای پاهای خوبی برای کمونیست ها درست کرده است که بدون دخالت ارتش روسیه ایران را در پشت پرده آهنین باشد.

متأسفانه خطری که جریانات نفت ایران بوجود آورده بودبقدری آهسته و ملایم بود که توجه لندن و واشنگتن را تا مدتی جلب نکرد. شرکت نفت انگلیس و ایران بدون نظر وزارت خارجه انگلیس وضعی بوجود آورد که اگر روسها میخواستند چنین زمینه ای به نفع خود تهیه کنند به این خوبی نمیتوانستند. دراین مورد دولت امریکا هم کوتاهی کرد که انگلستان را متوجه سیاست خطرناک خود ننمود یا لااقل با کمک های اقتصادی خود سیاست احمقانه انگلستان و فعالیت کمونیست ها را خنثی نکرد. کسی نمیتواند کوچکترین شکی داشته باشد که کمکهای مالی و نظامی امریکا باعث نجات یونان ازچنگال کمونیزم گردید. به ترکیه کمکهای فراوان نظامی و اقتصادی شد و در ایتالیا و فرانسه برای مقابله با حزب کمونیست کمک های فراوان گردید و همچنین در تمام کشورهای غرب وسایل دفاع فراهم شد و یک فرمول ضد کمونیستی در هرکجا که لازم مینمود انجام گردید و اما در مورد ایران که دالانی به طرف مناطق حیاتی است و بیش از ترکیه و یونان مورد توجه روسیه میباشد حقیقتا غفلت و اهمال شد.

براستی خیلی دشوار است که علت این غفلت ومسامحه را درک کرد و من تاکنون موفق به درک این مطلب نشده ام و به نظر من چنانچه می بایست درهای ایران همینطور باز بماند دلیلی برای تقویت ترکیه و یونان نمیتوان یافت. شما دربازی فوتبال فقط بیک نقطه ضعیف نیازمند میباشید که به آن طرف حمله کنید و در حقیقت این همه تقویت و تسلیح ارتش ترکیه بزرگترین محرک روسیه در تجاوز از طریق ایران میباشد.

من اقرار دارم که امریکا در کمک نظامی به ایران به پایه کمکی که به یونان کرد با مشکلاتی روبرو گردید. ارتش 135 هزار نفری ایران نه تنها احتیاج به مهمات داشت بلکه به تمرین نیز نیازمند بود. اکنون هر دو را دارد ولی برای اینکه حتی ارتش کوچکی را آماده کرد وقت لازم است. از همه مهمتر علیرغم وعده ای که به ایران داده ایم درباره کمک اقتصادی غفلت و مسامحه کردیم. درست است که ازطریق کمک های اصل چهار برای جلوگیری ازآفت ملخ گرد

د- د- ت به ایران دادیم ولی تمام آن از2 میلیون دلار تجاوز نکرد درصورتیکه احتیاج ایران به مراتب بیش از این ارقام است.

صرفنظر از این قسمت باید گفت که عدم کمک اساسی به ایران نه تنها اثر منفی داشت بلکه دراثر تبلیغات روسیه و اشتباهات انگلیس زیر بنای بحران فعلی فراهم شد. دولت امریکا هرگز رسما قول نداده است که به ایران کمک اقتصادی کافی بکند. دولت امریکا خسارات زمان جنگ خود را به ایران پرداخت و از این راه حسابی نداشت! (دکتر گریدی در این مورد مرتکب اشتباه فاحشی شده است. دولت امریکا نه تنها کمکی از این بابت به ایران ننموده است بلکه در مقابل واگذاری ماشین های فرسوده ای که درهنگام اشغال ایران مورد استفاده ارتشهای اشغالگربودند مبلغ 10 میلیون دلار از دولت ایران دریافت داشته است) ولی از لحاظ اینکه ایران یک نقطه خطرناک و مورد هدف روسیه و تجاوز آن کشور بود دلایل فراوانی وجود داشت که این کمک به ایران بشود ، مخصوصا با توجه به اینکه امریکا به کشورهائی که نه از لحاظ سوق الجیشی ونه موقعیت سیاسی قابل مقایسه با ایران نبودند آنقدر کمک نقدی کرد ، این کمک ضروری بود اما همانظور که بارها تکرار کرده ام من از سیاست امریکا درباره ایران چیزی نتوانستم درک کنم.

یکسال ونیم قبل رئیس جمهور امریکا ووزیر امور خارجه ازمن خواستند که به سمت سفیر کبیر وریاست هیأت اقتصادی امریکا به ایران بروم و از سیاست تجاوزکارانه روسیه جلوگیری کنم. قرار بر این بود که امریکا زیر نظر و به وسیله من نظیر همان کمک هائی را که به یونان کرده است به ایران هم بنماید. از آنجا که من سابقا سفیرکبیر امریکا در یونان بودم ایرانیان ورود مرا پیش درآمد یک زندگی راحت تر و روزهای خوشی برای کشور فقیر خود شمردند. دولت امریکا درضمن شرایط موافقت قبول این پست به من اطمینان داد که کمک نظامی را دو برابر خواهد کرد و بانک صادرات و واردات در واشنگتن 50 میلیون دلاربه ایران قرض خواهد داد. گرچه من هنوز سوار هواپیما نشده بودم که این مبلغ به نصف تقلیل یافت ولی من امیدوار بودم که این 25 میلیون دلار بمنزله پیش پرداخت اقساط بعدی باشد. من درباره کمک های نظامی حرفی ندارم ولی میگویم چنانچه بدون تعلل و سستی مبلغ کافی به ایران کمک میشد بحران فعلی ایران پیش نمیآمد.

مقدمات و وسایل این قرض به مجرد رسیدن من به تهران در ژوئن سال 1950 آغاز گردید. لازم بود در همان ملاقات اولیه و ملاقات های بعدی من به نخست وزیر بگویم که چنانچه این 25 میلیون درست مصرف شود مقدمه پرداخت های بعدی خواهد بود. لیکن موافقت نامه این قرضه تا ژانویه 1951 برای امضای دولت ایران حاضر نشد و در آن موقع رزم آرا نخست وزیر وقت دیگر مأیوس شده بود و میگفت در نظر مردم ایران فعلا این مبلغ بسیار ناچیز است و دیگر پرداخت آن دیر شده است و برای او غیر ممکن است بتواند مجلس را راضی کند این قرضه را تصویب نماید.

کوشیدم واشنگتن را راضی کنم که اعلام دارد 25 میلیون مزبور پیش پرداخت بوده و برای طرح های مفیدی چون جاده سازی و غیره تا یکصد میلیون دلار پرداخت خواهد شد. لیکن واشنگتن پیشنهاد مرا قبول نکرد زیرا در آن صورت رسما قول یکصد میلیون دلار داده میشد درصورتیکه ایرانی ها روی 250 میلیون دلار حساب میکردند و من تاکنون هم نفهمیدم این 250 میلیون دلار از کجا بر سر زبانها افتاده است.

درهرحال این اقدام واشنگتن خیلی برای ما گران تمام شد زیرا قسمت اعظم قدرت رزم آرا را که امیدوار بودیم به وسیله او بتوانیم ایران را با غرب نزدیک کنیم از بین برد. از آن طرف عدم قبول پیشنهادات شرکت نفت انگلیس و سیاست این شرکت ، چنان موقعیت رزم آرا را متزلزل کرد که سقوط او حتمی بود ولی دراین موقع یعنی در مارس 1951 بدست یکی ازافراد افراطی کشته شد.

قرضی که امریکا وعده کرده بود تا هم اکنون که مشغول نوشتن این مقاله هستم پرداخت نشده است درصورتی که دکتر مصدق که نفت را ملی کرد و انگلیس ها را ازایران بیرون راند مدتی است موافقت آنرا از مجلس گرفته است. حالا تازه واشنگتن به این فکر افتاده است که معلوم کند ایران قرض را به دلار یا ریال پس خواهد داد! آیا توانائی این کار را دارد یا خیر؟ درحالی که اطمینان های لازم و مطالعات کافی در زمان کابینه رزم آرا و قبل از اکتبر سال 1950 تمام مقدمات آن فراهم گردیده بود.

بعد از این همه تعلل چنین به نظر میرسد که واشنگتن نمیخواهد قدمی بردارد که حمل به پشتیبانی از دولت مصدق بشود زیرا وی در مورد نفت خیلی بد رفتار کرده است (این وام در روز31 مرداد 1332 در اختیار دولت زاهدی گذارده شد).

انگلیس ها فشار اقتصادی را در برکنار کردن دکتر مصدق عامل مهمی میدانند و انتظار دارند امریکا هم با آنها همکاری کند درصورتی که این قرضه ارتباط با موضوع نفت ندارد و تشابهی که میان طرز رفتار و روش انگلیس و امریکا وجود دارد این فکر را درایرانی ها بوجود آورده است که ما هم از سیاست اقتصادی انگلیس پشتیبانی میکنیم.

از ابتدا این فکر غلط که با فشار اقتصادی میتوان مشکل نفت را حل کرد و ایرانیان را به تسلیم واداشت به مغز انگلیس ها راه یافته بود و عاقبت هم برای آنها گران تمام شد. این فکر و عقیده از مغزی تراوش کرده است که هنوز اندیشه های مستعمراتی در آن راه دارد و میخواهد سیاستی را که درزمان ملکه ویکتوریا در مستعمرات مؤثر بود امروز بکاربرد ونمیداند که نه تنها اکنون چنین افکار مفید نبوده واشتباه است بلکه خطرناک نیز میباشد. این سیاستی است که انگلستان با تجربیاتی که در هندوستان ، برمه ، سیلان و مصر اندوخته میخواهد درباره ایران هم بکار گیرد.

درمورد ایران میگفتند « بگذار گدا آنقدر محتاج به پول شود که خودش بزانو درآید» (نقل قول از چرچیل) من این ضرب المثل بی مزه و خنک را آنقدر شنیده ام که در گوشم چون صفحه گرامافون کار میکند.

این روش سیاسی انگلستان نتوانست امواج نهضتهای ملی و احساسات ضد خارجی مستعمرات و کشورهای نیم مستعمراتی از قبیل ایران را فرونشاند و با عدم موفقیت روبرو گردید. انگلیس ها درست مصدق را نشناخته و به اصطلاح کم برآورد کرده بودند و نمیدانستند که نمیتوان مردی را که از مجلسین شورا و سنا به این اندازه رأی اعتماد گرفته و 95 درصد مردم کشور از او پشتیبانی میکنند به این آسانی از کار انداخت. از این گذشته با کناررفتن دکتر مصدق هم نمیتوان مطمئن شد که بجای وی مرد معتدل و موافق تری روی کار بیاید.

تاریخ نشان داده است که دراین قبیل بحران های اقتصادی همیشه افراطیون بیش از اعتدالیون شانس موفقیت دارند. انگلستان برای مدت 50 سال از نفت ایران استفاده برده است ، شرکت نفت انگلیس و ایران که 53 درصد از سهام آن به دولت انگلیس تعلق دارد بزرگترین پالایشگاه نفت جهان را در آبادان بنا کرد و در سال 1950 تقریبا 100 میلیون پوند منفعت داشته است.

شرکت نفت درسال 13 تا 15 میلیون پوند به ایران حق امتیاز میپرداخت که در حقیقت 15 در صد از کل منافع بود و 43 درصد از درآمد ایران را تشکیل میداد.

در یک موافقت نامه ای که در سال 1949 بین دولت و شرکت نوشته شد و موکول به تصویب مجلس گردید درآمد ایران از شرکت نفت به 25 تا 30 میلیون ترقی میکرد درحالی که شرکت های نفت امریکا در عربستان سعودی و شرکت بین المللی نفت عراق امروز روی پایه و اساس 50 ، 50 حق الامتیاز میپردازند و به این ترتیب دیده میشود که پرداخت 25 تا 30 درصدی که انگلیس ها پیشنهاد داده بودند آنقدر ها گذشت و فداکاری نبود. مطرح شدن این موافقت نامه جدید درایران باعث یک سلسله حوادث سیاسی گردید.

جبهه ملی دکتر مصدق که در آن موقع مرکب از 8 وکیل از 136 وکیل مجلس بود چنان خود را خوب برای مقابله آماده ساخته بودند و مخالفت آنها با نفوذ اقتصادی و سیاسی بیگانگان با خواسته های ملت ایران جور درآمد که این عده انگشت شمار سیاست ایران را بدست گرفتند.

عدم موفقیت کابینه علی منصور درتصویب قراردادجدید باعث سقوط دولت شد. رزم آراکه بجای وی به نخست وزیری رسید برای اینکه بتواند موافقت نامه جدید را به تصویب برساند امتیازات زیادتری لازم داشت. آنچه رزم آرا میخواست عبارت از امتیازات غیر پولی بود و به همین جهت فشار زیادی برای اضافه کردن حق الامتیاز به شرکت وارد نمیکرد. ازجمله چیزهائی که رزم آرا

میخواست یکی این بود که شرکت عده زیادتری از ایرانیان را آشنا به کار کرده و استخدام کند و همچنین تقاضا داشت در قیمت نفتی که در داخل کشور بفروش میرسد تخفیف داده شود.

ایرانیان برای یک گالن بنزینی که از معادن کشورشان استخراج میشد 65 سنت میپرداختند درصورتیکه شهرت دارد نیروی هوائی و دریائی انگلستان نفت و بنزین خود را به یکدهم این مبلغ از شرکت خریداری میکردند و در حقیقت میتوان گفت که مخارج نیروی هوائی و دریائی انگلیس از جیب ایرانیان پرداخت میگردید و شرکت نفت تاکنون حاضر نشده است قیمت حقیقی بنزینی را که به نیروی دریائی و هوائی انگلیس میفروخته است فاش سازد.

با آنکه فروش شرکت نفت در ایران فقط 5 درصد از کل فرآورده ها بود و این تخفیف مبلغ ناچیزی میشد باز دولت انگلستان حاضر نشد در داخل کشور نفت و بنزین را به همان قیمتی که به نیروی دریائی و هوائی انگلیس میفروشد توزیع نماید ، این امتیازات کوچک ممکن بود از مصائب و گرفتاری های فعلی جلوگیری کرده و از یک ضرر کلی ممانعت نماید ، اما سیاست انگلستان در تابستان و پائیز 1950 خیلی خودپسندانه بود.

من دراوایل ورود خود به ایران از انگلیسها خواستم به عوض اینکه مذاکرات را به رؤسا و کارمندان انگلیسی مقیم ایران محول کنند بهتر است یکی ار اعضاء عالیرتبه خود را از لندن برای این کار روانه سازند ، انگلیس ها این کار را کردند ولی یکسال بعد که خیلی دیر شده بود.

من روی تجربیاتی که از ملی شدن شرکت های نفت امریکا در 1938 در مکزیک داشتم مکرر رؤسای شرکت را متوجه این خطر ساختم وحتی قبل از اینکه کمیسیون نفت و دکتر مصدق در این باره اقدام کنند انگلیس ها را متوجه خطرملی شدن نفت کردم ولی این مرتبه هم بگوش آنها فرو نرفت.

شرکت نفت مرتب اعلام میکردکه شرکت مزبوریک مؤسسه اقتصادی است وبا سیاست امریکاوانگلیس بستگی نداردولی ازهمان سیاست های اقتصادی استفاده میشد وتصویب قرار دادهایش را موکول به موقعی میکرد که ایران احتیاج مبرم به پول داشت. با تمام این اعلام های مکرر شرکت نفت وقتی که در سال 1950 موضوع ملی شدن نفت پیش آمد ، دولت انگلستان خودرا به میان انداخت و نشان دادکه تا چه اندازه علاقمند به این شرکت میباشد ووزارت امور خارجه کوشش و فعالیت خود را بکار بست تا از ملی شدن شرکت نفت جلوگیری کرده و نگذارد خسارت هنگفتی به دولت انگلیس وارد گردد.

سه روز بعد ازآن روزی که رزم آرا به جلسه کمیسیون نفت به مجلس رفت تا با ملی شدن نفت مخالفت کند به جرم و اتهام همکاری با انگلستان به قتل رسید. قاتل به دسته دکتر مصدق بستگی نداشت بلکه از افراطیون مذهبی بود که میگفت انگلیس ها باید از ایران خارج شوند. پس از قتل رزم آرا آشوبی درکشور برپا شد که به قتل و خون ریزی منتهی گردید ودر22

مارس اعتصابی درشرکت نفت روی داد که تا 24 آوریل ادامه داشت وعاقبت کارگران باضافه حقوق ودستمزد ایام اعتصاب خود رسیدند.

رزم آرا را عامل و آلت دست سیاست انگلستان خواندن غیر منطقی و نا معقول است و باید گفت که او میخواست به کشورش خدمت کند و همان طوری که ایرانیان مطلع و خارجی هائی که ازدورشاهد هستند درک کرده اند ملی شدن نفت را به نفع ایران نمیدانست. ولی دیگر احساسات در این کار داخل شده بود و حسین علاء سفیر کبیر سابق امریکا در ایران که بجای رزم آرا نخست وزیر شده بود پس از 48 روز به علت عدم تجانس و توافق با مجلس استعفا داد و روز بعد مجلس با79 رأی از شاه درخواست کرد تا دکتر مصدق را به نخست وزیری انتخاب کند.

پیشوای جبهه ملی این پیشنهاد را به شرطی قبول کرد که مجلسین سنا و شورا بدون درنگ نفت را ملی سازند و به عمر شرکت نفت خاتمه دهند. مجلس در همان روز موافقت کرد و سنا هم دو روز بعد موافقت خود را اعلام داشت.

مصدق و اطرافیانش خیلی خوشبین بودند و فکر میکردند که پس از اخراج انگلیس ها خواهند توانست به همان اندازه نفت استخراج کنند و تمام آن را به فروش برسانند و از مشکلاتی از قبیل کارشناس و مهندس خارجی و تهیه کشتی های نفتکش و بدست آوردن خریدار تا اندازه ای غافل بودند.

انگلیس ها چون از خواب غفلت بیدار شدند و خطر را احساس کردند عده ای را ازطرف شرکت نفت به تهران فرستادند ولی پیشنهادات آنها مورد موافقت قرار نگرفت و فرستاده دولت انگلیس هم با اینکه هریمن در تهران بود و خیلی کوشید، اما به نتیجه ای نرسید. در دفعه اخیر به نظر من پیشنهاد انگلیس ها تا اندازه ای قابل تحمل بود ولی متأسفانه این پیشنهاد را خیلی دیر تر از موقع به میدان آورده بودند.

انگلیس ها به شورای امنیت شکایت کردند و چون شوری پس از رسیدگی آن را موکول به تأیید صلاحیت دادگاه داوری لاهه نمود شکست تبلیغاتی دیگری نصیب انگلستان گردید و شورای امنیت هم تا اندازه ای از اعتبارش کاسته شد و مذاکرات دکتر مصدق هم در واشنگتن به نتیجه فوری نرسید. همانطور که نوشتم در آخر کار انگلیس ها پیشنهاد معقولانه ای داده بودند که چون خیلی دور بود نتیجه ای از آن نگرفتند ولی خود انگلستان به همان سیاست و روش سابق خود باقی بود و حالا هم با فشار و قدرت سیاسی میخواهد بگوید که اگر این بحران فعلی و فشار اقتصادی به ایران ادامه پیدا کند خواهد توانست شر مصدق را از سرش کوتاه نماید و همه کار ها رو براه شود.

به همین منظور از تبدیل پوند های ایران به دلار خودداری کردند و از فروش اجناس ضروری به ایران ممانعت نمودند ولی نتوانستند نتیجه ای بدست آورند و یگانه نتیجه ای که گرفتند شهرت و معروفیت فراوان برای دکتر مصدق بود که او را قهرمان خاورمیانه و معروف جهان گردانید.

البته نباید گفت که اشتباهات انگلیس دکتر مصدق را به این قدرت و مقام رسانید. او مرد توانائی است که محبوبیت فراوان دارد و حتی دشمنان او نیز این را قبول دارند. دکتر مصدق را میتوان یک مرد کاملا با هوش و زیرک و تحصیل کرده خواند. او مرا به یاد گاندی پیشوای هند می اندازد و باید بگویم مصدق پیر مرد ضعیفی است که با اراده آهنین و شور و فعالیت فراوان برای انجام آنچه که به نظرش صرفه و صلاح کشورش در آن میباشد اقدام میکند.

اگر اوضاع نامطلوبی پیش آمده و ادامه این بحران به صرفه روسیه شده است نباید گفت که او مایل به اینکار بوده است و باید قبول کرد که مبارزه اصلی و هدف حقیقی او از بین بردن اقدامات تجاورکارانه و سیاست اقتصادی انگلستان میباشد. خوشبختانه در این ماجرا انگلستان تحت فشاردولت امریکا قرار گرفت و به بهانه حفظ اموال و اتباع خود درآبادان نیرو وارد خاک ایران نکرد زیرا بدون شک برخورد هائی بین ارتش های دولتین روی میداد و دولت روسیه هم از فرصت استفاده کرده و براساس قرارداد 1921 به عنوان حفظ اقلیت نواحی مرزی کشورش قسمت شمال ایران را اشغال مینمود والبته معلوم است که وجود ارتش انگلیس وروسیه درایران خیلی زود میتوانست جنگ جهانگیر عمومی را آغاز کند.

آخرین پولی که ایران بابت حق الامتیاز ازانگلیسها گرفت در مارس گذشته بود. اکنون وضع اقتصادی کشور وخیم شده و فرصتی برای قیام کمونیست ها فراهم گردیده است. ما نمیخواهم به بینیم که ایران یا هر کشوردیگری جزو پرده آهنین قرار گیرد ویا دست و بال روسیه درآن نواحی بازشود. اگرچه دراین قسمت نظر ما وانگلیس ها یکی است ولی تاکنون برای رسیدن به مقصود تقریبا راه های مختلف اختیار کرده ایم.

انگلستان هرگز ازکمکی که بانک جهانی به نام قرضه میخواست در اختیار ایران بگذارد راضی نبود و همچنین یقین دارم از این 25 میلیون دلار کمک فنی نیز که اخیرا وعده پرداخت آن داده شده خوشنود نیست. انگلیسها توجه زیاد امریکا را به ایران به منزله دخالت و ورود در سرزمینی میدانند که باید جزو قلمرو آنها باشد.

من نمی فهمم که اصلا چرا باید این افکار و نظریات بوجود آید و اگر امریکا همانطورکه کمک نظامی میکند کمک اقتصادی نیزبه کشورهای خاور میانه بنماید چرا باید اینطور تعبیر شود؟

یکی ازمشکلات بزرگ کاردر امریکا و انگلیس حصول توافق و سیاست همکاری نزدیک میباشد تا نظایر آنچه در ایران اتفاق افتاده در آینده روی ندهد. امروز امریکا در میدانهای جنگ سربازان و جوانان خود را به کشتن میدهد وپول اوبرای مقابله با کمونیزم بی دریغ خرج میشود تا صلح

در دنیا برقرار گردد و انگلستان باید بداند که قدرت و اقتصادیات امروز بدست امریکا است و انگلیس ها میتوانند به وسیله ما به این امتیازات برسند.

دکتر مصدق اصرار دارد که شرکت ملی نفت ایران باید منابع و پالایشگاه نفت را بکار بیندازد وکارشناسان خارجی نیز که برای این منظور استخدام میشوند تابع شرکت ملی نفت ایران باشند.

10بهمن 1330

جلسه خصوصی مجلس

آقای شوشتری، من میدانستم آقای مصدق اداره کننده مملکت نیست وفقط هم، ایشان صرف نگهداری وجاهت مصنوعی خود است. من از هیچ چیز پروا ندارم و بعد از اختتام مجلس هم روزنامه منتشر میکنم و اسرار هر امری را فاش میکنم. آقایان 44 نفر در جلسه خصوصی تشریف دارید، آیا میدانید که شما چه مسؤلیتی را دارا هستید؟ آخر اگر شما مسلمانید، مسلمان قوی القلب است و باید در موقع انجام وطیفه هراس و جبن به دل راه ندهد واگربه مملکت علاقه دارید این روشی را که شما پیش گرفته اید انجام وظیفه نیست بلکه قصور و تقصیر است.

هرکسی در مملکت دینی دارد که باید به موقع ادا کند. وکیل بارش سنگین است و شخص متدین باید تحمل احکام را بنماید. مرتبا سکوت کردید و اکنون کار بجائی رسیده که مصاحبه های متناقض میخوانید. آقایان دیروز فرشهای ادارات به فروش رفت وبزودی چیزهائی پیش میآید که همه به تعجب خواهید افتاد. شما که دیگر وکیل نمیشوید و نباید هم وکیل شوید زیرا 9 ماده قانون نفت را گذراندید و امضا کردید و خواهید دید که بالاخره مجلس عدول از آن خواهد نمود و تجدید نظر در آن خواهند کرد. ما نمیتوانیم از گفته و رأی خود عدول کنیم و سازشهای زیر پرده بزودی همه را بیدار خواهد ساخت. من به شما میگویم هنوز وقت نگذشته و میتوانید از حالت رکود و جمود بیرون بیائید و بیدار شوید.

اگر دین برای خود تصور نمیکنید دنیای خود را در نظر بگیرید. من نه از شما ملاحظه میکنم و نه از مقامات خارج و آنچه گفته و میگویم با فکر میگویم و غیر ازخداوند مستظهر به هیچکس نبوده و از هیچ مقامی ترس ندارم. این اندازه جبن بس است. مجلس شانزدهم اعمالی کرد که حالا سکوت شما اثر آن اقدامات را دارد زایل میسازد. لایحه اجرای منع استعمال مشروبات الکلی که در مجلس گفتم باید مایع و جامد یعنی هرگونه مسکر اعم از شراب و عرق و غیره و تریاک و چرس و بنگ را شامل باشد به مجلس آورده اند ولی دیشب خواندم بصورتی لایحه آن به سنا داده شده که مادر وهب به صورت کنیز هارون درآمده است.

آیا این است معنی وکالت ؟ بدانید که بعد ازظهر امروز دو روز دارید. یک روز بازپرسی در محضر الهی و یک روز هم قضاوت ملت در موقعی که از خواب غفلت بیدار شود. آقایان اگر بیدار نشوید مملکت را به تجزیه میکشانید ، یعنی شمال و جنوب را.

تحریکات در انتخابات

انتخابات لار و فسا به علت اغتشاشات شروع نمیشود

نظر باینکه دولت مایل است انتخابات مجلس شورای ملی در نهایت بی نظری و دخالت عوامل سوء استفاده کنند از آزادی انتخابات صورت گیرد ، چون در لار و فسا اغتشاشاتی روی داده که جریان انتخابات را مختل کرده است که مردم با آرامش نمیتوانند به حوزه های انتخاباتی رفته و به نامزد های مورد دلخواه خود رأی دهند و این امر تا استقرار کامل امنیت عملا میسر نیست، لذا دستور داده شده تا برقراری آرامش انتخابات آن نقاط شروع نشود و در هرنقطه دیگر هم که موجبات اخلال و بی نظمی فراهم شود و مانع جریان انتخابات بطور عادی و طبیعی گردد دولت انتخابات آن نقاط را شروع نخواهد کرد تا اینکه اطمینان برقراری امنیت حاصل نماید.

20 بهمن 1330

اغتشاش در زابل

دیروزدراثر منازعات انتخاباتی اغتشاشی در زابل روی داد که منجر به قتل فرماندار و بازرس انتخاباتی و یکی از اعضای انجمن گردید. در ساعت 8 دیشب آقای نخست وزیر تلگرافی را دریافت نمود که در آن واقعه تأسف آوری را برای ایشان فاش ساخت.

«مقدمات انتخابات زابل در کمال آرامش فراهم شد و امروز موقعی که میخواستند شروع به اخذ رأی کنند ناگهان آرامش بهم خورد و عده ای علیه فرماندار و دسته مخالف قیام کردند ودر نتیجه زد و خورد و هجوم مهاجمین فرماندار ، بازرس انتخاباتی و رئیس و یکی از اعضای انجمن به قتل رسیدند. فعلا اوضاع آرام نیست ولی مأمورین انتظامی ازتوسعه آشوب جلوگیری کرده اند»

بلافاصله بنا بپیشنهاد آقای نخست وزیر و هیأت وزیران فی المجلس تصویب کردند که در زابل و زاهدان حکومت نظامی اعلام شود.

محیط وحشت و اضطراب

مخبر روزنامه اطلاعات این گزارش را به اداره روزنامه مخابره نموده است «از چند روز قبل تمام مقدمات شروع انتخابات فراهم شده بود. اعضای انجمن اصلی و علی البدل در محیطی که توأم با آرامش بود انتخاب شدند وبازرس قضائی و مقامات مربوطه نیز درسراسرجریان امر نظارت داشتند و آرامش در تمام این مراحل موجود بود تا اینکه نوبت به اخذ رأی رسید.

طبق تصمیم قبلی انجمن مقرر شد اخذ رأی در روز 19 بهمن شروع شود و موقعی که مقدمات رأی گیری فراهم میشد ناگهان عده ای مسلح دست به اغتشاش زدند و علیه مأمورین انتظامی و کاندیدای مخالف قیام کردند ومأمورین شهربانی و لشگر ودستجات موردهجوم در مقابل مقاومت نمودند و باالنتیجه شهر دچار آشوب و بلوا و ناامنی گردید. مردم با هراس و وحشت به خانه های خود پناه میبردند و همه جا در اثر این اغتشاش اضطراب و وحشت حکومت میکرد.

مقدمه این آشوب در پشت پرده از چند روز قبل در حال تکوین بود و دستجاتی که از سه نفر طرفداران خود حمایت میکنند درصدد بهم ریختن انجمن و آرامش شهر بودند. عده ای از آنها درحالی که اسلحه گرم و سرد با خود همراه داشتند ناگهان به محل فرمانداری حمله بردند و فرماندار، بازرس انتخاباتی وعده ای از کارمندان را محاصره نمودند. دراثر داد و فریاد عده ای در اطراف فرمانداری جمع شدند و له و علیه دو دسته مشغول تظاهرات شدند ولی هیچ کس خیال نمیکرد که کار این اعتراض به قتل و خونریزی منجر شود.

در همین موقع انجمن نظارت انتخابات تشکیل بود و در آنجا هم نظیر چنین واقعه ای رخ داد و دسته دیگری با اسلحه به طرف اعضای انجمن حمله ور شدند و قصد اسیرکردن آنها را داشتند. در این موقع در شهر شایع گردید که عده ای از اعضای انجمن به قتل رسیده اند بعد این خبر منتشر شد که فرماندار و بازرس انتخاباتی نیز کشته شده اند.

بالاخره در ساعت یک بعد از ظهر مسلم گردید که فرماندار آقای کوثر، بازرس انتخاباتی آقای اسحق اشتریه و آقای سردار نظر رئیس انجمن و آقای احسانی یکی از معتمدین محل به قتل رسیدند. رئیس شهربانی ستوان یکم عباس میناپور نیز دراثر زد و خوردی که بین قوای پلیس و مهاجمین رخ داد به سختی مجروح گردیده و در منزل شخصی خود بستری شده است.

آغاز واقعه چگونه بود ؟

از صبح زود عده ای دربرابر فرمانداری اجتماع کرده و راجع به تشکیل انجمن نظارت و انجام سایرمقدمات کارتظاهرات مخالفت آمیزی مینمودند. نزدیک ساعت 11 بازرس انتخابات و آقای احسانی و چند نفر از معتمدین محل به فرمانداری آمده و قصد داشتند داخل شوند ولی متظاهرین مانع دخول آنها شده علیه آنها دست بتظاهر زدند که با دخالت مأمورین ظاهرا غائله بپایان رسید دقایقی نگذشته بود که متظاهرینی که از صبح درمقابل فرمانداری اجتماع کرده بودند غفلتا وارد فرمانداری شده فرماندار و بازرس انتخاباتی را به قتل رساندند وعده ای ازآنها

نیز بمحل انجمن رفته سردار خان بلوچ و احسانی رئیس و عضو انجمن را به قتل رساندند. بعد ازاعلام حکومت نظامی شهرآرام و مأمورین فرمانداری نظامی مشغول دستگیری عوامل آشوب و اغتشاش هستند.

22 بهمن 1330

شورش در نیشابور

ساعت یازده و نیم امروز حدود هزار نفر از اهالی نیشابور به عنوان طرفداری از دو کاندیدا ها در مسجد جامع شهر اجتماع کردند. آنان به چگونگی جریان انتخابات اعتراض داشتند و پس از مدتی از مسجد جامع بطور دسته جمعی بطرف محل مرکزی انجمن انتخابات حرکت کردند. چون تعداد محافظین صندوق ها زیاد نبودند افراد مزبور توانستند حود را به داخل محل انجمن برسانند و به صندوق آرا دست یابند. آنگاه صندوق محتوی آرا را به محل اولیه خود یعنی مسجد جامع بردند و در آنجا آرا محتوی آنرا در مقابل چشم عموم آتش زدندپس ازانجام این عمل عده ای بسوی صندوق فرعی هجوم بردند و در ضمن راه چون مأمورین انتظامی از اقدامات آنها جلوگیری به عمل میآوردند وضمنا عده ای نیز علیه آنها تظاهرات مینمودند زد و خوردی روی دا و پلیس مجبور به تیراندازی گردید.

در نتیجه سه نفر از تظاهر کنندگان که یکی از آنها زن بوده است مقتول و 5 نفر مجروح شدند که یکی از آنها پایش قطع گردید و افرادی که جراحات مختصری داشتند توسط وسایل نقلیه به منازل خود منتقل شدند. وضع بعضی از مجروحین که در بیمارستان بسر میبرند خطرناک گزارش شده است.

ساعت یک بعد از ظهر هنگامی که صندوق فرعی توسط مأمورین انتظامی به نقطه دیگری حمل میشد عده ای درصدد ربودن آن برآمدند و مأمورین شهربانی در مسیر خیابان برای جلو گیری از وقوع حوادث جدید مجبور به تیراندازی هوائی شدند. تعداد تلفات هنوز بطور مشخص معلوم نمیباشد. اکنون محلهای فرمانداری ، شهربانی ، شهرداری و ژاندارمری توسط مأمورین انتظامی مراقبت میشوند.

دزفول ، عصر روز 23 بهمن زد و خوردی بین عده ای از افراد منسوب به یکی از احزاب و مخالفین صورت میگیرد که دامنه آن به کوچه ها و خیابان های دزفول کشیده میشود. سروان آنار رئیس پلیس با عده ای پاسبان در صدد متفرق کردن جمعیت میآیند که مانع عملیات خراب کارانه آنها شوند. در این موقع شخصی به نام عبده سقا به جمعیت دستور گرفتن اسلحه رئیس پلیس را میدهد ، رئیس پلیس ناچار تیراندازی میکند که در نتیجه آن شخص مزبور مقتول و یک نفر مجروح میشود. صبح دیروزنیزافراد مزبور مجددا نظام کاظمی و موسی حجازی آموزگاران دبستان پهلوی را که از مخالفین خود میدانستند مضروب میسازند.

دیروز عصر جریانات فوق با تلفن از دزفول باطلاع نخست وزیر و وزیر کشور میرسد.

کرمانشاه ، در چند روزه اخیر عده ای در کرمانشاه به بهانه اینکه فرمانده تیپ کرمانشاه و رئیس شهربانی طی تلگراف هائی که به رمز به ستاد ارتش واداره کل شهربانی مخابره کرده اند به مقامات تهران گزارش داه اند که در آن نسبت چاقوکشی به اهالی کرمانشاه داده شده بازار کرمانشاه به کلی تعطیل و جمعیتی در حدود 2000 نفر در تلگرافخانه رفته و به این اهانت اعتراض داشته و مراتب را به مرکز مخابره کردند.

زاهدان ، خبرنگار اطلاعات طی گزارشی از زاهدان اطلاع داده است که اوضاع آن شهرستان مستعد تشنجاتی میباشد. هرچندبا برقراری حکومت نظامی ظاهرا وضع آرام است ولی نگرانی شدیدی وجود دارد که لازم است قوای انتظامی اقدامات احتیاطی و پیش بینیهای لازم را بنمایند.

جهرم ، چهار روزاست که به بهانه نقض قانون ازطرف فرماندار و بازرس انتخابات درمورد دعوت اعضای انجمن وضع شهر متشنج شده و گروهی از اهالی شهر در تلگرافخانه و مسجد جامع و سایر مساجد تحصن اختیار و بازار و دکاکین را تعطیل نموده اند واعتراض دارند که با اعمال نفوذ دو نفر از متنفذین محلی 108 نفر از اشخاصی که فاقد صلاحیت قانونی هستند به عضویت انجمن دعوت شده اند.

متحصنین از دولت تقاضا دارند که یکنفر بازرس مورد اعتماد فورا به جهرم اعزام شود و اگر تا روز 29 بهمن که اخذ آرا شروع میشود تصمیم مقتضی اتخاذ نگردد حوادث شومی به وقوع خواهد پیوست.

جنجال انتخاباتی در شهر ری

برای انتخاب اعضای شورای انتخابات شهر ری امرور درساعت 9 بامداد 108 نفرافراد دعوت شده به وسیله بخشدار در محل بخشداری حاضر شدند تا از بین آنها به قید قرعه 36 نفر انتخاب شوند. پس از حضور اکثریت در ساعت 11 قرعه کشی آغاز شد ولی وقتی به نفر بیست ونهم رسید نوجوانی بنام حسن که درصف تماشاچیان نشسته بود فریاد زد بس است دیگرنخوانید سپس به طرف میزی که قرعه ها و دفاتر روی آن بود رفت و دفاتر و صندوق اسامی قرعه ها را به حوض انداخت و یک صندلی برداشته به طرف کمیسیون رفت و با آن بسر شهردار آقای علاء الین معینی کوبید که موجب خونریزی گردید. شخصی دیگری نیز به نام محمد باقر که ظاهرا همراه جوان اولی بود با چاقو به پاسبانان حمله کرد و اسناد را از روی میز برداشته از صحنه فرار کرد.

در همین حال که میان طرفداران کاندیدا ها زد و خورد درگرفت و شخصی که با چاقو حمله میکرد موقعی که رئیس کلانتری میخواست چاقو را از او بگیرد دست او را مجروح کرد. بعد از ورود عده ای مأمور انتظامی آرامش برقرار شد و در سه بعد از ظهر قرعه کشی مجددا انجام و 36 نفر انتخاب شدند که قرار است از میان آنها اعضای اصلی انجمن به قید قرعه انتخاب گردند.

عده ای از روحانیون و طلبه ها از جمله حجت الاسلام کنی و اعتماد التولیه که به جریان انتخابات معترض بودند در داخل حرم اجتماع نموده تا تلگرافی غیر قانونی بودن انتخاب اعضای انجمن را به آقای نخست وزیر اعلام دارند. ضمنا تا روشن شدن قضیه و رسیدگی به خواسته های خود در داخل حرم حضرت عبدالعظیم متحصن خواهند شد و در حرم را بروی زائرین خواهند بست

مصاحبه وزارت کشور درمورد انتخابات

آقای خواجوی معاون وزارت کشور در باره اغتشاشات چند روز اخیر به خبرنگاران اظهار داشت باعث کمال تأسف است که چرا حسن نیت دولت درآزادی انتخابات بایستی تا این حدود موردسوء استفاده عده ای قرار گیرد و بدون جهت ایجاد هرج و مرج و تولید نگرانی و وحشت درمردم شود.

دولت انتظار دارد در این موقع خطیر عموم مردم وضع حساس مملکت را در نظر بگیرند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به دنیا ثابت کنند و عملی انجام دهند که دستاویزبیگانگان قرارنگیرد. نظر آقای نخست وزیر این است که در انجام انتخابات هرچه بیشتر تسریع گردد و در بعضی نقاط که تا بحال انتخابات آن انجام نشده بزودی شروع گردد.

تقدیم لایحه دفاعیه ایران به دادگاه لاهه

از صبح امروزکه لایحه جوابیه دولت ایران توسط آقای نواب وزیر مختار دولت شاهنشاهی به لاهه رسید توزیع آنها بین قضات دادگاه طبق مقررات دادگاه لاهه توزیع گردید. نظربه اینکه چند نفر از قضات درلاهه حضور ندارند لایحه جوابیه بوسیله پست هوائی به آدرس آنها ارسال شد. لایحه جوابیه دولت ایران بسه زبان فرانسوی، انگلیسی واسپانیولی تهیه شده است. توزیع لایحه جوابیه بین قضات به موجب مقررات و سنت دیوان لاهه بمنزله ابلاغ رسمی لایحه به دولت طرف دعوا است و در این قضیه دولت انگلیس طبق قوانین قضائی بین المللی میتواند از این تاریخ تا یک ماه دیگر کتبا به لایحه دولت ایران پاسخ دهد.

قضات دادگاه فعلا واردماهیت دعوی نخواهند شد بلکه اظهارنظر آنها درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این قضیه است چون دولت ایران بطرز قابل توجه وبا شواهد محکمی استدلال کرده است که دیوان لاهه برای رسیدگی شکایت دولت انگلیس صلاحیت ندارد و نمیتواند وارد ماهیت قضیه گردد و فقط باید قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند.

از این حسن تفاهم بهره مند گردیم. امیدوار هستیم مذاکرات ما در تهران ثمر بخش بوده و سرانجام به حل مسأله مهمی که اکنون کشور شما با آن مواجه است منتهی شود.

24 بهمن 1330

کمپانی کروپ و بازرگانان ایتالیائی

نمایندگان کمپانی کروپ که برای انجام معاملات پایاپای با دولت ایران از20 روزقبل در تهران میباشند پیشنهادی به دولت داده اند که مورد توجه قرار گرفته است. دراین پیشنهاد کمپانی کروپ درخواست نموده است دربرابر 300 هزار دلار لوله چدنی که به منظور لوله کشی آب در شهر کرمانشاه مورد نیاز میباشد از ایران نفت دریافت دارند. ولی چون در قرارداد تهاتری ایران با آلمان نفت جزو کالاهای صادراتی ایران به آلمان نمیباشد لازم است در متن قرارداد تهاتری تغییراتی داده شود. این امر در برنامه کار وزارت اقتصاد قرار گرفته و قرار است مذاکرات لازم سریعا انجام گیرد.

همچنین در هفته گذشته دو نفر از بازرگانان ایتالیائی آقایان دکتر پراکر و کنت دلازونکا به منظور معاملات تهاتری وارد تهران شده اند و با آقای دکتر امینی وزیر اقتصاد به مذاکره پرداختند. این مذاکرات در اطراف معامله نفت ایران میباشد. بازرگانان ایتالیائی پیشنهاد کرده اند که حاضر هستند در مقابل نفت قند و قماش و ماشین آلات نساجی و کشاورزی تحویل دهند و نفت دریافتی را نیز با وسایل متعلق به خود حمل خواهند کرد.

سوء قصد به دکتر حسین فاطمی

عصرامروز بمناسبت پنجمین سال ترور محمد مسعود مراسم یادبودی درمزار او واقع در مقبره ظهیر الدوله برپا بود و عده ای از روزنامه نگاران و دوستان مسعود من الجمله دکتر حسین فاطمی حضور داشتند.

در ساعت چهار و ده دقیقه دکتر فاطمی در پشت میکروفون قرار گرفت و در اطراف مبارزات محمد مسعود و تلاش او برای برقراری عدالت و آزادی سخن گفت که ناگاه صدای گلوله ای در فضا طنین افکند که به دکتر فاطمی اصابت کرد و در شکم او جای گرفت و در حالیکه از درد به خود می پیچید توسط دوستان به بیمارستان نجمیه انتقال یافت و بلافاصله به اطاق عمل برده شد و آقایان پروفسور عدل و دکتر نجم آبادی که در بیمارستان حاضر بودند توانستند گلوله را که بقسمت پشت رسیده بود درآورند و جراحی های لازم را انجام دهند.

ضارب دکتر حسین فاطمی

بلافاصله بعد ازشلیک گلوله ضارب دستگیر و تحویل مأمورین انتظامی داده شد. ضارب بعد از سوء قصد شروع به تلاوت قرآن کرد و دائما با صدای بلند میگفت "اسلام بالای همه چیز است ، اجرای احکام نورانی اسلام وطیفه کلیه برادران است، اسم من عبد فدائی اسلام وشغل من کار برای اجرای احکام حق است".

در بازجوئی های ثانوی ضارب خود را محمد مهدی فرزند غلامحسین متولد مشهد معرفی کرد تا کلاس پنجم ابتدائی درس خوانده است ، حدود 6 ماه است که وارد جرگه فدائیان اسلام شده و روزها کارگر میخ فروشی حاجی کاظم باقر زاده میباشم و شب ها در محل درسی که معلم فدائیان اسلام در آنجا شاگردان خود را درس میدهند شرکت می جستم و از روز سه شنبه قبل برای ترور دکتر فاطمی آماده گردیدم و بالاخره امروز به این کار دست زده ام.

ضارب همچنین اظهار داشت که من میخواستم نخست وزیر و امیر علائی وزیر سابق دادگستری را نیز ترورکنم ولی به جهتی به اینکار مبادرت نکرده درصدد ترور دکتر فاطمی برآمدم.

در طرف راست اسلحه ای که مورد استفاده ضارب قرار گرفته است نوشته شده "مرگ بر دشمنان اسلام" و بر روی لوله اسلحه "حضرت نواب صفا رهبرفدائیان و حضرت خلیل طهماسبی را آزاد نمائید"

تاریخ صدور حکم دادگاه لاهه

محافل مطلع و نزدیک به دیوان بین المللی دادگستری اظهار میدارند که نظربه اهمیت قضیه اختلاف بین ایران و انگلیس و استدلال محکمی که دولت ایران درلایحه جوابیه خود نموده است وقضات دیوان لاهه مجبور هستند وقت کافی صرف مطالعه لایحه انگلستان و لایحه جوابیه دولت ایران بنمایند به این جهت تصور نمیشود دادگاه لاهه زودتر از ماه مه فرصت رسیدگی به این مسأله را داشته باشد و درصورتی که دیوان مزبور در ماه مه به این موضوع رسیدگی کند نظر به تشریفات و مهلت قانونی برای اطلاع دادن به طرفین و استفسار ازآخرین نظریات آنها حکم دادگاه زودتراز ماه سپتامبرصادر نخواهد شد.

19 اسفند 1330

شرفیابی دکتر مصدق

ساعت 4 بعد از ظهر امروز آقای دکتر مصدق در کاخ اختصاصی به حضوراعلیحضرت همایونی شرفیابی حاصل کردو این ملاقات تا ساعت هفت و ربع بعد از ظهر طول کشید. از این شرفیابی هیچ کس قبلا استحضار نداشت و اعضای دولت که برحسب معمول برای تشکیل جلسه هیأت وزیران حاضربودند ساعتها در انتظار نخست وزیر بودند.

هرچند اصولا شرفیابی نخست وزیر به حضور شاهنشاه از امور جاری مملکتی است ولی بایددرنظرداشت کسالت ممتدنخست وزیر موجب شده بود که در یکماه اخیر نخست وزیر نتوانسته بود شرفیابی حاصل کند بنابراین شرفیابی دیروز با توجه به امورجاری مملکت وموقعیت سیاسی میبایست از اهمیت فوق العاده برخوردار باشد و به احتمال زیاد در ملاقات امروز مذاکرات دولت با نمایندگان بانک بین المللی و پیشرفت هائی که ممکن است در این مذاکرات صورت گرفته باشد قسمت عمده گزارش نخست وزیر را تشکیل میداده است و علاوه بر آن مسائل روزاز قبیل اوضاع مالی دولت ووضع اقتصادی کشور و سیاست عمومی دولت و اقداماتی که برای رفع مشکلات موجود باید بشود مسائل مورد مذاکره را تشکیل میداده است.

سیاست امریکا در ایران

اخیرا دانشگاه هاروارد در امریکا کتابی به نام "امریکا ، ترکیه ، یونان" به قلم لوئیز توماس و ریچارد فری منتشر کرده که در بخش هائی از آن راجع به ایران نیز نکات قابل ملاحظه ای وجود دارد.

منطقه خاورمیانه یکی ازنقاطی است که درچند سال اخیر مورد توجه و علاقه خاص امریکا بوده و امنیت و استقلال سیاسی کشورهای مختلف این منطقه برای امریکا ارزش حیاتی پیدا کرده است.

بعضی از مقامات امریکا نکات دقیق و حساسی که در تأمین استقلال سیاسی خاور میانه مؤثر است نادیده میگیرند و بطور قطع این موضوع ازطرف افکارعمومی درآن منطقه خوشآیند برای سیاستهای امریکا در آینده نمیباشد. هرگونه سیاست ولو اینکه صد در صد بی عیب و دقیق باشد باید بر پایه افکار عمومی ملت های آن منطقه قرار گیرد.

ترکیه وایران تنها کشورهای خاور میانه هستندکه با شوروی مرز های مشترک دارند. این دو کشور دو حلقه از رنجیر محاصره دول غربی علیه شوروی بشمار میروند. موضوع مهمی که کلیه ناظرین سیاسی و نظامی را بخود مشغول داشته این است که چرا ترکیه پس از جنگ بین المللی دوم در سازمان دفاعی دول غربی راه یافته و تا سال 1950 درحدوذ 700 میلیون دلارازکمک های اقتصادی ونظامی استفاده کرده ولی ایران که به مراتب مهم تر ازترکیه است تاکنون هیچگونه کمکی دریافت نداشته است.

البته وزارت خارجه امریکا در برابر چنین سؤالی سکوت اختیار خواهد کرد. تا 10 سال پیش امریکا از لحاظ سیاسی کوچکترین علاقه ای به ایران و ترکیه ابراز نمیکرد ولی بعد از قضیه پرل هاربر این مسأله تغییر کرد درآن وقت امریکا ایران و ترکیه را مانند سایر کشورهای عرب منطقه نفوذ انگلستان تلقی میکرد لذا حاضر نبود برخلاف میل انگلیس ها در این کشورها دست به عملی بزند بلکه سعی داشت که وضع دفاعی انگلیس را در خاورمیانه محکم سازد.

شرکت نفت انگلیس و ایران که امتیاز استفاده از منابع نفتی ایران را در دست دارد و در سیاست گذاری های سیاسی و اقتصادی ایران مداخله مینماید احتمالا مانع دادن کمکهای امریکا به ایران میباشد.

24 اسفند 1330

توطئه برای قتل نخست وزیر

طبق اخباری که از دوایر شهربانی بدست آمده است یک روز پس از ترور دکتر فاطمی تلفونچی دادگستری ناگهان میشنود که شاگرد نجاری گفته است ما عده ای هستیم وتصمیم گرفته ایم دکتر مصدق نخست وزیر را ترور کنیم و خواهید دید تا چند روز دیگر کار خود را خواهیم کرد. روز بعد تلفونچی وزارت دادگسری مطلبی را که بگوش او رسیده بود به اطلاع آقای نخست وزیررسانید ودستورتحقیق موضوع به اداره آگاهی داده شد. آگاهی فورا در مقام تحقیق و

کشف موضوع برآمد و به دنبال یافتن شاگرد نجار با قرائن و اماراتی که در دست داشت موفق شد شاگرد نجار را پیدا کند و او را توقیف نماید.

توقیف شاگرد نجار در 27 بهمن ماه دو روز بعد از ترور دکتر فاطمی صورت گرفت و پس از چند جلسه تحقیق و بازجوئی که از او به عمل آمد و تحقیقاتی که از آشنایان او شد بالاخره او اعتراف کرد توطئه ای برای قتل نخست وزیر تدوین شده. هویت شاگرد نجار محمد تقی کیانی مقدم میباشد 20 ساله و ساکن تهران است او اعتراف کرد که مدتی است با جمعیت فدائیان اسلام مربوط بوده و در جلسات سری آنها شرکت میکند و در یکی از این جلسات تصمیم براین بوده که تا عید نوروز دکتر مصدق، امیر علائی و سرلشگر کوپال رئیس شهربانی را از میان ببرند و در صدد تهیه وسایل این کار بوده اند.

بدون درآمد نفت میتوان بودجه را متعادل کرد

امروز آقای وزیر دارائی در مورد متعادل کردن بودجه بدون درآمد نفت به خبرنگاران روزنامه ها گفت برای تعدیل بودجه دو کار لازم است یکی توازن تجارت یعنی ایجاد تعادل بین واردات و صادرات و دوم حذف مخارج زائد و وصول مالیات دولت به طریقی که با نظم و ترتیب و حسن نیت توأم باشد.

گمرک و دخانیات بسیار مورد توجه من است زیرا عقیده دارم که اگر در این دو منبع نظارت بشود و سدی در مقابل قاچاق ایجاد گردد تفاوت سرشاری در ستون درآمد بودجه حاصل خواهد شد. اکنون کمیسیونی برای مطالعه اوضاع اقتصادی دولت و بررسی راه هائی که در اصلاح اوضاع مؤثر میباشد تشکیل شده که امیدوارم کار این کمیسیون به نتیجه مطلوب برسد.

من میتوانم با اطمینان زیاد بگویم اگر دولت در محیط امن و امان و با اطمینان و دلگرمی قوانین را اجرا کند و همه مردم حاضر شوند قروض خود را درکمال میل بدولت بدهند هیچ اشکالی وجودنخواهد داشت که با صرفه نظر کردن از عواید نفت بودجه تعدیل گردد و وضع مالی ما بدون توجه به درآمد نفت برروی اقلام درآمد های داخلی استوار شود.

متن اعلامیه سنا

امروزدو ساعت به ظهر آقایان ملکزاده ، تقوی و مؤید ثابتی آقای نخست وزیر را ملاقات نموده و ایشان را ازافکار و نظریات همکاران خود نسبت به جریان امور کشور و نگرانی مجلس سنا مستحضر ساختند و بخصوص در دو مورد اقتصاد و امنیت عمومی نظر ایشان را جلب نمودند آقای دکتر مصدق مطالب مفصلی در جواب بیان کردند.

مقارن ظهر آقایان در جلسه خصوصی سنا حضور یافته از مذاکراتی که بین خود و آقای نخست وزیر جریان یافته بود نمایندگان حاضر در جلسه را مستحضر ساختند ودراطراف این ملاقات که

تا یکساعت بعد از ظهر ادامه داشت و چون بحث در مسائل مورد نظر محتاج به مطالعه و شور بیشتری بود و وقت گذشته بود و عده ای از نمایندگان هم مسافرت کرده بودند و تعطیل در بین بود تعقیب بحث و مذاکره را ببعد از تعطیل نوروز محول نمودند و جلسه خصوصی پایان یافت.

8 فروردین 1331

اعلامیه شهربانی

از طرف کانون جوانان دموکرات تقاضا شده است روز جمعه هشتم ماه جاری دمونستراسیون بدهند. چون دمونستراسیون اصولا برخلاف مقررات و مقتضیات میباشد با وجودی که کتبا به کانون نامبرده اخطار شده است اینک بدینوسیله نیز اخطار میشود که از دادن دمونستراسیون بطور کلی صرفنظر نمایند و اگر میخواهند متینگ بدهند البته مجاز هستند که درمیدان فوزیه با رعایت نظم و انظباط بدون اینکه دسته جمعی در معابر حرکت نمایند متینگ بدهند وچنانچه برخلاف این ترتیب رفتار شود متخلفین مسؤل هرگونه پیش آمد مخل نظم بوده و طبق مقررات تعقیب خواهند شد. شهربانی کل کشور

با توجه به این اخطار کانون جوانان دموکرات درمیدان فوزیه متینگ برگذار کردند ولی پس ازخاتمه متینگ متظاهرین دسته دسته پشت سرهم از میدان فوزیه به سوی خیابان شاهرضا حرکت کردند. موقعی که اولین دسته متظاهرین وارد خیابان فردوسی شدندقوای امدادی درچند متری سفارت انگلیس مستقرشده بودند نیروی انتظامی برای متفرق کردن آنها اقدام کرد و درگیری مختصری بین آنها و تظاهر کنندگان بوجود آمد.

درابتدای خیابان نادری قوای انتظامی صف بسته و به کارگردانان جمعیت اخطار کردند که در همین جا باید به دمونستراسیون خاتمه داده شود و افراد متفرق شوند ولی چون باخطار پلیس توجهی نشد مجددا درگیری و زدوخورد بین پلیس و آنان آغاز گردید. با مشغول شدن پلیس عده ای از دختران تظاهر کننده وارد خیابان نادری شده ودرحالی که شعار میدادند به طرف کانون که در کوچه نوبهار واقع است براه افتادند در نتیجه در خیابان نادری وقسمت جنوبی خیابان استانبول درگیری شدیدی آغاز گردید که قریب 300 نفرپلیس وتقریبا 1000 نفر از تظاهر کنندگان درآن شرکت داشتند که در آن تقریبا 50 نفرمجروح شدند که بوسیله آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند.

تا این موقع هنوز گلوله ای شلیک نشده بود اما در حدود ساعت یک و سی دقیقه صفیرگلوله ای در فضا پیچید که بدنبال آن مدت ها ادامه داشت. اعلامیه دوم شهربانی دیروزجمعیت جوانان دموکرات که توده ای هستند قصد داشتند درشهر دمونستراسیون بدهند

برحسب اعلامیه ای که روزقبل ازطرق شهربانی کل کشورصادر شده بود از دمونستراسیون جلوگیری به عمل آمد. از ساعت 10 دیروز جمعیت مزبور در میدان فوزیه اجتماع نموده و تاساعت 11 و نیم متینگ دادند و از آنجا به حال اجتماع حرکت کردند و ضمن دادن شعار هائی شروع به تظاهرات کردند. از طرف مأمورین پلیس چندین مرتبه بآنها اخطار شد که دمونستراسیون را متوقف کنند ولی آنها در مقابل شروع به توهین وسنگ پرانی بطرف پلیس نمودند .

پس از این جریان جمعیت مزبور به مرکز جمعیت در کوچه نوبهار وارد شدند و دو مرتبه سنک و چوب های دستی به مأمورین پلیس حمله کردند و ازپشت بام عمارت بطرف پلیس تیراندازی نمودند که در نتیجه یک پاسبان مجروح شد. بعد ازاین زد وخورد عده ای پلیس وارد مرکز جمعیت شده وآنها متفرق و خانه مذکور را تصرف کردند طی این زد وخورد 50 نفراز طرفین مجروح و دو نفرکشته شدند.

10فروردین 1331

رفتار امریکا و انگلیس درمورد نفت با ایران

روزنامه بوئنوس آیرس هرالد زیر عنوان بالا مینویسد واقعا ایران درمعامله خود با دموکراسی های خیالی مغرب زمین که خود را ناجی و مدافع صادق تمدن در منطقه خاورمیانه میخوانند تجارب تلخی داشته است. ملی شدن صنعت نفت ایران این موضوع مهم را افشا کرد که امریکا وانگلستان درموردتجارت آزادوحدت منافع دارند و به نظریات وتصمیمات ملل دیگر و کمک به کشورهای عقب مانده توجهی ندارند و وقتی که یکی از این ملل عقب مانده و ضعیف برای حفظ حیثیت خود دست به اقدامی میزند که ممکن است خطر شروع جنگ در آن باشد انگلیس و امریکا داد و فریاد راه میاندازند که آن کشور بسوی روسیه شوروی متمایل شده است.

رویه امریکا و انگلستان نسبت به ایران را باید یک رویه فراموشکارانه خواند که بنفع خودشان اجرا میشود و به صراحت میتوان گفت که این رفتاردرتمام تاریخ وجود نداشته است. این روش صرفنظر از شرایطی که براثر تصمیماتی که در مورد نفت ایران اتخاذ میشود مهمترین عمل سوق الجیشی غرب دربرابر شرق خواهد بود.

مسئله نفت ایران دیگر هیچگونه جوانب محرمانه سری ندارد و مسأله مهمی نیست بلکه این یک نمونه استثمارامپریالیستی است بعبارت مفهوم و ساده یک قدرت مافیائی است که بتوسط قدرت بزرگی انجام میگیرد. ایران اکنون روی جاده ای قدم میزند که پر از مشقت و عذاب است و این موضوع باید وجدان دنیا را به جوش بیاورد. اگر سازمان ملل متحد یک دستگاه پوشالی و دست نشانده نبود و قبل ازاینکه به موضوع تجاوز و تهاجم احتمالی شوروی

توجه کند باید بدون تأخیر به آن تجاوز علنی امپریالیسم علیه حق حاکمیت و آزادی ایران رسیدگی کند.

مصاحبه مطبوعاتی دکتر شایگان درمورد انگلستان

خبرگذاری های خارجی را منتشر کرده اند. طبق مقررات دادگاه این لایحه برای اظهار نظر و تهیه جواب برای طرف دیگر دعوی فرستاده میشود. آقای دکتر شایگان در این مورد به در چند روزه اخیر خبر تقدیم لایحه دولت انگلیس به دادگاه لاهه خبرنگاران اظهار داشت:

نامه آقای نواب هنوز بطور رسمی دراین مورد به دولت ایران نرسیده است ولی دادگاه آنرا برای ایشان ارسال داشته است و احتمالا در ظرف چند روز آینده به دست ما خواهد رسید. قاعدتا اگر مطالب تازه ای عنوان شده باشد این حق برای ما محفوظ است که به آن جواب بدهیم.

هنوز تاریخ حرکت و اعضای هیأت نمایندگی ایران مشخص نشده اند ولی بطور محرز آقای نخست وزیر به این مسافرت خواهند رفت .

آقای نخست وزیردرتوضیحات شفاهی خودابتدا راجع به عدم صلاحیت دادگاه صحبت خواهند نمود وسندهائی از مداخله انگلیس ها در اموردا‌خلی ایران و بی اساس بودن قرار داد 1933 در اختیار دادگاه خواهند گذارد.

لایحه دولت انگلیس با وجودی که آنها مایلند از نظر دولت ایران مخفی بماند از نظر دولت ایران مانعی ندارد ولی نزاکت سیاسی ایجاب میکند که جواب دولت ایران بعد از ارسال بدادگاه منتشر شود16 فروردین 1331 انگلیس منکر شناخته شدن اصل ملی شدن نفت میباشد

رونوشت یادداشت سفارت انگلیس در تهران شماره 1530/221/30 تاریخ 28 اسفند 1330 .

آقای وزیر ، طبق دستور وزیر امور خارجه علیاحضرت ملکه انگلستان محترما با مراجعه به نامه 6362 آن جناب مورخه 21 دیماه 1330 مراتب ذیل را اشعار میدارد: بطوری که دولت علیاحضرت ملکه انگلیس مشاهده مینماید دولت شاهنشاهی طبق نامه مورخه 21 دیماه فوق استدلالات قبل را تکرارنموده ومتذکر شده اند که ملی شدن صنعت نفت درایران یک امرداخلی است که منحصرا مربوط به حق حاکمیت ایران بوده و ربطی بدولت علیاحضرت ملکه انگلیس در کشور متحده انگلیس نداشته و با وجود مراجعه امر از طرف دولت نامبرده به دیوان بین المللی دادگستری ، دیوان مزبور صلاحیت قضاوت در آن را ندارد.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان تا بحال در چندین مورد این نکته را در قبال دولت شاهنشاهی تصریح نموده که در موقعی که امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران به نوعی از آن شرکت سلب شده که برخلاف اصول بین المللی و مخالف مقررات پیمانی است که از طرف کشور ایران در قبال کشور متحده انگلیس به عهده گرفته شده. اگر دولت علیا حضرت ملکه انگلستان خود را در قضیه شرکت نامبرده دخالت نموده درواقع در امری که منحصرا به حق حاکمیت ایران است دخالتی ننموده بلکه به حقی که کلیه دول مدعی آن هستند اقدامات آن معطوف به حمایت سیاسی از اتباع خود در موردی بوده است که با آنان برخلاف اصول و قوانین بین المللی رفتار شده است.

در تاریخ 28 می 1951 دولت علیاحضرت ملکه انگلستان با تقدیم درخواست خود به دیوان بین المللی دادگستری اقدامات خود را آغاز و در تاریخ 10 اکتبر 1951 (17 مهر 1330 (یادداشتی به دیوان مزبور تسلیم و ضمن آن متذکر گردید به چه علل دولت مشارالیها معتقد است که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مورخه اول می 1951 (10 اردیبهشت 1330 (در ایران موضوعی نیست که درحدود حاکمیت داخلی ایران باشد . بلکه یک موضوع بین المللی است که دیوان دادگستری فوق صلاحیت قضاوت نسبت به آن را دارد.

دولت شاهنشاهی ممکن است مدعی شوندکه دیوان مربورصلاحیت قضاوت در ماهیت این قضیه را ندارد و با وجود این دولت شاهنشاهی نمیتواند منکر این مسأله گردد که دیوان مزبور صلاحیت دارد که بصلاحیت خود در رسیدگی به این موضوع رأی دهد زیرا این مسأله صریحا در ماده 6/36 اساسنامه دیوان دادگستری که از ضمائم منشور ملل متفق است قید گردیده بنابر این دولت علیاحضرت ملکه انگلستان لازم میداند این نکته را مؤکدا تذکر دهد که نمیتواند ادعای دولت شاهنشاهی را که طی نامه مورخه 21 دیماه 1330 اشعار گردیده و مبنی بر این است که این امر از موضوعاتی نیست که تحت رسیدگی قضائی تلقی شود بپذیرد.

به نظر دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ازماده 36 اساسنامه دیوان دادگستری چنین برمیآید که تا دیوان نامبرده رأی خود را صادر ننموده لازم است این موضوع کاملا تحت رسیدگی قضائی تلقی شود.

دولت شاهنشاهی ضمنا طی نامه فوق الذکر خود اشعار داشته اند که چون دولت علیاحضرت ملکه انگلستان به موجب نامه مورخ 3 اوت 1951 (11 مرداد 1330) اصالتا از طرف خود و وکالتا از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران ملی شدن نفت را در سراسرکشور ایران شناخته است بسیار باعث تعجب است که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان نامه مورخ 22 دسامبر 1951 (30 آذر 1330) خود اشعار داشته است که نمیتواند با خرید نفت ایران از طرف اتباع انگلیس موافقت نموده و برای دولت ایران حق قانونی نسبت به فروش نفت قائل شود. دولت شاهنشاهی متوجه خواهند بود که شناسائی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف دولت علیاحضرت ملکه انگلستان فقط به منظور انجام مذاکره بوده است و این موضوع در دو

قسمت اول نامه مورخه 3 اوت 1951 (11 مرداد 1330) که به مضمون ذیل است کاملا روشن میباشد.

طبق دستور واصله از دولت متبوعه دوستدار اینک محترما باستحضار خاطر آن جناب میرسانم که دولت مشارالیها به وسیله آقای هاریمن فورمول دولت شاهنشاهی را جهت مذاکرات بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به وکالت ازطرف شرکت نفت انگلیس و ایران و همچنین برای بحث و مذاکره در اموری که مورد علاقه مشترک دولتین میباشد دریافت نموده است .دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از این فرمول مایل است استفاده نموده و حاضر است طبق آن وارد مذاکره شود. ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند فرمود که مذاکراتی را که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با نهایت حسن نیت آغاز نمود نمیتوان به نحو رضایت بخشی از پیش برد مگر اینکه قبلا محیط فعلی تسکین یابد با اطمینان به اینکه دولت شاهنشاهی هم به همین مسئله قائل بوده وبا همان روح وارد مذاکرات خواهد شد هیأتی بریاست یکی از اعضای کابینه فورا حرکت خواهد نمود.

نه درنامه مورخ 3 اوت 1951 و نه درهیچ موقع دیگر دولت علیاحضرت ملکه انگلستان نگفته که ملی شدن صنعت نفت در ایران قانونی بوده و یا اینکه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مورخه اول می 1951 (10اردیبهشت 1330) یک عمل قانونی است که مبتنی برحق حاکمیت ایران میباشد. بطوری که دولت شاهنشاهی بخوبی میدانند دولت علیاحضرت ملکه انگلستان طبق قوانین بین المللی همواره به الغای یک طرفه قرارداد 1933 از طرف دولت ایران یعنی قراردادی که تحت نظر جامعه ملل بین دوکشور منعقد گردیده متعرض بوده و ضمن جریانات قانونی هم در دیوان دادگستری بین المللی به عمل آمده و دولت شاهنشاهی حال درآن شرکت دارند ، این اعتراض خود را تعقیب نموده است .

در یادداشت مورخه 2 اوت 1951 011 مرداد 1330) دولت علیاحضرت ملکه انگلستان متذکرشده است که حاضراست با دولت شاهنشاهی براین اساس مذاکره نماید که صنعت نفت که در ایران از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران اداره میشود بنحوی ملی شود که مورد قبول دولت مشارالیها و شرکت مزبور باشد.

بطوریکه دولت شاهنشاهی اطلاع دارند پذیرفتن یک فرمول به منزله اساس مذاکرات به هیچوجه عبارت از قبول الزام آور مقررات آن فرمول بدون توجه به نتیجه مذاکرات نمیباشد.

بنابراین دولت شاهنشاهی با تفسیر کردن نامه مورخه 3 اوت 1951 به اینکه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان عمل انجام شده ای را پذیرفته است که نتیجه اجرای تفسیر قانونی قانون ملی شدن نفت ایران میباشد کاملا حقیقت امر را مشتبه نموده اند.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان هنوز حاضر است قضیه را از طریق مذاکره حل نماید و به منظور مذاکرات بیشتر همان فرمول را به عنوان پایه بحث و مذاکره بپذیرد ولیکن لزوما تأکید

مینماید که دولت نامبرده فرمول مزبور را فقط به منزله پایه مذاکرات میپذیرد بطوری که در صورت عدم موفقیت در مذاکرات لطمه به حقوق هیچ یک از طرفین وارد نسازد. جی . اچ . میدلتون

پاسخ وزارت امور خارجه به کاردار انگلیس

شماره 140- 11 فروردین 1331

آقای کاردار ، عطف به نامه شماره15301/122/30 تاریخ 28 اسفند ماه 1330 جنابعالی اشعار میدارد:

اولا نظر دولت شاهنشاهی درموضوع دخالت دولت انگلیس درقضیه نفت همان است که طی نامه شماره 6362 مورخ 21 دیماه 1330 دوستدار به جناب آقای سفیر کبیر سابق انگلستان مقیم دربار شاهنشاهی ارسال شده است و دولت شاهنشاهی ازاین نظر که مبنی بر اصل مسلم حق حاکمیت ملی ایران است به هیچوجه نمیتواند عدول کند.

ثانیا تفسیری که دولت انگلستان دائر بر نقض اصول قوانین بین المللی از دولت متبوع دوستدار نمیتواند مورد قبول دولت شاهنشاهی واقع گردد و دلایل همه موافقت با این نظر کرارا و مفصلا اظهار و طی جوابیه دولت شاهنشاهی به دیوان بین المللی دادگستری نیز ارسال شده و بنابراین تکرار دلایل و مکاتبه در این مورد مفید فایده ای نیست.

ثالثا تفسیری که دولت انگلستان از نامه 100 مورخ 11 مرداد 1330 که در آن سفارت کبرای انگلستان بنا به دستور و از طرف دولت متبوعه خود و به وکالت از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را درسراسرکشور شناخته است نموده مایه تعجب دولت شاهنشاهی گردید و نظر دولت ایران در این مورد همان است که طی نامه شماره 6362 مورخ 21 دی ماه 1330 نیز ذکر گردیده ودولت انگلستان با روشن ترین و صریح ترین عبارتی که مجال کوچک ترین تفسیر و تأملی باقی نگذاشته و بدون هیچ گونه قید و شرط اصل ملی شدن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور شاهنشاهی پذیرفته است و بنابراین دولت ایران این شناسائی را از طرف دولت انگلستان غیر قابل تردید تلقی نموده است.

در خاتمه با مراجعه به قسمت اخیر نامه آن جناب لزوما تذکر میدهد که با توجه بمراتب مندرجه در نامه شماره 6362 مورخ 21 دیماه 1330 دوستدار دولت شاهنشاهی ایران حاضر است در حدود قوانین 29 اسفند 1329 و ازدیبهشت 1330 درباره ترتیب غرامت با شرکت سابق نفت یا با وکیل آن و بدون اینکه تفسیر مندرج در قسمت اخیر نامه شماره 5301/221/30 جی مورخ 20 اسفند ماه 1330 جنابعالی را قبول نماید وارد مذاکره شود.

با احساسات صمیمانه باقر کاظمی

سخنان اورل هاریمن درمورد دکتر مصدق

هاریمن دریکی از کمیته های فرعی کنگره شرح یکی ازمذاکرات خود را با آقای دکترمصدق چنین بیان میدارد : طی یکی ازآخرین ملاقات های خودبا آقای دگتر مصدق به ایشان گفتم آیا جنابعالی قبول دارید که به هرصورت نفت ایران باید از دل خاک خارج شود تا تبدیل به پول شده و برای رفع مشکلات عمومی ایران صرف شود ؟ پاسخ دکتر مصدق مثبت بود.

سپس گفتم آیا قبول داریدکه نفت ایران باید درپالایشگاه آبادان تصفیه شود تا در بازار بین المللی قابل فروش باشد؟ این بار نیز پاسخ دکتر مصدق مثبت بود.

سپس گفتم آیا میدانید که شما متخصص برای بهره برداری از نفت ندارید و محتاج استخدام کارشناس خارجی هستید؟ پاسخ نخست وزیر ایران یکبار دیگر مثبت بود.

آنگاه گفتم من که میانجی بی طرفی هستم و نسبتا به مسائل بین المللی و فنی آشنائی دارم می دانم که تنها راه بهره برداری و تصفیه نفت ایران این است که به نحوی از انحاء حتی اگر بطور موقت یا تحت کنترل دقیق و شرایط بسیار سنگینی هم که شده دولت ایران از وجود متخصصین انگلیسی استفاده کند تا منظور شما عملی شود.

ناگهان آقای دکتر مصدق عصبانی شده و بدون درنگ پاسخ داد من با مقدمه استدلال شما موافق بودم ولی حاضرنیستم به هیچ قیمت با بازگشت انگلیس ها موافقت کنم.

کمپانی های نفت امریکا خوشحالند اما اگر از سناتورهای با نفوذ امریکا مانند سناتور دوگلاس یا سناتور فرگوسن که از لیدر های با نفوذ سنای امریکا هستند سؤال کنیم چرا دولت امریکا حاضر نیست برای دولت ایران متخصص امریکائی بفرستد بطور صریح پاسخ میدهند که بازار نفت بین المللی در دست کمپانی های انگلیسی و امریکائی است و این تراست ها حاضر نیستند عالما و عامدا در بازار های بین المللی برای خود رقیب بتراشند حتی باید گفت بیشتر کمپانی های امریکائی ازاینکه حل قضیه نفت ایران طولانی شودخوشحال هستند.

استفاده کمپانی های نفتی امریکا در نیمه دوم و اول سالهای 1951 و 1952 به مقدار زیادی افزایش یافته است. بنابراین چگونه میتوان از صاحبان صنایع نفت و مقامات مؤثر امریکا که خود سهمی در سرمایه های عظیم شرکت های نفتی امریکا دارند توقع اعزام کارشناس برای نفت ایران داشت؟

اساس دفاعیات ایران علیه انگلیس در لاهه

آقای دکتر مصدق در مصاحبه با یکی از روزنامه های صبح امروز در تهران گفت:

دولت ایران همانطور که در شورای امنیت رفتار کرده در دادگاه لاهه نیز حقانیت خود را ثابت کرده و با اسناد نشان خواهد داد که شرکت سابق نفت فقط یک مؤسسه بازرگانی نبوده و بلکه این شرکت و بواسطه آن دولت انگلیس در کارهای ایران مداخله میکرده است و گرفتاری ها و بدبختی های کنونی زائیده اقدامات و مداخلات دولت انگلیس و شرکت نفت است.

26فروردین 1331

قرارداد 5 میلیون دلاری معامله پایاپای با ژاپن

هفته گذشته آقای کوباشی نماینده مؤسسه کمپانی « کوشو» که در بیشترکشورهای دنیا نمایندگی دارد با نمایندگان ایران که از اقتصاد ملی بودند در مورد انعقاد یک قرارداد 5 میلیون دلاری مذاکره نمودند.

طرح قرارداد مذکور تهیه شده و قرار است در خلال هفته جاری به امضا برسد. کالاهائی که قرار است از ایران صادر گردند عبارتند از پشم، پوست، کتیرا، دانه های روغنی، نمک، سنگ های معدنی، آهن ، آهن قراضه ، برنج چمپا و جو، در مقابل واردات از ژاپون عبارت خواهند بود از پارچه های نخی و پشمی و ابریشمی ، کاغذ ، سیمان ، مواد سیمیائی ، ماشین آلات ، چینی و شیشه.

صبح امروزآقای کوباشی با آقای دکترامینی وزیر اقتصاد ملی ملاقات نموده و طرح قرارداد تهیه شده میان طرفین مبادله گردید و مقرر گشت پس از انجام تشریفات معمولی طرح مزبور امضا و رونوشت آن به بانک ملی و کمیسیون ارز ارسال شود تا برای سفارشات بازرگانان و مؤسسات تجارتی حساب در بانک افتتاح شود.

2اردیبهشت 1331

کارخانه روغن سازی آبادان به کار افتاد

هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران ضمن تلگرافی به آقای نخست وزیر به کار افتادن کارخانه روغن سازی آبادان را بایشان اطلاع دادند.

بنا به اظهار نظر یکی از مهندسینی که در نصب این کارخانه شرکت داشته است نصب این کارخانه که یکی ازمدرن ترین کارخانه های تولید روغن ماشین میباشد بلافاصله بعد از جنگ شروع شد ولی نصب و راه اندازی آن هنوز آغاز نشده بود. پس از خلع ید و خروج کارشناسان انگلیسی شرکت ملی نفت تصمیم گرفت این کارخانه را تکمیل و شروع به بهره برداری از آن بنماید ، این مأموریت به آقای دکتر فلاح مشاور هیأت مدیره و مهندس اشرف کفیل اداره کل کارخانجات داده شد.

ظرفیت کارخانه 20 هزار تن روغن ماشین درسال میباشداما طبق نظر متخصصین نباید انتظار داشت که فورا این دستگاه بتواند همه ظرفیت خود را تولید کند. درحال حاضر مرحله آزمایشی انجام شده و به مرحله تولید رسیده است. ولی در ضمن کار به تدریج باید به رفع مشکلات و

نقائص جزئی که ممکن است پیش آید پرداخت. احتمال است که با رفع نواقص سالیانه تا 4 میلیون دلار ارز از کشور خارج نشود.

مهندس مزبور گفت پس از رفتن انگلیس ها دولت با کارخانجات روغن سازی امریکا وارد مذاکره شد و موفق گردید 11 هزار تن روغن به ارزش دو میلیون دلار خریداری نماید که 7 هزارتن ارآن تاکنون به ایران رسیده است .

6 اردیبهشت 1331

متن نامه های متبادله بین ایران و امریکا

در روز 4 اردیبهشت آقای دکتر مصدق نامه ای به شرح زیر برای سفیر کبیر امریکا در ایران ارسال داشته است.

جناب آقای لوئی هندرسن سفیرکبیرکشورهای متحده امریکا - تهران

درتعقیب مذاکرات شفاهی لازم است به استحضار آن جناب برسانم که دولت اینجانب نظر به وضعیت مالی و اقتصادی کمکی را که دولت متبوعه آن جناب حاضر است به این کشور بنماید استقبال میکند و تا آنجا که منابع ثروت و اوضاع عمومی ایران اجازه دهد از اصول منشور ملل متحد پشتیبانی و دفاع مینماید و از هر طرفی که مورد حمله قرار گیرد با تمام قوا از آزادی و استقلال خود دفاع خواهد کرد.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد - نخست وزیر

اولین جلسه علنی مجلس شورای ملی

در اولین جلسه مجلس شورای ملی که به منظور بررسی اعتبار نامه های نمایندگان دوره هفدهم تشکیل شد اعتبار نامه 23 نفراز نمایندگان مجلس بعلت مخالفت مجددا به کمیسیون های مربوطه بازگشت داده شد.

ضمن گزارش شعبات شش گانه مجلس پس از اعلام پرونده گزارش انتخابات مهابادبنام آقای دکترحسن امامی امام جمعه هران ومخالفت آقایان دکتر سنجابی ، زیرک زاده و حسیبی آقای فری پور مدیرروزنامه صدای مردم از لژمطبوعات فریاد زد " نوکران سفارت روس با اعتبار نامه دکترامامی مخالفت میکنند» و یکی از تماشاچیان فریاد زد« خفه شو نوکرسفارت انگلیس" و تماشاچی دیگر فریاد زد "چاقوکشان حزب زحمتکشان نمیگذارند مجلس به کار خود ادامه دهد» و به این ترتیب بین تماشاچیان مخالف و موافق دعوا و کشمکش شروع شد. در این موقع میراشرافی نماینده مشکین شهر در فضای متشنج مجلس از جای خود برخواست و به

طرف جایگاه تماشاچیان روی آورد و گفت « اینها را از جلسه بیرون کنید نوکران مصدق را از جلسه بیرون بریزید» از میان تماشاچیان عده ای شروع به هو کردن میراشرافی کردند. میر اشرافی خود را به وسط تالار جلسه مقابل تریبون رسانید و درحالیکه دست خود را بطرف تماشاچیان بلند کرده بود فریاد زد « مرده باد مصدق السلطنه ، نابود باد کابینه خائنین مصدق ! مرگ بر نوکران بیگانه ، دوره آقائی مصدق خاتمه یافته ، مصدق و کابینه اش محکوم به فنا هستند"

یک عده از تماشاچیان هم علیه او داد و فریاد میکردند و کلمات دزد ، خائن و جاسوس از هر طرف به یکدیگر داده میشد. رئیس و دکتر معظمی تلاش میکردند تماشاچیان و میر اشرافی را ساکت کنند. و لی ناگاه میراشرافی درحالی که به مصدق و کابینه اش فحاشی میکرد به طرف صندلی های ردیف جلو مجلس که معمولا اعضای دولت می نشینند رفت و با دست محکم روی پیشدستی صندلی ها کوبید و اینکار را آنقدر تکرار کرد که چهار صندلی از ردیف جلو مجلس را شکست و تخته پاره ای را در دست گرفته به طرف تماشاچیانی که علیه او شعار میدادند حمله ور شد. تذکرات و سخنان مرتب رئیس سنی مجلس نتوانست مانع عربده کشی و زدوخورد ها شود تا بالاخره گاردمجلس مداخله کرده و تماشاچیان را از مجلس بیرون کرد.

پس ازگزارش کمیسیونهای شش گانه و بازپس داده شدن اعتبارنامه به کمیسیون های مربوطه جلسه بدون حضور تماشاجی ادامه یافت درحالی که قطعات شکسته صندلی ها در وسط تالار ریخته بود و مستخدمین مشغول جمع آوری آنها بودند مجددا جلسه تشکیل گردید و منشی های کمیسیون شروع به قرائت اعتبارنامه ها نمودند در نتیجه اعتبارنامه 23 نفر از 73 نفر نماینده منتخب به کمیسیون های مربوطه عودت داده شد و 50 اعتبار نامه به تصویب رسید .

25 اردیبهشت 1331

بیانیه هیأت نمایندگی ایران درسازمان ملل متحد

دولت ایران قصد دارد ازمقررات قانون عمومی اصلاحی مربوط به حل مسالمت آمیزاختلافات بین المللی مصوب 28 آوریل سال 1949 مجمع عمومی ملل متحد پیروی نماید.

طبق قانون مزبورکلیه اختلافات بین دویا چند کشور بایستی با متابعت مقررات صلح جویانه و عدل و انصاف و حکمیت حل و فصل گردد. این امر کاملا با ماهیت واقعی فصل ششم منشور ملل متحد که مقرر میدارد عموم ملل اختلافات خود را به طریق مسالمت آمیز حل کنند مطابقت دارد

این اقدام دولت ایران نماینده صداقت وحسن نیت دولت میباشد وثابت میکند که دولت ایران قصد دارد اختلافات بین المللی را با تبعیت از مقررات و اصول صلح و آشتی حل نماید.

اولین جلسه دادگاه لاهه امروز تشکیل شد

آمروز دادگاه لاهه به ریاست سر آرنولد مک نایر قاضی انگلیسی در ساختمان مرکزی دادگاه لاهه تشکیل گردید. در این جلسه سه قاضی که به تازگی به عضویت دادگاه منصوب شده بودند به نامهای سر بنگال نارسینگ رائو از هندوستان، واریس فاریرا ازبرزیل، الکساندر ویچ از شوروی معرفی شدند

به موجب قوانین دادگاه قضات جدید باید اوراق عضویت را پرکرده و آمادگی خود را برای انجام وظیفه در دادگاه اعلام دارند. تمام قضاتی که در خارج از لاهه بودند برای شرکت در جلسات آینده دادگاه به لاهه آمده اند.

27اردیبهشت 1331

انعکاس بیانیه هیأت نمایندگی ایران درسازمان ملل

نیویورک - آسوشیتد پرس ، اعلامیه صادره از طرف هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد تأثیر فوق العاده ای درنیویورک وسازمان ملل داشته است. اهمیت این اعلامیه بیشر ازآنجهت است که دولت ایران اعلام داشته حاضراست اختلافات خود را بحکمیت ارجاع نماید.

درتاریخ 5 ماه می گذشته هنگامی که دولت انگلیس برای اولین بار نفت ایران را دردیوان دادگستری مطرح کرد و دولت ایران حاضر نشد در جریان طرح این قضیه شرکت کند وفقط با اعزام سه نماینده مستمع آزاد اکتفا کرد مقامات ایران صریحا خاطر نشان کرده بودند که ایران رأی دادگاه را بی اعتبار میداند و لذا این رأی ضمانت اجرائی نخواهد داشت. ولی تغییر رویه ایران که دراعلامیه مزبور بطور وضوح ذکر آن رفته است پاره ئی از محافل سیاسی نیویورک را به حل مسالمت آمیز بغرنج نفت امیدوار ساخته است. این محافل ادعا میکنند ایران که یکی ازاعضاء سازمان ملل متحداست چاره ای ندارد جز اینکه اختلافات خودرا ازطریق این مرجع بین المللی حل وفصل نماید.

دیوان دادگستری که یکی از سازمانهای تابع سازمان ملل متحد است میتواندباقضاوت عادلانه وبدون جانبداری ازیکی از طرفین ذینفع مسأله نفت ایران را که برای مردم ایران وهمچنین دنیای آزادجنبه حیاتی دارد حل کند.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه ، دولت ایران روز 5 شنبه با صدور بیانیه ای که از طرف هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد منتشر شده خاطر نشان میکند که از اصول منشور ملل

متحد برای حل هرگونه اختلاف تبعیت کرده و حاضر است اینگونه اختلافات را به حکمیت ارجاع کند.

این اولین بار نیست که دولت ایران علاقه خود را به حل قضایای بغرنج ازطریق مراجع قانونی ابراز میدارد بلکه در سال 1933 اختلاف خود را با انگلستان که از مسأله نفت ناشی شده بود به جامعه ملل احاله کرد و در سال 1951 نیز نخست وزیرایران شخصا برای دفاع ازحقوق ایران در شورای امنیت حضور یافت.

مقامات مسؤل دولت امریکا اظهار میدارند که منظور ایران از ذکر نام حکمیت در بیانیه خود اشاره ضمنی به نفت ایران میباشد که به دیوان دادگستری بین المللی احاله شده ولی ایران سعی کرده است آنرا در لفافه قرار دهد.

نفت ایران فعلا معلق است و تا دیوان دادگستری لاهه رأی نهائی خود را درباره آن اعلام نکند احتمال نمیرود که ایران بتواند این قضیه را حل کرده و آنرا منبع درآمد خود قرار دهد. احتمال نمیرود که تا تاریخ طرح قضیه نفت در دادگاه لاهه اقدامی برای حل نفت ایران از طرف دولت یا مقامی به عمل آید.

لندن - آسوشیتد پرس ، اعلامیه اخیر نمایندگی ایران ازنقطه نظر اینکه اصولا میبایست از طرف کلیه دولت های جهان رعایت شود بسیار مهم و غیر عادی تلقی نشده است. ایران از مدتها قبل خود را برای حضور درداگاه لاهه آماده میکرده است و کما اینکه سخنگویان دولت ایران چند بار این قضیه را تأیید کرده اند و اکنون که دولت ایران مبادرت به انتشار اعلامیه در نیویورک کرده میرساند که در حل اختلافات خود با انگلستان حسن نیت دارد.

محافل رسمی دولت انگلیس نیزاظهار میدارند که انگلستان چه عملا و چه از لحاظ معنوی علاقه خود را به استقلال ایران و رفاه مردم آن کشور ابراز داشته و این امر در 50 سال اخیر کاملا مشهود و مسلم بوده است. اختلاف نفت در میزان علاقه انگلستان نسبت به ایران تأثیری نکرده و روابط دو دولت روی اساس دوستی سابق قرار دارد و دولت انگلیس همانطوری که بارها آقای چرچیل وایدن در مجلس عوام این کشورتأیید و تأکید کرده اند همیشه حاضر است اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز و با حفظ مناسبات و مبانی مودت قدیمه حل و فصل کند.

30اردیبهشت 1331

جلسه خصوصی مجلس شورای ملی

آقای راشد ، همه آقایان میدانند که من در شعب ششگانه مجلس هنگام رسیدگی به اعتبارنامه و حتی جلسه علنی گذشته حضور نیافتم و علت آنهم این بود که از هر نقطه انتخاباتی خروارها شکایت و اعتراض به من رسیده بود و من با این شکایات و عقاید مختلف آقایان نمیدانم چه باید بکنم؟ ولی امروز که میخواستم عرض بکنم دوچیز است یکی آنکه مجلس باید حیثیت و اعتبار خود را حفظ کند ومردم را از خود ناامید نکند که با تأسف باید بگویم درجلسه اول وضع خوشی پیش نیامد و پای این مجلس را از همان اول لنگ کردند.

این مردم بطور کلی از هیأت حاکمه خواه مجلس یا دولت یا هر مقام دیگر ناراضی هستند برای اینکه مکرر دیدند که این دستگاه ها به فکر آنها نمیباشند و راستی دیگر طاقت کشیدن این سختی ها را ندارند. مجلس بجای آنکه نشان دهد که در فکر همه است نباید گرم اغراض دیگر شود وکیل نباید تصور کند که او آزاد است و هرکار بخواهد میکند. وکیل آزاد است درانتقاد بر دولت و در اظهار عقیده موافق با دلیل و منطق نه اینکه مبانی اخلاقی و مقررات دینی و اجتماعی را هم رعایت نکند بلکه برعکس وکیل از این جهات مقید تر و محدود تر است زیرا عامه مردم به او نگاه میکنند. شما در این موقع که وکیل هستید باید زبان خود را بیشتر کنترل کنید. تا آن زمانی که وکیل نبودید.

مطلب دوم آن است که مجلس باید استقلال و بی طرفی خود را خفظ کند و تحت تأثیر افراد ذی نفوذ خارج از مجلس واقع نشود وکلای ما چون نمایندگان احزاب نیستند طبعا افراد ذی نفوذ در عقاید آنها نفوذ میکنند ولی شما نباید فراموش کنید که نام اینجا مجلس شورای ملی است. باید به خاطر بیاورید این مجلس به چه مقصودی بوجود آمده ، شما باید به فکربدبختی های مردم باشید. اگر مجلس هفدهم روش جلسه سابق را تغییر داد چه بهتر و اگر نداد الان پیشگوئی میکنم که مجلس 18 خواهد آمد و کارهائی خواهد کرد که ذکر آن حالا ضرورت نداشته باشد. پس بهتر است که این افتخار را مجلس 17 کسب کند.

آقای سید جوادی ، ما اکنون درآستانه تحولی هستیم که انظار جهانیان متوجه آن است و در خانه ای نشسته ایم که تمام آن آتش گرفته است. این مملکت درحال حاضر آتش گرفته است و ما باید کاری کنیم که اتفاق و همآهنگی میان تمام طبقات ایجاد گردد و این آتش جانسوز را باید با تدبیر و درایت خود خاموش کنیم.

آقای ملک مدنی ، ما باید در مجلس شورای ملی از تشنج جلوگیری کنیم. انتقاد و بحث و مذاکره در مجلس نباید منتهی به مشاجره و توهین شود. مجلس ممکن است اقلیت تند و یا اکثریت تند داشته باشد و سخنانی از هر دوطرف گفته شود. ما امیدواریم بزودی مجلس را بازنموده و برای اصلاحاتی که خیلی ضروری است اقدام کنیم. بنظر من چیزی که خیلی ضرورت دارد این است که در اولین جلسه مجلس ما باید برای اشخاص بیکاری که تعداد آنها در تهران و شهرستانها و آذربایجان درحدود 150 هزار نفر میشود فکر عاجلی بکنیم ومردمی که میگویند ما توانائی کار داریم مجلس و دولت باید برای آنها تولید کار کند.

انتظارمردم این است که ما دراین زمینه اقدام بکنیم و بلکه انتظار دارند که مجلس هرچه زودتر تصمیمی برای اشخاص بیکار و زحمتکش اتخاذ کند و در پایان از آقایان خواهش میکنم که فکر ایجاد همآهنگی بیشتری داشته باشند تا شاید برای این مردم قدم مفیدی برداشته شود.

آقای اخگر ، همه ما از بدی وضع وخرابی اوضاع صحبت میکنیم ولی مثل این است که متوجه نیستیم این خرابیها مسؤلیتش با خود ما است. عقیده من این است که اگر آقایان نمایندگان اختلاف های کوچک و بی اهمیت را کنار بگذارند و با یک روح وحدت و یگانگی گرد هم جمع شوند و مشکلات مملکت را حل و فصل نمایند بیشتراین گرفتاری های عمومی برطرف میشود ومجلس هم با اتفاق و یگانگی خواهد توانست بر اوضاع عمومی مسلط شود.

آقای خلخالی، من مطالب زیادی دارم که به علت عدم فرصت و شاید رعایت مصلحت مملکت بیان نمیکنم و وقتی که مجلس رسمیت یافت عرض خواهد شد. اکنون چون آقای ملک مدنی به آذربایجان و فقر مردم اشاره فرمودند چند کلمه مصدع میشوم. ما که در نتیجه جنبش غیرتمندانه و شدت مبارزه مردم به نمایندگی انتخاب شده ایم وظیفه قطعی داریم که فریاد مظلومیت آنها را در مجلس منعکس کنیم و برای بدبختی ها چاره اندیشی کنیم.

هردسته بندی که دور از چشم ملت و برخلاف منافع آنها عملی شود محکوم به فنا است. اینجا صحبت از مماشات و چشم پوشی میشود هرگاه این امر تالی فاسدی نداشته باشد شاید آنقدرها زیان بخش نباشد ولی هرگاه خدای نکرده کسانی باشند که در عین اینکه خود را نماینده مردم معرفی میکنند مبعوث طبقات فاسد باشند و بخواهند چراغ زندگانی ملت و افراد محروم را بیش از این بی فروغ و مبارزات مردم حق پرست و عدالت خواه را بی اثر نمایند به عقیده من نباید با غمض عین شریک جرم باشیم و بصورت آفت برای تضییع حقوق مردم دربیائیم. من شخصا در این جلساتی که حاضر و با اوضاعی که مواجه میشوم با کمال تأسف امیدم به بهبود اوضاع منقطع میشود شاید در آینده اگر وضع اینطور ادامه یابد استعفا میدهم.

آقایان ما آخرین امید این ملت هستیم و وجود ما شاید بتواند جلوی انقلاب و خونریزی را بگیرد. انقلاب و عصیانی که در نتیجه فساد اجتماع و بی اعتنائی به حقوق حقه مردم و غفلت وظلم در کمین ما است.

در مجلس وجود اقلیت و اکثریت لازم است تا بتوان حقوق مردم را حفظ کرد و اختلاف موجود در مجلس نباید در مواردی که دولت با خارجی ها خصوصا در کار نفت مشغول مبارزه است محسوس ومؤثر باشد چون این مبارزه ای را که دولت شروع کرده امر شوخی وغیرجدی نبوده است و ما به خاطر ختم این جریان به نفع مردم وظیفه داریم مخصوصا در این موقع حساس که نخست وزیر به خارج ایران میرود بایستی اتحاد و یگانگی خود را برای تأیید نماینده ملت ایران که برای اثّبات حقانیت ایران به لاهه میرود حفظ کنیم.

آقای دکتر فلسفی ، ما با کمال تأسف وضعی پیدا کرده ایم که تمام وقت گرانبهای خود و مملکت را صرف بحث و لفظ و منازعه میکنیم بدون اینکه به معنی واقعی خود توجهی داشته باشیم. من عقیده دارم هرکس حق انتقاد را دارد بجزما نمایندگان که مجاز درانتقاد نیستیم بلکه بایستی وقت خودمان را در اصلاح و رفع نواقص و برطرف کردن مشکلات صرف کنیم. امروز ما با مشکلاتی مواجه هستیم ، مسائل بسیار خطیری در پیش است و در حال حاضر بیش از هر چیز به اتحاد و اتفاق محتاج هستیم. این گفتگوها بار از دوش مملکت و ملت بر نمیدارد.

6 خرداد 1331

در دادگاه لاهه

19خرداد1331

آغاز کار دادگاه لاهه ونامه یک بانوی امریکائی به دکتر مصدق

ساعت دو بعد از ظهر امروز دادگاه بین المللی لاهه جلسه تاریخی خود را در «کاخ صلح» تشکیل داد.کلیه اعضاء هیأت نمایندگی ایران در این جلسه حضور داشتند.

همزمان با آغازکار دادگاه نامه ای از یک بانوی امریکانی به نام ولش مقیم امریکا ایالت مریلند شهر کلمبیا که رونوشت آن به سازمان ملل متحد ، وزارت امورخارجه امریکا، سفارت انگلیس در امریکا و پاره ای از روزنامه ها و خبرگزاری های معروف فرستاده شده به دست آقای دکتر مصدق رسید.

دکتر مصدق عزیز ، در تقدیم توضیحات مربوط به دعوای ایران در لاهه و ضمن مذاکراتی که طبعا پس ازصدور حکم انجام خواهد گردید از شما خواهشمند است مراتب عصبانیت و خشم مردم ایران را که در نتیجه رنج طولانی و برای احقاق حقوق مسلم خود قیام نموده و برای اصلاحات اقتصادی واجتماعی خود ازملت انگلیس حقوق خود را درخواست میکنند باستحضار دادگاه و اشخاص مربوطه برسانید. البته کسانی که در حال بردگی بسرمیبرند بیشتر از آنهائی که آنها را در زنجیر اسارت نگاه داشته اند احساس ظلم مینمایند وعدالت هنگامی برقرار میشود که آزادی کامل حکمفرما گردد.

از شما خواهش میکنم به نظر بیاورید چه مقدار از نیروی اعضاب خود را بکار بردید تا اینکه با اتکاه به خدا و پشتیبانی ملت خود توانستید علنا در یک مسأله قیام و اقدام نمائید. هرگاه برای خواستن آزادی این اندازه رنج و کوشش لازم بود آیا ممکن است کسانی که دهندگان آن آزادی خواهند بود کمتر فداکاری و رنج تحمل مینمایند نزد خود فکر کنند که چگونه خواهند

توانست به انگلیسها این نیروی بزرگ را بدهند نیروئی که بدون آن هیچکس درواقع آزاد محسوب نمیشود.

دفاعیه دکتر مصدق

در رد صلاحیت دیوان داوری لاهه

دررسیدگی به شکایت دولت انگلیس در امر ملی شدن صنایع نفت ایران بشریت مدتی است به فکر افتاده که بجای توسل به زور و فشار اختلافات خود را از طریق حق و عدالت وبه وسیله دادگاه های بین المللی حل و تصفیه نماید. منشأ این فکر عالی و مقدس تجربیات تلخ و خونینی است که در گذشته به انسان آموخت که هرگز زور و فشار از عکس العمل های تند و وحشت انگیز مصون نخواهد ماند. رشد عقلی و فکری بشریت حکم می کند که اختلافات خود را منحصراً به وسایل مسالمت آمیز تصفیه نمایند. یقین داشته باشید آرزوی نیل به این آمال دراعماق قلوب ملت ایران که ازروز اول به جامعه ملل و بعد از آن به سازمان ملل متحد ملحق گردید ریشه گرفته است.

قضات محترم این دیوان بین المللی تصدیق می فرمایند وقتی ملتی می تواند سرنوشت خود را کاملا تسلیم حکم دستگاه های بین المللی کند که نه تنها به بی طرفی و استقلال تام کسانی که عهده دار این مقام عالی هستند ایمان کامل داشته باشد ، بلکه به وقوف آنها از جریان امورو همچنین به تجربه و اصا لت رأی آنها نیز معتقد باشد. بنابراین اگر به این حقیقت اعتراف کنیم که هنوز چنین اعتقاد وسیع و اعتماد محکمی در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد ، نباید آن را به منزله اهانتی نسبت به مؤسسات سازمان ملل تلقی نمود ، چه در تمام منشور ها و مقاولات وپروتکل ها و هر قرارداد دیگری که راجع به مؤسسات بین المللی بسته شده دول سعی کرده اند حدود اختیارات این مقامات جدید را تعیین و آنچه را که در نظرشان از مختصات اصلی حق حاکمیت آنها واساس استقلالشان است ازحدود صلاحیت و سلطه حکومت آن مقامات خارج سازند در جائی که دول بزرگی چون کشورهای متحده امریکا و فرانسه احتیاط را به پایه ای میرسانند که تعیین حدود صلاحیت ملی را موکول به تشخیص خود کرده باشند بر ملت کوچکی مانند ایران چه بحثی خواهد بود اگر صلاحیت دیوان را در حدود منشور ملل متفق و اعلامیه خود محدود نموده اجازه ندهد به هیچ عنوان به آن حدود تخطی شود.

نباید از آقایان این حقیقت را پنهان کنم که در نزد ما ایرانیان تشویش جلوگیری از هرگونه عملی که در حکم مداخله در صلاحیت ملی ما باشد شدید تر از سایر ملل است و علت هم این است که ما ملل شرق سالیان دراز مزه تلخ مؤسسات اختصاصی و استثنائی را که صرفا به

منظور تأمین منافع بیگانگان بوجود آمده بود چشیده و به چشم خود دیده ایم که کشور ما میدان رقابت سیاست های استعماری بوده و ضمنا پی برده ایم که متأسفانه علیرغم آن همه امید و آرزو ، جامعه ملل و سازمان ملل متحد نتوانسته اند به این وضع اسفناک که شرکت سابق نفت ایران و انگلیس در پنجاه سال اخیر مظهر برجسته آن بود خاتمه دهد.

ملت ایران که از این وضع به ستوه آمده بود در یک جنبش با ملی کردن صنایع نفت و قبول پرداخت اصل غرامت یکباره به سلطه بیگانگان خاتمه داد. در آن موقع دولت انگلیس به یک سلسله عملیات تهدید و ارعاب متوسل شد. چتربازان خود را به مجاورت سرحدات ایران و ناوهای جنگی را به نزدیکی آب های ساحلی ما فرستاد. سپس دست به کار محاصره اقتصادی شد و خواست این منظور را با فشار اقتصادی و توقیف ارزهائی که در انگلستان داشتیم عملی سازد. در داخله ایران به کمک عمال و ایادی خود دسایسی را بر علیه دولت و نهضت ملی ما برپا نمود و در امور اقتصادی ، مالی و صنعتی ما کارشکنی را تشویق کرد. در خارج تبلیغات به راه انداخت تا در کشورهای دیگر و محافل بین المللی موجبات بدنامی ما را فراهم سازد. در پایان چون از این فعالیت های شوم نتیجه ای باست نیاورد قیافه مظلوانه بخود گرفت و به دستگاه های ملل متحد از قبیل دیوان بین المللی و شورای امنیت شکایت نمود.

شاید عدول انگلستان از رویه سابق و توسل به مؤسسات بین المللی به صورت ظاهر پیشرفتی به نظر آید ولی با سوابق ناگواری که از سیاست انگلیس در ایران وجود دارد تأثیر این تغییر رویه در اذهان ملت ایران چنین شد که منظور انگلستان از عمل مزبور آن است که با حیله و توسل به وسایل قضائی و مسالمت آمیز دوباره همان رقیت سیاسی و اقتصادی را که به آن خاتمه داده بودیم بر ما تحمیل کند و حال آنکه ملت ایران به احیای وضع سابق دیگر هرگز تن در نخواهد داد.

با کمال اعتمادی که به حقانیت خود داریم و مخصوصا برای اینکه اعتماد ما خلل ناپذیر است نمیتوانیم قضیه ای را که برای ملت ما حیاتی است در معرض خطر رأی نامساعد ولو اینکه آن خطر غیر محتمل هم باشد قرار دهیم.

تاریخچه روابط انگلیس و ایران طولانی تر از آن است که بخواهیم در اینجا به تفصیل آن را بیان کنم. همین قدر باید بگویم که در قرن نوزدهم ایران میدان رقابت دو سیاست امپریالیستی روس و انگلیس بود. چندی بعد دو حریف با هم کنار آمدند و در 1907 کشور ما را به دو منطقه نفوذ تقسیم نمودند. سپس هنگامی که امپراتوری تزاری واژگون گردید و اتحاد جماهیر شوروی گرفتار انقلاب داخلی شد بریتانیای کبیر که از میدان جنگ فاتح بیرون آمده بود و در خاور میانه بلامنازع و بدون رقیب بود از فرصت استفاده نمود و خواست با عقد قرارداد 1919 که عنان اختیار کشوری و لشگری را بدست افسران و کارشناسان انگلیسی می سپرد ایران را

منحصراً در تحت اختیار و تسلط سیاسی و اقتصادی خود قرار دهد. بالاخره چون آن قرارداد هم با مقاومت شدید آزادی خواهان و وطن پرستان مواجه گردید ، دیپلماسی انگلیس برای اینکه نیات خود را به صورت دیگری عملی سازد رژیم دیکتاتوری را که بیست سال از آن حمایت نمود بر سر کار آورد. منظور اقتصادی سیاست انگلیس از تمهید این وسایل این بود که انحصار نفت کشور ما را تصاحب کند. به این ترتیب آنچه که می بایست موجب ثروت ملی ما بشود منشأ بلیات گوناگون و مصائب طاقت فرسای ما گردید. این سلطه به وسیله کمپانی صاحب امتیاز عملی گردید ، یعنی علاوه بر اینکه نفت ما را به سوی انگلستان می کشانید به ضرر ایران فواید کثیر مالی عاید کشور انگلستان می ساخت.

میزان این استفاده ها را نمیتوان بطور تحقیق معلوم ساخت ، چه ایران هیچ وقت نتوانست اقلامی را که در ترازنامه شرکت منظور شده بود بررسی کند و نه از میزان و قیمت نفتی که به ثمن بخث و یا حتی به رایگان به نیروی دریائی انگلیس فروخته میشد اطلاع حاصل نماید و همچنین منافعی را که از راه انحصار حمل و نقل دریائی و معاف ساختن کالاهای وارده به ایران از پرداخت حقوق گمرکی به اقتصاد انگلیس رسیده بود نمیتوانست تشخیص دهد.

چنانچه ارقام ترازنامه شرکت را حجت بدانیم باز ملاحظه می کنیم که مثلا در سال 1948 از 61 میلیون لیره عواید خالص شرکت دولت ایران از جمیع جهات فقط 9 میلیون لیره دریافت کرده درصورتی که تنها از بابت مالیات بردرآمد 28 میلیون لیره عاید خزانه داری انگلیس شده است.

علاوه بر خسارت مزبور کارگران و متخصصین ایرانی همیشه در مقابل کارمندان خارجی خفیف و در وضع نامساعدی بودند. ده ها هزار کارگر ایرانی را در منازلی که بیشتر شبیه آغل حیوانات بودند جا میدادند و ایرانیان را همواره از ترس آنکه مبادا روزی برای اداره آن دستگاه آماده شوند از کلیه کارهای فنی برکنار میداشتند. از طرف دیگر شرکت به بهانه حفظ امنیت پلیس مخفی واقعی بوجود آورده بود که با کمک اینتلیجنت سرویس نه تنها در خوزستان که حوزه استخراج نفت است بلکه در کلیه نقاط کشور و در بین تمام طبقات رسوخ میکرد.

ضمنا عملیات خود را در تمام شئون اجتماعی توسعه میداد. مطبوعات و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و عمال انگلیسی را اعم از بازرگان و نمایندگان سیاسی به دخالت در امور داخلی ایران تشویق میکرد. به این ترتیب بدون اینکه از جانب مجلسی که نمایندگان آن را خودشان تعیین کرده بودند مقاومتی به بینند ، شرکت نفت ایران و انگلیس که در حقیقت دولتی در داخل دولت تشکیل داده بودند مقدرات کشور را در دست داشت و مدت 30 سال کشور ما را در مقابل وطن پرستان که محکوم به سکوت بودند گرفتار رقیت و فساد نموده و هیچ اعتنائی به آمال ملت ایران که تشنه آزادی است نداشت.

در سال 1951 با ملی کردن صنایع نفت یکباره به این وضع اسفناک خاتمه داده شد. توضیح آنکه چند سال قبل از آن مجلس شورای ملی با تصویب قانون خاصی دولت را مکلف ساخته بود که از طریق مذاکره استیفای حقوق ملت را از شرکت بکند.

در سال 1349 برای جلوگیری از خطر قریب الوقوع کمپانی حاضر شد که سهم دولت ایران را از بابت حق الامتیاز افزایش دهد و روی همین زمینه پیشنهادی به مجلس داده شد ولی مجلس از تصویب آن خودداری کرد. این پیشنهاد هم دیر داده شده بود و هم کافی نبود و موضوع مالی آن هم اثر مهمی نداشت که رضایت ملت ایران را فراهم کند و لذا جز ملی ساختن صنعت نفت چاره دیگری نمانده بود.

امروزمیخواهند آن عمل را به قضاوت و بررسی شما واگذار کنند ، به چه حقی؟

اصل ملی کردن ازحقوق مسلم هرملتی است که تاکنون بسیاری ازدول شرق و غرب از آن استفاده کرده اند. اصرار و ادعای انگلستان به اینکه ما را اسیر قرار داد خصوصی کند ، آن هم قراردادی که در بی اعتباری آن شک و تردید نیست ، جای بسی تعجب است ، چه علاوه بر اینکه ایران حاضر به پرداخت غرامت شده و دولت انگلیس هم ملی شدن صنایع نفت را در یک سند رسمی که به "فرمول هریمن" معروف شده و متن آن به استحضار دیوان رسیده است شناخته و مطابق این سند دولت انگلستان به نام خود و به وکالت از طرف شرکت ، اصل ملی شدن نفت را که مطابق قانون تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری باید در دست دولت ایران باشد شناخته است.

این شناسائی را سر گلادوین جب نماینده دولت انگلیس هم در جلسه 15 اکتبر 1951 در شورای امنیت به مضمون ذیل صریحا تأیید نموده است:

"از آنجا که من از اظهارات آقای دکتر مصدق فهمیدم مثل این بود که میخواهند بگویند که دولت انگلستان اصل ملی شدن صنایع نفت به طریقی که در فرمول هریمن پیش بینی شده طفره رود و عدول نماید

در چنین موردی فقط موضوع پرداخت غرامت است که میتواند محل اختلاف واقع شود و چناچه خواهیم دید در این باب هم از طرف ما هیچ اشکال و ابهامی باقی نمانده است."

قانون ملی شدن نفت دولت را بطور صریح موظف ساخته که به دعاوی حقه شرکت سابق برسد. در این زمینه لازم میدانم توضیح دهم که به موجب همان قانون دولت ایران موظف است تا 25 درصد از عواید درصورتی که شرکت آن را تقاضا کند باید دریک بانک مرضی الطرفین به ودیعه گذارده شود.

بر طبق این قانون توافق راجع به تأمین غرامت برای شرکت مسدود نیست و بر فرض عدم توافق ، محاکم ایران به روی شرکت بازخواهد بود. بنابراین استنکاف ازاحقاق حق که با ما نسبت میدهند موردندارد. با این مقدمات آیا کدام شخص منصفی است که پیشنهادهای ما را به حرف واهی تعبیر کند ؟ در 19 سپتامبر 1951 دولت ایران راجع به تعیین غرامت پیشنهادی به دولت انگلیس داد که متن آن را در اینجا نقل میکنم.

دولت ایران حاضر است به یکی از روش های سه گانه زیر دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت را با رعایت دعاوی ومطالبات دولت ایران تسویه نماید:

الف - ازروی سهام شرکت سابق نفت (به قیمت قبل ازقانون ملی شدن نفت)

ب - بر طبق قوانین و قواعدی که در مورد ملی کردن صنایع در هریک از کشور ها به موقع اجرا گذاشته شده و شرکت سابق نفت آن را به نفع خود میداند.

ج - به هر روش دیگری که مورد توافق طرفین واقع گردد.

ضمنا برای اینکه وسیله پرداخت غرامت هم تأمین شده باشددرهمان پیشنهاد قید شده است که:

دولت ایران حاضر است مقدار نفتی را که دولت و ملت انگلیس سابقا خریداری میکرده اند در آینده نیز به قیمت عادله بین المللی در هرسال به قیمت فوب (تحویل در بنادر ایران) به دولت مذکور بر طبق قراردادهای طویل المدت به فروش برساند. دولت انگلیس میتواند با برداشت نصف خریداری خودغرامات موضوع بند یک این این نامه را استهلاک نماید .

اگر این پیشنهاد مورد قبول دولت انگلیس واقع نگردید از این جهت بود که مساعی دولت مزبور متوجه امر دیگری غیر از غرامت بود و به بهانه اینکه تا بهره برداری به طرز مفیدی اداره نشود ، دولت ایران نخواهد توانست غرامات را بپردازد. سعی داشت دولت ایران را مجددا در مقابل یک شرکت جدید انگلیسی که بهره برداری نفت را خواه از جهت صنعتی و خواه از جنبه تجارتی عهده دار شود متعهد سازد.

برای من جای تردید نیست که مقصود از مراجعه به شورای امنیت و دیوان بین المللی آن است که باز از ما تعهدات مشابهی تحصیل کنند و حال آنکه یادگارهای تلخ و اجحافات امتیاز سال 1933 هنوز از خاطر ما محو نشده است و اگر بنا بود اداره صنایع ملی شده را دوباره تسلیم بیگانگان کنیم اساسا چه حاجتی به ملی کردن صنایع نفت داشتیم؟

رویه دولت و ملت ایران در این قضیه مؤلمه به شرحی بود که توضیح دادم و انصافا باید تصدیق کرد که رویه ما معتدل و منصفانه بود. برای من درک این نکته دشوار است که چرا موضوع ادعای اشخاص راجع به خسارت از جمله دولت انگلستان که صنایع خود را ملی ساخته اند چنین اشکالی پیش نیامده است؟

ما این طور منصفانه عمل کرده ایم. معذالک با کمال تأسف ملاحظه می کنیم که تراست های بین المللی ما را مورد حمله و بایکوت خود قرار داده و از این راه خسارات عظیمی به کشور ما وارد میآورند.

آقایان قضات ،

من یقین دارم اگر رسیدگی به اصل موضوع به شما محول شده بود حقانیت ما را تصدیق میفرمودید و پیشنها هائی را که به شرکت نفت داده ایم عادلانه تلقی می نمودید ولی بطوری که در ابتدای بیانات خود توضیح دادم این امر بقدری در نظر ما حیاتی و مقدس است که به هیچ صورت نمی توانیم آن را در معرض خطر رسیدگی بیگانه قرار دهیم ولو آنکه آن خطر هم تصور صرف باشد.

تصمیم ملی شدن نفت اراده سیاسی یک ملت مستقل و آزاد است. تمنی دارم به این نکته توجه فرمائید که درخواست ما از شما این است که به اتکاء مقررات منشور ملل متحد از دخالت در موضوع خودداری فرمائید.

آقای رئیس ،

موقعی که از تهران حرکت کردم امیدوار بودم مصایبی که به ایران وارد شده بطور کامل به عرض آقایان برسانم و میخواستم مدارک بی شماری که در این زمینه دارم و فقط بعضی از آنها را سابقا به استحضار شورای امنیت رسانده بودم به شما ارائه دهم تا به مداخلات شدید شرکت نفت ایران و انگلیس در امور داخلی ما بهتر پی ببرید ولی چون مرا محدود ساختید که از حدود مطالب مربوط به عدم صلاحیت خارج نشوم ، ناچار هستم از خواسته شما تبعیت کنم و از ارائه اسنادی که در دست دارم خودداری نمایم.

آقایان قضات ، شما نباید ملت کوچکی را از دفاع به حقوق خود در برابر حملات مزورانه یک دولت بزرگ که از لحاظ اقتصادی و صنعتی و مالی قوی است بازدارید.

من عرایض خود را به همین جا خاتمه میدهم و اگر نتوانستم حقانیت و مظلومیت ملت ایران را کلا به معرض افکار عمومی مردم دنیا بگذارم امیدوار هستم که لااقل حقانیت ما به قضات محترم دیوان ثابت شده باشد.

اظهارات دادستان انگلستان

هیأت نمایندگی انگلیس به اظهارات اخیر دکتر مصدق نخست وزیر ایران راجع به اختلاف ایران و انگلیس در دادگاه پاسخی نخواهد داد و ادعای ایران مبنی بر اینکه دادگاه برای رسیدگی

به قضیه نفت ایران صلاحیت ندارد وارد نیست چون به نظر ما دادگاه در رسیدگی به این اختلاف کاملا صالح میباشد.

نطق اخیر آقای دکتر مصدق منحصرا مربوط به مسائلی بود که تقریبا ارتباطی با این قضیه و اختلاف ندارد و دولت انگلیس منکر اتهاماتی است که در این دادگاه بوی و شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت داده شده و شکی نیست دادگاه به موضوعی که ارتباطی به اختلاف ایران و انگلیس ندارد رسیدگی و ترتیب اثر نخواهد داد و آنرا مردود خواهد شناخت.

هرگونه تصمیمی از طرف دادگاه مبنی بر عدم صلاحیت خود در رسیدگی به این موضوع نمونه ای از شکست و عقب نشینی بشمار میرود و چنین جلوه گر خواهد شد که دادگاه فقط به احساسات و نظریات یکی ازطرفین دعوی رعایت کرده است. بریتانیا در این اختلاف وهمچنین در سایر اختلافات با مراجعه بدادگاه بین المللی و شورای امنیت جدا طبق قوانین بین المللی رفتار کرده و حال آنکه ایران این موضوع را رعایت نمیکند. ایران مدعی است که طرح موضوع نفت در دادگاه احساسات مردم ایران را بجوش آورده است. باید تذکر دهم که همین احساسات درانگلستان وجوداردکه دادگاه باید بدان توجه کند.

ایران تاکنون عملا به رأی ضمنی دادگاه پشت پا زده است. انگلستان تقاضا دارد دادگاه با پذیرفتن صلاحیت خود در رسیدگی به این اختلاف احترام خود را نسبت به قانون بجا آورد.

با وجودی که بریتانیا مدعی است دادگاه در رسیدگی به این اختلاف کاملا صالح است معذالک تا ورود به ماهیت این اختلاف با هرگونه تأخیر در صدور رأی و اتخاذ تصمیم راجع به صلاحیت دادگاه روی مخالف نشان نخواهد داد. دادگاه به نظر ما فعلا دو راه در پیش دارد:

اول اینکه تصمیم قطعی و فوری درمورد صلاحیت خود در رسیدگی به اختلاف اتخاذ کند.

دوم اینکه اعلام نماید تا ورود به ماهیت این اختلاف اتخاذ تصمیم در رد صلاحیت را به تأخیر خواهد انداخت .

حقیقت این عمل که ایران آن را ملی شدن اعلام میکند یک اقدام مصادره به شمار میرود. امتیاز نامه 1933 راجع به بهره برداری از نفت ایران نه تنها در روابط ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس مؤثر بود بلکه در مناسبات دو دولت ایران و بریتانیای کبیر بی تأثیر نمیباشد و لذا این امتیاز نامه دارای تعهدات بین المللی فراوانی است. جای بسی تعجب خواهد بود که دادگاه ملی کردن را تحت هر شرایطی که باشد یک امر داخلی و درحدود حق حاکمیت کشوری بداند و در این قضیه بخصوص ایراد انگلستان بر سر اصل ملی کردن نیست بلکه طرز اجرای آن میباشد که در واقع عمل ضبط و مصادره بشمار میرود.

دادگاه به موجب بند 36 ماده دوم اساسنامه خود قادر است به کلیه قضایا و اختلافاتی که جنبه بین المللی دارد رسیدگی کند بخصوص اینکه دولت ایران رأی اجباری دادگاه را قبول کرده و در این زمینه اعلامیه ای صادر کرده است.

دادگاه ضمنا صلاحیت دارد به ادعای انگلستان مبنی بر اینکه دولت ایران با اجرای قانون ملی شدن نفت مصوب اول ماه مه 1951 تعهدات خود را نسبت به انگلستان نقض کرده است. دولت ایران ضمنا قرار داد 1933 را که با وساطت جامعه ملل تهیه و تنظیم شده و ایران وشرکت نفت به موجب این قرارداد تعهداتی به یکدیگر سپرده اند نقض کرده و ثبت آنرا انکار نموده است درحالی که قوانین مربوط به ثبت اسناد به این علت وضع شده بود که معاهدات سری بسته نشود. درحالی که عدم ثبت این قرارداد که علنا انعقادش اعلام شده از اعتبارش نمیکاهد.

3 تیر ماه 1331

پیام نخست وزیر از درون هواپیما در فرودگاه مهرآباد به ملت ایران

هموطنان گرامی تبریکات صمیمانه خود را برای این عید سعید (عید فطر) به قاطبه مسلمین خصوصا بهموطنان عزیزتبریک عرض مینمایم. ازاحساسات محبت آمیزی که حین عزیمت بدرقه راه من کردید و از استقبال گرم و بی سابقه ای که اکنون با آن برخورد میکنم صمیمانه

سپاسگزارم. اینک که از مأموریتی که ملت ایران برای دفاع از حق خود به اینجانب محول کرده بود برمیگردم وظیفه خود میدانم اجمالی از جریان این مأموریت را بعرض هموطنان گرامی برسانم.

بطوریکه استحضار دارید سال گذشته شورای امنیت رسیدگی به شکایت انگلستان را موکول به این کرده بود که دیوان دادگستری بین المللی لاهه نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود در این باب اظهار نظر کند. دیوان مزبور از روز نوزدهم خرداد ماه سال جاری وقت رسیدگی تعیین و دولت ایران را به حضور در دادگاه دعوت کرده بود.

دولت ایران از روز اول یعنی یکسال قبل که طرح این موضوع در دیوان لاهه به وسیله شکایت انگلستان شروع شد اعلام داشت که مسأله ملی شدن نفت منحصرا درحدود حاکمیت ملی و صلاحیت داخلی ایران است و دیوان بین المللی لاهه و سایر سازمان های جهانی صلاحیت مداخله و رسیدگی در این امر را ندارد. این بار که مسأله صلاحیت مطرح بود دولت ایران لازم دانست به وسیله اعزام نماینده عدم صلاحیت دیوان را با دلایل محکم و موجهی که دارد حضورا اثبات نماید.

نظر به جهات فوق اینجانب تصمیم گرفتم که شخصا در رأس هیأت نمایندگی ایران به لاهه عزیمت کنم و حقانیت ملت ایران و عدم صلاحیت دیوان بین المللی را در پیشگاه دادگاه و افکار عمومی جهان روشن و اثبات نمایم.

اجمالا برای انجام این مأموریت من وهمکارانم از آنچه در استطاعت داشتیم کوتاهی نکردیم. امیدوارم دادگاهی که خود را از اغراض و مطامع دولت ها بالا تر و برتر میداند و در نتیجه دفاع کاملی که از حق ایران به عمل آمد به خوبی به حقیقت امرواقع شده عدم صلاحیت خود را در امری که منحصرا مربوط به ملت ایران است اعلام کند و همچنین این رأی به کار شکنی هائی که دراین مدت با آن مواجه بوده ایم خاتمه بدهد وملت ایران با مقاومت شجاعانه ای که تاکنون از خود نشان داده بر تمام مشکلات غلبه کند و به حول قوت پروردگار عالم و تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به تمام اهداف مشروع خود قائل شود.

10تیر 1331

انتخاب رئیس مجلس شورای ملی

در جلسه امروز مجلس شورای ملی پس از مشورت های زیاد بین گروه های مختلف دو نفر آقایان دکر معظمی و دکترحسن امامی (امام جمعه تهران و نماینده مهاباد به عنوان کاندیدا معرفی شدند . پس از رأی گیری نتیجه آرا به این ترتیب اعلام گردید :

عده حاضر 76 نفر ، امام جمعه تهران 39 رأی ، دکتر معظمی 35 رأی ، آقای مکی و یکنفر دیگر از دادن رأی امتناع نمودند. در نتیجه اقای دکتر حسن امامی به ریاست مجلس انتخاب گردید.

تشنج در بهبهان

در چند روز اخیر خبرهائی از زد و خورد و تشنج در بهبهان به تهران رسیده است که دولت ناچارازفرستادن یک هیأت مأمور رسیدگی در روز 7 تیر به بهبهان شد. گزارشی که امروز از طرف آقای لاریجانی در اختیار دولت قرارگرفت نشان میدهد که وضع بهبهان در موقعی که هیأت وارد شهر شدند بسیار تشنج آمیز بود که علت اساسی دو دستگی انتخاباتی واختلاف بین مالکین و زارعین نسبت به اراضی دیمی و آبی میباشد.

آقای لاریجانی در ضمن گزارش خود میگوید اختلاف و تشنج آنقدر زیاداست که مخالفین شب و روز خانه های یکدیگر را سنگ باران میکنند. نظر هیأت دولت این است تا قبل از اینکه دامنه

اختلافات بین عشایر نفوذ کند باید بطور موقت انتخابات را متوقف کرد تا تشنج فروکش کرده و کسانی را که حقشان در اراضی ضایع شده احقاق حق شود .

10 تیر 1331

انتخابات ریاست مجلس شورای ملی انجام گردید در نتیجه آقای دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران و نماینده مهاباد با اکثریت 39 نفر در برابر آقای دکتر معظمی که 35 رأی آورد به ریاست مجلس انتخاب میگردد. بعدازانتخاب همه اعضای هیأت رئیسه واعلام آمادگی مجلس دولت استعفا میدهد. مجلس شورای ملی امروز رأی تمایل خود را نسبت به نخست وزیری آقای دکتر مصدق اعلام داشت.

16 تیر 1331

بعد از ملاقات هیأت رئیسه مجلس سنا با اعلیحضرت امروز مجلس سنا نیزنسبت به نخست وزیری آقای دکتر مصدق ابراز تمایل مینماید.

فرمان نخست وزیری آقای دکترمصدق بعد از ملاقات آقای دکتر مصدق با شاهنشاه صادر میگردد.

21 تیر 1331

جناب دکترمحمد مصدق نخست وزیر نظر به اعتمادی که به مراتب کفایت و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست وزیری را به شما محول و مقرر میداریم که در تعیین هیأت وزیران اقدام نموده و نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید.

کاخ سفید 19 تیر 1331
محمد رضا پهلوی

25 تیر 1331
پیشگاه مبارک اعلیخضرت همایون شاهنشاه

چون در تنیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار دراین موقع حساس ایجاب میکندکه پست وزارت چنگ رافدوی شخصاً عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه

واقع نشد ، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملا مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست

مبارزه ای را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد.

دکتر محمد مصدق

26 تیر1331

اسعفای دکتر مصدق از نخست وزیری

دیروز آقای دکتر مصدق به کاخ سعد آباد رفتند. در این شرفیابی آقای دکتر مصدق بعرض ملوکانه رساندند که درنظر دارند پست وزارت جنگ را شخصاً عهده دارشوند ولی چون شاهنشاه با این پیشنهاد موافقت نفرمودند آقای نخست وزیراستعفای خودرا به حضور شاهنشاه تقدیم داشتند.

درساعت 8 بعد از ظهر درجلسه خصوصی مجلس که با شرکت 43 نفرتشکیل شده بود 41 نفر به نخست وزیری آقای قوام ابراز تمایل نمودند. 30 نفر از نمایندگان هنگام اخذ رأی در جلسه حضور نداشتند.

27 تیر 1331

فرمان نخست وزیری احمد قوام صادر میشود

جناب اشرف احمد قوام نخست وزیر

نظر به اعتمادی که به مراتب شایستگی و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست وزیری را به شما محول و مقرر میداریم که در تشکیل هیأت وزیران اقدام نموده ونتیجه را زودتر به اطلاع برسانید.

کاخ سفید 27 تیر 1331- محمدرضا پهلوی

28 تیر 1331

سخنگوی سفارت کبرای انگلیس درتهران امروز کفت دولت انگلیس از روی کار آمدن دولت جدید در ایران خوشحال است. ضمناً دولت انگلیس هرآن برای تجدید مذاکرات نفت با دولت ایران حاضر و آماده است او همچمین از اظهارات آقای نخست وزیر مبنی بر اینکه باید وسایل

استحصال از منابع نفت در کلیه نقاط کشور فراهم شود منطقی و مستدل است و ما نیز طرفدار راه حلی به نفع طرفین هستیم .

بنا به اطلاع خبرگداری رویتر آقای ایدن وزیر امور خارجه انگلیس به محض بازگشت به محل کار خود از روز دوشنبه موضوع روی کار آمدن آقای قوام السلطنه در ایران و همچنین امکان حل قضیه نفت را با دولت جدید ایران مورد مطالعه قرار خواهد داد.

منچستر گاردین روزنامه چاپ انگلیس مینویسد ممکن است نخست وزیر جدید ایران قانون ملی شدن صنعت نفت را طوری تعبیر و تفسیر نماید که راه برای حل مسأله نفت هموار شود.

امروز سفیر کبیر امریکا با نخست وزیر ملاقات و مدتی مذاکره کرد.

آماده گی نیروهای امنیتی

بعد ازاعلام تمایل نمایندگان مجلس شوراآقای قوام السلطنه بلافاصله آقای سرلشگر کوپال رئیس شهربانی و اقای سرلشگر علوی مقدم فرماندار نظامی و آقای سرلشگر وثوق فرمانده ژاندارمری را به حضور طلبیده و برای خفظ انتظامات کشور دستورهای لازم را ابلاغ و تأکید کردند تظاهر کنندگان را شدیداً تحت تعقیب قرار داده و به مجازات برسانند.

شرفیابی نمایندگان جبهه ملی

در شرفیابی نمایندگان جبهه ملی بحضور شاهنشاه نمایندگان اظهار داشتند که اعلیحضرت فرمودند به وزیر دربار دستور داده شد که استعفای آقای دکتر مصدق را به اطلاع نمایندگان برساند. و اعلیحضرت این مطلب را که دلیل استعفای دکتر مصدق اختلاف برسر انتخاب وزیر جنگ بوده است تکذیب فرمودند.

نمایندگان همچنین به عرض رسانیدند که در جلسه سری دادن رأی تمایل فقط 42 نفر حضور داشتند درحالی که طبق آئین نامه باید حداقل 52 نفر حاضر باشند تا تصمیم متخذه قانونی باشد. خوب بود اعلیحضرت قبل از صدور فرمان نخست وزیری آقای قوام به این نکته توجه میفرمودند.

اعلیحضرت میفرمایند که گزارشی از مجلس به اطلاع ایشان رسیده و این موضوع با ایشان ارتباطی ندارد. اعلیحضرت تأکید مینمایند که همیشه طرفدار قانون اساسی هستند و اکنون هم باید هر مبارزه ای درمورد زمامداری اشخاص در پارلمان و بین نمایندگان باشد و به کوچه و بازار نکشد!

اولین اطلاعیه قوام
ملت ایران!

من بدون اندک تردید و درنگ دعوت شاهنشاه متبوع و مفخم خود را به مقام ریاست دولت پذیرفته وبا وجود کبرسن و نیازبه استراحت این بازسنگین را بر دوش گرفتم. بی توجهی در مقابل سختی و آشفتگی اوضاع در مذهب یک وطن خواه صمیمی کفر بودکه به ملاحظات شخصی شانه ازخدمتگذاری خالی کند و با بی قیدی به پریشانی و سیه بختی مملکت نظاره نماید. حس مسؤلیت و تکلیف مرا بر آن داشت که از فرصت مغتنم استفاده کرده و در مقام ترمیم ویرانی ها برآیم.

ایران دچار دردی عمیق شده و با دارو های مخدر درمان پذیر نیست باید ملت همکاری بی دریغ خویش را از من مضایقه ننماید تا بتوانم به این بیماری علاج قطعی دهم مخصوصاً در یک سال اخیر موضوع نفت کشور را به آتش کشیده و بی نظمی عدم النظیری را که موجب عدم رضایت عمومی شده بوجود آورده است این همان موضوعی است که ابتدا من عنوان کردم و هنگامی که لایحه امتیاز شمال مطرح بود موقع را غنیمت شمرده و استیفای حق کامل ایران را از کمپانی جنوب در آن لایحه گنجانیدم.

بعضی ها در آن وقت تصور نمودند همین اشاره باعث سقوط حکومت من شد اگر هم فرصاً چنین باشد من از اقدام خود نادم نیستم زیرا چانشین آینده من جناب آقای مصدق السلطنه آن فکر را با سر سختی بی مانندی دنبال نمود و در مقابل هیچ فشاری از پای ننشست اما بدبختانه در ضمن مذاکرات نوعی بی تدبیری نشان داده شد که هدف را فدای وسیله کردند و مطالبه حق مشروع از یک کمپانی را مبدل به خصومت بین دو ملت ساختند و نتوانستند از زحمات خود کوچکترین نتیجه بدست آورند.

حل این مسأله یکی از لازم ترین مساعی من خواهد بود بنحوی که منافع مادی و معنوی ایران کاملا تأمین شود بدون آنکه به حسن رابطه دو مملکت خدشه ای وارد آید البته این امر مشکل است اما محال نیست و اقدامی که با عقل و درایت توأم باشد مطمئناً به ثمر خواهد رسید و هرگاه نرسد من نیز از کار برکنار خواهم رفت.

در اینجا تذکر این نقطه اساسی را لازم میدانم که من به مناسبات حسنه با عموم ممالک خاصه با دول بزرگ دنیا اهمیت بسیار میدهم و رفتار خود را نسبت به آنها مطابق با مقررات بین المللی مینمایم ولکن به اتباع ایران اجازه نخواهم داد که به اتکاء اجانب اغراض خود را بر دولت من تحمیل کنند.

درامور داخلی نخستین کوشش من برقراری نظم و امنیت خواهد بود تا بتوانم در یک محیط سالم مبادرت به رفورمهای غریزی نمایم و شالوده نوین برای تأسیسات دولتی بریزم. اصلاح عدلیه در رأس کلیه ضروریات قرار دارد. هموطنان من به عدل و داد مثل نان و آب نیازمندند باید فوه قضائیه مستقل باشد و واقعا از دو فوه مجریه و مقننه تفکیک و از زیر نفوذ آنها آزاد شود. تمام افراد بدون استثنا باید دربرابر قانون سر تعظیم فرود آورند و احکام صادره از محاکم بی چون و چرا بموقع اجرا درآید لکن شبی با وجدان آرام سر بر بالین خواهم نهاد که در زندان های پایتخت و ولایات یکنفر بی گناه با ناله و آه بسر نبرد.

همین که ظلم وستم رخت بربست مردم با آسایش خاطراوضاع مالی و اقتصادی خود را سروسامان خواهند داد و از نعمتی که خداوند تعالی در زیر و روی زمین ایران به آنها بخشیده برخوردار خواهند شد.

ابتکار برنامه 7 ساله بهمین منظور به مخیله من خطور کرد و در آتیه نیز این فکر را با استقامت و اصرار دنبال خواهم کرد. من میخواهم که تمام اهالی این کشور اعم از مأمور دولت و صنعتگر و کارگر و برزگر و بازرگان غنی و ثروتمند باشند ، از چشم تنگی بعضی رجال که درصدد کسر حقوق کارمندان و مصادره اتوموبیل و فروش ادارات برآمده اند تنفر دارم. میزان عواید عموم طبقات را به درجه بالا خواهم برد که همگی بتوانند از کلیه مواهب تمدن این عصر مستفیض شوند.

بهمان اندازه که از عوام فریبی درامور سیاسی بیزارم در مسائل سیاسی نیز از ریا و سالوس منزجرم. کسانی که به بهانه مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه را تقویت نموده اند لطمه شدیدی به آزادی وارد ساخته زحمات بانیان مشروطیت را از نیم قرن به اینطرف به هدر داده اند . من در عین احترام به تعالیم مقدسه اسلام دیانت را از سیاست دور مگاه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرائی جلوگیری خواهم کرد. ملت ایران من به اتکاء حمایت شما و نمایندگان شما این مقام را قبول کرده ام و هدف نهائیم رفاه و سعادت شما است.

سوگند یاد میکنم که شما را حوشبخت خواهم کرد. بگذارید من با فراغ بال شروع به کار کنم. وای بحال کسانی که دراقدامات مصلحانه من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بر هم زنند این گونه آشوب گران با شدید ترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه درگذشته نشان داده ام بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان میگذارم حتی ممکن است تا جائی بروم که با تصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده روزی صد ها تبه کار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی سفقت قانون قرین تیره روزی سازم.

به عموم اخطار میکنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی جکومت فرا رسیده است. کشتی بان را سیاستی دگر آمد.

تهران 27 تیر 1330 رئیس الوزرا قوام السلطنه

اعلامیه شماره 1 ، 28 نفر نمایندگان مجلس

ما امضا کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورا ملی در تأیید سوگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده ایم و به علت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد میشویم با تمام قوای خود و با کلیه وسایل از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم.

پارسا ، صفائی ، زیرک زاده ، دکتر معظمی ، دکتر شایگان ، دکتر بقائی ، شمس الدین قنات آبادی ، حسین مکی ، خلخالی ، حاج سید جوادی ، نریمان ، علی زهری ، محمدرضا اقبال ، حایری زاده ، علی اصغر مدرس ، نادعلی کریمی ، شبستری ، احمد اخگر ، محمد علی گنجی ، میرفخر الدین فرزانه میلانی ، حسیبی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، باقر جلالی ، شاپوری ، رضوی ، یوسف مشار

اعلامیه شماره 2

ملت ایران... از جریانات و علت استعفای چناب آقای دکتر مضدق پیشوای نهضت ملی ایران و حافظ منافع شما اطلاع حاصل کرده اید و ضمن اعلامیه جداگانه سابق گوشزد ملت ایران شد که دسایسی در کار است تا آتش مقدس ملی را در کانون سینه های ملت ایران خاموش کنند.

امروز بعد از ظهر پس از اعلام استعفای نخست وریر به علتی که در استعفا نامه ایشان ذکر شده است برطبق قانون اساسی از رئیس مجلس تقاضای جلسه حصوصی شد که قبل از رأی تمایل اهمیت موقع و لزوم حفظ قانون اساسی را به سنع سایر نمایندگان برسانیم متأسفانه رئیس مجلس با وجودی که رسماً دعوت برای جلسه خصوصی نموده بود از تشکیل جلسه خصوصی خودداری کرد و برخلاف قانون اساسی و سنن پارلمانی در جلسه ای مرکب از 42 نفر که کمتر از حد نصاب قانونی بود اخذ رأی تمایل نمود.

چون قانون اساسی و نهضت ملی ایران در خطر است با توکل به خدای متعال به مبارزه و ادامه وظیفه نمایندگی مشغول هستیم و امیدواریم شما هم در این موقع باریک بیدار و مراقب جریان باشید و یأس بخود راه ندهید.

دکتر شایگان ، دکتر معظمی ، اصغر پارسا ، نریمان ، اخگر ، علی اصغر مدرس ، سید باقر جلالی ، شاپوری ، صفائی ، سید محمد علی انگجی ، سید شمس الدین قنات آبادی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، مهندس احمد رضوی ، مهندس حسیبی ، میر فخرالدین فرزانه میلانی ، نادعلی کریمی ، شبستری ، محمدرضا اقبال ، علی اصغر مدرس ،

حسین مکی ، حاج سید جوادی، علی زهری ، سید جواد خلخالی ، نادعلی کریمی ، دکتر بقائی ، میلانی ، دکتر ملکی ، فرزانه ، زیرکزاده

29 تیر 1331

بعد از انتخاب احمد قوام به نخست وزیری احزاب و گروه های هوادار نهضت ملی (جبهه ملی ، حزب زحمتکشان ملت ایران ، حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ، حزب ایران ، مجمع مسلمانان مجاهد ، اصناف و انجمن های محلی) به منظور هماهنگ نمودن فعالیت های خود در اجتماعی اقدام به تشکیل کمیته ای کردند تا بتوانند تظاهرات روزهای آینده را تا رسیدن مجدد دکتر مصدق به نخست وزیری هماهنگ سازند.

اعلامیه تعطیل عمومی

ملت رشید ایران ، چون از تمام نقاط کشوربه وسیله تلگراف و تلفن و فرستاده های مخصوص نسبت به جریانات نامطلوب و غیر قانونی چند روز اخیر سؤال شده امضاء کنندگان امروز صبح در مجلس تجمع و پس از بررسی اوضاع حاضر چنین اظهار نظر مینمائیم :

برای اعلام این نکته اساسی به جهانیان که نهضت ملی ایران به هیچ دسیسه و نیرنگی خاموش شدنی نیست و ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دخالت های استقلال شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا حصول نتیجه قطعی و احقاق حق و رهائی کشور از سیاستهای استعماری استقامت خواهد کرد روز دوشنبه 30 تیر 1330 در سراسر کشوررتعطیل عمومی اعلام میشود. امیدواریم هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامه مبارزه در راه نجات کشور میباشند با نهایت آرامش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند. بدیهی است نمایندگان شما در ازای وظیفه خطیر نمایندگی غفلت نخواهند داشت و جریان امر به استحضار ملت بیدار ایران خواهد رسید.

ناظرزاده کرمانی ، میلانی ، دکتر عبدالله معظمی ، دکتر شایگان ، مهندس زیرک زاده ، حسین مکی ، مهندس رضوی، دکتر بقائی ، حاج سید جوادی ، دکتر ملکی ، اخگر ، قنات آبادی ، شاهپوری ، حایری زاده ، اقبال ، فرزانه ،جلالی موسوی ، کریمی ، خلخالی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، مدرس ، انگجی ، شبستری ، نریمان ، مشار ، زهری ، پارسا ، صفائی ، راشد ، مهندس حسیبی

اعلامیه فرمانداری نظامی درمورد عبور و مرور

فرمانداری نظامی بدین وسیله به استحضار عموم ساکنین محترم تهران و حومه میرساند که از تاریخ 29 تیرماه 1331 عبور و مرور شبانه ازساعت یازده شب الی 5 صبح قدغن خواهد بود.

به مأمورین انتظامی دستور اکید داده شده است که عابرین بی موقع را با هر وسیله ای که باشند جلب و تحت تعقیب قانونی قرار دهند. ضمناً به استحضار میرساند که رانندگان وسائط

نقلیه بایستی مستحضر باشند که درصورت تخلف از اخطار مأمورین برای توقف با عکس العمل شدید آنها مواجه و مسؤلیت عواقب وخیم حاصله ار آن و پیش آمد های ناگوار متوجه خود آنها خواهد بود .

سی ام تیر سال 1331

روزی که بذر های همبستگی به گل می نشیند

هنوز سپیده دم سی ام تیر آغاز نشده بود که تانکهای ارتش همراه با هزاران سرباز و پاسبان بدستور فرمانداران نظامی و رؤسای شهربانی در مراکز مختلف و استراتژیک تهران و شهرستان ها مستقر گردیدند. نفت گران خوزستان و کرمانشاه که شلاق زیستن در اسارت استعمارگران انگلیسی را بر روی شانه های خود هنوز احساس میکردند نخستین گروهی بودند که از شب پیش با به صدا درآوردن سوت های پالایشگاهها و احد های بهره برداری نفت به ندای نمایندگان خودپاسخ گفتند.

از صبح امروز کارگران و عشایر خوزستان در مراکز عمده شهرهای آبادان ، اهواز و مسجد سلیمان اجتماع کرده اند و درخواست بازگشت دکتر مصدق میباشند.

آنچه اجتماعات آبادان را از سایر شهرهای آبادان متمایز میسازد اجتماع زنان آبادان میباشد که دوش بدوش همسران ، بردران و پدران خود در تظاهرات شرکت کرده اند و با شعار های قاطع خود در مورد آزادی و استقلال مردان را به تحرک بیشتر وامیدارند.

نخستین جرقه پیروزی

بازار تهران نیز که از شامگاه پنجشنبه تماماً بسته بودند همزمان با اشغال بازار و گذرگاه های اطراف بازاریان دسته جمعی بسوی مرکز شهر و میدان بهارستان به حرکت درآمدند.

درطول خیابان ناصر خسرو و خیام در نتیجه تیراندازی سربازان چند کشته بر خاک غلطیدند انبوه جمعیت جسد شهدا خود را بر دوش گرفته با صدای مصدق پیروز است بسوی میدان توپخانه در حرکت بودند در میدان توپخانه یکی از تانکهایی که برای پراکندن مردم آورده شده بود بسوی مردم پیش میآمدن اما مردم بدون ترس از غرش تانک بحرکت خود ادامه میدادند ناگهان تانک از حرکت باز ایستاد و سرهنگی از برج آن بیرون آمد و خطاب به مردم گفت مردم به ما بدبین نباشید. ما ایرانی و هم میهن شما هستیم ما هم میهن خود را دوست داریم و هرگز به روی شما تیر اندازی نخواهیم کرد.

انبوه مردم سرهنگ پرمان را درآغوش گرفتند و درحالی که روی تانک سوار شدند به طرف میدان بهارستان به راه افتادند.سرهنگ پرمان به جرک همکاری با اخلالگران پس از کودتای 28 مرداد محاکمه و از ارتش اخراج گردید.

همزمان با تعطیل بازار خطوط اتوبوسرانی تهران نیز به اعتصاب کنندگان پیوستند. مغازه های شمال تهران در خیابان های شاه رضا ، نادر ، سعدی ، فردوسی ، لاله زار ، استانبول و شاه آباد کاملا بسته بودند. در این خیابان ها مخصوصا در حوالی میدان بهارستان مملو از جمعیت بود و مدام شعارهای زنده باد مصدق نخست وزیر میدادند. ولی مأمورین انتظامی مانع از تظاهرات آنها میشدند.

احزاب زحمتکشان و پان ایرانیست و حزب ایران بشدت محافظت میشد و از ورود وخروج افراد بدان ها توسط مأمورین انتظامی ممانعت میشد. متراکم ترین نقاط حضور مردم و مأمورین انتظامی در برابر حزب زحمتکشان بود. بزرگترین نبرد امروز در خیابان اکباتان رخ داد در این محل کفن پوشان حزب که از شهرستان ها آمده بودند همراه کفن پوشان دیگر شدید ترین یورش را به تظاهرات کنندگان نمودند. در نخستین یورش امیر بیجار دانش آموز در خون خود غلطید ولی پیش از اینکه چشم فرو بندد با خون خود به دیوار روبروی حزب زحمتکشان می نویسد زنده باد دکتر مصدق این خون زحمتکشان است.

مأمورین انتظامی هرجا که مواجه با تظاهر کنندگان و افرادی که شعار میدادند میشدند فوراً آنها را دستگیر میکردند. علاوه بر تظاهر کنندگان افرادی که در خیابان ها بودند نیز از ضرب و شتم مأمورین در امان نبودند.

کشتار ، خون و آتش

صحن مقابل مجلس شورای ملی یک صحنه جنگ ، خون و آتش است عدی ای به قتل میرسند و خون روی اسفالت خیابان جاری است از کنار خیابان اکباتان شعله های آتش و دود از یک ماشین جیپ شهربانی که توسط مردم به آتش کشیده شده همه جا گسترده شده. درساعت 9 بامداد نعش جوانی که لحظاتی پیش با رگبار گلوله سربازی به قتل رسیده بود بر روی تخته ای وارد میدان بهارستان میشود. بوی خون و چهره جوان مقتول ناگهان امواج تنفر از بیداد گری را در میدان می پراکند و مردم داغدیده به سوی در مجلس شورا هجوم میبرند تا با نمایندگان خود سخن گویند.

صدای رعدآسای رگبارهای هوائی از تفنگ و مسلسل های سربازان بار دیگر هیولای مرگ را در میدان پدیدار میسازد.

تظاهر کنندگان برای ممانعت از خونریزی هرکدام بسویی فرار میکنند. جنازه جوان مقتول از روی تخته پاره به زمین میافتد. با دیدن جنازه بر روی زمین مردم اعصبانی به سوی سربازان هجوم میبرند. بنظر نمیرسد کسی از مرگ بیم داشته باشد. این صحنه را فقط میتوان در داستان ها یا فیلم های هالیودی مشاهده کرد. بار دیگر پاسبانها شروع به تیراندازی هوائی میکنند. این بار بمب های گاز اشک آور بودند که در هر گوشه ای از میدان به زمین میخورد. همزمان گروه بزرگی از مردم جان به لب رسیده از خیابان اکباتان به میدان سرازیر شدند. در این حالت پاسبان ها و سربازان شروع به عقب نشینی از میدان مینمایند و پاسبان هائی که میخواستند نعش جوان مقتول را از روی زمین برداشته با خودببرند درزیر چوبدستی های مردم حشمناک نتوانستند کاری بکنند ناچار جنازه را زمین گذاشته و از صحنه فرار میکنند. آقای راشد واعظ و نماینده تهران در محلس شورا در صحنه نبرد برادران محترم مصیبت های وارده شما را اول به خودم و به سایر نمایندگان و شما برادران عزیز تسلیت و با همه شما شریک و هم دردی میکنم.

این پیش آمد اگرچه اسف انگیز و موجب تأثر همه است ولی اکنون یکی از مواقع مهمه ایست که در تاریخ حیات ملی شما پیش آمده و هرگاه با هشیاری و متانت مراقب باشید میتوانید نتایج بزرگی برای تحکیم مبانی آزادی و استقلال و حکومت ملت بر ملت بدست آورید.

شما نشان دادیدکه نهضت ملت ایران واقعیت داردو با رعایت انتظامات که دیشب از خود بروز دادید رشد و بیداری خود را به ثبوت رسانیدید. شما درحالی که دست های پرخونی دارید با لبان خاموش، شهدای خود را به سوی مدفنشان حرکت دهید و در مکانی که بنام خود آنها نامیده خواهد شد مدفون سازید. امیدوار هستم که ملت ایران به عنوان پیشوای آزادی سایر ملل اسلامی شناخته شود.

سخنرانی کریمپور شیرازی مدیر روزنامه شورش

خیابان اکباتان یکی ازپرجنب و جوش ترین خیابان های تهران میباشد. در ساعت 4 بعد از ظهر جمعیت زیادی در چلوی اداره روزنامه شورش اجتماع کرده اند و آقای کریمپور که به تازگی از زندان که به جرم اهانت به خاندان سلطنتی زندانی شده بود آزاد شده است با حالت نقاهت برای جمعیت سخنرانی میکند.

برادران و قهرمانان عزیز من این نهضت و جنبشی را که امروز شما برای آزادی و استقلال ایران شروع کرده اید در تاریخ مشروطیت ایران و کشورهای خاور میانه بی نظیر است و شما با این جنبش قهرمانانه و پرافتخار خود نشان دادید که ملت ایران ملت 21 سال و 24 پیش سال نیست که حاضر باشد عملیات خاونانه و مزدورانه قوام را تحمل کند. شما دلاوران بی باک ثابت کردید مه نسبت به خادم قهرمان خود دکتر مصدق محبوب تا پای جان وفادار خواهید بود و سیاست انگلستان اگر تصور میکند که میتواند مانند مصر با سرمیزه و گلوله ملت ما را به زنجیر کند و نهضت ما را نابود سازد باید بداند که ما تا به اندازه آبهای سرد و سبز رودخانه نیل خون سرخ و گرم در جوی های ایران جاری نکنیم تسلیم اجانب نخواهیم شد و من اکنون در

پیشاپیش صفوف مقدس و پولادین شما کفن پوشیده و همه با هم به شوی آزادی و استقلال ملت محبوب و قهرمان ایران پیش میرویم. پیش بسوی سربلندی و عظمت ایران.

(بعد ازکودتای 28 مرداد کریمپور شیرازی دستگیر، زندانی و شکنجه شد و در آخرین شب چهارشنبه سال 1332 در جشن چهارشنبه سوری دربار در کاخ اشرف برای تفریح مهمانان شاهانه درحضور شاه بروی کریمپور بنزین ریخته و روزنامه نگار شجاع را زنده به آتش نشاندند. یادش گرامی و خاطره مبارزاتش جاودانه باد.)

در تجریش نیز تعداد افراد ستگیر شده زیاد هستند. بیشتر این افراد جوانان دانشجو و دانش آموز میباشند که شدیداً در برابر یورش سربازان و پاسبان ها مقاومت میکنند و با حملات ایذائی و جنگ وگریز در دسته های کوچک آنها را سرگردان، خسته و وامانده میسازند.

طبق گزارش شهربانی تعداد افراد بازداشت شده که به شهربانی انتقال یافتند بیش از 500 نفر میباشند که بنا به اظهار مقامات همه آنها طبق ماده5 حکومت نظامی بازداشت شده اند. در گزارش فرماندهان انتظامی به نخست وزیر وضع شهر تهران و شهرستان ها از لحاظ تشنجات موجود خوب نیست ولی آنها اظهار داشتند که به وظیفه خود عمل میکنند و واحد های سیار در تمام قسمت های شهر مرکب از سواره نظام و غیره وجود دارند تا امنیت را حفظ کنند.

آقای نخست وزیر دستور دادند که قوای انتظامی شدیداً از تظاهرات و اغتشاشات جلوگیری کنند. در وزارت خانه ها و ادارات دولتی نیز عملا کار متوقف شده بودند. شماره کشته شدگان در تهران تاظهر 30 تیر سی نفر گزارش شده است. در تظاهرات اهواز مأمورین انتظامی با رگبارهای پیاپی مسلسل 20 نفر از تظاهر کنندگان را به قتل رساندند.

سازمانهای دست چپی چه میکنند

جمعیت مبارزه با استعمار طی اعلامیه بسیار مفصل از کلیه احزاب و سازمانها و آقایان دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، جبهه ملی واحزاب وابسته بآن برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار دعوت به عمل آورد.

در این اعلامیه شدیداً سیاست آقای دکتر مصدق را در طول زمامداری مورد انتقاد قرارداده و از هر جهت پیدایش وضع فعلی و حکومت قوام را ناشی از سیاست و تقصیر ایشان دانسته و در خاتمه برای انجام مقاصد زیر از آنها دعوت به اتحاد کرده است.

سقوط دولت آقای قوام، تأمین آزادیهای دموکراتیک یعنی لغو حکومت نظامی وآزادی احزاب وتأمین آزادی بقیه انتخابات و جلوگیری از دخالت های بی مورد.

نظر روزنامه های انگلیس درمورد رخدادهای ایران
روزنامه آبزرور مینویسد که نخست وزیر جدید ایران خواهان آن است که مرافعه بین دوکشور حل شود ولی بشرطی که حیثیت دولت ایران لکه دار نگردد . بنظر میرسد که تا دو هفته دیگر ایران وضع بحرانی خواهد داشت. قوام السلطنه پس از جلوس به مقام نخست وزیری از مخاطراتی سخن رانده ولی وی قادر است که ایران را تدریجاً از گرداب بدبختی برهاند اگر در راه وی موانعی بوجود نیاید.

ساندی تایمز مینویسد بنظر نمیرسد دولت سابق ایران اصراری برای حل مسأله نفت باانگلستان میداشته زیرا دکترمصدق سفیر ایران را از لندن فرا خواند و سفیری را که انگلستان بجای سیر فرانسیس شپرد تعیین کرد نپذیرفت. این روزنامه همچنین در مورد رأی دیوان داوری لاهه مینویسد حتی اگر دادگاه برای رسیدگی به قضیه ایران خود را صالح بداند حل مرافعه باز چندین ماه بطول خواهد انجامید ولی با روی کار آمدن دولت جدید در ایران امکان موافقتی بین ایران و انگلستان حاصل گردیده است.

بعد از پیروزی مردم جمعیتی به تعداد تخمینی 5000 نفر به طرف خانه دکتر مصدق رهسپار شدند. با ابراز احساسات مردم دکتر مصدق درحالی که دو نفر بازوی اورا گرفته بودند در بالای بالکن عمارت ظاهر شد و از ابراز احساسات مردم تشکر کرد. قریب پانزده دقیقه مردم برای دکتر مصدق هورا کشیده و دست میزدند.

در ساعت ده شب پیام دکتر مصدق از رادیو برای مردم ایران پخش گردید.

هم وطنان عزیز... اکنون که برحسب تمایل مجلس شورای ملی و فرمان ملوکانه مأمور تشکیل دولت شده ام بعد از عرض تشکر و امتنان از هموطنان عزیز تمنا دارم که متانت و بردباری همیشگی خود را که در امور مشکل تر و مواقع حساس تر نشان داده اند حفظ کرده رعایت نظم و انضباط را بفرمایند و از وقوع هر حادثه و بی نظمی ممانعت و اجرای منویات ملی را بوسیله دولت جدیدی که در شرف تشکیل است تسهیل نمایند. دکتر محمد مصدق

31 تیر 1331

درحالیکه مردم در شور و هیجان ناشی از پیروزی هستند جلسه سری مجلس در ساعت 9 صبح تشکیل و از 64 نماینده حاضر در جلسه 61 نفر به دکتر مصدق رأی اعتماد میدهند.

تنیجه رأی گیری توسط دکتر حسن امامی به شاه اطلاع داده شد. دربار مقارن ساعت یک بعد از ظهر نتیجه رأی گیری را به دکتر مصدق ابلاغ نمود و دکتر مصدق در جواب اعلام قبولی خود را اعلام داشت.

اعلامیه وزارت دربار درباره روز 30 تیر

وزارت دربار شاهنشاهی با ابراز این عقیده که فداکاری شهدای 30 تیر برای همیشه در تاریخ ایران جاویدان خواهد بود مراتب تألم و تأثر خاطر مبارک شاهانه را به بازماندگان شهدای این روز اعلام و از خداوند متعال خواهان است که وحدت و یگانگی ملت ایران را همواره حفظ نماید.

کفیل وزارت دربار شاهنشاهی - ابوالقاسم امینی

دیوان بین المللی دادگستری به نفع ایران رأی داد

دادگاه بین المللی لاهه امروز در ساعت هفت و سی هشت دقیقه به وقت تهران با اکثریت 9 رأی در برابر 5 رأی عدم صلاحیت خود را در بررسی اختلاف انگلیس اعلام نمود.

قضاتی که به نفع ایران رأی دادند عبارت بودند از :

عبدالحمید بداوی پاشا قاضی مصری - ژوزه گوستاو گوئرو قاضی سالوادری - دکتر سنجابی قاضی ایرانی - هوسومو قاضی چینی - میلوان زوریچ قاضی یوگوسلاوی - آرمان اوگون قاضی اروگوئی - هلژ گلاستاد قاضی نروژی - آرندلد یک نایر قاضی انگلیسی - بوهدان وینیارسکی قاضی لهستانی

قضاتی که علیه ایران رأی دادند :

ژول بدوان قاضی فرانسوی، گرین هاک ورث قاضی امریکائی - جان رید قاضی کانادائی، کارترد قاضی برزیلی، لراند رور آلوارز قاضی شیلیائی سر بنگال راوی قاضی هندی و کولونسکی قاضی روسی از شرکت در جلسه خودداری کردند.

دادگاه همچنین با اکثریت آرا اعلام داشت که ایران ملزم به قبول قضاوت اجباری نمیباشد.

سخنگوی شرکت نفت انگلیس گفت شرکت به مراجع دیگر متشبث خواهد شد یا از دادگاه تقاضای تعیین یک حکم مستقل خواهد کرد. مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلیس اظهار داشت انگلیس با صدور نفت از ایران مخالفت خواهد ورزید. جراید انگلیس مینویسند این حکم ادعا های انگلیس را از بین نمیبرد.

30 فروردین 1332

خروج نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به رهبری حایری زاده از تهران و تقلیل عده حاضر در مرکز که موجب عدم تشکیل جلسه علنی گردید مجلس را در برابر امری مشکلتر از قضیه گزارش هیأت هشت نفری قرارداده است زیرا گرچه عده نمایندگان حاضر طوری است که با خروج این عده از تهران جلسه امروز مجلس بکلی تعطیل و فلج شده است .

پیدایش وضع جدید درصحنه بهارستان از بعد از ظهر روز پنج شنبه اعضای فراکسیون نهضت ملی و همچنین منفردین مجلس را که فعلا نقش میانجی را عهده دار هستند به فکر چاره جوئی و صلاح اندیشی برای رفع این محظور بی سابقه و غیر منتظره انداخت و هر دو دسته از روز پنجشنبه تا بحال چندین جلسه تشکیل داده و مدتی به تبادل نظر پرداختند تا در برابر آن اقدام اقلیت روشی اتخاذ نمایند که آن روش منتهی به مراجعت اقلیت به تهران و تأمین عهده حاضر در تهران برای تشکیل جلسه گردد.

اعضای فراکسیون نهضت ملی دو هیأت پنج نفری انتخاب کرده اند که با نخست وزیر و رئیس مجلس ملاقات کرده مشکل مزبور را با آنها در میان بگذارند. نمایندگان فراکسیون نهضت ملی در پاسخ خبرنگاران بعد از ملاقات با نخست وزیر اظهار داشتند اقدام اخیر کمیسیون آزادی یعنی خروج دسته جمعی از تهران و از اکثریت انداختن مجلس موجب عدم تشکیل جلسات علنی و تعطیل مشروطیت گردیده و ما نمیخواهیم با وضع کنونی وبحرانی فعلی مجلس درتعطیل ودولت دربلاتکلیفی بماند برای چاره جوئی جهت حل این مشکل نظریات مختلفی در فراکسیون به میان آمد.

ابتدا صحبت از استعفای دسته جمعی شد ولی این نظر را جمعی نپسندیدند و استدلال ما این بود که درصورت عدم تصویب گزارش 8 نفری اقدام به این کار شود و حال اینکه این امر هنوز روشن نیست. خاصه اینکه تصمیم فراکسیون آزادی و خروج آنها ازتهران نشان داد که مخالفین گزارش امیدی به ردشدن و عدم تصویب آن ندارند و ظن قوی این است که اگر جلسه علنی مجلس تشکیل شود طرح فراکسیون که مفاد همان گزارش است ازتصویب مجلس خواهد گذشت، بنابراین استعفای دسته جمعی مورد ندارد.

بعد پیشنهاد شد با آقای نخست وزیر مذاکره شود تا ایشان دستور شروع بقیه انتخابات را را صادر نمایند، در نتیجه مجلس از مشکل اقلیت عده نمایندگان رهایی یابد زیرا درحال حاضر 56 کرسی مجلس از 136 کرسی آن خالی و بدون نماینده است. بدیهی است که اگر بقیه نمایندگان انتخاب شوند مجلس در ادامه کار و اتخاذ تصمیمات لازم قدرت بیشتری بدست خواهد آورد.

آقای دکترمصدق اظهارداشتندکه قصد تحمیل به مجلس ندارند آقایان اقلیت میتوانند بیایند و مجلس را تشکیل بدهند و اگر گزارش هیأت 8 نفری را به مصلحت نمیدانند دلایل خودشان را بیان نمایند و آن را رد کنند تا هم تکلیف دولت معلوم شود و هم مجلس.

در ملاقات با رئیس مجلس آیت الله کاشانی گفتند من از این وضع کنونی بیش از هرکس متأسف هستم و نمیدانم کسانی که به آتش نفاق و دو دستگی دامن میزنند چه مقصد و نظری دارند آنها وکیل مجلس هستند و عقیده دارند و در عقیده خود هم آزاد میباشند. من رئیس مجلس نشدم که به نمایندگان دستوربدهم و برای نماینده تعیین تکلیف کنم. بر فرض من به آنها توصیه کنم که به تهران مراجعت کنند آنها نخواهند آمد چون میگویند ما مصونیت نداریم و آزاد نیستیم. دیروز از رادیو شنیدم که میگفت که اگر اقلیت به تهران نیاید ما آنها و رئیسشان را به دنبای اربابان قدیمیشان روانه خواهیم کرد. من از شما انصاف میخواهم آیا آنها حق ندارند با این ترتیب به عنوان عدم تأمین جانی و آزادی تهران را ترک کنند؟

آقای مهندس رضوی گفت من این مسأله را دیروز شنیدم آنرا به اطلاع آقای نخست وزیر رسانیدم. ایشان فوراً به رئیس رادیو دستور دادند که از پخش این گونه مسائل در رادیو جلوگیری کند.

درمراجعت از منزل رئیس مجلس خبرنگاران از آقای مهندس رضوی نتیجه ملاقات با آیت الله را سؤال کردند ایشان پاسخ دادند هیچ گونه پیشرفتی حاصل نشده . در مجلس نیز هیچگونه وضع خاصی نیست که موجب عدم حضور آقایان حتی در تهران بشود وحالا هم وضع مسافرت آقایان صورت دیگری بخود گرفته یعنی ابتدا رفتند چند فرسنگی تهران وبعد به منازل خودمراجعت کردند واین خود بهترین دلیل تأمین آزادی آنها است. دیروز عصر چند نفر از این آقایان به قم تشریف بردند.

حالا حرفشان این است که ما طرح متقابل داریم اگر آنرا قبول میکنید ما برمیگردیم. پس مغلوم میشود که موضوع عدم تأمین جانی و آزادی نیست و اصل مسأله این است که طرح متقابل در میان است. در این حالت مخالفتی نمیباشد. اگر طرحی دارند بیاورند روی آن مداکره میشود، بحث میشود وبعد رأی مجلس درباره آن قضاوت خواهد کرد.

امروز وقتی آقای حایری زاده لیدر اقلیت قصد خروج از مجلس را داشت خبرنگاران از او پرسیدند " کجا بودید و کجا میروید؟" حایری زاده جواب داد روز پنجشتبه به اتفاق رفقا از شهر خارج شدیم و به یکی از شهرستان های نزدیک تهران رفتیم. دیرور به تهران آمدم و چون مریض هستم به صفحات شمال میروم که استراحت کنم امروز شنیده ام رفقا رفته اند، آنها از من خواسته اند به آنها ملحق شوم ولی چون من قصد استراحت دارم الان عازم گچسر هستم و به رفقا هم پیغام دادم اگر مایل هستند به آنجا بیایند و حالا آمده ام شخصی را معرفی کنم تا حقوق مرا بگیرد و برایم بفرستد!

از وی سؤال شد چه وقت قصد شرکت در مجلس یا لااقل مراجعت به تهران را دارید؟ چواب داد این مسأله مربوط به آن است که آیا آنها طرح ما را بپذیرند یا نه امروز به آقای اخگر گفتم اگر آقایان رفقای شما حاضر به قبول این طرح هستند در مجلس شرکت میکنیم .

کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب کردند

از عصر دیروز کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب نموده اند. درخواستهای آنها پرداخت اضافه حقوق ، تهیه بهداشت برای خانواده کار گران، مسکن یا اجاره خانه، آزادی بیشتر برابر قانون کار برای کارگران. امروز خانواده های کارگران نیز در مقابل پالایشگاه اجتماع نمودند. پس از گزارش موضوع به آقای نخست وزیر ایشان دستور رسیدگی دادند.

31 فروردین 1332

نفت ایران در بازار ژاپن

روزنامه ژاپنی یومیورز مینویسد درحالی که انگلیسی ها متوجه شده اند بهیچوجه نمیتوانند از ورود نفت ایران به بازارهای نفتی ژاپن جلوگیری کنند درصدد هستند از کمک شرکت های نفتی برای رقابت کردن با قیمت های نفت های خریداری شده از ایران به یاری آنها بپردازند ولی بنابر اطهار نظر کارشناسان نفتی این اقدام غیر محتمل میباشد و شرکت های نفتی امریکا در شرایطی نیستند که بتوانند مبادرت به این ریسک کنند.

اغتشاش در دزفول

طبق اطلاع دیروز محله صحرابدر مشرقی برای پشتیبانی از دولت قصد تظاهراتی داشتند ولی اعضای حزب زحمتکشان برای ممانعت از برگزاری متینگ آنها عده ای را در محل برگزاری متینگ اجتماع و فصد اخلال داشتند که در نتیجه رد و خورد شدیدی درگرفت که منجر به کشته شدن چهار نفر و مصدوم شدن بیش از صد نفر گردید. مجروحین به بیمارستان های اهواز اعزام گردیدند.

سومین مرحله توطئه علیه نهضت ملی

اول اردیبهشت 1332

تسلیم ابوالقاسم بختیار

ابوالقاسم بختیار که از چندی پیش در نواحی بختیاری با مأمورین دولتی نزاع میکرد در اصفهان تسلیم قوای دولتی شد و به مرکز اعزام گردید. به دستور ستاد ارتش و دولت مقرر بود درصورت عدم تسلیم ابوالقاسم محل سکونت او بمباران گردد و برای این منظور اعلامیه هائی از طرف ارتش در نواحی استقرار ابوالقاسم و نیروهای او پخش شده بود و از مردم دراین مورد درخواست کمک شده بود.

نظر به اینکه گشت مأمورین در نواحی ای که محل استقرار ابوالقاسم و یاغی های زیر فرمان او منتج به نتیجه نشد واحدهای تازه نفسی که از اهواز و دزفول به ایذه ، مسجد سلیمان . هفتگل اعزام شده بودند بازگشتند و عملیات نظامی در بختیاری متوقف شد اقدام برای دستگیری سردسته یاغیان ادامه داشت تا بالاخره ابوالقاسم بختیار در یکی از نقاط ییلاقی بختیاری خود را تسلیم قوای دولتی نمود.

ابوالقاسم بختیار پسرعموی سرهنگ بختیار میباشد و چندین بار در سالهای گذشته دارای پست های فرمانداری نقاط مختلف بود. طبق اطلاعیه ستاد ارتش ابوالقاسم بختیاری در تاریخ 21 فروردین طی تلگرافی به دولت اعلام کرد که حاضر است تسلیم شود. در تاریخ 29 فروردین در کوههای بختیاری تسلیم و به اصفهان اعزام گردید همراهان وی نیز خلع سلاح شده و در بازداشت بسر میبرند و بازجوئی از نامبردگان ادامه دارد.

پایان شورش در شیراز

بعد از سرکوب شورشیان در شیراز که به ساختمان های اصل چهار حمله و پس ازغارت اموال موجود مبادرت به خراب کردن ساختمانها پرداخته بودند امروز آقای وارن رئیس اصل چهار به اتفاق نماینده نخست وزیر به شیراز عزیمت و از ساختمانهای اداره اصل چهار بازدید نمودند. خسارات وارده حدود صد هزار دلار برآورد شده است.

نظر به اینکه از جمعیت حمله کننده عکسبرداری شده بود با کمک عکس ها قریب ششصد نفر توسط مأمورین فرمانداری نظامی و شهربانی دستگیر و قسمتی از اموال مسروقه از اداره اصل چهار و منزل مسکونی آقای وارن نیز در منازل اشخاص دستگیر شده کشف گردید

قتل سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی

ساعت 9 دیشب سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی در خیابان خانقاه از ماشین خود پیاده شد وبه راننده خود اظهار داشت که جلو کلانتری در میدان بهارستان توقف کرده منتظر وی باشد. شوفر تمام شب در آن محل منتظر میماند و چون از رئیس شهربانی خبری نمیشود مراتب را به شهربانی گزارش میدهد.

امروزتمام منازل خیابان های صفی علیشاه وخانقاه که حزب سومکا وکانون افسران بازنشسته در آن واقع است از طرف کارآگاهان شهربانی بازرسی شد.

افشار طوس 5 ماه پیش به ریاست شهربانی دولت دکتر مصدق منصوب گردید. او یکی از پست های کلیدی قوای انتظامی را به عهده دارد و دارای محبوبیت زیادی در بین افسران جوان است.

سرتیپ افشارطوس از بعد ازشهریور 1320 دارای مشاغل کلیدی بسیاری در ارتش و شهربانی بوده است. او مورد احترام و اعتماد دکتر مصدق نخست وزیر میباشد. از اینرو شایع است که مخالفین دولت عاملین اصلی این اقدام بوده اند.

در این قسمت با توجه به اهمیت مسأله بدون توجه به روزشمار تاریخ به عنوان بخش جداگانه ای توطئه قتل سرتیپ افشار طوس و اهمیتی که این رخداد در شکل گیری کودتای 28 مرداد داشته است به دنبال یکدیگر خواهند آمد.

4 اردیبهشت 1332

دیشب مأمورین آگاهی بعد از اقرار رابیندگان رئیس شهربانی جسد سرتیپ افشار طوس را در غارتلو پیدا کردند. امروز یکی از مأمورین محافظ سرتیپ افشار طوس اظهار داشت که یک هفته قبل از واقعه رئیس شهربانی در منزل حسین خطیبی مدتی با سرتیپ مزینی و سرتیپ منزه و چند نفر دیگر ملاقات کرده بود. ملاقات دوم در همان شبی بود که تیمسار ربوده شد.

درخواست سلب مصونیت از بقایی

نامه آقای لطفی وزیردادگستری بمجلس شورای ملی

مطابق گزارش وزارت دفاع و دلایل و مدارک پیوست آن جناب آقای دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس شورای ملی متهم است به معاونت در قتل تیمسار سر لشگر افشار طوس و چون تحقیقات از نامبرده با مصونیت پارلمانی میسور نیست برطبق ماده 182 آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی که مقرر داشته است هر نماینده ای به ارتکاب جنحه یا جنایتی متهم شود اعم از اینکه تاریخ عمل منشأ اتهام زمان نمایندگی و یا قبل از آن باشد وزیر دادگستری باید گزارش مفصلی بر موضوع اتهام و با دلیل ومدارک قانونی آن به مجلس شورای ملی تقدیم نماید ، گرازش مزبور در اولین جلسه علنی مجلس قرائت و بدون تأخیر به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع خواهد شد.

تقاضا دارد مقرر فرمائید هرچه زودترجلسه علنی محلس شورای ملی تشکیل شده و مفاد ماده 182 آئین نامه را در مورد مشارالیه به موقع اجرا گذارند.

وزیر دادگستری – لطفی

گزارش وزارت دفاع
به موجب گزارش 2286 مورخ 20 اردیبهشت 1332 فرمانداری نظامی شهرستان تهران مستند به گزارش 1890 هفدهم اردیبهشت 1332 دادستان دادسرای نظامی با 22 برگ پیوست آن جناب آقای دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس شورای ملی در پرونده قتل تیمسار سرلشگر افشار طوس متهم است به معاونت با مرتکبین قتل و چون لازم است از ایشان بازجوئی به عمل آید و مصونیت پارلمانی مانع تحقیقات از نامبرده میشود بنابراین طبق ماده 182 آئین نامه مجلس راجع به تعقیب نمایندگان ازمجلس شورای ملی تقاضای سلب مصونیت ایشان را درخواست فرمائید. وزیر دفاع ملی

نامه فرمانداری نظامی به وزارت دفاع ملی

بنا برگزارش شماره 198 هفدهم اردیبهشت ماه 1332 دادستان دادسرای نظامی مستند 120برگ دلایل جناب آقای دکتر مظفر بقائی در پرونده قتل تیمسار سرلشگر افشار طوس متهم میباشند و دلایل اتهام به نظر دادستان دادسرای نظامی جهت احضارو تعقیب ایشان کافی است. اما چون به موجب اصل 12 قانون اساسی احضار ایشان بدون اطلاع مجلس شورای ملی مانع قانونی دارد مستدعی است امر و مقرر فرمائید در این خصوص اقدام لازم معمول دارند

فرماندار شهرستان تهران - سرهنگ ستاد اشرفی

2 اردیبهشت 1332

آقای محمد ناصر قشقائی بعد از حوادث اخیر شیراز در یک جلسه مطبوعاتی درباغ ارم شیراز اظهار داشت قیام ملی ایران متکی به اراده اکثریت نزدیک به اتفاق ملت است. این قیام ملی را با رهبر عالیقدر این جنبش عظیم ملی دکتر محمد مصدق مبعوث ملت است و خواست و اراده او همان آرزوی ملت ایران میباشد. موضوع طرح هیأت هشت نفری نیز مسأله ای است که با سرنوشت مشروطیت این کشور بستگی دارد و تکلیف دولت ملی را تعیین میکند و درصورت تصویب دست دولت را برای خاتمه دادن به تحریکات و خرابکاری های ایادی اجنبی آزاد خواهد گذاشت. این است که اراده ملت بر آن قرار گرفته که این طرح به تصویب برسد.

درپایان مصاحبه آقای ناصرقشقائی اظهار داشتند تا موقعی که تکلیف محرکین و مسببین فجایع اخیر معلوم نگردد و بر بنده مسلم نشود که ریشه تحریکات ضد ملی از فارس کنده شده است از شیراز واطراف آن خارج نخواهم شد و اصولا در هر جا و هر محلی که باشم شخصا مانند سربازی ساده آماده فداکاری در راه جنبش ملی ایران هستم.

3 اردیبهشت 1332

اعلامیه فراکسیون آزادی

سخنگوی فراکسیون نهضت ملی در مصاحبه با مخبرین جراید میگوید " اعضای فراکسیون آزادی درنتیجه عدم حضور در مجلس عامداً رکنی از ارکان مشروطیت را در حال تعطیل نگاه میدارند و به اصول مسلم حکومت های پارلمانی یعنی بحث و طرح مسائل در جلسات مجلس اعتنائی نمیکنند و میگویند آقایان هم در مجلس حاضر میشوند و هم غایبند" .

فراکسیون نهضت ملی قوه شنیدن حرف مخالف را ندارد درصورتی که لازمه بحث و جدلی که سخنگوی محترم بآن اشاره مینمایند انتقاداز عقاید مخالف است. گذشته از آن دولت طرف حمایت شما در نتیجه گرفتن اختیارات قانون گذاری از مجلس با زور چاقوکس و رجاله و اشرار برخلاف اصول 16 و 21 و 33 قانون اساسی که تصویب قانون را منحصراً حق قوه قانون گذاری دانسته و برخلاف اصول 27 و 28 راجع به تفکیک قوا، را زیر پا گذاشته و قوه های سه گانه را با حمایت شما یک کاسه نمود.

بنابراین ازمجلس وحکومت پارلمانی چیزی نمانده است که فراکسیون آزادی رکنی از ارکانش را منهدم سازد و اگر دل فراکسیون نهضت ملی به حال حکومت پارلمانی میسوخت جا داشت کمک نمایند که تا این پایه قانون اساسی پایمال نگردد.

همکاران محترم، دولتی که شما حامی آن هستید باین قانع نیست و چون میترسدچیزی ازحکومت ملی وپارلمانی باقیمانده باشد میخواهد با دست شما به بهانه گزارش هیأت هشت نفری فرماندهی کل قوا را نیز برخلاف اصل پنجاهم قانون اساسی قبضه نموده و راه نفس کشیدن را برای احدی باقی نگذارد.

اگر فراکسیون آزادی درمجلس حاضر نمیشود بیمی است که از قانون شکنی و زور گوئی حکومت مورد حمایت شما دارد زیرا این حکومت هرموقع خواست شکاف تازه ای در قانون اساسی ایجاد کند چون قدرت حکومت و بودجه دولت را در دست دارد فورا یک عده چاقوکش و رجاله تجهیز میکند که با تهدید مجلس را مجبور به دادن رأی موافق خود کند آیا به عقیده فراکسیون نهضت ملی این روش دولت صد در صد منطبق با اصول حکومت پارلمانی است ولی فراکسیون آزادی که برای جلوگیری از این زورگویی و قانون شکنی در مجلس حاضر نمیشود برخلاف اصول پارلمانی عمل میکند؟

آقای مکی نماینده منفرددیگر میگوید بنده دروضع حاضر راه حلی برای مشکل فعلی نمی بینم و متأسف هستم چرا این دو دسته توجهی به وضع مملکت ندارند.

6 اردیبهشت 1332

آغاز سومین سال زمامداری دکتر مصدق

درساعت 3 بعد ازامروز آقای دکتر فاطمی وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت اطلاعات زیر را در اختیار خبرنگاران داخلی و خارجی قرارداد :

فردا سومین سال زمامداری آقای دکتر مصدق آغاز میشود. روز هفتم اردیبهشت 1330 مجلس شورای ملی رأی تمایل خودرا ابراز داشت و دوروز طول کشید تا قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در مجلس تصویب شد سپس دولت دکتر مصدق تشکیل گردید. دوسالی که گذشت دوسال پر حادثه ای بود که حتی یک ساعت و یک روز دولت از تحریکات و کار شکنی ها و خرابکاری های سیاسی که نیم قرن ملت محروم ما را غارت کرده است ایمن نبود. کشمکش های داخلی و ماجراهای بین المللی که حریف برای حکومت مصدق فراهم آورد هر روز وقت و فرصت مملکت را نوعی به خود مشغول داشت و هنوز هم با همه تجربه ها که در راه مقاومت ملت قهرمان ایران آزموده است از تعقیب رویه جنایت آمیز خود دست بردار نیست و هر لحظه با رنگ و قیافه تازه ای خانه ما را دچار اخلال و هرج و مرج و تشنج میکند.

13 اردیبهشت 1332

گزارش قتل تیمسار افشار طوس به مجلس

یکی از نمایندگان طرفدار دولت امروز اظهار داشت که دولت در نظر دارد گزارشی از چگونگی ربودن تیمسار افشار طوس و علل قتل وی بطور جامع و کامل و با ذکر دلایل تقدیم مجلس کند و محتمل است ضمیمه این گزارش لایحه سلب مصونیت از دکتر بقائی را به مجلس تقدیم نماید. با توجه به این شایعات آقای دکتر بقائی امروز پس از خاتمه کار خود در کمیته تحقیق با چند نفر از نمایندگان مجلس و دوستان خود با توجه به اعلامیه فرماندار نظامی برای تشکیل جلسه علنی مجلس تلاش میکند. حضور آقای اورنگ در تهران و احتمال ورود آقایان ناظر زاده کرمانی و ریگی تا فردا به تهران و حصول حد نصاب قانونی و علاقه نمایندگان به دفاع دکتر بقائی در قبال اعلامیه دیروز فرماندار نظامی تهران موجب شده که مطلعین امور پارلمانی معتقد شوند احتمال دارد روز سه شنبه جلسه علنی مجلس تشکیل شود و حتی مخالفین گزارش 8 نفری نیز که تا بحال مانع تشکیل جلسه علنی بودند به این موضوع اظهار علاقه میکنند زیرا تصمیم دکتر بقائی به دفاع از خود در اولین جلسه علنی محلس وسیله ای است

که به نظر آنها مدتی موضوع گزارش هیأت 8 نفری و طرح فراکسیون نهضت ملی به تأخیر خواهد انداخت.

14 اردیبهشت 1332

اعتصاب کارگران دخانیات

از عصر دیروز سندیکای کارگران دخانیات دست به اعتصاب زده اند و درخواست های خودرا بااین ترتیب اعلام داشتند : پرداخت اضافه حقوق، عدم پرداخت صدی دوازده به صندوق تعاون، کارگران طبقه بندی شوند. تا آخر وقت امروزکارگران دخانیات همچنان از رفتن بکارگاه ها خودداری کرده و در نهارخانه اجتماع نموده بودند و مأمورین نیز برای اینکه جادثه ای اتفاق نیفتد کلیه اشخاصی را که در جلوی دخانیات در خیابان گرد آمده بودند متفرق کردند و از ورود کارگران به داخل محوطه دخانیات ممانعت به عمل آمد. ضمنا به کارگرانی که در داخل بودند اطلاع داده شدکه اگر بخواهند به منازل خود بروند میتوانند بطور انفرادی از دخانیات خارج شوند.

امروز ساعت یازده اطلاع حاصل شد که کارگران سیلو و چیت سازی نیز برای پشتیبانی از کارگران دخانیات تصمیم گرفته اند که دست از کار بکشند. سندیکای کارخانجات فوق وابسته به جمعیت مبارزه با استعمار (حزب توده) هستند.

تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس

صبح امروز مقارن ساعت هفت تیمسار سرلشگر بازنشسته فضل الله زاهدی که فرماندار نظامی تهران طی اعلامیه ای از او دعوت نموده بود که در ظرف 48 ساعت خود را معرفی نماید از در کتابخانه مجلس به اتفاق یکی از نمایندگان فراکسیون آزادی به اطاق کارپردازی وارد و با آقایان میر اشرافی و بهادری نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به مذاکره پرداخت و اعلام کرد که قصد تحصن در مجلس را دارد و دراین باره نامه ای به رئیس مجلس خواهد نوشت. در مورد علت تحصن زاهدی اظهار داشت فرماندار نظامی تهران دیروز به موجب اعلامیه ای ابلاغ نموده بود که من خود را به فرمانداری نظامی معرفی نمایم. چون علت این احضار را نمیدانستم و ار طرفی اطمینان نداشتم از قبول این دعوت خودداری نمودم. ولی چون این مقررات حکومت نظامی که به استناد آن قصد بازداشت مرا دارند هنوز از تصویب مجلس نگذشته و غیر قانونی میباشد به عنوان اعتراض به خانه ملت یعنی مجلس شورا آمده ام و در اینجا برای هرگونه توضیحات و تحقیقاتی آماده ام.

نظربه اینکه تحصن سرلشگر زاهدی بایستی با موافقت هیأت رئیسه مجلس باشد سرلشگر زاهدی روی یادداشت مجلس شرجی به رئیس مجلس نوشت و متن آنرا برای اظهار نظر و یا اصلاح به آقای حایری زاده داد و حایری زاده بعد از قرائت نامه آنرا تأیید نمود.

نامه زاهدی به کاشانی رئیس مجلس شورای ملی

بطوری که خاطر مبارک مستحضر است در اسفند ماه بدون دلیل و برخلاف قانون توقیفم کردند و از فروردین ماه تا بحال سه چهار مرتبه به خانه و باغ شمیرانم قوای مسلح نظامی و غیر نظامی در شب و بعد از نصف شب ریختند و سلب آزادی و امنیت از خودم و فامیلم کردند. بعد از شکایت تلگرافی به مقامات دادگستری و یأس از جمایت قانونی آنان ناگزیر شدم به خانه ملت پناهنده شوم و ضمنا برای اطمینان خاطر آن مقام محترم و وکلای محترم مجلس شورای ملی عرض میکنم که تا بحال عملی برخلاف مصالح کشورم ننمودم و همواره سربازی خدمتگذار و فداکار برای میهنم بوده و هستم.

در جلسه هیأت رئیسه آیت الله کاشانی با تحصن وی موافقت کردند و ذیل نامه سرلشگر زاهدی موافقت خود را به اطلاع دفتر مجلس و اداره بازرسی رساندند تا وسایل پدیرائی ایشان را فراهم کنند.

15 اردیبهشت 1332

اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی

ابوالقاسم کاشانی در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت "مجلس خانه ملت است و هرکس میتواند تا هر وقت دلش بخواهد آنجا تحصن کند."

19 اردیبهشت 1332

اعضای کمیسیون آزادی برای عدم تشکیل جلسات علنی مجلس و رسیدگی به امور، مخصوصاً لایحه هیأت 8 نفری به قم رفته اند تا مانع تشکیل جلسه علنی مجلس گردند. لیدر اقلیت حایری زاده در این مورد گفت مذاکرات ما در قم این بود که باید اول مطمئن شد که آیا میشود یک روح توافق و هم فکری در محیط مجلس به وجود آورد یا خیر و آیا اکثریت حاضر است از لجاجت دست بردارد یا نه؟ و درصورتیکه این اطمینان حاصل تشده آیا ما موفق خواهیم شد هنگام اخذ رأی مجلس را از اکثریت بیندازیم یا نه ؟

در نتیجه پس از مذاکراتی که در این باره به عمل آمد قرار شد اعضای کمیسیون به تهران بیایند و مجددا برای آخرین بار با دستجات مختلف تماس بگیرند و اگر سایرین حاضر به قبول نظریات ما شدند که در مجلس حاضر شوند و در غیر اینصورت یا مانع کار مجلس یعنی نظریات دولت بشوند و یا اگر جلوگیری از عقیده آقایان فراکسیون نهضت ملی نیستند مجددا تهران را ترک کنند و این بار به قزوین یا دماوند بروند.

ما برای مبارزه با دولت و دیکتاتوری طرحی تهیه کرده ایم ، یکی مربوط به سلب اختیارات دکتر مصدق و دومی مربوط به انتخاب رؤسای تشکیلات انتظامی کشور از طرف مجلس برای مدت 5 سال . حرف ما این است که اختیارات مصدق یک مسأله اختصاصی است و انتخاب فرماندهان قوای انتظامی دخالت در قوه مجریه است. جواب ما این است که وقتی قرار است رعایت کامل قانون اساسی بشود موضوع اختصاصی بودن یک قضیه منتفی است و بلکه معتبر هم میباشد و اما درمورد دخالت در قوه مجریه ، این طرح ما مسبوق به سابقه است زیرا در دوره پنجم همین مجلس تصویب نمود که فرماندهی کل قوا برای مدتی در اختیار رضا خان باشد. و هرگاه منظور ما حاصل نشد مجلس را از اکثریت خواهیم انداخت.

20 اردیبهشت 1332

جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه
قبل از نواخته شدن زنگ جلسه علنی آقای حایری زاده درخواست تشکیل جلسه خصوصی نمود و در این مورد اظهار داشت که ما با درخواست جلسه خصوصی میخواهیم باری از دوش آقایان برداریم و نگذاریم که جناب مصدق السلطنه امیال خود را بر گرده مجلس سوار کند و الا این طرح هیأت 8 نفری که الان به مجلس آورده اند بقدری بی اهمیت است که برای خاطر آن ما مهاجرت نکردیم زیرا خواندن چند اصول از قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد. ولی در پس آن پرده اقدامات خودسرانه و دیکتاتوری جناب دکتر مصدق شروع خواهد شد و طلیعه آن همین اقدامات دولت پس از واقعه قتل رئیس شهربانی و استفاده های خلاف قانون دولت از این واقعه است.

ایجاد این محیط ترس و وحشت رفقای ما را و همچنین دوستان اعضای فراکسیون نجات نهضت را وادار به این نمود که درصدد تشکیل جلسه علنی باشند به همین جهت ما به تهران آمدیم و حالا هم حاضر به حضور در جلسه علنی هستیم تا مجلس ضمن رسیدگی به کارهای روزانه خود اعمال دولت خصوصا خطاهای او را تحت انتقاد قرار داده و حافظ حدود و ثغور قانون اساسی باشیم و برای اجرای این منظور هم طرحهایی داریم که آنها را ارائه خواهیم کرد و نظر ما این است که طرحهای ما با گزارش هیأت 8 نفری تلفیق شود و به صورت طرح جامعی درآید.

در ساعت 11 زنگ جلسه علنی مجلس شورای ملی به صدا درآمد ولی به علت اعتراض اعضای فراکسیون های آزادی برهبری حایری زاده و نجات نهضت به رهبری بقائی به حضور آقای روحی نماینده سوم منتخب مردم کرمان در مجلس، در حالی که با توجه به حضور دکتر بقائی به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در مجلس، آقای روحی به عنوان نماینده دوم کرمان توسط کمیسیون به مجلس معرفی شده بود ومجلس موظف به بررسی اعتبار نامه او

بود ولی مخالفین دولت به این بهانه که او نماینده نمیباشد. پس از ضرب و شتم آقای روحی توسط شمس قنات آبادی و میر اشرافی و بهادری، جلسه علنی تعطیل گردید.

نامه فراکسیون نهضت ملی

بدنبال حادثه امروز مجلس شورای ملی فراکسیون نهضت ملی نامه زیر را به هیأت رئیسه مجلس شورای ملی تقدیم داشته است.

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی

بطوریکه خاطر آقایان مستحضر میباشد پس از آنکه تعطیلات فروردین منتفی شد ومجلس آماده برای کارگردید چند نفر از آقایان نمایندگان به عنوان اینکه امنیت ندارند و نمیتوانند مطالب خود را آزادانه به سمع مجلس شورای ملی برسانند خروج خود را از تهران اعلام نمودند.

در این فاصله که قریب یک ماه بطول انجامید با وجود اینکه غالبا چند نفر از آقایان را در تهران و حتی در مجلس شورای ملی ملاقات مینمودیم ، معذالک به احترام آزادی که برای عموم نمایندگان مجلس قائل میباشیم انتشار تغییر تصمیم آنان را داشتیم واعضای این فراکسیون هم بطور دائم در تهران ماندیم و در روزهای مقرر برای انعقاد جلسه علنی در مجلس مجتمع گردیدند و مکرر هم اعلام نمودیم که نظر ما همیشه بر این است که بر طبق قانون اساسی و آئین نامه مجلس شورای ملی محیط کار نمایندگان محترم باید از هرگونه تشنج خالی باشد و جلسات مجلس شورای ملی بایستی صرف بحث در مطالب اساسی و طرح مسائل قانونی بشود و حکمیت بین نظرات مختلف در هر امری منوط به رأی نهائی مجلس شورای ملی میباشد. چنانچه در همین زمینه طرح سه فوریتی هم که قبلا تهیه شده بود انتظار تشکیل جلسه و اعلام رأی نهائی مجلس را داشته ایم.

بدیهی است در خصوص تصمیم آقایان در خارج شدن از تهران و همچنین مراجعت به تهران، این فراکسیون هیچ گونه نظری را اظهار نمیدارد زیرا قضاوت رویه و اعمال مجلس بر عهده ملت ایران است.

بالاخره امروز صبح یکشنبه 20 اردیبهشت ماه 1332 که جلسه علنی تشکیل گردید ملاحظه شد که نیت و نظر نمایندگانی که بنام اقلیت خود را معرفی می نمایند بر این نیست که مطالب خود را طبق قانون مطرح و به حکمیت مجلس واگذار نمایند بلکه از همان ابتدا بوسیله ایجاد جنجال سعی میکردند جلسه را متشنج سازند و چون در مقابل فریادهای یکی از آقایان اکثریت قریب به اتفاق مجلس شورای ملی از آنجمله اعضای فراکسیون نهضت ملی با متانت کامل سکوت وآرامش را حفظ نمودند.

دفعتاً آقای میراشرافی و بهادری که با سمت کارپردازی مجلس قانونا بیشتر از سایر اعضای هیأت رئیسه موظف به حفظ نظم و امنیت مجلس میباشند به طرف آقای علی روحی حمله نموده و با ادای الفاظ رکیک به ایشان توهین و ایراد ضرب نمودند.

دراین جریان اسف آورهم فراکسیون نهضت ملی بانتظار اقدام قانونی هیأت رئیسه از عمل متقابل خودداری نمود ولی متأسفانه هیچگونه تذکر قانونی به آنان داده نشد و کار به جائی رسید که آن دو نفر با کمک چند نفر دیگر از اعضای فراکسیون آزادی نسبت به عده ای از نمایندگان مجلس توهین و اهانت نموده جملات زشت و مستهجن ایراد نمودند.

چون حفظ نظم مجلس شورای ملی بر عهده هیأت رئیسه است و بدیهی است بدون آنکه هیأت رئیسه با نهایت قدرت آئین نامه مجلس را اجرا نماید برای هیچ نماینده ای امکان انجام وظِفه باقی نمیماند ، لازم دانستیم مراتب را طی این نامه مشروحاً به اطلاع آن هیأت محترم برسانیم.

اکنون فراکسیون نهضت ملی ایران اجرای بند ماده 101 آئین نامه را که مقرر میدارد "هرگاه نماینده ای نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس یا رئیس توهین کند توبیخ با منع حضور موقت درباره او اجرا میشود" درباره آقایان میراشرافی و بهادری درخواست می نماید.

در خاتمه هیأت رئیسه مجلس شورای ملی به وسیله اجرای صحیح آئین نامه بایستی به ملت ایران نشان دهد که چند نفر با هو و جنجال و بی ادبی نخواهند

توانست مجلس ملی را از انجام وظایف قانونی باز دارد. فراکسیون نهضت ملی

24 اردیبهشت 1332

وزیردادگستری امروزطی نامه ای به مجلس شورای ملی درخواست سلب مصونیت از آقای دکتر بقائی را به اتهام شرکت در توطئه قتل تیمسار افشار طوس رئیس سابق شهربانی را کرده است.

علت اصلی تنظیم گزارش

آقای پارسا عضو فراکسیون نهضت ملی گفت به عقیده من آقایان باید مسائل را از یکدیگر تفکیک کنند زیرا یک مسائل اصولی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد و قسمتی مسائل فرعی است که در درجه دوم واقع شده . آقایان نباید مسأله گزارش هشت نفری را که مسأله اساسی است با موضوع مسأله نمایندگی آقای روحی با اهانت به فراکسیون نهضت ملی مخلوط کنند.

آقای مکی ضمن فرمایشات خود طوری فرمودند مثل اینکه گزارش هیأت هشت نفری که به عقیده بنده سند افتخاری برای تنظیم کنندگان و امضا کنندگان آن است فقط ذکر چند اصل از اصول قانون اساسی است و فراکسیون نسبت به آن بهانه جوئی میکند. بنده باید عرض کنم که خیلی چیز ها و موضوعات در سایر ممالک مشروطه حل شده ولی هنوز در ایران حل نشده است و دلیل آن هم به عقیده بنده این است که انقلاب مشروطیت ایران بدست توده مردم و فداکاری آنها بوجود آمده و قانون اساسی که منظور نظر آزادیخواهان صدر مشروطیت بود، متأسفانه اجرای آن بدست ایادی استبداد انجام کرفت. یعنی همان هائی که در دوره استبداد شاغل امور حکومت بودند در دوره مشروطیت نیز به عنوان حکومت ملی مشغول حکومت شدند و قانون اساسی را به حال ابهام باقی گذاردند و یا سوء تعبیر کردند.

مشکلات امروز ما محصول سوء تعبیرات ایادی استبداد است و طوری شده که الان بنده پدر بزرگم برای تحصیل مشروطیت شهید راه ملت شده است به عنوان نوه او بعد از چهل و هشت سال مجبورم از رفع ابهامی که توسط گزارش هیأت هشت نفری به عمل آمده از تنظیم کنندگان این گزارش تشکر کنم.

آقای عبدالرحمن فرامرزی: علت اصلی تنظیم گزارش هیأت 8 نفری این بود که بعضی ها تعبیرات و معانی خلاف روح قانون اساسی را از این سند مشروطیت استنباط کرده بودند و الان آقایان در این گزارش معنای صحیح آن اصول را بیان کرده اند ، پس اینکه گفته میشود گزارش هیأت 8 نفری فقط اگر چند اصل از اصول قانون اساسی است بنظر بنده گویندگان این جمله دقت کامل در این گزارش نفرموده اند زیرا پس از ذکر چند اصل قانون اساسی در خاتمه گزارش معنی صحیح آن اصول نوشته شده و تقاضای تأیید آن از مجلس گردیده است و بطوری که آقایان ملاحظه میفرمائید این مسأله جزو اصول مشروطیت است و علت اینکه فراکسیون نهضت ملی اینقدر برای طرح خود پا فشاری میکند همین اهمیت و اصولی بودن مسأله است نه بهانه جوئی.

آقای ناظرزاده مقصود این است که اعضای فراکسیون نهضت ملی و سایر نمایندگان متوجه شده اند که ادامه این تشنج در مجلس به صلاح هیچ کس نیست و عواقب وخیم در بردارد که بهتر است زودتر به آن خاتمه داده شود . تشکیل جلسه امروز به همین منظور است.

برای به راه افتادن مجلس لازم است چند اصل مراعات شود وگرنه مجلس تشکیل نمیشود و اگر هم تشکیل شود ضرر آن بیش از تشکیل نشدن است ، این سه اصل عبارت از این است که اولا در مجلس باید احترام هر نماینده محفوظ بماند و هیچ نماینده ای نباید از نماینده دیگر هتک حرمت کند. دوم در مجلس باید آزادی نطق و بیان و حق ابراز عقیده برای هرنماینده خواه موافق دولت خواه مخالف محفوظ باشد. سوم همه نمایندگان خاصه آنهاکه درامور مؤثر هستند باید برای رضای خدا و آرامش وجدان امور شخصی و اغراض خصوصی را در مصالح کلی و عمومی مداخله ندهند.

وضع سیاست خارجی

آقای مهندس رضوی گفت امشب در اینجا همه مسائل مهم مطرح گردید ولی فقط یک موضوع مانده است که اهمیت کلی دارد و آن سیاست خارجی و وضع سیاست بین المللی است که آقایان باید توجه کامل به این موضوع داشته باشند ، مخصوصا توجهی که اکنون از طرف دول بزرگ به اوضاع خاور میانه میشود. بنده تقاضا دارم که با توجه به این مسائل طوری شود که اتحاد و اتفاق ملت ایران در این گیر و دار سیاسی بتواند رهبر ما باشد. راجع به اقلیت هم فراکسیون نهضت ملی هیچگونه نظری که مانع از انتقاد و صحبت آنها بشود ندارد و فقط مایل است اصول مشروطیت و حیثیت مجلس محفوظ بماند و تنها راه رسیدن به این مقصود به عقیده بنده اجرای کامل آئین نامه مجلس است.

امروزفراکسیونها نمایندگان خودرا برای عضویت کمیسیون رفع اختلاف انتخاب کردند.

منفردین آقایان نریمان ، عبدالرحمن فرامرزی ، ناصر ذوالفقاری فراکسیون نهضت ملی آقایان انگجی ، حاجی سید جوادی ، مجید موسوی و مهندس زیرک زاده فراکسیون اتحاد گنجه ای ، نبوی و منصف، فراکسیون آزادی آقایان حایری زاده ، احمد فرامرزی ، حمیدیه و بهادری فراکسیون نجات نهضت آقایان شمس قنات آبادی و علی زهری.

نامه نمایندگان فراکسیون نهضت ملی به هیأت رئیسه

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی، درجلسه گذشته اعضای فراکسیون نهضت ملی به عنوان اعتراض و عدم اجرای آئین نامه از شرکت در جلسه خودداری نموده و طی نامه ای این موضوع را به هیأت رئیسه محترم تذکر دادند و انتظار داشتند از طرف هیأت رئیسه در این باب اقدام جدی به عمل آید. متأسفانه نه تنها اقدامی معمول نگردید ، بلکه نامه فراکسیون نیز بلا جواب گذاشته شد و از طرف دیگر از کمیسیونی که برای حصول توافق تشکیل شده بود نتیجه ای حاصل نگردید و چون در این روزهای تاریخی تعطیل جلسات مجلس شورای ملی به صلاح کشور نیست فراکسیون نهضت ملی همانطور که امروز صبح نیز اعلام داشت آمادگی خود را برای شرکت در جلسه اعلام و از هیأت رئیسه جز اجرای کامل آئین نامه تقاضای دیگری نداشته و ندارد. فراکسیون نهضت ملی

آقایان دکتر بقائی و میراشرافی در ساعت نه و نیم بعد از ظهر به ملاقات سرلشگر زاهدی رفتند و پس از ختم جلسه کمیسیون حل احتلاف آقایان نمایندگان اقلیت نیز به ملاقات سرلشگر زاهدی رفته و مدتی با ایشان مذاکره نمودند.

29 اردیبهشت 1332

آقای شمس قنات آبادی به عنوان نطق قبل از دستور اظهار داشت اگر دولت واقعا همانطوری که ادعا میکند متکی به افکار عمومی است هیچ مانعی ندارد که مثل دوره شانزدهم اجازه بدهد مذاکرات مجلس به وسیله رادیو در سرتاسر کشور پخش شود. راجع به تقاضای فراکسیون های آزادی و نجات نهضت که به وسیله مقام معظم ریاست مجلس از رئیس دولت برای پخش مذاکرات مجلس از رادیو صورت گرفت تذکری بدهم زیرا آقایان آن را میدانند و جواب رئیس دولت را هم شنیده اند ولی عرض میکنم هیچ اشکالی نداشت همانطور که الان برنامه رادیو اغلب اوقات وقف کارهای بیهوده میشود مذاکرت مجلس هم بوسیله رادیو منتشر شود. اسم این عمل دولت زورگوئی است.

آنها که میگفتند قرارداد 1933 را باید لغو کنیم و آنهائی که میگفتند چنگ با انگلستان محال است هر دو شکست خوردند و بعد از این پیروزی من میخواهم به ملت ایران عرض کنم که این دو دسته رویه خود را با بنیان گزاران نهضت عوض کردند یعنی همانطور که در قیام صدر مشروطیت فریب شدگان مکتب عین الدوله از آزادی خواهان شکست خوردند و بعد ماسک خود را عوض کردند و خودشان را بین آزادی خواهان و قهرمانان جا زدند و با نزدیک کردن خود به منابع قدرت آزادی خواهان را طرد کردند این دو دسته هم بعد از نهضت ملی ایران این عمل را انجام دادند و خود را داخل در صف این جهاد اکبر کردند و چون این ها اشخاص عالیه ای بودند و چون میخواستند بیایند و مقاماتی را کسب کنند هیچ مانعی نداشت که به رویه دیرین خودشان یعنی چاپلوسی و بندگی متوسل شوند و متوسل هم شدند و دور آقای مصدق السلطنه را محاصره کردند و یک وقت مردم سر از خواب بلند کردند و دیدند مطلب خیلی صحیح . سرراست از آب درآمده و آنها که حبس رفته و زجر دیده بودند و دربدر شده بودند همه آنها جبهه ملی و انگلیسی شدند.

درمورد قتل افشار طوس ، اگر من روزی بدانم که واقعاً دکتر بقائی در این کار دخالت داشته شدیداً با او مبارزه خواهم کرد. ولی وقتی من می بینم تمام وازده های اجتماع در اطراف این موضوع و اتهام دکتر بقائی سر و صدا راه میاندازند در این کار تردید میکنم و تا روشن شدن حقایق پشت سر این مرد مبارز که در نهضت ملی ایران سهم بسزائی داشته خواهم ایستاد .

روزی که خطیبی را گرفتند آقای دکتر بقائی به من تلفن کردند که به اتفاق نماینده دادستان برویم و حال خطیبی را از نزدیک به بینیم. ما رفتیم که به اتفاق دادستان برویم که حال خطیبی را بپرسیم ، آنها ما را به فرماندار نظامی حواله دادند، فرماندار نظامی نبود و افسر نگهبان هم ما را دست بسر کرد.

یک رئیس شهربانی را کشتند ، یک دولتی هم سرکار است و یک عده ای هم مخالف دارد و از اعمال خلاف رویه انتقاد میکنند ، بدیهی است دولت از این واقعه میخواهد بسود خود استفاده کند، چرا ؟آخر رئیس شهربانی را بکشند؟ خوب میرفتند آقای سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش را می کشتند! که عضو حزب ناسیونال سوسیالیست است. یک افسر شرافتمند پیغام داده است که تمام این قضیه مشوب نمودن فکر مردم است.

دکتر مصدق مأمور انگلستان

سخنران دوم آقای حائری زاده لیدر فراکسیون آزادی اظهار داشت سه موضوع را می باید امروز توضیح دهم . یک موضوع که چرا اول به دولت اعتماد کردم ، موضوع دیگر این است که چرا ما به قم رفتیم؟ و دیگر اینکه چطور شد که ما آمدیم دو مرتبه مجلس؟

جناب دکتر مصدق من خیلی نمیخواهم سیر قهقرائی بکنم، چون بدیهی است که آقای دکتر مصدق از فامیل محترمی هستند و در دربار مظفر الدین شاه منشی بوده و تربیت شدند و حالا حقایق زندگی ایشان را من درست اطلاع ندارم و حرفی از آن نمیزنم. ولی چیزی را که خودم مطلع هستم این است که موقع جنگ بین المللی اول بنده بچه ای بودم که جلو زبانم را نمیتوانستم بگیرم مرا بتهران تبعیدکرده بودند.

در همان موقع جناب دکتر مصدق از بندر بوشهر وارد شدند و استاندار فارس شدند. بعد کودتا شد و سید ضیا روی کار آمد ، کنسول انگلیس به دولت وقت تلگراف کرد که مصدق در فارس خوب کار کرده است و بهتر است به ایشان صدمه ای نرسد ولی ایشان از حکومت مرکز اطمینان نکردند و به بختیاری رفتند. حکومت سید ضیا صد روزی بیشتر دوام نکرد. آن روز سیاستی غیر از سیاست انگلیس در کار نبود و تمام امور با نظر انگلستان انجام میشد و به این وضع دولتی که بعد از این واقعه تشکیل شد جناب دکتر به سمت وزارت دارائی انتخاب شدند.

اینها دلایلی است که روابط ایشان از چه قرار بود ولی یک نوکر اجنبی گردن کلفتی پیدا شد که که همه را کوبید. از قزاقخانه بلند شد و همه را زیر چکمه کشید و جناب دکتر هم در دوره رضا خان برکنار بودند و خدای ایشان و خدای انگلستان و خدای رضا خان ایشان را به عنوان پیشوا برای امروز نگه داشتند.

من در آن مدت یکساله فکر کردم که چون جناب دکتر در این حکومت صدمه کشیده تغییر ماهیت داده است و رویه مبارزه را پیش گرفته ، این بود که من معتقد شدم ایشان وجودش در مجلس برای اداره یک اقلیت لازم است و روی این افکار جناب دکتر به مجلس آمد و حالا هم عقیده راسخ من این است که خمیره جناب دکتر ساخته شده که لیدر اقلیت در مجلس باشد و انتقاد کند ولی به درد ریاست دولت نمیخورد.

در دوره گذشته رحیمیان نامی که گویا نماینده قوچان بود طرحی برای الغای قرارداد 1933 میدهد ولی همین جناب دکتر آنرا امضا نکردند. در دوره 15 چناب دکتر تشریف نداشتند ولی مکی بود، بقائی بود، عبدالقدیر آزاد بود .

در آن موقع مبارزه ما با کمپتمی شروع شد ، در آن روزهای خطرناک اراده خداوندی و همت مردم ایران موجب شد که در چند روز آخر عمر مجلس 15 مبارزه شدید ما به نتیجه رسید و نقشه انگلستان شکست خورد و بعد کم کم حوادث دنیا و محیط به نفع حق و حاکمیت ملت ایران گشت ، پس از خاتمه دوره 15 انتخابات شروع شد ما را حبس کردند ، صندوق انتخابات را عوض کردند ، آن روز ها جناب دکتر در میان ما نبود و کنار نشسته بود ، موقعی که انتخابات تمام شد و ما با جناب دکتر شروع به همکاری کردیم اختلاف سلیقه با ایشان بود. در کمیسیون نفت برای چگونگی کوتاه کردن دست عمال انگلیس بین ما اختلاف سلیقه بسیار وجود داشت. جناب دکتر معتقد بودند اگر ما قرارداد 1933 را الغاء کنیم قرارداد دارسی به قوت خودش باقی خواهد بود. بنده مخالف بودم و گفتم قرارداد دارسی با تراضی طرفین لغو شده و وقتی ما مدلل کردیم که قرارداد 1933 تحمیلی بوده دیگر دلیلی برای برقراری قرارداد دارسی باقی نخواهد بود و ید شرکت در اینمدت ید امانی بوده و حساب آن باید رسیدگی شود. این بحث خیلی طول کشید تا وقتی که مذاکره شد که ما یک اصل دیگری را که خوددولت کارگری انگلستان درداخل مملکت خودش عمل کرده عمل کنیم ، از پیچ و تاب محاکم بین المللی نجات خواهیم یافت و آن عمل ملی کردن نفت است.

بنده نظر داشتم اکتشاف و استخراج نفت ملیشود و درباره چگونگی فرم ها بحث و مذاکرات زیادی شد و برای اولین بار در منزل آقای نریمان با حضور آیت الله کاشانی طرح ملی شدن عنوان گردید ولی دراین جلسه آقای دکتر موافق نبودند و بعد معتقد شدند. فرمهای مختلفی برای ملی شدن تهیه شد یکی از فرمها فرمی بود که من تهیه کردم البته با چند نفری مشورت کرده بودم ولی انشاء آنرا خودم تهیه کردم مهندس حسیبی با چه کسی مشورت فرمودید؟ با آن کسی که بعد پشیمان شد با آقای حسیبی این طرح تهیه شد. برای این طرح دو سه موضوع نظر بنده بود یکی قطع دست انگلستان ، یکی فروش نفت به دنیا ، یکی دادن مقداری نفت به همان کسانی که تا آن موقع در کار نفت جنوب دست داشته اند.

طرحی که من تهیه کردم مضمونش این بودکه ما استخراج و اکتشاف نفت را ملی کنیم و سایرعملیات نفتی ازقبیل تصفیه ، حمل و نقل و فروش کمپانی های مختلف در نظر بگیرند و شرکتی تشکیل بدهند که نصف سهام متعلق به ایران باشد و بقیه متعلق به سایر ممالک و هر مملکتی هم حق نداشته باشد که بیش از صدی ده سهام را صاحب باشد ومليت صاحب سهام را هم مجلس ایران به رسمیت شناخته باشد.

این طرح را بنده تقدیم کردم جناب مصدق و شایگان ، الهیار صالح ، عبدالغدیر آزاد و بنده وچند نفر دیگر آنرا امضا کردیم. دکتر بقائی نیز زیر امضایش تاریخ گذاشته که آن تاریخ نشان میدهد

این طرح قبل از کشته شدن رزم آرا تهیه شده و به دلیل اینکه آنوقت هم مجلس مرعوب دولت وقت بوده ما نتوانستیم این طرح را به امضای کافی برسانیم. آقایان ما در دروازه خود را به روی هیچ مملکتی نمیتوانیم ببندیم ما جنبه اقتصادی نفت را طوری باید ترتیب بدهیم که ملت ایران از آن منتفع شود نه آنکه وعده های دروغ به مردم بدهیم.

امروز رویه ای حکومت اتخاذ کرده که تمام مردم را با یکدیگر خونی کرده است و آن وحدتی که ما درست کرده بودیم بکلی از بین رفته است و همین وسیله استفاده خارجی ها است. ما هیچوقت دکتر مصدق را کاندید نخست وزیری نکردیم و هیچ وقت در جبهه ملی صحبت از نخست وزیری دکتر مصدق نبود زیرا ما ابزار حکومت نداشتیم و کسی هم نبود ، برای اینکه دوره 20 ساله تمام اشخاص حسابی را کشتند و از بین بردند و امروز یک مشت پیر و پاتیل مثل بنده باقی مانده اند که بدرد هیچ کاری نمیخورند. رضاخان تخم رجال را از این مملکت برانداخت و یک مشت نوکر تربیت کرد.

بهرحال جناب دکتر را دیگران کاندید نخست وزیری کردند و کسانی که در دوره 15 تا پای جان برای نهضت ایران فداکاری کردند امروز لجن مال میشوند و کسانی که در زمان رضا خان مشیر و مشاء و نایب رئیس مجلس بوده اند حالا زمام شرکت نفت را در دست گرفته اند. بهرحال چون من فکر میکردم صدماتی که جناب دکتر در زمان حکومت رضا خان کشیده او را عوض کرده است در موقعی که پیشنهاد نخست وزیری ایشان شد ما با او مخالفتی نکردیم ولی هیچوقت فکر نمیکردیم که روزی برسد که دکتر مصدق ملعبه ایادی انگلستان شود. ولی باز هم من فکر میکردم که اشتباه میکنم تا موقعی که مسأله اختیارات به میان آمد من فکر کردم آخر این آدم که هیچوقت از روی تختخواب بلند نمیشود چطور میتواند اختیارات کامل داشته باشد؟ رضا خان با آنهمه قلدری این کار را نکرد ولی سنگر نفت که ناندانی عجیبی شده یک مرتبه پناهگاه اعوان وانصار جناب دکتر شد و بلوائی ایجاد کردند ولی من برحسب وظیفه وجدانی خود با آن مخالفت کردم و حالا چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق کردم؟ برای این مطالبی که فهرست وار عرض کردم.

30 اردیبهشت 1332

فروش نفت

دیروز هیأتی مرکب از سه نفر برای مذاکره درمورد خرید نفت به ایران مسافرت کردند. این هیأت درساعت پنج و نیم بعد از ظهر با آقای نخست وزیر ملاقات نمودند. نمایندگان مزبور پیشنهاد کرده اند که نفت خریداری شده را از راه ترانزیت به ترکیه حمل خواهند کرد.

رأی دادگاه توکیو و قراری که درباره امتناع دولت ژاپن از توقیف محموله نفت کشتی میسومارد صادر کرده سبب شده است که شرکت های نفتی دیگر ژاپن تمایل خود را به خرید نفت ایران به شرکت ملی نفت ایران اعلام دارند.

اکنون شرکت ملی نفت ایران منتظر صدور رأی دادگاه رم میباشد زیرا چنانچه دادگاه رم نیز به نفع ایران رأی دهد خریداران اروپائی نیز که علاقمند به خرید نفت ایران هستند برای خرید نفت ایران ابراز تمایل خواهند کرد. شرکت انتظار دارد در ماه آینده چهارده کشتی برای حمل نفت به آبادان وارد شوند.

31 اردیبهشت 1332

آقای حایری زاده بدنبال اظهارات خود در روز 29 اردیبهشت با استفاده از وقت آقای میراشرافی امروز بعد از ذکر خلاصه سخنان خود اظهار داشتند درباره نفت در جلسه گذشته ما میگفتیم حساب 50 ساله را رسیدگی کنید ولی ایشان لایحه 9 ماده را آوردند. از ایشان سؤال کردم این غرامت چیست در اینجا نوشته اید؟ ایشان گفتند این را هم احتمالی نوشتیم . و بالاخره این قانون را به ضرر ملت درست کردند (مهندس رضوی اظهار داشت آقای حایری زاده این خبر ها نبوده ، این حرفها خیانت است) دکتر مصدق درادگاه لاهه آن قسنت هایی که به نفع ایران بود فراموش نکردند. ما جنگ برای سازش نکردیم! و تا جائی که ما سوء ظن نداشتیم با او کمک میکردیم ، یا در تحت تأثیر جناح چپ انگلستان واقع شد و عمال آن این پیر مرد را برگرداندند.

انگلستان چه میخواست غیر از بدبختی و بیچارگی این ملت، انگلستان باید اختلاف در این مملکت بیندازد که بتواند حکومت کند. آقای دکتر مصدق از کارهای خود دفاع نمیکند و روزنامه های ارگانش هم اقلیت را لندنی مینویسد ، حایری زاده لندنی است یا فاطمی؟ کدام لندنی هستند؟ خجالت دارد ، برای کوتاه کردن انگلستان این قیام را کردیم و ما مقصودمان از این عمل این بود که وضع زندگی این ملت خوب شود. این بازار، این بیچارگی، این بدبختی محصول حکومت دو ساله او است.

اظهارات آقای دکتر سنجابی

مدتی بود که در این مجلس عده ای درد افشای حقایق و پرده برداشتن از اسرار عظیم داشتند و میگفتند ای ملت ایران هوشیار باشید که دکتر مصدق و نمایندگان نهضت ملی از افشای

خقایق میترسند و جلوگیری مینمایند. بالاخره پس از تشنج زیاد و انتظار بسیار روز موعود افشای حقایق رسید.

حقایقی را که آقای حایری زاده مادر یا نامادری آن باشد انتظار داشتند که چیز های تازه و عجیب و شنیدنی باشد ولی دیدیم و شنیدیم که چه بودند.آقای قنات آبادی از نهضت مقدس ملت ایران صحبت به میان آوردند و فرمودند که مبارزین با استعمار انگلستان در ابتدا عده معدودی بودند و اشخاصی که این نهضت را آغاز کردند افتخار تقدم را دارند. کسی منکر این امر نمیتواند باشد جوانمردی و فداکاری آن اشخاص فراموش شدنی نیست. ملت ایران هم بزرگترین پاداش را به آنها داده است و بزرکترین تقدیر را از آنها نموده است ولی مطلب این است که چه شده که اکنون بعضی از آن اشخاص از صف ملت ایران جدا شده اند؟ اساس این نهضت همانطور که ایشان بیان فرمودند مبارزه برعلیه سیاست دیرین استعماری انگلیس بوده است آیا نهضت ملت ایران به نتیجه نهائی رسیده است که مبارزین اولیه پس از وصول به هدف هرکس بدنبال کار و متافع و هوس ها و اقراض شخصی خود برود و یا کسی که اداره رهبری این نهضت بی نظیر به او سپرده شده است از اصول آن منحرف گردیده که اکنون با او باین شدت و بی انصافی مخالفت میشود؟ چه شده است که مخالفین و معاندین دیروزی جزء یاران و مؤتلفین امروزی شما شده اند؟

انحراف از نهضت ملی یعنی سازش و همکاری با سیاست استعماری انگلیس ، آیا واقعاً قابل قبول است که دکتر مصدق با آنهمه تدبیر و شجاعت و کاردانی قانون ملی شدن نفت و سپس اجرای آنرا رهبری کرد و اکنون با سیاست استعماری هرچه و از ناحیه هرکس باشد سازش نماید؟

دکتر مصدق که حاضر نشد در مذاکره با هیأت نمایندگی شرکت نفت که با جانسون به ایران آمده بودکوچکترین انحرافی ازقانون ملی شدن نفت را قبول نماید ، مصدقی که در مقابل هریمن و استوکس ایستادگی نمود ، مصدقی که فشارهای روز افزون ترومن که به صورت ظاهر فریب، میانجیگری اظهار میشد کوچکترین تأثیری در اراده ثابت او نکرد ، مصدقی که با آن شهامت و جوانمردی در شورای امنیت از منافع ملت ایران دفاع کرد و پیروز شد.

مصدقی که جریان دادرسی لاهه را به نفع ملت ایران به پایان رسانید و به بزرگترین و ارجمندترین پیروزی ها نایل آمد ، مصدقی که در کنسولگری ها یعنی لانه های جاسوسی سیاست استعماری انگلستان را بست که هنوز نوکران و مزدوران آن خانه ها با حسرت یاد آن ایام میکنند و با ندبه و زاری از آن دیوارها معجزه برقراری مجددبساط جیره خواری را می طلبند. مصدقی که با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد ، مصدقی که پیشنهاد ترومن و چرچیل را با سرسختی رد نمود آیا قابل قبول اسیت که چنین مردی که در دوران عمرش کوچکترین خبط و خیانتی نسبت به مصالح ملت خود نکرده اکنون پس از آن همه مبارزات ، پس از این همه پیروزی ها ، پس از اینهمه افتخارات جاودانی با دشمن مکار و غدار ملت ایران سازش نماید؟

کسانی که چنین حرف هائی میزنند مخصوصا آنهائی که از همکاران و هم قدمان اولیه دکتر مصدق و یا پیشروان نهضت ملی بوده و اکنون رفیق نیمه راه شدند، باید برای توضیح عمل و انحراف نابخشودنی خود یکی از این دو چیز را ثابت نمایند.

یا باید ثابت کنند که در مشی مبارزه دکتر مصدق با سیاست استعماری تغییری حاصل شده و یا باید ثابت نمایند که از اول در اساس این نهضت و ملی کردن صنعت نفت انگلستان دست داشته و آنها فریب خورده بودند.

کسانی که مدعی انحراف یا زمینه سازی برای سازش هستند چرا آن را فاش و آشکار نمیکنند؟ چرا پس از اینهمه لاف و گزاف که پرده ها را بالا میزنیم و حقایق را آشکار میکنیم چیزی از این مقوله نمی گویند؟ چون درباره میهن دوستی و استقامت دکتر مصدق دربرابر بیگانگان و سرسختی او در اجرای قانون ملی شدن نفت کوچکترین بهانه ای در دست ندارند مخالفت و کارشکنی غیر موجه خود را به این عنوان توجیه میکنند که اداره شرکت نفت به کسانی سپرده شده است که مدال وفاداری از دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت گرفته اند.

هرکسی جزئی انصافی دارد باید تصدیق نماید که این حرف ها بهانه جوئی است و بهر حال مجوز مخالفت و کارشکنی هائی به این شدت نمیشود ، این یک یا چند نفری که مورد ایراد هستند خدمات و یا کارهای فنی داشته و اکنون نیز متصدی خدمات فنی میباشند ، آیا در خدماتی که باین اشخاص ارجاع شده تاکنون خیانتی ظاهر گردیده؟ بعلاوه این اشخاص در امر ملی کردن و اداره نفت ایران چه اختیاری دارند که بتوانند خیانتی بنمایند.

آیا اختیار بستن قرارداد و تجدید امتیاز و یا مداکره درباره غرامت و سایر دعاوی به آنها داده شده است؟ آیا این اشخاص بدون تصویب دولت میتوانند معامله ای درباره نفت بنمایند؟ شرکت ملی نفت از کار و تخصص آنها استفاده میکند بدون اینکه اختیاری در امور سیاسی و یا تجاری مربوط به نفت به آنها داده شده باشد.

همه میدانند که یکی از ایرادهای ملت ایران به شرکت نفت این بود که متخصصین ایرانی به اندازه کافی تربیت نمیکرد و بیشتر امور مهم نفت در دست انگلیسها و خارجی ها بودند ، در آن موقع ما میخواستیم ایرانیان متصدی همه امور باشند ، اگر چند نفر ایرانی درنتیجه تحصیلات عالی و یا کاردانی خود به درجه ای رسیده باشند که در شرکت نفت سابق متصدی خدمات بالنسبه مهمی بوده و در آن مدت هم صحت عمل و شایستگی نشان داده و مورد تقدیر شده باشند بدون اینکه خیانتی به دولت و ملت خود کرده باشند ، آیا انصاف خواهد بود که ما آنها را به بهانه اینکه در گذشته مورد تقدیر و رضایت کارفرمایان خود بوده اند از خود برانیم و از تخصص و کارشناسی آنها استفاده نکنیم؟

بلی در شرکت سابق نفت اشخاصی بوده اند که مأموریت سیاسی داشتند و جاسوسی میکردند و در امور داخلی مملکت به نفع شرکت مداخله میکردند ، این اشخاص باید از دستگاه شرکت ملی نفت رانده شوند و رانده هم شده اند ، حال با وجود همه اینها فرض کنیم دولت در این امر اشتباهی کرده باشد ، آیا این اشتباه کافی خواهد بود تا با دولت مخالفت اصولی بکنیم؟ مگر این همان دولتی نیست که در دوره گذشته اگر وزراء خود را از رجال دوره سابق انتخاب کرده بود و شما با آن موافق بودید و به ملت ایران میگفتید که ما مجبور هستیم تا مدتی با همان ابزار گذشته کار کنیم ، حال چه شده است که استدلال خود را تغییر داده اید؟

فروش نفت با تخفیف

موضوع دیگری که در این روز ها بهانه بدست آقایان داده فروش نفت با تخفیف 50 درصد میباشد. بعضی آنرا تاراج هستی ملت و جناب آقای دکتر بقائی زمینه سازی برای سازش های بعد معرفی میکنند ، این هم از همان تهمت های جمال امامی و شوشتری است که در موقع اقامت استوکس به دکتر مصدق نسبت میدادند.

آقای دکتر بقائی ، اگر دکتر مصدق اهل چنین سازشی بود تا بحال کرده بود ، این عمل دولت که برای مدت شش ماه تخفیف فوق العاده در فروش نقدی نفت قائل شده یکی از مهمترین و مؤثرترین سیاست های دکتر مصدق است زیرا فقط در نتیجه آن بود که حلقه محاصره سیاسی و اقتصادی انگلستان شکسته شد و مقدار قابل توجهی از نفت ایران به بازار های دنیا صادر گردیده و اکنون نیز در حال صدور میباشد، کسانی که مسبب این تحریکات واخلال گری ها در کار حکومت دکتر مصدق بوده اند آنها که در تضعیف حکومت و برای ساقط نمودن او میکوشند به این ترتیب دانسته یا ندانسته به سیاست انگلستان خدمت میکنند.

آقایان سیاست ما ونظر ما از روز اول درموضوع ملی کردن نفت معلوم بوده و همواره بر آن اصل ثابت و استوار هستیم. ما علیرغم دسته مزدوری که ابطال قرارداد باطل 1933 و یا ملی کردن نفت جنوب را پیشنهاد میکردند و علیرغم کسانی که طرق سازش دیگری را با دولت انگلستان و شرکت سابق پیشنهاد مینمودند به محکم ترین واستوار ترین اصل حقوقی بین المللی یعنی ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور متوسل شدیم و خدا را شکر میکنیم که در این راه تشخیص ما درست بوده و اتخاذ همین سیاست معقول ملی موجب گردید که ما را در جهان به پیروزی های درخشان نایل کند واکنون نیز در برابر خداوند متعال و در برابر ملت ایران بار دیگر عهد وپیمان می بندیم که تاپیروزی نهائی وتا آخرین نفس در این راه ثابت و پایدار باشیم.

اما اشخاصی هستند که اکنون در صف مخالف ما قرار دارند و خود را از دردکشان روز ازل میدانند و در این باره نظرات دیگری داشتند که اکنون به ذکر یک مورد آن میپردازم و آن نقل از شماره جهارشنبه 22 فروردین ماه 1329 روزنامه صفیر به قلم آقای دکتر مظفر الدین بقائی کرمانی استاد اخلاق است که برای راستی و آزادی قیام کرده است. باید در نظر بگیریم که

این مقاله بعد از مبارزات دوره 15 و بعد از مبارزات انتخابات دوره 16 نوشته شده است ، در سر لوحه این شماره یک جمله تاریخی بسیار معنا دار و مطابق با خط درشت مرقوم شده وآن این است «حرف مرد یکی است» و بعد سرمقاله آن تحت عنوان "اندر پس مرگ ، چه دریا چه سراب" میباشد. در این مقاله آقای دکتر بقائی درباره ملی کردن نفت مرقوم میدارند:

"و این یک امر بدیهی است که اگر ما با همان فرض محال نفت را بدست بگیریم ، اداره آن مسلماً بدست رجال عالیقدری مانند جناب آقای گلشائیان، جناب آقای دکتر اقبال ، جناب آقای دکتر زنگنه و یا اشخاص بسیار صلاحیت داری مانند جناب آقای بدر و جناب آقای ابتهاج خواهد بود" .... ما باید واقع بین باشیم، باید خوب توجه کنیم که این دستگاه نمیتواند کار کند و نمیخواهد مسؤلیت قبول کند .

بعداً جناب دکتر بقائی در مقابل سیل احساسات و افکار عمومی و نهضت ملی شدن نفت از اظهار خودشان پوزش خواستند ولی من از ایشان سؤال میکنم آیا در عقیده خود درباره مهندس حسیبی باقی هستند یا باز هم حرف مرد یکی است؟

در مقدمه این قسمت عرض کردم مخالفت با دکتر مصدق باید یکی از دو امر را ثابت کنند ، یا باید ثابت کنند که ایشان از سیاست مبارزه علیه سیاست استعماری انگلستان و پیروی از قانون ملی شدن صنعت نفت عدول کرده اند و یا ثابت نمایند که ملی کردن صنعت نفت اصلا و از روز اول سیاست خود انگلستان بوده است.

نمیدانم عقیده آقای حائری زاده در اینمورد چیست؟ ولی درباره این نظریه دوم باید عرض کنم که این حرف گفته منفی بافان، و مستضعفین و مرعوبین و یا مزدوران و عمال محض انگلستان است . چگونه میتوان تصور نمود که دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نشستند و نقشه ای کشیدند که نتایج آن برای انگلستان از این قرار میباشد:

از دست دادن حیثیت و مقام و اهمیت انگلستان در تمام خاور میانه و آسیا و تشویق ممالک دیگر خاور میانه به اقدامی نظیر آن .

ار دست دادن یک پایگاه مهم سیاسی و ارتباطی در آسیا و خاور میانه .

از دست دادن سالی متجاوز از یکصد میلیون درآمد .

از دست دادن سالی متجاوز از ششصد میلیون دلار ارز خارجی .

از دست دادن نفت مفت برای بحریه انگلستان .

و محروم نمودن چند هزار نفر انگلیسی از حقوق و وسایل بی نظیر زندگی در دنیا .

اگر فرض کنیم انگلیسی های زیرک میخواستند نفت ایران را برای خاطرمنافعی که تصور میکردند از دست بدهند چرا باین طریق متوسل میشدند که هم در دنیا پرستیژ خود را از دست بدهند و هم منافع هنگفت خود را و هم در همین حال بیست میلیون مردم ایران را از خود متنفر و بدبین سازند؟ و چرا مثل لنین یکباره الغای امتیازات دوره تزاری را در ایران نمود ، لغو قرارداد 1933 را اعلام نمیکردند که محبوبیتی هم در دل ایرانی ها بدست آورده باشند؟

این جمله را هم برای آقایانی که به او رأی داده اید و از او در مقابل حملات جمال امامی و شوشتری که عیناً نظیر اتهامات امروز شما است حمایت کرده اید و یا در توطئه و نقشه های او شریک بوده اید که در اینصورت عالماً و عامداً ملت خود را فریب داده اید و حق ندارید که برای مبارزات خود در نهضت ملی ایران افتخاری برای خویش قائل باشید و یا خود شما فریب خورده اید. در این صورت اشخاصی که اینقدر گول و ساده و زود باور و مستعد انحراف هستند، برای حایری زاده باید از خود اضافه کنم شما که میگوئید و یا میخواهید چنین وانمود کنید که دکتر مصدق از روز اول در حلقه سیاست انگلستان بوده و نقشه های آن دولت را در کشور خود بازی کرده است هرگاه این ادعای کاذب و بی اساس و توهین آمیز شما راست باشد دراینصورت شما و نظایر شما که از اول و سالها در این مبارزه با دکتر مصدق همراه و همقدم بوده اید و در جبهه ملی او وارد شده اید و در ملی کردن صنایع نفت با او شریک بوده اید فریب خورده باشند حق زعامت و رهبری ملت را ندارند و از کجا معلوم است که گول وسیله و نیرنگ سیاست مکار و محیل دیگری را نخورده باشید؟

قتل مرحوم افشار طوس

درموضوع قتل مرحوم افشار طوس آقایان قنات آبادی و دکتر بقائی اظهاراتی فرمودند در قسمتی که مربوط به شخص آقای دکتر بقائی است اینجانب هیچگونه اظهار نظر نمیکنم زیرا عضویت کمیسیون دادگستری را دارم و به وظیفه وجدانی خود عمل خواهم کرد و هرگونه اظهار نظری را قبل از اینکه مدارک و سوابق رسیدگی شود ممکن است قضاوت قبلی تلقی شود نموده و عرض میکنم و وجداناً تعهد مینمایم که هرگاه جناب آقای دکتر بقائی یکی ازچهار مطلب زیر را ثابت نماید:

اول - افشار طوس برده و کشته نشده است .

دوم - درصورتیکه برده و کشته شده باشد مربوط به اشخاصی که متهم شده اند نیست ، بلکه اشخاص دیگری عامل آن بوده اند.

سوم - درصورتیکه شرکت و مباشرت متهمین ثابت باشد ولی آقای دکتر بقائی ثابت کنندکه موضوع ربودن افشار طوس درمنزل حسین خطیبی صحیح نبوده است .

چهارم - درصورتیکه انجام جرم ربودن در منزل خطیبی صورت گرفته باشد ولی ثابت شود که حسین خطیبی و سایر متهمین در این موضوع ارتباطی با دکتر بقائی نداشته و آقای دکتر بقائی از جریان برکنار و بی اطلاع و دستگاه دولتی به منظور مخالفت سیاسی برای ایشان پرونده سازی کرده است .

من نه تنها کوچکترین نظری برخلاف ایشان اظهار نخواهم کرد بلکه از مدافعین جدی ایشان خواهم شد و در این باب دفاعی از ایشان خواهم کرد که دفاع معروف امیل زولا را از دریفوس تحت الشعاع خود قرار دهد.

آقای قنات آبادی درنطق خود این طور وانمود کرده اند که دستگاههای دولتی درقتل افشار طوس دخالت داشته اند ، ضمناً گویا خواستند آنرا مربوط به تیمسار ریاحی بکنند ، ایشان به مردم وعده داده بودند پرده ها را بردارند و اسرار را فاش کنند ولی این بیان ایشان یک ادعا و تهمت صرف است و کوچکترین دلیل و قرینه ای به آن اضافه نکردند و معلوم نیست کی این حقایق را بیان خواهند کرد و تا موقعی ادعای خود را ثابت نکتند بر طبق معمول قانون عنوان دیگری غیر از مفتری در مورد ایشان صدق نمیکند. آقا شما با دولت مخالف هستید اگر واقعا راست میگوئید و دولت اسباب این قتل و سرقت و جنایت را فراهم کرده است چرا آن را بیان نمیفرمائید؟ چرا آنرا آشکار نمیکنید؟

تا آن درجه اطلاعی که من دارم به وجدانم قسم میخورم که شکنجه داده نشده است ولی شما اگر راستگو هستید اول باید ثابت نمائید که این اشخاص عامل ربودن و کشتن مرحوم افشار طوس نبوده اند ، آن وقت بیان و ادعای شما که متهمین بی گناه آزار و شکنجه وارد کرده اند مؤثر و قابل توجیه میشد. اکنون این ادعای شما شبیه حرف جیب بری است که جیب شخصی را زده باشد و شکایت نماید وقتی که دست در جیب آن شخص کرده است دست او را پیچانیده و صدمه به او وارد آورده است.

چرا درمورد شکنجه وآزاری که به افشار طوس وارد آوده اند هیچگونه رقت قلبی پیدا نمیکنید؟ آیا با آن فجایع که خوانده اید ، بیهوش کردن و طناب پیچ نمودن و چاقو زدن و خفه کردن و نیمه جان در گودال فرو بردن شکنجه و آزار نیست؟ آخر توضیح بفرمائید چه شده است که آزار و قتل یک بیگناه شما را متأثر نمیکند ولی ادعای موهوم وارد کردن شکنجه بر قاتلین و محرمین این همه حس راستی و آزادی طلبی شما را تحریک کرده است؟

شما باید بدانید تا به این نکته ها جواب ندهید حرف شما و فریاد شما و مغلطه شما درملت ایران ودرهیچ شخصی را که دارای وجدان سالم باشد مؤثر نخواهد بود.

30 فروردین 1332
خروج نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به رهبری حایری زاده از تهران و تقلیل عده حاضر در مرکز که موجب عدم تشکیل جلسه علنی گردید مجلس را در برابر امری مشکلتر از قضیه گزارش هیأت هشت نفری قرارداده است زیرا گرچه عده نمایندگان حاضر طوری است که با خروج این عده از تهران جلسه امروز مجلس بکلی تعطیل و فلج شده است .

پیدایش وضع جدید درصحنه بهارستان ازهمان بعد ازظهر روز پنجشنبه اعضای فراکسیون نهضت ملی و همچنین منفردین مجلس را که فعلا نقش میانجی را عهده دار هستند به فکر چاره جوئی و صلاح اندیشی برای رفع این محظور بی سابقه و غیر منتظره انداخت و هر دو دسته از روز پنجشنبه تا بحال چندین جلسه تشکیل داده و مدتی به تبادل نظر پرداختند تا در برابر آن اقدام اقلیت روشی اتخاذ نمایند که آن روش منتهی به مراجعت اقلیت به تهران و تأمین عهده حاضر در تهران برای تشکیل جلسه گردد.

اعضای فراکسیون نهضت ملی دو هیأت پنج نفری انتخاب کرده اند که با نخست وزیر و رئیس مجلس ملاقات کرده مشکل مزبور را با آنها در میان بگذارند. نمایندگان فراکسیون نهضت ملی در پاسخ خبرنگاران بعد از ملاقات با نخست وزیر اظهار داشتند اقدام اخیر کمیسیون آزادی یعنی خروج دسته جمعی از تهران و از اکثریت انداختن مجلس موجب عدم تشکیل جلسات علنی و تعطیل مشروطیت گردیده و ما نمیخواهیم با وضع کنونی وبحرانی فعلی مجلس درتعطیل ودولت دربلاتکلیفی بماند برای چاره جوئی جهت حل این مشکل نظریات مختلفی در فراکسیون به میان آمد.

ابتدا صحبت از استعفای دسته جمعی شد ولی این نظر را جمعی نپسندیدند و استدلال ما این بود که درصورت عدم تصویب گزارش 8 نفری اقدام به این کار شود و حال اینکه این امر هنوز روشن نیست. خاصه اینکه تصمیم فراکسیون آزادی و خروج آنها ازتهران نشان داد که مخالفین گزارش امیدی به ردشدن و عدم تصویب آن ندارند و ظن قوی این است که اگر جلسه علنی مجلس تشکیل شود طرح فراکسیون که مفاد همان گزارش است از تصویب مجلس خواهد گذشت، بنابراین استعفای دسته جمعی مورد ندارد.

بعد پیشنهاد شد با آقای نخست وزیر مذاکره شود تا ایشان دستور شروع بقیه انتخابات را را صادر نمایند، در نتیجه مجلس از مشکل اقلیت عده نمایندگان رهایی یابد زیرا درحال حاضر 56 کرسی مجلس از 136 کرسی آن خالی و بدون نماینده است. بدیهی است که اگر بقیه نمایندگان انتخاب شوند مجلس در ادامه کار و اتخاذ تصمیمات لازم قدرت بیشتری بدست خواهد آورد.

آقای دکترمصدق اظهارداشتندکه قصد تحمیل به مجلس ندارند آقایان اقلیت میتوانند بیایند و مجلس را تشکیل بدهند و اگر گزارش هیأت 8 نفری را به مصلحت نمیدانند دلایل خودشان را بیان نمایند و آن را رد کنند تا هم تکلیف دولت معلوم شود و هم مجلس.

در ملاقات با رئیس مجلس آیت الله کاشانی گفتند من از این وضع کنونی بیش از هرکس متأسف هستم و نمیدانم کسانی که به آتش نفاق و دو دستگی دامن میزنند چه مقصد و نظری دارند آنها وکیل مجلس هستند و عقیده دارند و در عقیده خود هم آزاد میباشند. من رئیس مجلس نشدم که به نمایندگان دستوربدهم و برای نماینده تعیین تکلیف کنم. بر فرض من به آنها توصیه کنم که به تهران مراجعت کنند آنها نخواهند آمد چون میگویند ما مصونیت نداریم و آزاد نیستیم.

دیروز از رادیو شنیدم که میگفت که اگر اقلیت به تهران نیاید ما آنها و رئیسشان را به دنبای اربابان قدیمیشان روانه خواهیم کرد. من از شما انصاف میخواهم آیا آنها حق ندارند با این ترتیب به عنوان عدم تأمین جانی و آزادی تهران را ترک کنند؟

آقای مهندس رضوی گفت من این مسأله را دیروز شنیدم آنرا به اطلاع آقای نخست وزیر رسانیدم. ایشان فوراً به رئیس رادیو دستور دادند که از پخش این گونه مسائل در رادیو جلوگیری کنند.

در مراجعت از منزل رئیس مجلس خبرنگاران از آقای مهندس رضوی نتیجه ملاقات با آیت الله را سؤال کردند ایشان پاسخ دادند هیچ گونه پیشرفتی حاصل نشده . در مجلس نیز هیچگونه وضع خاصی نیست که موجب عدم حضور آقایان حتی در تهران بشود وحالا هم وضع مسافرت آقایان صورت دیگری بخود گرفته یعنی ابتدا رفتند چند فرسنگی تهران وبعد به منازل خودمراجعت کردند واین خود بهترین دلیل تأمین آزادی آنها است. دیروز عصر چند نفر از این آقایان به قم تشریف بردند.

حالا حرفشان این است که ما طرح متقابل داریم اگر آنرا قبول میکنید ما برمیگردیم. پس مغلوم میشود که موضوع عدم تأمین جانی و آزادی نیست و اصل مسأله این است که طرح متقابل در میان است. در این حالت مخالفتی نمیباشد. اگر طرحی دارند بیاورند روی آن مداکره میشود، بحث میشود وبعد رأی مجلس درباره آن قضاوت خواهد کرد.

امروز وقتی آقای حایری زاده لیدر اقلیت قصد خروج از مجلس را داشت خبرنگاران از او پرسیدند " کجا بودید و کجا میروید؟" حایری زاده جواب داد روز پنجشتبه به اتفاق رفقا از شهر خارج شدیم و به یکی از شهرستان های نزدیک تهران رفتیم. دیرور به تهران آمدم و چون مریض هستم به صفحات شمال میروم که استراحت کنم امروز شنیده ام رفقا رفته اند، آنها از من خواسته اند به آنها ملحق شوم ولی چون من قصد استراحت دارم الان عازم گچسر هستم و به رفقا هم پیغام دادم اگر مایل هستند به آنجا بیایند و حالا آمده ام شخصی را معرفی کنم تا حقوق مرا بگیرد و برایم بفرستد!

از وی سؤال شد چه وقت قصد شرکت در مجلس یا لااقل مراجعت به تهران را دارید؟ چواب داد این مسأله مربوط به آن است که آیا آنها طرح ما را بپذیرند یا نه امروز به آقای اخگر گفتم اگر آقایان رفقای شما حاضر به قبول این طرح هستند در مجلس شرکت میکنیم .

کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب کردند

از عصر دیروز کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب نموده اند. درخواست های آنها پرداخت اضافه حقوق ، تهیه بهداشت برای خانواده کارگران ، مسکن یا اجاره خانه ، آزادی بیشتر برابر قانون کار برای کارگران. امروز خانواده های کارگران نیز در مقابل پالایشگاه اجتماع نمودند. پس از گزارش موضوع به آقای نخست وزیر ایشان دستور رسیدگی دادند.

اغتشاش در دزفول

طبق اطلاع دیروز محله صحرابدر مشرقی برای پشتیبانی از دولت قصد تظاهراتی داشتند ولی اعضای حزب زحمتکشان برای ممانعت از برگزاری متینگ آنها عده ای را در محل برگزاری متینگ اجتماع و قصد اخلال داشتند که در نتیجه رد و خورد شدیدی درگرفت که منجر به کشته شدن چهار نفر و مصدوم شدن بیش از صد نفر گردید. مجروحین به بیمارستان های اهواز اعزام گردیدند.

سومین مرحله توطئه علیه نهضت ملی

اول اردیبهشت 1332

تسلیم ابوالقاسم بختیار

ابوالقاسم بختیار که از چندی پیش در نواحی بختیاری با مأمورین دولتی نزاع میکرددر اضفهان تسلیم قوای دولتی شد و به مرکز اعزام گردید. به دستور ستاد ارتش و دولت مقرر بود درصورت عدم تسلیم ابوالقاسم محل سکونت او بمباران گردد و برای این منظور اعلامیه هائی از طرف ارتش در نواحی استقرار ابوالقاسم و نیروهایش پخش شده بود و از مردم دراین مورد درخواست کمک شده بود.

نظر به اینکه گشت مأمورین در نواحی ای که محل استقرار ابوالقاسم و یاغی های زیر فرمان او منتج به نتیجه نشد واحدهای تازه نفسی که از اهواز و دزفول به ایذه ، مسجد سلیمان . هفتگل اعزام شده بودند بازگشتند و عملیات نظامی در بختیاری متوقف شد اقدام برای دستگیری سردسته یاغیان ادامه داشت تا بالاخره ابوالقاسم بختیار در یکی از نقاط ییلاقی بختیاری خود را تسلیم قوای دولتی نمود.

ابوالقاسم بختیار پسرعموی سرهنگ بختیار میباشد و چندین بار درسالهای گذشته دارای پست های فرمانداری نقاط مختلف بود. طبق اطلاعیه ستاد ارتش ابوالقاسم بختیاری در تاریخ 21 فروردین طی تلگرافی به دولت اعلام کرد که حاضر است تسلیم شود. در تاریخ 29 فروردین در کوههای بختیاری تسلیم و به اصفهان اعزام گردید همراهان وی نیز خلع سلاح شده و در بازداشت بسر میبرند و بازجوئی از نامبردگان ادامه دارد.

پایان شورش در شیراز

بعد از سرکوب شورشیان در شیراز که به ساختمان های اصل چهار حمله و پس ازغارت اموال موجود مبادرت به خراب کردن ساختمانها پرداخته بودند امروز آقای وارن رئیس اصل چهار به اتفاق نماینده نخست وزیر به شیراز عزیمت و از ساختمانهای اداره اصل چهار بازدید نمودند. خسارات وارده حدود صد هزار دلار برآورد شده است.

نظر به اینکه از جمعیت حمله کننده عکسبرداری شده بود با کمک عکس ها قریب ششصد نفر توسط مأمورین فرمانداری نظامی و شهربانی دستگیر و قسمتی از اموال مسروقه از اداره اصل چهار و منزل مسکونی آقای وارن نیز در منازل اشخاص دستگیر شده کشف گردید

درخواست سلب مصونیت از بقایی

نامه آقای لطفی وزیردادگستری بمجلس شورای ملی:

مطابق گزارش وزارت دفاع و دلایل و مدارک پیوست آن جناب آقای دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس شورای ملی متهم است به معاونت در قتل تیمسار سر لشگر افشار طوس و چون تحقیقات از نامبرده با مصونیت پارلمانی میسور نیست برطبق ماده 182 آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی که مقرر داشته است هر نماینده ای به ارتکاب جنحه یا جنایتی متهم شود اعم از اینکه تاریخ عمل منشأ اتهام زمان نمایندگی و یا قبل از آن باشد وزیر دادگستری باید گزارش مفصلی بر موضوع اتهام و با دلیل ومدارک قانونی آن به مجلس شورای ملی تقدیم نماید ، گرازش مزبور در اولین جلسه علنی مجلس قرائت و بدون تأخیر به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع خواهد شد.

تقاضا دارد مقرر فرمائید هرچه زودترجلسه علنی محلس شورای ملی تشکیل شده و مفاد ماده 182 آئین نامه را در مورد مشارالیه به موقع اجرا گذارند.

وزیر دادگستری – لطفی

2 اردیبهشت 1332

آقای محمد ناصر قشقائی بعد از حوادث اخیر شیراز در یک جلسه مطبوعاتی درباغ ارم شیراز اظهار داشت قیام ملی ایران متکی به اراده اکثریت نزدیک به اتفاق ملت است. این قیام ملی را با رهبر عالیقدر این جنبش عظیم ملی دکتر محمد مصدق مبعوث ملت است و خواست و اراده او همان آرزوی ملت ایران میباشد. موضوع طرح هیأت هشت نفری نیز مسأله ای است که با سرنوشت مشروطیت این کشور بستگی دارد و تکلیف دولت ملی را تعیین میکند و درصورت تصویب دست دولت را برای خاتمه دادن به تحریکات و خرابکاری های ایادی اجنبی آزاد خواهد گذاشت. این است که اراده ملت بر آن قرار گرفته که این طرح به تصویب برسد.

درپایان مصاحبه آقای ناصرقشقائی اظهار داشتند تا موقعی که تکلیف محرکین و مسببین فجایع اخیر معلوم نگردد و بر بنده مسلم نشود که ریشه تحریکات ضد ملی از فارس کنده شده است از شیراز واطراف آن خارج نخواهم شد و اصولا در هر جا و هر محلی که باشم شخصا مانند سربازی ساده آماده فداکاری در راه جنبش ملی ایران هستم.

3 اردیبهشت 1332

اعلامیه فراکسیون آزادی

سخنگوی فراکسیون نهضت ملی در مصاحبه با مخبرین جراید میگوید " اعضای فراکسیون آزادی در نتیجه عدم حضور در مجلس عامداً رکنی ازارکان مشروطیت را درحال تعطیل نگاه میدارند وباصول مسلم حکومت های پارلمانی یعنی بحث و طرح مسائل در جلسات مجلس اعتنائی نمیکنند و میگویند آقایان هم در مجلس حاضر میشوند و هم غایبند" .

فراکسیون نهضت ملی قوه شنیدن حرف مخالف را ندارد درصورتی که لازمه بحث و جدلی که سخنگوی محترم بآن اشاره مینمایند انتقاداز عقاید مخالف است. گذشته از آن دولت طرف حمایت شما در نتیجه گرفتن اختیارات قانون گذاری از مجلس با زور چاقوکس و رجاله و اشرار برخلاف اصول 16 و 21 و 33 قانون اساسی که تصویب قانون را منحصراً حق قوه قانون گذاری دانسته و برخلاف اصول 27 و 28 راجع به تفکیک قوا، را زیر پا گذاشته و قوه های سه گانه را با حمایت شما یک کاسه نمود.

بنابراین از مجلس و حکومت پارلمانی چیزی نمانده است که فراکسیون آزادی رکنی از ارکانش را منهدم سازد و اگر دل فراکسیون نهضت ملی به حال حکومت پارلمانی میسوخت جا داشت کمک نمایند که تا این پایه قانون اساسی پایمال نگردد.

همکاران محترم، دولتی که شما حامی آن هستید باین قانع نیست و چون میترسد چیزی از حکومت ملی و پارلمانی باقی مانده باشد میخواهد با دست شما به بهانه گزارش هیأت هشت نفری فرماندهی کل قوا را نیز برخلاف اصل پنجاهم قانون اساسی قبضه نموده و راه نفس کشیدن را برای احدی باقی نگذارد.

اگر فراکسیون آزادی در مجلس حاضر نمیشود بیمی است که از قانون شکنی و زور گوئی حکومت مورد حمایت شما دارد زیرا این حکومت هرموقع خواست شکاف تازه ای در قانون اساسی ایجاد کند چون قدرت حکومت و بودجه دولت را در دست دارد فورا یک عده چاقوکش و رجاله تجهیز میکند که با تهدید مجلس را مجبور به دادن رأی موافق خود کند آیا به عقیده فراکسیون نهضت ملی این روش دولت صد در صد منطبق با اصول جکومت پارلمانی است ولی فراکسیون آزادی که برای جلوگیری از این زورگویی و قانون شکنی در مجلس حاضر نمیشود برخلاف اصول پارلمانی عمل میکند؟

رسیدگی به سرنوشت ابوالقاسم بختیار در کمیسیون امنیت

ساعت 10 امروز آقای سرتیپ امینی با آقای نخست وزیر ملاقات کرد و آقای نخست وزیر به آقایان دکتر ملک اسمعیلی، سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش، و سرتیپ امینی مأموریت دادند برای رسیدگی به کار ابوالقاسم بختیار برادر سرتیپ بختیار کمیسیونی در ستاد ارتش تشکیل دهند و مطالعه خود را در این باره شروع کنند.

از طرف آقای سرتیپ امینی دستور داده شد پرونده مربوط به اقدامات ابوالقاسم و زد و خورد او با قوای دولتی، همچنین مدارکی که میرساند او قصد تجاوز به حقوق رعایا و ضرب و جرح آنان را جمع آوری و به کمیسیون ارجاع دارند تا در اسرع وقت بدان ها رسیدگی گردد.

دوستان اقلیت هم میگویند اگر ما بیائیم و مجلس را تشکیل دهیم این مجلسی نخواهد بودکه کارمفیدی برای مردم انجام دهد. بدینجهت بنده شخصاً از اصلاح وضع فعلی مجلس مأیوس هستم.

آقای مکی نماینده منفرددیگر میگوید بنده دروضع حاضر راه حلی برای مشکل فعلی نمی بینم و متأسف هستم چرا این دو دسته توجهی به وضع مملکت ندارند.

آقای حایری زاده من معتقدم که جناب دکتر مصدق که شخصاً مرد دیکتاتور و خود پسندی است و هیچ رئیس دولت صلاحیت قانون گذاری و فرماندهی قوای مسلح و سرپرستی قوه مجریه را یکجا ندارد و این تفکیک قوا حکم قانون اساسی است و هرکس از آن سر بپیچد خائن به مملکت و قیام کننده علیه مشروطیت است. بنا به همین جهت من تفکیک فرماندهی قوا را از پادشاه و سلب اختیارات قانون گزاری را از دکتر مصدق توأم و با هم لازم میدانم نه اینکه

از یکطرف اختیارات فرماندهی قوا از شاه گرفته شود ولی اختیارات قانونگزاری در دست دکتر مصدق بماند به همین جهت تا روزی که آقای دکتر مصدق راضی نشود شخصا به قانون اساسی تمکین کند و از قلدری دست بردارد من مبارزه خواهم کرد.

14 اردیبهشت 1332

اعتصاب کارگران دخانیات

از عصر دیروز سندیکای کارگران دخانیات دست به اعتصاب زده اند و درخواست های خودرا بااین ترتیب اعلام داشتند : پرداخت اضافه حقوق ، عدم پرداخت صدی دوازده به صندوق تعاون ، کارگران طبقه بندی شوند.

تا آخروقت امروز کارگران دخانیات همچنان از رفتن بکارگاه ها خودداری کرده و در نهارخانه اجتماع نموده بودند و مأمورین نیز برای اینکه جادثه ای اتفاق نیفتد کلیه اشخاصی را که در جلوی دخانیات در خیابان گرد آمده بودند متفرق کردند و از ورود کارگران به داخل محوطه دخانیات ممانعت به عمل آمد. ضمنا به کارگرانی که در داخل بودند اطلاع داده شدکه اگر بخواهند به منازل خود بروند میتوانند بطور انفرادی از دخانیات خارج شوند.

امروز سرهنگ اشرفی فرماندار نظامی تهران به اطلاع آقای نخست وزیر رسانید که مأمورین فرمانداری نظامی برای اینکه ایجادتشنج نشود از دستگیری سران اعتصاب خودداری کرده و برای نمایندگان کارگران پیغام فرستادند که با مأمورین ملاقات و مذاکره کنند ولی نمایندگان کارگران از ملاقات با مأمورین خودداری کردند و اظهار داشتند ما مطلبی نداریم که درباره آن با مأمورین فرمانداری نظامی ملاقات و مذاکره کنیم.

امروز ساعت یازده اطلاع حاصل شد که کارگران سیلو و چیت سازی نیز برای پشتیبانی از کارگران دخانیات تصمیم گرفته اند که دست از کار بکشند. سندیکای کارخانجات فوق وابسته به جمعیت مبارزه با استعمار (حزب توده) هستند.

تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس

صبح امروز مقارن ساعت هفت تیمسار سرلشگر بازنشسته فضل الله زاهدی که فرماندار نظامی تهران طی اعلامیه ای از او دعوت نموده بود که در ظرف 48 ساعت خود را معرفی نماید از در کتابخانه مجلس به اتفاق یکی از نمایندگان فراکسیون آزادی به اطاق کارپردازی وارد و با آقایان میر اشرافی و بهادری نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به مذاکره پرداخت و اعلام کرد که قصد تحصن در مجلس را دارد و دراین باره نامه ای به رئیس مجلس خواهد نوشت. در مورد علت تحصن زاهدی اظهار داشت فرماندار نظامی تهران دیروز به موجب اعلامیه

ای ابلاغ نموده بود که من خود را به فرمانداری نظامی معرفی نمایم. چون علت این احضار را نمیدانستم و ار طرفی اطمینان نداشتم از قبول این دعوت خودداری نمودم. ولی چون این مقررات جکومت نظامی که به استناد آن قصد بازداشت مرا دارند هنوز از تصویب مجلس نگذشته و غیر قانونی میباشد به عنوان اعتراض به خانه ملت یعنی مجلس شورا آمده ام و در اینجا برای هرگونه توضیحات و تحقیقاتی آماده ام.

نظربه اینکه تحصن سرلشگر زاهدی بایستی با موافقت هیأت رئیسه مجلس باشد سرلشگر زاهدی روی یادداشت مجلس شرجی به رئیس مجلس نوشت و متن آنرا برای اظهار نظر و یا اصلاح به آقای حایری زاده داد و حایری زاده بعد از قرائت نامه آنرا تأیید نمود.

نامه زاهدی به کاشانی رئیس مجلس شورای ملی

بطوری که خاطر مبارک مستحضر است در اسفند ماه بدون دلیل و برخلاف قانون توقیفم کردند و از فروردین ماه تا بحال سه چهار مرتبه به خانه و باغ شمیرانم قوای مسلح نظامی و غیر نظامی در شب و بعد از نصف شب ریختند و سلب آزادی و امنیت از خودم و فامیلم کردند. بعد از شکایت تلگرافی به مقامات دادگستری و یأس از جمایت قانونی آنان ناگزیر شدم به خانه ملت پناهنده شوم و ضمنا برای اطمینان خاطر آن مقام محترم و وکلای محترم مجلس شورای ملی عرض میکنم که تا بحال عملی که برخلاف مصالح کشورم باشد ننموده وهمواره سربازی خدمتگذارو فداکار برای میهنم بوده و هستم.

در جلسه هیأت رئیسه آیت الله کاشانی با تحصن وی موافقت کردند و ذیل نامه سرلشگر زاهدی موافقت خود را به اطلاع دفتر مجلس و اداره بازرسی رساندند تا وسایل پذیرائی ایشان را فراهم کنند.

15 اردیبهشت 1332

اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی

ابوالقاسم کاشانی در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت "مجلس خانه ملت است و هرکس میتواند تا هر وقت دلش بخواهد آنجا تحصن کند."

19 اردیبهشت 1332

اعضای کمیسیون آزادی برای عدم تشکیل جلسات علنی مجلس و رسیدگی به امور، مخصوصاً لایحه هیأت 8 نفری به قم رفته اند تا مانع تشکیل جلسه علنی مجلس گردند. لیدر اقلیت حایری زاده در این مورد گفت مذاکرات ما در قم این بود که باید اول مطمئن شد که آیا میشود یک روح توافق و هم فکری در محیط مجلس به وجود آورد یا خیر و آیا اکثریت حاضر

است از لجاجت دست بردارد یا نه؟ و درصورتیکه این اطمینان حاصل تشده آیا ما موفق خواهیم شد هنگام اخذ رأی مجلس را از اکثریت بیندازیم یا نه ؟

ما برای مبارزه با دولت ودیکتاتوری طرحی تهیه کرده ایم ، یکی مربوط به سلب اختیارات دکتر مصدق و دومی مربوط به انتخاب رؤسای تشکیلات انتظامی کشور از طرف مجلس برای مدت 5 سال . حرف ما این است که اختیارات مصدق یک مسأله اختصاصی است و انتخاب فرماندهان قوای انتظامی دخالت در قوه مجریه است. جواب ما این است که وقتی قرار است رعایت کامل قانون اساسی بشود موضوع اختصاصی بودن یک قضیه منتفی است و بلکه معتبر هم میباشد و اما درمورد دخالت در قوه مجریه ، این طرح ما مسبوق به سابقه است زیرا در دوره پنجم همین مجلس تصویب نمود که فرماندهی کل قوا برای مدتی در اختیار رضا خان باشد. و هرگاه منظور ما حاصل نشد مجلس را از اکثریت خواهیم انداخت.

20 اردیبهشت 1332

جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه

قبل از نواخته شدن زنگ جلسه علنی آقای حایری زاده درخواست تشکیل جلسه خصوصی نمود و در این مورد اظهار داشت که ما با درخواست جلسه خصوصی میخواهیم باری از دوش آقایان برداریم و نگذاریم که جناب مصدق السلطنه امیال خود را بر گرده مجلس سوار کند و الا این طرح هیأت 8 نفری که الان به مجلس آورده اند بقدری بی اهمیت است که برای خاطر آن ما مهاجرت نکردیم زیرا خواندن چند اصول از قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد. ولی در پس آن پرده اقدامات خودسرانه و دیکتاتوری جناب دکتر مصدق شروع خواهد شد و طلیعه آن همین اقدامات دولت پس از واقعه قتل رئیس شهربانی و استفاده های خلاف قانون دولت از این واقعه است.

ایجاد این محیط ترس و وحشت رفقای ما را و همچنین دوستان اعضای فراکسیون نجات نهضت را وادار به این نمود که درصدد تشکیل جلسه علنی باشند به همین جهت ما به تهران آمدیم و حالا هم حاضر به حضور در جلسه علنی هستیم تا مجلس ضمن رسیدگی به کارهای روزانه خود اعمال دولت خصوصا خطاهای او را تحت انتقاد قرار داده و حافظ حدود و ثغور قانون اساسی باشیم و برای اجرای این منظور هم طرحهایی داریم که آنها را ارائه خواهیم کرد و نظر ما این است که طرحهای ما با گزارش هیأت 8 نفری تلفیق شود و به صورت طرح جامعی درآید.

در ساعت 11 زنگ جلسه علنی مجلس شورای ملی به صدا درآمد ولی به علت اعتراض اعضای فراکسیون های آزادی برهبری حایری زاده و نجات نهضت به رهبری بقائی به حضور آقای روحی نماینده سوم منتخب مردم کرمان در مجلس، در حالی که با توجه به حضور دکتر بقائی به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در مجلس، آقای روحی به عنوان نماینده دوم کرمان توسط کمیسیون به مجلس معرفی شده بود ومجلس موظف به بررسی اعتبار نامه او

بود ولی مخالفین دولت به این بهانه که او نماینده نمیباشد. پس از ضرب و شتم آقای روحی توسط شمس قنات آبادی و میر اشرافی و بهادری، جلسه علنی تعطیل گردید.

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی

بطوریکه خاطر آقایان مستحضر میباشد پس از آنکه تعطیلات فروردین منتفی شد ومجلس آماده برای کارگردید چند نفر از آقایان نمایندگان به عنوان اینکه امنیت ندارند و نمیتوانند مطالب خود را آزادانه به سمع مجلس شورای ملی برسانند خروج خود را از تهران اعلام نمودند.

در این فاصله که قریب یک ماه بطول انجامید با وجود اینکه غالبا چند نفر از آقایان را در تهران و حتی در مجلس شورای ملی ملاقات مینمودیم ، معذالک به احترام آزادی که برای عموم نمایندگان مجلس قائل میباشیم انتشار تغییر تصمیم آنان را داشتیم واعضای این فراکسیون هم بطور دائم در تهران ماندیم و در روزهای مقرر برای انعقاد جلسه علنی در مجلس مجتمع گردیدند و مکرر هم اعلام نمودیم که نظر ما همیشه بر این است که بر طبق قانون اساسی و آئیننامه مجلس شورایملی محیط کارنمایندگان محترم باید از هرگونه تشنج خالی باشد و جلسات مجلس شورای ملی بایستی صرف بحث در مطالب اساسی و طرح مسائل قانونی بشود و حکمیت بین نظرات مختلف درهرامری منوط به رأی نهائی مجلس شورایملی می باشد. چنانچه در همین زمینه طرح سه فوریتی هم که قبلا تهیه شده بود انتظارتشکیل جلسه واعلام رأی نهائی مجلس راداشته ایم.

بدیهی است در خصوص تصمیم آقایان در خارج شدن از تهران و همچنین مراجعت به تهران، این فراکسیون هیچ گونه نظری را اظهار نمیدارد زیرا قضاوت رویه و اعمال مجلس بر عهده ملت ایران است.

بالاخره امروز صبح یکشنبه 20 اردیبهشت ماه 1332 که جلسه علنی تشکیل گردید ملاحظه شد که نیت و نظر نمایندگانی که بنام اقلیت خود را معرفی می نمایند بر این نیست که مطالب خود را طبق قانون مطرح و به حکمیت مجلس واگذار نمایند بلکه از همان ابتدا بوسیله ایجاد جنجال سعی میکردند جلسه را متشنج سازند و چون در مقابل فریادهای یکی از آقایان اکثریت قریب به اتفاق مجلس شورای ملی از آنجمله اعضای فراکسیون نهضت ملی با متانت کامل سکوت وآرامش راحفظ نمودند.

دفعتاً آقای میراشرافی و بهادری که با سمت کارپردازی مجلس قانونا بیشتر از سایر اعضای هیأت رئیسه موظف به حفظ نظم و امنیت مجلس میباشند به طرف آقای علی روحی حمله نموده و با ادای الفاظ رکیک به ایشان توهین و ایراد ضرب نمودند.

در این جریان اسف آور هم فراکسیون نهضت ملی به انتظار اقدام قانونی هیأت رئیسه از عمل متقابل خودداری نمود ولی متأسفانه هیچگونه تذکر قانونی به آنان داده نشد و کار به جائی

رسید که آن دو نفر با کمک چند نفر دیگر از اعضای فراکسیون آزادی نسبت به عده ای از نمایندگان مجلس توهین و اهانت نموده جملات زشت و مستهجن ایراد نمودند.

چون حفظ نظم مجلس شورای ملی بر عهده هیأت رئیسه است و بدیهی است بدون آنکه هیأت رئیسه با نهایت قدرت آئین نامه مجلس را اجرا نماید برای هیچ نماینده ای امکان انجام وظِفه باقی نمیماند ، لازم دانستیم مراتب را طی این نامه مشروحاً به اطلاع آن هیأت محترم برسانیم.

اکنون فراکسیون نهضت ملی ایران اجرای بند ماده 101 آئین نامه را که مقرر میدارد "هرگاه نماینده ای نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس یا رئیس توهین کند توبیخ با منع حضور موقت درباره او اجرا میشود" درباره آقایان میراشرافی و بهادری درخواست می نماید.

در خاتمه هیأت رئیسه مجلس شورای ملی به وسیله اجرای صحیح آئین نامه بایستی به ملت ایران نشان دهد که چند نفر با هو و جنجال و بی ادبی نخواهند

توانست مجلس ملی را از انجام وظایف قانونی باز دارد. فراکسیون نهضت ملی

پیشنهاد های اخیر

آقای دکتر مصدق بعد از شکست مذاکرات مربوط به پیشنهادات اول اسفند برای آنکه حسن نیت خودرا درحل مسأله غرامت نشان بدهد درآخرین ملاقاتی که با آقای هندرسن نمود پیشنهادات جدیدی برای حل مسأله غرامت تنظیم و توسط آقای هندرسن تسلیم وزارت امور خارجه انگلیس نمود که به شرح زیر است :

حالا که دولت انگلیس حاضر نمیشود که غرامت طبق مایملک و یا سهام شرکت به وسیله قضاوت دیوان دادگستری بین المللی حل شود و اصرار دارد که غرامات بطور دربسته و کلی به قضاوت دیوان ارجاع گردد. لذا دولت ایران به شرطی با این نظر موافقت خواهد کرد که دولت انگلیس قبلا حداکثر مبلغی را که شرکت سابق در مورد غرامت وبطور کلی ادعا دارد تعیین کند تا پس از توافق بر سر این حداکثر دولت ایران موافقت خود را برای قضاوت دیوان نسبت به مبلغ معین شده اعلام نماید.

آقای دکترمصدق بدینعلت حاضرنیست که بطور دربست قضاوت دیوان داد گستری را نسبت به حل مسأله غرامت بپذیرد زیرا مواجه با این نگرانی است که پس از آنکه قرارداد قضاوت دیوان دادگستری راجع به غرامت با شرکت سابق به امضا رسید ، قبل از اجرای آن موجبات

سقوط این دولت را فراهم آورند و بعد دولتی روی کار بیاورند که در موقع طرح قرارداد مزبور در دیوان داوری آنطور که باید و شاید از حقوق ملت ایران دفاع نکند . بر این اساس برای رفع این نگرانی دکتر مصدق توسط آقای هندرسن به وزارت امور خارجه انگلیس پیشنهاد کرد درصورتی دولت ایران حاضر است قصاوت کلی دیوان دادگستری را نسبت به غرامت قبول کند که حداکثر مدعابه شرکت سابق طی مذاکرات خصوصی قبلا مورد توافق قرار بگیرد.

پیشنهاد دوم نخست وزیر

در این پیشنهاد آقای دکتر مصدق به وزارت امور خارجه انگلیس اطلاع داده است که حل مسأله غرامت به قصاوت دیوان دادگستری لاهه ارجاع نگردد بلکه طرفین طی مذاکرات خصوصی موافقت کنند که دولت ایران تا چند سال باید 25 درصد عواید خود را به عنوان غرامت تسلیم شرکت سابق نماید. البته قبول این پیشنهاد از طرف شرکت سابق ادعاهای دولت ایران را علیه شرکت سابق از بین نخواهد برد و این دعاوی نیز باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

24 اردیبهشت 1332

نطق حسین مکی نماینده تهران وعضو سابق فراکسیون نهضت ملی

در جلسه امروز مجلس شورای ملی آقای حسین مکی اظهار داشت قبل از بیان هر مطلبی آقایان محترم باید توجه داشته باشند که اساس و پایه نهضت ملی ما بر اتحاد و اتفاق استوار بود و تمام موفقیت هایی که در طی این مدت عاید ملت ایران گردید براثر وحدت نظر و اتفاق کلمه بود و بس. در آن روزهائی که تازه زمزمه مخالفت و اتفاق نظر و دو دستگی در مجلس پیش آمد و هنوز این تشنجات و حوادث اخیر به میان نیامده بود ، با مصلحت اندیشی و مشورت با آقای دکتر معظمی از اقایان منفردین و اعضای فراکسیون نهضت ملی یعنی آقایان گنجه ای ، انگجی، دکتر سنجابی، مهندس زیرک زاده و چند نفر دیگر که الان به خاطر ندارم دعوت کردیم که بیایند وبا کدخدا منشی و حسن نیت وسط را بگیرند و نگذارند کار مجلس به اینجا بکشد و چون عده ای از نمایندگان محترم از من خواسته بودند که واسطه و میانجی شوم با قرآن کریم تفالی زدم که آقای حاج سید جوادی این آیه را قرائت کرد (فسجد الملائکه کلهم ابا ابلیس) معهذا از آقایان منفردین و چهار نفر از آقایان فراکسیون نهضت ملی دعوت کردند.

از همان جلسه اول آقایان فراکسیون نهضت ملی با آنکه در جلسه شرکت کرده بودند از خارج پیغامی داشتند و از جلسه خارج شدند و من متوجه آیه شریفه شدم که ابلیس در این کار شیطنت کرده و نمیخواهند مجلس با اتحاد و اتفاق بکار خود ادامه دهد. اکنون بعد از چند ماه باد به زخم آقایان خورده و متوجه عرایض آنروز بنده میشوند و جای کمال خوشوقتی است که هنوز هم کار از کار نگذشته و جلوی ضرر را هر روز بگیرند باز به نفع مملکت است. بهر حال ما کمال کوشش خود را کردیم که مجددا اتحاد و اتفاق بوجود آید ولی جون عده ای مست باده

غرور بودند و خیال میکردند که هر کاری که بخواهند میتوانند انجام بدهند نگذاشتند این کار سر و سامان بخود بگیرد.

حالا که کار به اینجا کشیده به عقیده من با جمله پردازی و عبارت سازی و دست به دست مالیدن نباید وقت را تلف کرد. اگر معایب را صریح بگوئیم، اگر مجادله و تعارف کنیم مسلم بدانید که دردی دوا نخواهد شد. نمایندگان محترم مجلس و آنهائی که مسؤلیت مملکت را به عهده دارند باید دور اندیش و عاقبت بین باشند و هر عملی را انجام میدهند باید همیشه آتیه را در نظر بگیرند زیرا امروز ممکن است بعضی سوابق گذاشته شود که در آتیه از این سوابق دولتهای آینده سوء استفاده کنند ، شما فکر امروز دولت دکتر مصدق را نکنید. صد سال آینده را در نظر بگیرید که از این سوابق مملکت دچار بدبختی نشود.

ممکن است آخر دوره چهاردهم را در نظر بگیرید اگر یک دولتی مثل دولت قوام السلطنه در آخر دوره چهارده پنجاه سال دیگر روی کار بیاید از این سوابق و قوانینی که گذاشته است اگر بخواهد سوء استفاده کند میتواند مملکت ایران راتجزیه و ملتی را دچار بدبختی و بیچارگی کند ، مثلا یک قسمت از تشنجات مولود ابتکارات فراکسیون نهضت ملی است.

آقای کهبد گفتند دولت صد و چند لایحه فرستاده که مجلس باید تکلیف آن را روشن کند ، یکی از همین لوایح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران است که مجلس طبق آئیننامه و سوابق شروع به انتخاب اعضای آن کرده وعده زیادی هم انتخاب شده اند ولی چون اکثریت آن ازفراکسیون نهضت ملی انتخاب نشده است شروع به مخالفت کردند، منتهی چون من علاقمند به نهضت مقدس ملت ایران هستم نخواستم با لجاج و عناد یک اختلاف جدیدی بر اختلافات سابق بیافزایم. آقایان خدا شاهد است اگر زود به این اختلافات و کشمکش ها خاتمه داده نشود طوری میشود که سیاست خارجی نقشه ای را طرح نماید که تا صد و پنجاه سال دیگر نه تنها ایران بلکه هیچ یک از ملت های خاور میانه نتواند دم از قیام ملی و نهضت های آزادیخواهانه بزنند و طوری ملت ایران و ملت های خاور میانه را مأیوس کنند که هیچکس جرأت نکند که دم ار نهضت استقلال طلبانه بزند. مجلس ما طوری ترکیب شده که یک اقلیت ده دوازده نفری از هردسته ای هر وقت بخواهند میتوانند مجلس را فلج کنند.

درباره گزارش هیأت هشت نفری که این همه سر و صدا اطراف آن بلند شده ما که بحث تازه ای به میان نیاورده بودیم. آقایان دکتر معظمی و مجد زاده و دکتر سنجابی حضور دارند ، در آن گزارش ما چند اصل از قانون اساسی را ذکر کرده ایم و خلاصه گفته ایم که وزرا در مقابل پارلمان مسؤل هستند و لاغیر ، ما حق تغییر قانون اساسی را نداریم زیرا قانون اساسی را مجالس عادی نمیتوانند تفسیر کنند و اگر تفسیر کردند برخلاف قاعده کرده اند زیرا مجلس مؤسسان لازم دارد و اگر بخواهیم این بدعت را بگذاریم که مجالس عادی قانون اساسی را

تفسیر کنند ممکن است ده سال یا بیست سال دیگر یک دولت غیر ملی از این سابقه سوء استفاده کند.

علت اصلی تنظیم گزارش

آقای پارسا عضو فراکسیون نهضت ملی گفت به عقیده من آقایان باید مسائل را از یکدیگر تفکیک کنند زیرا یک مسائل اصولی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد و قسمتی مسائل فرعی است که در درجه دوم واقع شده . آقایان نباید مسأله گزارش هشت نفری را که مسأله اساسی است با موضوع مسأله نمایندگی آقای روحی با اهانت به فراکسیون نهضت ملی مخلوط کنند.

آقای مکی ضمن فرمایشات خود طوری فرمودند مثل اینکه گزارش هیأت هشت نفری که به عقیده بنده سند افتخاری برای تنظیم کنندگان و امضا کنندگان آن است فقط ذکر چند اصل از اصول قانون اساسی است و فراکسیون نسبت به آن بهانه جوئی میکند. بنده باید عرض کنم که خیلی چیز ها و موضوعات در سایر ممالک مشروطه حل شده ولی هنوز در ایران حل نشده است و دلیل آن هم به عقیده بنده این است که انقلاب مشروطیت ایران بدست توده مردم و فداکاری آنها بوجود آمده و قانون اساسی که منظور نظر آزادیخواهان صدر مشروطیت بود، متأسفانه اجرای آن بدست ایادی استبداد انجام گرفت. یعنی همان هائی که در دوره استبداد شاغل امور حکومت بودند در دوره مشروطیت نیز به عنوان حکومت ملی مشغول حکومت شدند و قانون اساسی را به حال ابهام باقی گذاردند و یا سوء تعبیر کردند.

مشکلات امروز ما محصول سوء تعبیرات ایادی استبداد است و طوری شده که الان بنده پدر بزرگم برای تحصیل مشروطیت شهید راه ملت شده است به عنوان نوه او بعد از چهل و هشت سال مجبورم از رفع ابهامی که توسط گزارش هیأت هشت نفری به عمل آمده از تنظیم کنندگان این گزارش تشکر کنم.

آقای عبدالرحمن فرامرزی: علت اصلی تنظیم گزارش هیأت 8 نفری این بود که بعضی ها تعبیرات و معانی خلاف روح قانون اساسی را از این سند مشروطیت استنباط کرده بودند و الان آقایان در این گزارش معنای صحیح آن اصول را بیان کرده اند ، پس اینکه گفته میشود گزارش هیأت 8 نفری فقط اگر چند اصل از اصول قانون اساسی است بنظر بنده گویندگان این جمله دقت کامل در این گزارش نفرموده اند زیرا پس از ذکر چند اصل قانون اساسی در خاتمه گزارش معنی صحیح آن اصول نوشته شده و تقاضای تأیید آن از مجلس گردیده است و بطوری که آقایان ملاحظه میفرمائید این مسأله جزو اصول مشروطیت است و علت اینکه فراکسیون نهضت ملی اینقدر برای طرح خود پا فشاری میکند همین اهمیت و اصولی بودن مسأله است نه بهانه جوئی.

آقای ناظرزاده مقصود این است که اعضای فراکسیون نهضت ملی و سایر نمایندگان متوجه شده اند که ادامه این تشنج در مجلس به صلاح هیچ کس نیست و عواقب وخیم در بردارد که بهتر است زودتر به آن خاتمه داده شود . تشکیل جلسه امروز به همین منظور است.

برای به راه افتادن مجلس لازم است چند اصل مراعات شود وگرنه مجلس تشکیل نمیشود و اگر هم تشکیل شود ضرر آن بیش از تشکیل نشدن است ، این سه اصل عبارت از این است که اولا در مجلس باید احترام هر نماینده محفوظ بماند و هیچ نماینده ای نباید از نماینده دیگر هتک حرمت کند. دوم در مجلس باید آزادی نطق و بیان و حق ابراز عقیده برای هرنماینده خواه موافق دولت خواه مخالف محفوظ باشد. سوم همه نمایندگان خاصه آنهاکه درامور مؤثر هستند باید برای رضای خدا و آرامش وجدان امور شخصی و اغراض خصوصی را در مصالح کلی و عمومی مداخله ندهند.

وضع سیاست خارجی

آقای مهندس رضوی گفت امشب در اینجا همه مسائل مهم مطرح گردید ولی فقط یک موضوع مانده است که اهمیت کلی دارد و آن سیاست خارجی و وضع سیاست بین المللی است که آقایان باید توجه کامل به این موضوع داشته باشند ، مخصوصا توجهی که اکنون از طرف دول بزرگ به اوضاع خاور میانه میشود. بنده تقاضا دارم که با توجه به این مسائل طوری شود که اتحاد و اتفاق ملت ایران در این گیر و دار سیاسی بتواند رهبر ما باشد. راجع به اقلیت هم فراکسیون نهضت ملی هیچگونه نظری که مانع از انتقاد و صحبت آنها بشود ندارد و فقط مایل است اصول مشروطیت و حیثیت مجلس محفوظ بماند و تنها راه رسیدن به این مقصود به عقیده بنده اجرای کامل آئین نامه مجلس است.

امروزفراکسیونها نمایندگان خودرا برای عضویت کمیسیون رفع اختلاف انتخاب کردند.

منفردین آقایان نریمان ، عبدالرحمن فرامرزی ، ناصر ذوالفقاری فراکسیون نهضت ملی آقایان انگجی ، حاجی سید جوادی ، مجید موسوی و مهندس زیرک زاده فراکسیون اتحاد گنجه ای ، نبوی و منصف، فراکسیون آزادی آقایان حایری زاده ، احمد فرامرزی ، حمیدیه و بهادری فراکسیون نجات نهضت آقایان شمس قنات آبادی و علی زهری.

27 اردیبهشت 1332

دادگاه ترکیو عرضحال شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را مبنی بر تقاضای توقیف 18 هزار تن نفت محموله کشتی ژاپنی را به علت عدم صلاحیت رسیدگی رد کرد.

ناکامی کمیسیون حل اختلاف

در جلسه دیشب کمیسیون رفع اختلاف فقط 12 نفر از اعضای کمیسیون شرکت داشتند. در جلسه پس از اینکه در دو مورد از اختلافات توافق نظرشد و نمایندگان فراکسیون نهضت ملی نظرات فراکسیون آزادی و نجات نهضت را مبنی بر اینکه آقای روحی از شرکت در جلسات خودداری نماید و همچنین موافقت کردند که دو نوبت نطق قبل از دستور برای همیشه دراختیار اقلیت باشد . ولی در مورد دستور جلسه علنی مبنی بر قرائت گزارش کمیسیون 8 نفری نمایندگان اقلیت موافقت ننمودند و کمیسیون بدون نتیجه به پایان رسید.

در ساعت ده دقیقه بعد از ظهر از طرف هیأت رئیسه مجلس اعلام گردید که امروز جلسه علنی تشکیل نخواهد شد.

نامه نمایندگان فراکسیون نهضت ملی

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی، درجلسه گذشته اعضای فراکسیون نهضت ملی به عنوان اعتراض و عدم اجرای آئین نامه از شرکت در جلسه خودداری نموده و طی نامه ای این موضوع را به هیأت رئیسه محترم تذکر دادند و انتظار داشتند از طرف هیأت رئیسه در این باب اقدام جدی به عمل آید. متأسفانه نه تنها اقدامی معمول نگردید ، بلکه نامه فراکسیون نیز بلا جواب گذاشته شد و از طرف دیگر از کمیسیونی که برای حصول توافق تشکیل شده بود نتیجه ای حاصل نگردید و چون در این روزهای تاریخی تعطیل جلسات مجلس شورای ملی به صلاح کشور نیست فراکسیون نهضت ملی همانطور که امروز صبح نیز اعلام داشت آمادگی خود را برای شرکت در جلسه اعلام و از هیأت رئیسه جز اجرای کامل آئین نامه تقاضای دیگری نداشته و ندارد. فراکسیون نهضت ملی

آقایان دکتربقائی و میراشرافی درساعت نه ونیم بعد ازظهر به ملاقات سرلشگر زاهدی رفتند و پس از ختم جلسه کمیسیون حل احتلاف آقایان نمایندگان اقلیت نیز به ملاقات سرلشگر زاهدی رفته و مدتی با ایشان مذاکره نمودند.

29 اردیبهشت 1332

آقای شمس قنات آبادی به عنوان نطق قبل از دستور اظهار داشت اگر دولت واقعا همانطوری که ادعا میکند متکی به افکار عمومی است هیچ مانعی ندارد که مثل دوره شانزدهم اجازه بدهد مذاکرات مجلس به وسیله رادیو در سرتاسر کشور پخش شود. راجع به تقاضای فراکسیون های آزادی و نجات نهضت که به وسیله مقام معظم ریاست مجلس از رئیس دولت برای پخش مذاکرات مجلس از رادیو صورت گرفت تذکری بدهم زیرا آقایان آن را میدانند و جواب رئیس دولت را هم شنیده اند ولی عرض میکنم هیچ اشکالی نداشت همانطور که الان برنامه رادیو اغلب اوقات وقف کارهای بیهوده میشود مذاکرت مجلس هم بوسیله رادیو منتشر شود. اسم این عمل دولت زورگوئی است.

آنها که میگفتند قرارداد 1933 را باید لغو کنیم و آنهائی که میگفتند چنگ با انگلستان محال است هر دو شکست خوردند و بعد از این پیروزی من میخواهم به ملت ایران عرض کنم که این دو دسته رویه خود را با بنیان گزاران نهضت عوض کردند یعنی همانطور که در قیام صدر مشروطیت فریب شدگان مکتب عین الدوله از آزادی خواهان شکست خوردند و بعد ماسک خود را عوض کردند و خودشان را بین آزادی خواهان و قهرمانان جا زدند و با نزدیک کردن خود به منابع قدرت آزادی خواهان را طرد کردند این دو دسته هم بعد از نهضت ملی ایران این عمل را انجام دادند و خود را داخل در صف این جهاد اکبر کردند و چون این ها اشخاص عالیه ای بودند و چون میخواستند بیایند و مقاماتی را کسب کنند هیچ مانعی نداشت که به رویه دیرین خودشان یعنی چاپلوسی و بندگی متوسل شوند و متوسل هم شدند و دور آقای مصدق السلطنه را محاصره کردند و یک وقت مردم سر از خواب بلند کردند و دیدند مطلب خیلی صحیح . سرراست از آب درآمده و آنها که حبس رفته و زجر دیده بودند و دربدر شده بودند همه آنها جبهه ملی و انگلیسی شدند.

آقای رئیس دولت مرقوم فرموده بودند بدستگاه دادگستری و انتظامی که اگر روزنامه ای به شخص من بد گفت با او کاری نداشته بآشید ، اما اگر به کس دیگری بد گفتند و برخلاف قانون مطبوعات عمل کردند قانون را درباره اش اجرا کنید . من خواهش میکنم آقایان بروند و در زندان به بینند که این روزنامه نویس های توقیف شده چه کسانی هستند ، تمام آنها کسانی هستند که از اعمال دولت انتقاد کرده و به این جرم زندانی شده اند اینها را گرفته و در زندان انداخته اند اما آن روزنامه هائی که برمیدارند و رکیک ترین فحش ها را به ما میدهند آزادند. مثلا یک بچه روزنامه فروش تحت حمایت مأمورین آگاهی در خیابان فریاد میکند کاشانی خائن و بقائی دزد و مکی فلان ولی هیچکس معترض او نمیشود.

درمورد قتل افشار طوس ، اگر من روزی بدانم که واقعاً دکتر بقائی در این کار دخالت داشته شدیداً با او مبارزه خواهم کرد. ولی وقتی من می بینم تمام وازده های اجتماع در اطراف این موضوع و اتهام دکتر بقائی سر و صدا راه میاندازند در این کار تردید میکنم و تا روشن شدن

حقایق پشت سر این مرد مبارز که در نهضت ملی ایران سهم بسزائی داشته خواهم ایستاد .

یک رئیس شهربانی را کشتند ، یک دولتی هم سرکار است و یک عده ای هم مخالف دارد و از اعمال خلاف رویه انتقاد میکنند ، بدیهی است دولت از این واقعه میخواهد بسود خود استفاده کند ، بدیهی است از این واقعه میخواهد به نفع خودش استفاده کند. چرا آخررئیس شهربانی را بکشند؟ خوب میرفتند آقای سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش را می کشتند! که عضو حزب ناسیونال سوسیالیست است. یک افسر شرافتمند پیغام داده است که تمام این قضیه مشوب نمودن فکر مردم است.

دکتر مصدق مأمور انگلستان

سخنران دوم آقای حائری زاده لیدر فراکسیون آزادی اظهار داشت سه موضوع را می باید امروز توضیح دهم . یک موضوع که چرا اول به دولت اعتماد کردم ، موضوع دیگر این است که چرا ما به قم رفتیم؟ و دیگر اینکه چطور شد که ما آمدیم دو مرتبه مجلس؟

جناب دکتر مصدق من خیلی نمیخواهم سیر قهقرائی بکنم ، چون بدیهی است که آقای دکتر مصدق از فامیل محترمی هستند و در دربار مظفر الدین شاه منشی بوده و تربیت شدند و حالا حقایق زندگی ایشان را من درست اطلاع ندارم و حرفی از آن نمیزنم. ولی چیزی را که خودم مطلع هستم این است که موقع جنگ بین المللی اول بنده بچه ای بودم که جلو زبانم را نمیتوانستم بگیرم مرا بتهران تبعیدکرده بودند.

در همان موقع جناب دکتر مصدق از بندر بوشهر وارد شدند و استاندار فارس شدند. بعد کودتا شد و سید ضیا روی کار آمد ، کنسول انگلیس به دولت وقت تلگراف کرد که مصدق در فارس خوب کار کرده است و بهتر است به ایشان صدمه ای نرسد ولی ایشان از حکومت مرکز اطمینان نکردند و به بختیاری رفتند. حکومت سید ضیا صد روزی بیشتر دوام نکرد. آن روز سیاستی غیر از سیاست انگلیس در کار نبود و تمام امور با نظر انگلستان انجام میشد و به این وضع دولتی که بعد از این واقعه تشکیل شد جناب دکتر به سمت وزارت دارائی انتخاب شدند.

اینها دلایلی است که روابط ایشان از چه قرار بود ولی یک نوکر اجنبی گردن کلفتی پیدا شد که که همه را کوبید. از قزاقخانه بلند شد و همه را زیر چکمه کشید و جناب دکتر هم در دوره رضا خان برکنار بودند و خدای ایشان و خدای انگلستان و خدای رضا خان ایشان را به عنوان پیشوا برای امروز نگه داشتند.

من در آن مدت یکساله فکر کردم که چون جناب دکتر در این حکومت صدمه کشیده تغییر ماهیت داده است و رویه مبارزه را پیش گرفته ، این بود که من معتقد شدم ایشان وجودش در مجلس برای اداره یک اقلیت لازم است و روی این افکار جناب دکتر به مجلس آمد و حالا هم عقیده راسخ من این است که خمیره جناب دکتر ساخته شده که لیدر اقلیت در مجلس باشد و انتقاد کند ولی به درد ریاست دولت نمیخورد.

در دوره گذشته رحیمیان نامی که گویا نماینده قوچان بود طرحی برای الغای قرارداد 1933 میدهد ولی همین جناب دکتر آنرا امضا نکردند. در دوره 15 چناب دکتر تشریف نداشتند ولی مکی بود، بقائی بود، عبدالقدیر آزاد بود .

در آن موقع مبارزه ما با کمپتمی شروع شد ، در آن روزهای خطرناک اراده خداوندی و همت مردم ایران موجب شد که در چند روز آخر عمر مجلس 15 مبارزه شدید ما به نتیجه رسید و نقشه انگلستان شکست خورد و بعد کم کم حوادث دنیا و محیط به نفع حق و حاکمیت ملت ایران گشت ، پس از خاتمه دوره 15 انتخابات شروع شد ما را حبس کردند ، صندوق انتخابات را عوض کردند ، آن روز ها جناب دکتر در میان ما نبود و کنار نشسته بود ، موقعی که انتخابات تمام شد و ما با جناب دکتر شروع به همکاری کردیم اختلاف سلیقه با ایشان بود. در کمیسیون نفت برای چگونگی کوتاه کردن دست عمال انگلیس بین ما اختلاف سلیقه بسیار وجود داشت. جناب دکتر معتقد بودند اگر ما قرارداد 1933 را الغاء کنیم قرارداد دارسی به قوت خودش باقی خواهد بود. بنده مخالف بودم و گفتم قرارداد دارسی با تراضی طرفین لغو شده و وقتی ما مدلل کردیم که قرارداد 1933 تحمیلی بوده دیگر دلیلی برای برقراری قرارداد دارسی باقی نخواهد بود و ید شرکت در اینمدت ید امانی بوده و حساب آن باید رسیدگی شود. این بحث خیلی طول کشید تا وقتی که مذاکره شد که ما یک اصل دیگری را که خود دولت کارگری انگلستان در داخله مملکت خودش عمل کرده عمل کنیم ، از پیچ و تاب محاکم بین المللی نجات خواهیم یافت و آن عمل ملی کردن نفت است.

بنده نظر داشتم اکتشاف و استخراج نفت ملی شود و درباره چگونگی فرم ها بحث و مذاکرات زیادی شد و برای اولین بار در منزل آقای نریمان با حضور آیت الله کاشانی طرح ملی شدن عنوان گردید ولی دراین جلسه آقای دکتر موافق نبودند و بعد معتقد شدند. فرمهای مختلفی برای ملی شدن تهیه شد یکی از فرمها فرمی بود که من تهیه کردم البته با چند نفری مشورت کرده بودم ولی انشاء آنرا خودم تهیه کردم مهندس حسیبی باچه کسی مشورت فرمودید؟ با آن کسی که بعد پشیمان شد با آقای حسیبی این طرح تهیه شد. برای این طرح دو سه موضوع نظر بنده بود یکی قطع دست انگلستان ، یکی فروش نفت به دنیا ، یکی دادن مقداری نفت به همان کسانی که تا آن موقع در کار نفت جنوب دست داشته اند.

طرحی که من تهیه کردم مضمونش این بود که ما استخراج و اکتشاف نفت را ملی کنیم و سایرعملیات نفتی ازقبیل تصفیه ، حمل و نقل و فروش کمپانی های مختلف در نظر بگیرند و

شرکتی تشکیل بدهند که نصف سهام متعلق به ایران باشد و بقیه متعلق به سایر ممالک و هر مملکتی هم حق نداشته باشد که بیش از صدی ده سهام را صاحب باشد وملیت صاحب سهام را هم مجلس ایران به رسمیت شناخته باشد.

این طرح را بنده تقدیم کردم جناب مصدق و شایگان ، الهیار صالح ، عبدالغدیر آزاد و بنده وچند نفر دیگر آنرا امضا کردیم. دکتر بقائی نیز زیر امضایش تاریخ گذاشته که آن تاریخ نشان میدهد این طرح قبل از کشته شدن رزم آرا تهیه شده و به دلیل اینکه آنوقت هم مجلس مرعوب دولت وقت بوده ما نتوانستیم این طرح را به امضای کافی برسانیم. آقایان ما در دروازه خود را به روی هیچ مملکتی نمیتوانیم ببندیم ما جنبه اقتصادی نفت را طوری باید ترتیب بدهیم که ملت ایران از آن منتفع شود نه آنکه وعده های دروغ به مردم بدهیم.

امروز رویه ای حکومت اتخاذ کرده که تمام مردم را با یکدیگر خونی کرده است و آن وحدتی که ما درست کرده بودیم بکلی از بین رفته است و همین وسیله استفاده خارجی ها است. ما هیچوقت دکتر مصدق را کاندید نخست وزیری نکردیم و هیچ وقت در جبهه ملی صحبت از نخست وزیری دکتر مصدق نبود زیرا ما ابزار حکومت نداشتیم و کسی هم نبود ، برای اینکه دوره 20 ساله تمام اشخاص حسابی را کشتند و از بین بردند و امروز یک مشت پیر و پاتیل مثل بنده باقی مانده اند که بدرد هیچ کاری نمیخورند. رضاخان تخم رجال را از این مملکت برانداخت و یک مشت نوکر تربیت کرد.

بهرحال جناب دکتر را دیگران کاندید نخست وزیری کردند و کسانی که در دوره 15 تا پای جان برای نهضت ایران فداکاری کردند امروز لجن مال میشوند و کسانی که در زمان رضا خان مشیر و مشاء و نایب رئیس مجلس بوده اند حالا زمام شرکت نفت را در دست گرفته اند. بهرحال چون من فکر میکردم صدماتی که جناب دکتر در زمان حکومت رضا خان کشیده او را عوض کرده است در موقعی که پیشنهاد نخست وزیری ایشان شد ما با او مخالفتی نکردیم ولی هیچوقت فکر نمیکردیم که روزی برسد که دکتر مصدق ملعبه ایادی انگلستان شود. ولی باز هم من فکر میکردم که اشتباه میکنم تا موقعی که مسأله اختیارات به میان آمد من فکر کردم آخر این آدم که هیچوقت از روی تختخواب بلند نمیشود چطور میتواند اختیارات کامل داشته باشد؟ رضا خان با آنهمه قلدری این کار را نکرد ولی سنگر نفت که ناندانی عجیبی شده یک مرتبه پناهگاه اعوان وانصار جناب دکتر شد و بلوائی ایجاد کردند ولی من برحسب وظیفه وجدانی خود با آن مخالفت کردم و حالا چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق کردم؟ برای این مطالبی که فهرست وار عرض کردم.

31 اردیبهشت 1332

آقای حایری زاده بدنبال اظهارات خود در روز 29 اردیبهشت با استفاده از وقت آقای میراشرافی امروز بعد از ذکر خلاصه سخنان خود اظهار داشتند درباره نفت در جلسه گذشته ما میگفتیم حساب 50 ساله را رسیدگی کنید ولی ایشان لایحه 9 ماده را آوردند. از ایشان سؤال کردم این غرامت چیست در اینجا نوشته اید؟ ایشان گفتند این را هم احتمالی نوشتیم . و بالاخره این قانون را به ضرر ملت درست کردند (مهندس رضوی اظهار داشت آقای حایری زاده این خبر ها نبوده ، این حرفها خیانت است) دکتر مصدق دردادگاه لاهه آن قسنت هایی که به نفع ایران بود فراموش نکردند. ما جنگ برای سازش نکردیم! و تا جائی که ما سوء ظن نداشتیم با او کمک میکردیم ، یا در تحت تأثیر جناح چپ انگلستان واقع شد و عمال آن این پیر مرد را برگرداندند.

انگلستان چه میخواست غیر از بدبختی و بیچارگی این ملت، انگلستان باید اختلاف در این مملکت بیندازد که بتواند حکومت کند. آقای دکتر مصدق از کارهای خود دفاع نمیکند و روزنامه های ارگانش هم اقلیت را لندنی مینویسد ، حایری زاده لندنی است یا فاطمی؟ کدام لندنی هستند؟ خجالت دارد ، برای کوتاه کردن انگلستان این قیام را کردیم و ما مقصودمان از این عمل این بود که وضع زندگی این ملت خوب شود. این بازار، این بیچارگی، این بدبختی محصول حکومت دو ساله او است.

اظهارات آقای دکتر سنجابی

مدتی بود که در این مجلس عده ای درد افشای حقایق و پرده برداشتن از اسرار عظیم داشتند و میگفتند ای ملت ایران هوشیار باشید که دکتر مصدق و نمایندگان نهضت ملی از افشای خقایق میترسند و جلوگیری مینمایند. بالاخره پس از تشنج زیاد و انتظار بسیار روز موعود افشای حقایق رسید.

حقایقی را که آقای حایری زاده مادر یا نامادری آن باشد انتظار داشتند که چیز های تازه و عجیب و شنیدنی باشد ولی دیدیم و شنیدیم که چه بودند.آقای قنات آبادی از نهضت مقدس ملت ایران صحبت به میان آوردند و فرمودند که مبارزین با استعمار انگلستان در ابتدا عده معدودی بودند و اشخاصی که این نهضت را آغاز کردند افتخار تقدم را دارند. کسی منکر این امر نمیتواند باشد جوانمردی و فداکاری آن اشخاص فراموش شدنی نیست. ملت ایران هم بزرگترین پاداش را به آنها داده است و بزرکترین تقدیر را از آنها نموده است ولی مطلب این است که چه شده که اکنون بعضی از آن اشخاص از صف ملت ایران جدا شده اند؟ اساس این نهضت همانطور که ایشان بیان فرمودند مبارزه برعلیه سیاست دیرین استعماری انگلیس بوده است آیا نهضت ملت ایران به نتیجه نهائی رسیده است که مبارزین اولیه پس از وصول به هدف هرکس بدنبال کار و متافع و هوس ها و اقراض شخصی خود برود و یا کسی که اداره رهبری این نهضت بی نظیر به او سپرده شده است از اصول آن منحرف گردیده که اکنون با او

باین شدت و بی انصافی مخالفت میشود؟ چه شده است که مخالفین و معاندین دیروزی جزء یاران و مؤتلفین امروزی شما شده اند؟

انحراف از نهضت ملی یعنی سازش و همکاری با سیاست استعماری انگلیس ، آیا واقعاً قابل قبول است که دکتر مصدق با آنهمه تدبیر و شجاعت و کاردانی قانون ملی شدن نفت و سپس اجرای آنرا رهبری کرد و اکنون با سیاست استعماری هرچه و از ناحیه هرکس باشد سازش نماید؟

دکتر مصدق که حاضر نشد در مذاکره با هیأت نمایندگی شرکت نفت که با جانسون به ایران آمده بودکوچکترین انحرافی ازقانون ملی شدن نفت را قبول نماید ، مصدقی که در مقابل هریمن و استوکس ایستادگی نمود ، مصدقی که فشارهای روز افزون ترومن که به صورت ظاهر فریب، میانجیگری اظهار میشد کوچکترین تأثیری در اراده ثابت او نکرد ، مصدقی که با آن شهامت و جوانمردی در شورای امنیت از منافع ملت ایران دفاع کرد و پیروز شد.

مصدقی که جریان دادرسی لاهه را به نفع ملت ایران به پایان رسانید و به بزرگترین و ارجمندترین پیروزی ها نایل آمد ، مصدقی که در کنسولگری ها یعنی لانه های جاسوسی سیاست استعماری انگلستان را بست که هنوز نوکران و مزدوران آن خانه ها با حسرت یاد آن ایام میکنند و با ندبه و زاری از آن دیوارها معجزه برقراری مجددبساط جیره خواری را می طلبند. مصدقی که با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد ، مصدقی که پیشنهاد ترومن و چرچیل را با سرسختی رد نمود آیا قابل قبول اسیت که چنین مردی که در دوران عمرش کوچکترین خبط و خیانتی نسبت به مصالح ملت خود نکرده اکنون پس از آن همه مبارزات ، پس از این همه پیروزی ها ، پس از اینهمه افتخارات جاودانی با دشمن مکار و غدار ملت ایران سازش نماید؟

کسانی که چنین حرف هائی میزنند مخصوصا آنهائی که از همکاران و هم قدمان اولیه دکتر مصدق و یا پیشروان نهضت ملی بوده و اکنون رفیق نیمه راه شدند، باید برای توضیح عمل و انحراف نابخشودنی خود یکی از این دو چیز را ثابت نمایند.

یا باید ثابت کنند که در مشی مبارزه دکتر مصدق با سیاست استعماری تغییری حاصل شده و یا باید ثابت نمایند که از اول در اساس این نهضت و ملی کردن صنعت نفت انگلستان دست داشته و آنها فریب خورده بودند.

کسانی که مدعی انحراف یا زمینه سازی برای سازش هستند چرا آن را فاش و آَشکار نمیکنند؟ چرا پس از اینهمه لاف و گزاف که پرده ها را بالا میزنیم و حقایق را آشکار میکنیم چیزی از این مقوله نمی گویند؟ چون درباره میهن دوستی و استقامت دکتر مصدق دربرابر بیگانگان و سرسختی او در اجرای قانون ملی شدن نفت کوچکترین بهانه ای در دست ندارند مخالفت و کارشکنی غیر موجه خود را به این عنوان توجیه میکنند که اداره شرکت نفت به

کسانی سپرده شده است که مدال وفاداری از دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت گرفته اند.

هرکسی جزئی انصافی دارد باید تصدیق نماید که این حرف ها بهانه جوئی است و بهر حال مجوز مخالفت و کارشکنی هائی به این شدت نمیشود ، این یک یا چند نفری که مورد ایراد هستند خدمات و یا کارهای فنی داشته و اکنون نیز متصدی خدمات فنی میباشند ، آیا در خدماتی که باین اشخاص ارجاع شده تاکنون خیانتی ظاهر گردیده؟ بعلاوه این اشخاص در امر ملی کردن و اداره نفت ایران چه اختیاری دارند که بتوانند خیانتی بنمایند.

آیا اختیار بستن قرارداد و تجدید امتیاز و یا مداکره درباره غرامت و سایر دعاوی به آنها داده شده است؟ آیا این اشخاص بدون تصویب دولت میتوانند معامله ای درباره نفت بنمایند؟ شرکت ملی نفت از کار و تخصص آنها استفاده میکند بدون اینکه اختیاری در امور سیاسی و یا تجاری مربوط به نفت به آنها داده شده باشد.

همه میدانند که یکی از ایرادهای ملت ایران به شرکت نفت این بود که متخصصین ایرانی به اندازه کافی تربیت نمیکرد و بیشتر امور مهم نفت در دست انگلیسها و خارجی ها بودند ، در آن موقع ما میخواستیم ایرانیان متصدی همه امور باشند ، اگر چند نفر ایرانی درنتیجه تحصیلات عالی و یا کاردانی خود به درجه ای رسیده باشند که در شرکت نفت سابق متصدی خدمات بالنسبه مهمی بوده و در آن مدت هم صحت عمل و شایستگی نشان داده و مورد تقدیر شده باشند بدون اینکه خیانتی به دولت و ملت خود کرده باشند ، آیا انصاف خواهد بود که ما آنها را به بهانه اینکه در گذشته مورد تقدیر و رضایت کارفرمایان خود بوده اند از خود برانیم و از تخصص و کارشناسی آنها استفاده نکنیم؟

بلی در شرکت سابق نفت اشخاصی بوده اند که مأموریت سیاسی داشتند و جاسوسی میکردند و در امور داخلی مملکت به نفع شرکت مداخله میکردند ، این اشخاص باید از دستگاه شرکت ملی نفت رانده شوند و رانده هم شده اند ، حال با وجود همه اینها فرض کنیم دولت در این امر اشتباهی کرده باشد ، آیا این اشتباه کافی خواهد بود تا با دولت مخالفت اصولی بکنیم؟ مگر این همان دولتی نیست که در دوره گذشته اگر وزراء خود را از رجال دوره سابق انتخاب کرده بود و شما با آن موافق بودید و به ملت ایران میگفتید که ما مجبور هستیم تا مدتی با همان ابزار گذشته کار کنیم ، حال چه شده است که استدلال خود را تغییر داده اید؟

فروش نفت با تخفیف

موضوع دیگری که در این روز ها بهانه بدست آقایان داده فروش نفت با تخفیف 50 درصد میباشد. بعضی آنرا تاراج هستی ملت و جناب آقای دکتر بقائی زمینه سازی برای سازش های بعد معرفی میکنند ، این هم از همان تهمت های جمال امامی و شوشتری است که در موقع اقامت استوکس به دکتر مصدق نسبت میدادند.

کسانی که مسبب این تحریکات واخلال گری ها در کار حکومت دکتر مصدق بوده اند آنها که در تضعیف حکومت و برای ساقط نمودن او میکوشند به این ترتیب دانسته یا ندانسته به سیاست انگلستان خدمت میکنند.

آقایان سیاست ما ونظر ما از روز اول درموضوع ملی کردن نفت معلوم بوده و همواره بر آن اصل ثابت و استوار هستیم. ما علیرغم دسته مزدوری که ابطال قرارداد باطل 1933 و یا ملی کردن نفت جنوب را پیشنهاد میکردند و علیرغم کسانی که طرق سازش دیگری را با دولت انگلستان و شرکت سابق پیشنهاد مینمودند به محکم ترین واستوار ترین اصل حقوقی بین المللی یعنی ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور متوسل شدیم و خدا را شکر میکنیم که در این راه تشخیص ما درست بوده و اتخاذ همین سیاست معقول ملی موجب گردید که ما را در جهان به پیروزی های درخشان نایل کند واکنون نیز در برابر خداوند متعال و در برابر ملت ایران بار دیگر عهد وپیمان می بندیم که تاپیروزی نهائی وتا آخرین نفس در این راه ثابت و پایدار باشیم.

اما اشخاصی هستند که اکنون در صف مخالف ما قرار دارند و خود را از دردکشان روز ازل میدانند و در این باره نظرات دیگری داشتند که اکنون به ذکر یک مورد آن میپردازم و آن نقل از شماره جهارشنبه 22 فروردین ماه 1329 روزنامه صفیر به قلم آقای دکتر مظفر الدین بقائی کرمانی استاد اخلاق است که برای راستی و آزادی قیام کرده است. باید در نظر بگیریم که این مقاله بعد از مبارزات دوره 15 و بعد از مبارزات انتخابات دوره 16 نوشته شده است ، در سر لوحه این شماره یک جمله تاریخی بسیار معنا دار و مطابق با خط درشت مرقوم شده وآن این است «حرف مرد یکی است» و بعد سرمقاله آن تحت عنوان "اندر پس مرگ ، چه دریا چه سراب" میباشد. در این مقاله آقای دکتر بقائی درباره ملی کردن نفت مرقوم میدارند:

"و این یک امر بدیهی است که اگر ما با همان فرض محال نفت را بدست بگیریم ، اداره آن مسلماً بدست رجال عالیقدری مانند جناب آقای گلشائیان، جناب آقای دکتر اقبال ، جناب آقای دکتر زنگنه و یا اشخاص بسیار صلاحیت داری مانند جناب آقای بدر و جناب آقای ابتهاج خواهد بود" .... ما باید واقع بین باشیم، باید خوب توجه کنیم که این دستگاه نمیتواند کار کند و نمیخواهد مسؤلیت قبول کند .

بعداً جناب دکتر بقائی در مقابل سیل احساسات و افکار عمومی و نهضت ملی شدن نفت از اظهار خودشان پوزش خواستند ولی من از ایشان سؤال میکنم آیا در عقیده خود درباره مهندس حسیبی باقی هستند یا باز هم حرف مرد یکی است؟

در مقدمه این قسمت عرض کردم مخالفت با دکتر مصدق باید یکی از دو امر را ثابت کنند ، یا باید ثابت کنند که ایشان از سیاست مبارزه علیه سیاست استعماری انگلستان و پیروی از قانون ملی شدن صنعت نفت عدول کرده اند و یا ثابت نمایند که ملی کردن صنعت نفت اصلا و از روز اول سیاست خود انگلستان بوده است.

نمیدانم عقیده آقای حائری زاده در اینمورد چیست؟ ولی درباره این نظریه دوم باید عرض کنم که این حرف گفته منفی بافان، و مستضعفین و مرعوبین و یا مزدوران و عمال محض انگلستان است . چگونه میتوان تصور نمود که دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نشستند و نقشه ای کشیدند که نتایج آن برای انگلستان از این قرار میباشد:

از دست دادن حیثیت و مقام و اهمیت انگلستان در تمام خاور میانه و آسیا و تشویق ممالک دیگر خاور میانه به اقدامی نظیر آن .

ار دست دادن یک پایگاه مهم سیاسی و ارتباطی در آسیا و خاور میانه .

از دست دادن سالی متجاوز از یکصد میلیون درآمد .

از دست دادن سالی متجاوز از ششصد میلیون دلار ارز خارجی .

از دست دادن نفت مفت برای بحریه انگلستان .

و محروم نمودن چند هزار نفر انگلیسی از حقوق و وسایل بی نظیر زندگی در دنیا .

اگر فرض کنیم انگلیسی های زیرک میخواستند نفت ایران را برای خاطر منافعی که تصور میکردند از دست بدهند چرا باین طریق متوسل میشدند که هم در دنیا پرستیژ خود را از دست بدهند و هم منافع هنگفت خود را و هم در همین حال بیست میلیون مردم ایران را از خود متنفر و بدبین سازند؟ و چرا مثل لنین یکباره الغای امتیازات دوره تزاری را در ایران نمود ، لغو قرارداد 1933 را اعلام نمیکردند که محبوبیتی هم در دل ایرانی ها بدست آورده باشند؟

این جمله را هم برای آقایانی که به او رأی داده اید و از او در مقابل حملات جمال امامی و شوشتری که عیناً نظیر اتهامات امروز شما است حمایت کرده اید و یا در توطئه و نقشه های او شریک بوده اید که در اینصورت عالماً و عامداً ملت خود را فریب داده اید و حق ندارید که برای مبارزات خود در نهضت ملی ایران افتخاری برای خویش قائل باشید و یا خود شما فریب خورده اید. در این صورت اشخاصی که اینقدر گول و ساده و زود باور و مستعد انحراف هستند، برای حایری زاده باید از خود اضافه کنم شما که میگوئید و یا میخواهید چنین وانمود کنید که دکتر مصدق از روز اول در حلقه سیاست انگلستان بوده و نقشه های آن دولت را در کشور خود بازی کرده است هرگاه این ادعای کاذب و بی اساس و توهین آمیز شما راست باشد دراینصورت شما و نظایر شما که از اول و سالها در این مبارزه با دکتر مصدق همراه و همقدم بوده اید و در جبهه ملی او وارد شده اید و در ملی کردن صنایع نفت با او شریک بوده اید فریب خورده باشند حق زعامت و رهبری ملت را ندارند و از کجا معلوم است که گول وسیله و نیرنگ سیاست مکار و محیل دیگری را نخورده باشید؟

قتل مرحوم افشار طوس

درموضوع قتل مرحوم افشار طوس آقایان قنات آبادی و دکتر بقائی اظهاراتی فرمودند در قسمتی که مربوط به شخص آقای دکتر بقائی است اینجانب هیچگونه اظهار نظر نمیکنم زیرا عضویت کمیسیون دادگستری را دارم و به وظیفه وجدانی خود عمل خواهم کرد و هرگونه اظهار نظری را قبل از اینکه مدارک و سوابق رسیدگی شود ممکن است قضاوت قبلی تلقی شود نموده و عرض میکنم و وجداناً تعهد مینمایم که هرگاه جناب آقای دکتر بقائی یکی ازچهار مطلب زیر را ثابت نماید:

اول - افشار طوس برده و کشته نشده است .

دوم - درصورتیکه برده و کشته شده باشد مربوط به اشخاصی که متهم شده اند نیست ، بلکه اشخاص دیگری عامل آن بوده اند.

سوم - درصورتیکه شرکت و مباشرت متهمین ثابت باشد ولی آقای دکتر بقائی ثابت کنندکه موضوع ربودن افشار طوس درمنزل حسین خطیبی صحیح نبوده است .

چهارم - درصورتیکه انجام جرم ربودن در منزل خطیبی صورت گرفته باشد ولی ثابت شود که حسین خطیبی و سایر متهمین در این موضوع ارتباطی با دکتر بقائی نداشته و آقای دکتر بقائی از جریان برکنار و بی اطلاع و دستگاه دولتی به منظور مخالفت سیاسی برای ایشان پرونده سازی کرده است .

من نه تنها کوچکترین نظری برخلاف ایشان اظهار نخواهم کرد بلکه از مدافعین جدی ایشان خواهم شد و در این باب دفاعی از ایشان خواهم کرد که دفاع معروف امیل زولا را از دریفوس تحت الشعاع خود قرار دهد.

آقای قنات آبادی درنطق خود این طور وانمود کرده اند که دستگاههای دولتی درقتل افشار طوس دخالت داشته اند ، ضمناً گویا خواستند آنرا مربوط به تیمسار ریاحی بکنند ، ایشان به مردم وعده داده بودند پرده ها را بردارند و اسرار را فاش کنند ولی این بیان ایشان یک ادعا و تهمت صرف است و کوچکترین دلیل و قرینه ای به آن اضافه نکردند و معلوم نیست کی این حقایق را بیان خواهند کرد و تا موقعی ادعای خود را ثابت نکتند بر طبق معمول قانون عنوان دیگری غیر از مفتری در مورد ایشان صدق نمیکند. آقا شما با دولت مخالف هستید اگر واقعا راست میگوئید و دولت اسباب این قتل و سرقت و جنایت را فراهم کرده است چرا آن را بیان نمیفرمائید؟ چرا آنرا آشکار نمیکنید؟

آقای دکتر بقائی بحث مفصلی راجع به شکنجه و آزار متهمین کرده اند و از صندلی آهنی مجهولی که با شمع سرخ میشود صحبت به میان آوردند ، تمام این حرفها و اتهامات از ناحیه ایشان ادعا است و به ثبوت نرسیده و بطور مکرر از ناحیه مقامات رسمی و خود متهمین هم تکذیب شده است. حتی خدا شاهد است شوفر مزینی که بعد از دو روز آزاد شده بود به منزل اینجانب آمد و از او پرسیدم که آیا شما را شکنجه کرده اند؟ اظهار داشت به هیچوجه شکنجه ای در کار نبوده است.

تا آن درجه اطلاعی که من دارم به وجدانم قسم میخورم که شکنجه داده نشده است ولی شما اگر راستگو هستید اول باید ثابت نمائید که این اشخاص عامل ربودن و کشتن مرحوم افشار طوس نبوده اند ، آن وقت بیان و ادعای شما که متهمین بی گناه آزار و شکنجه وارد کرده اند مؤثر و قابل توجیه میشد. اکنون این ادعای شما شبیه حرف جیب بری است که جیب شخصی را زده باشد و شکایت نماید وقتی که دست در جیب آن شخص کرده است دست او را پیچانیده و صدمه به او وارد آورده است.

چرا درمورد شکنجه وآزاری که به افشار طوس وارد آوده اند هیچگونه رقت قلبی پیدا نمیکنید؟ آیا با آن فجایع که خوانده اید ، بیهوش کردن و طناب پیچ نمودن و چاقو زدن و خفه کردن و نیمه جان در گودال فرو بردن شکنجه و آزار نیست؟ آخر توضیح بفرمائید چه شده است که آزار و قتل یک بیگناه شما را متأثر نمیکند ولی ادعای موهوم وارد کردن شکنجه بر قاتلین و محرمین این همه حس راستی و آزادی طلبی شما را تحریک کرده است؟

شما باید بدانید تا به این نکته ها جواب ندهید حرف شما و فریاد شما و مغلطه شما درملت ایران ودرهیچ شخصی را که دارای وجدان سالم باشد مؤثر نخواهد بود.

افشای حقایق

آقای دکتر بقائی دیروز در نطق قبل از دستور خود متذکر شد که دو پوشه از پرونده متهمین به قتل افشار طوس مفقود شده است ، از طرف کمیسیون دادگستری برای محافظت این پرونده و دقت در رسیدگی به آن چه تصمیمی گرفته خواهد شد؟

آقای میلانی رئیس کمیسیون دادگستری مجلس پاسخ داد که اگر پرونده قتل افشار طوس و متهمین آن بدست من برسد تصرف در پرونده امری محال خواهد بود ولی این را از همین اکنون باید بگویم که ما پرونده موجود را رسیدگی میکنیم ، رسیدگی ما نیز بدون حب و بغض و طرفداری از این و آن انجام خواهد شد ، من خود به این مسؤلیتی که متوجه ما شده واقف هستم و بهیچوجه و بهیچ قیمتی حاضر نیستم برای آینده خود کوچکترین ناراحتی وجدان خریداری کنم.

17 تیر 1332
آقایان دکترصدیقی وزیر کشور، لطفی وزیر دادگستری ، دکتر علی اسمعیلی معاون پارلمانی و سیاسی نخست وزیر و آقایان پست و تلگراف و وزیر اقتصاد ملی به مجلس آمدند.

اقای دکتر صدیقی اظهار داشتند دولت برای پاسخ به استیضاح آقای زهری آمادگی دارند، استدعا دارد دراسرع اوقات زمانی تعیین فرمائیدکه پاسخ لازم داده شود و ضمنا چون جناب آقای نخست وزیر کسالت دارند (حایری زاده - ایشان سالمند و باید در مجلس بیایند).

بهادری - بله آقا صحیح و سالم است باید بیاید.

میراشرافی-آقای ناخوش را میبرند بیمارستان یا دارالمجانین

وزیرکشور ادامه داد چون جناب آقای نخست وزیر کسالت دارند من آقای دکترملکی را به سمت وزارت بهداری و جناب آقای مهندس عطائی را به سمت کفالت وزارت کشاورزی و آقای مبشر را به سمت کفالت دارائی معرفی میکنم.

رئیس اظهار داشت آقای نخست وزیر نامه ای نوشته اند راجع به تاریخ روز استیضاح وبنده هم که به سوابق مراجعه کرده ام سابقه داردکه وزراء یعنی وزیری که سابقه او بیشتر است از طرف نخست وزیر به عنوان پاسخ دهنده معرفی میشوند.

میراشرافی - بله ولی جواب استیضاح مرا باید خودش بیاید بدهد.

حائری زاده - او سالم است به همه جا میتواند برود ، به سفارت روس و سفارت امریکا میرود ولی برای مجلس است که ناخوش است.

بهادری - بله آقا به او بگوئید باید به مجلس بیاید.

میراشرافی- طبق آئیننامه خود نخست وزیر باید به مجلس بیاید و جواب استیضاح را بدهد.

احمد فرامرزی- به او پیغام بدهید که خودش باید در مجلس حاضر شود.

میر اشرافی - مملکت را مسخره کرده اند نخست وزیری که به مجلس نیاید چرا نخست وزیر شده ؟ مملکت را نمیشود از زیر پتو اداره کرد ، چرا به او نمیگوئید به مجلس بیاید؟

زهری - طبق مواد 173 و 183 نظامنامه آقایان وزرائی که مورد استیضاح قرار گرفته اند باید به مجلس تشریف بیاورند ولی آقایان وزیر دفاع و نخست وزیر که مورد استیضاح هستند الان در مجلس نیستند.

رئیس - برای تعیین وقت به حضور همه وزراء احتیاجی نیست.

دکتر بقائی - آئین نامه صراحت دارد.

شمس قنات آبادی - مطابق آئین نامه جدید وزیری که استیضاح میشود باید در جلسه حضور داشته باشد، چه روز تعیین و چه روز استیضاح.

بقائی - من میخواستم همان مطلبی را که آقای زهری فرمودند عرض کنم. باید وزیر مورد استیضاح در جلسه حضور داشته باشد.

فرامرزی - آنچه در این یکساله ما میخواهیم به بعضی ازرفقا حالی کنیم این است که آیا آخر عمر دولت ایران و مشروطیت ایران بعد از عمر مصدق سر میرود یا بعد هم ما باید مجلس و دولت و مشروطیتی داشته باشیم اگر آخر عمر ایران و مشروطیت ایران است حرفی نداریم ولی اگر قبول داریم که بعد از این هم مشروطیت باید باقی باشد جلوی آنهائی را که خلاف قانون رفتار میکنند باید بگیرید. آقای نخست وزیر دوسالی است که مریضند و به مجلس نیامده اند و آدم هم تا بیاید تذکر بدهد و علت را سؤال کنند میگویند خائن است. مشروطیت را فدای یک نفر نکنید باید بیاید اینجا و جواب بدهد.

رئیس - آقایان الان استیضاح مطرح نیست ، فقط بحث در تعیین وقت است یعنی تاریخ آن را میخواهیم تعیین کنیم اگر اجازه بفرمائید روز سه شنبه را برای استیضاح تعیین کنیم؟

بقائی - این برخلاف آئین نامه است زیرا روز تعیین استیضاح هم باید خود وزیر استیضاح شده حضور داشته باشد. طبق ماده 173 آئین نامه .

قنات آبادی - اگر اجازه بفرمائید آئین نامه خوانده شود مسأله حل است.

احمد فرامرزی - باید متن آئین نامه خوانده شود.

میر اشرافی - در متن هم نوشته بجز آقای دکتر مصدق

رئیس - برای تعیین روز میتواند یکی از طرف دولت یا وزیر بیاید و مانعی ندارد.

20 تیر 1332

توهین به دولت

آقای دکترمصدق درمورد جریانات جلسه 17 تیر که طی آن اقلیت مجلس جملاتی مشابه « اگر مریض است باید به دارالمجانین برود» توسط میراشرافی و یا « جناب دکتر مصدق به

سفارت روس میرود» را توهین نسبت به خود و دولت تلقی کرده و معتقد است مادم که رفع توهین نشود به وزرای خود اجازه نخواهد داد در مجلس حاضر شوند.

امروز آقای میراشرافی هنگامی که از اطاق فراکسیون آزادی خارج میشد به خبرنگاران گفت به نظر بنده همه اش بهانه است من اصلا چندین اعلام جرم دارم. استیضاحی دیگر درمورد سیاست خارجی دولت تهیه شده که تا بحال به امضای 12 نفر از نمایندگان رسیده و منتظریم پس از تعیین تکلیف استیضاح آقای زهری آن را تقدیم مجلس کنیم و از این بهانه جوئی های دولت هم باکی نداریم.

روش مخالفین

روشی که اقلیت برای تضعیف دولت درنظرگرفته این است که موضوع استیضاح از دولت را مرتبا ادامه دهند ، بدین معنی که به مجرد اینکه دولت به استیضاح زهری پاسخ داد، استیضاح دیگری از دولت بشود و روی همین نظر هم استیضاح دیگری درباره سیاست خارجی دولت تهیه کرده اند که تا بحال به امضای 12 نفر رسیده و قرار است پس از تعیین تکلیف استیضاح زهری تقدیم مجلس گردد و از طرف دیگر میخواهند از موضوع قهر دولت از مجلس استفاده نمایند و با توجه به آئین نامه داخلی مجلس بی میل نیستند که همین وضع ادامه یابد که در روز جلسه عدم حضور دولت را به عنوان عدم توانائی او در جواب دادن به استیضاح تلقی نموده و دولت را ساقط شده بدانند.

رفراندوم

نخست وزیر درملاقات با نمایندگان فراکسیون نهضت ملی اظهار داشت در حال حاضر 90 درصد نیرو و قدرت دولت صرف مبارزه با اقدامات مخالفین و خنثی کردن تحریکات آنها میشود. در اینموقع که سیاست خارجی دولت به مرحله ای رسیده که بایستی از پشتیبانی مجلس کاملا برخوردار باشد تمام توجه دولت معطوف به حملاتی است که مرتبا در مجلس به او میشود. بدین جهت تصمیم نهائی من این است که طی یک نطق رادیوئی مشکلات کنونی دولت و اقدامات مخالفین را در میان بگذارم و برای ادامه حکومت خود «رفراندم» کنم و نظر ملت را نسبت به خود بخواهم.

به قرار اطلاع نخست وزیر در این تصمیم خود کاملا مصمم است و با وجود مذاکرات زیادی که تاکنون با ایشان شده است به هیچوجه حاضر نیست از نظر و تصمیم خود عدول کند.

30 تیر 1332

نطق دکتر مصدق به مناسبت قیام 30 تیر

هموطنان عزیزم

به مناسبت تصادف با روز سی ام تیر به یاد بود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فدا کرده اند مراسمی بپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قلبی خود را به روح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی تقدیم کنید و هم بدین وسیله ایمان و علاقه باطنی خویش را به ادامه مبارزه ای که این رادمردان فداکار در راه آن شربت شهادت نوشیدند ابراز و اظهار نمائید.

روز سی ام تیر در تاریخ مبارزات ممتد ملت ایران فراموش شدنی نیست زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام در مقابل تحریکات اجانب یکدل و یک زبان قیام و اقدام کرده اند و تا به مقصود نرسیدند از پای ننشستند.

در این روز تاریخی عده ای از گرامی ترین فرزندان ما به افتخار شهادت نایل شدند و با خون پاک خود نهال آمال ملت را آبیاری کرده اند تا به همت آیندگان روزی بارور و سایه گستر شود و ملت ایران از نعمت امن و آسایش و استقلال واقعی و آزادی حقیقی برخوردار گردد.

اگر در آنروز آن مردم بیدار و هوشیار نبودند و این حادثه را با ایمان و علاقه بی شائبه خود نسبت به ادامه نهضت ملی تلقی نمیکردند و زمام سرنوشت خویش را بدست حوادث نامعلوم می سپردند نه تنها آینده خود را دچار خطرات عظیم کرده بودند بلکه به افتخارات گذشته خویش نیز خط محو و بطلان می کشیدند. اما خوشبختانه به عکس آنچه اجانب تصور میکردند ملت ایران با روشن بینی و بصیرت کامل به آینده خود می نگریست و خویشتن را برای مقابله با هر حادثه ای که او را از ادامه مبارزه باز دارد آماده و مهیا می داشت و از هیچ مشکلی حتی مرگ بیم و هراس به دل راه نمی داد.

حادثه سی ام تیر بوته امتحانی شد که ملت ایران را در خود گداخت و زر خالص او را از عیار فساد و تباهی جدا کرد و محک تجربه ای بود که افراد بی اراده و سست عنصر و همچنین خیانتکاران به مصالح ملی و دست نشاندگان سیاست اجنبی از آن آلوده و رسوا بیرون آمدند. پس اگر در این حادثه عده ای از عزیزترین فرزندان ما به درجه شهادت رسیدند برای وصول به هدف مقدسی بود که این قیام ملی در پیش داشت و فنای ظاهری آنان ضامن بقای استقلال کشور و دوام حیات ملت شد و جون به طیب خاطر برای جهاد در راه حق و حقیقت و تقوی و فضیلت تن به مرگ دادند در این سودا سرمایه حیات و زندگانی جاوید حاصل کردند و در مقابل این فداکاری البته تا ایران باقی است نام این آزاد مردان در سرلوحه و دیباچه تاریخ افتخارات کشور به عظمت و بزرگی ثبت و ضبط خواهد شد و اثری که با خون پاک خود در تحکیم مبانی ملت و اساس استقلال مملکت برجای گذارده اند یاد آن را پیوسته در دلهای ما و نسل های آینده باقی و برقرار خواهد گذاشت.

هموطنان عزیز ،

نهضت مقدس سی ام تیر نشان داد که ملت ایران در مبارزه با اجانب به پایداری و استقامت مصمم است و ثابت کرد که این ملت آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد مرگ را بر زندگی آلوده به ننگ و رسوائی ترجیح میدهد و به هیچ قیمت از ادامه نهضتی که آن را به بهای خون فرزندان خود خریده است باز نخواهد ایستاد.

لابد بخاطر داریدکه سال گذشته در چنین روزهائی دولت ازادامه خدمتگذاری مأیوس شد زیرا از هر جانب خود را با موانع و مشکلاتی مواجه میدید که دست سیاست اجنبی فراهم کرده بود. در آن ایام نیز مانند این روزها دست تحریکات و دسایس اجانب از هر جانب در کار بود و دولت که می بایست تمام کوشش و نیروی خود را در آن دقایق حساس در راه پیشرفت آمال ملت صرف کند بیشتر اوقات خود را برای مقابله و مواجه با این گونه تحریکات مصروف میداشت و در نتیجه از هدف اصلی خود که پیشرفت نهضت ملی بود باز میماند و این تنها آرزوی بیگانگان بود که دولت را خسته و ناتوان کنند و از میدان مبارزه بدر برند، عاقبت این گرفتاری ها و کارشکنی ها دولت را در تنگنا و فشار گذاشت که راهی جز کناره گیری در پیش نداشت و ناچار شد بار مسؤلیت را که ملتی بر دوش او گذاشته است در نیمه راه مبارزه بر زمین گذارد.

اما بلافاصله معلوم گشت که ملت ایران با کناره گیری این دولت ازکار موافق نیست

وبهرقیمت که ممکن باشدنخواهد گذاشت این جهادمقدس بی نتیجه وناتمام بماند.

قیام بی نظیر سی ام تیر و فداکاری بی مانندی که عموم افراد ملت در این روز از خود نشان دادند نمودار واضحی از عزم راسخ ملت ایران به دوام و بقای نهضت ملی بود که به صورت ابراز عقیده عمومی دائر به بقا و ادامه خدمت گزاری این دولت درآمد. این رستاخیز ملی ثابت کرد که مردم ایران با واقع بینی و توجه کامل به مصالح خویش را خود انتخاب کرده و دیگر به هیچ قیمتی از آن باز نخواهد گشت. بیگانگان که در کمین بودند پس از این واقعه دانستند که این بار برخلاف انتظار با ملتی بیدار و علاقمند به استقلال خویش سر و کار پیدا کرده اند و دیگر ممکن نیست با حیله و نیرنگ این ملت را از ادامه طریقی که به دشواری پیموده است باز دارند و او را به همان سر منزل اول برگردانند و مردمی را که برای تأمین مقاصد حقه ملی خود با کمال شهامت و شجاعت حتی تن به مرگ داده اند بفریبند.

امروز هم اگرچه نفع طلبی عده ای معدود روزنه امیدی در پیش چشم آنان گشوده است و در تاریکی یاس و حرمان راهی در پیش پای مطامع خود می بینند ولی چون هنوز اکثریت قریب به اتفاق ملت در عزم خود راسخ و در تصمیم خویش پایدار است هرگزبه مقصود نخواهند رسید و از این غبار کدورت کمترین گردی بر دامان ملت ایران نخواهد نشست.

هموطنان عزیز ،

قیام سی ام تیر و جانفشانی و استقامت بی دریغ ملت و قطع امید اجانب از اینکه بتواند در مبانی اتحاد و اتفاق ما رخنه ای ایجاد کنند در پیشرفت ملت ایران به سوی مقصد و هدف نهائی خود بیش از آنچه بتوان گفت پر ارزش بود و مفید و مؤثر افتاد ، اکنون بر ما فرض و واجب است این سرمایه معنوی را که در بهای خون پاک عزیزان بدست آورده ایم و بزرگترین ضامن پیروزی ملت در این مبارزه و جهاد مقدس خواهد بود مفت و رایگان از دست ندهیم و اتحاد و اتفاق خود را با کمال دور اندیشی و خالی از هرگونه شائبه و غرض ورزی و کینه توزی حفظ کنیم و نگذاریم حریف مکار این حربه قاطع را از دست ما بگیرد و با ایجاد نفاق و پراکندگی ما را چنان بخود سرگرم و مشغول کند که آمال ملی خویش را بکلی فراموش کنیم و از پیشرفت بسوی مقصد نهائی باز مانیم.

ملت ایران اگر خواسته باشد در ردیف سایر ملل بزرگ جهان مقام و موقعیتی را که شایسته او و گذشته پر افتخار او است بار دیگر احراز کند باید از محرومیت و مشکلات نگریزد و از فداکاری و جانبازی نترسد. ما نباید زندگی را بهر صورت و بهر کیفیت که به ما عرضه میشود دوست بداریم و بدان قانع و خرسند باشیم اگر زندگانی توأم با آزادی و استقلال نباشد پشیزی ارزش نخواهد داشت.

برای رسیدن به این هدف عالی تاریخ زندگی ملل بزرگ عالم شاهد مبارزات و مجاهدات و گذشت ها و فداکاری ها است سرنوشت ملت ایران نیز در طول تاریخ خود همواره با اینگونه محرومیت ها و مصائب توأم و همراه بوده است و در همه این موارد ملت ما موانع و مشکلات را با بردباری و شکیبائی تحمل و تلقی کرده و سرانجام از آن پیروز و سربلند بیرون آمده است.

جای تأسف نیست که جمعی از برادران و فرزندان گرامی ما در واقعه 30 تیر جان خود را در راه حفظ سعادت و عظمت ملت ایران فدا کرده اند و با این فداکاری سرمایه افتخار جاوید برای خود و خاندان خویش اندوخته اند. جای تأسف موقعی خواهد بود که خدای ناخواسته ملت نتواند از این فداکاری های بی دریغ فرزندان خود نتیجه ای که لازم است بدست آورد و از این خون های مقدس که ریخته شده بهره ای که شایسته است نتواند تحصیل کند، آنهم یقین دارم که با حسن تشخیص و موقع شناسی ملت ایران هرگز پیش نیاید و آرزوی ما در حفظ استقلال و تجدید دوران مجد و عظمت دیرین این کشور باستانی هرچه زودتر تحقق پیدا کند.

5 مرداد 1332

پیام نخست وزیر

هموطنان عزیز ، یک سال پیش هنگامی که اینجانب از مسافرت لاهه به خاک وطن عزیز مراجعه کرده بودم و همه در انتظار صدور رأی دیوان بین المللی دادگستری بودیم مشکلاتی در راه دولت بوجود آمد که خدمت گذار ناگزیر از کار کناره گرفت ، اما شما ملت رشید ایران که همواره با واقع بینی خاص متوجه حقایق امور بودید نگذاشتید دشمنان نهضت ملی ایران به آرزوی خود برسند و نهالی را که پس از مرارت ها و زحمت های زیاد با خون دل مردم ایران آبیاری شده بود ریشه کن کند.

از این رو با یک قیام جانانه و با ایثار خون خود در روز تاریخی سی ام تیر دست عمال اجنبی را از کار کوتاه کردید و ملل دنیا را از این قوت نفس و قدرت اراده دچار اعجاب و شگفتی ساختید ، در نتیجه این دولت بار دیگر با استظهار به حمایت و پشتیبانی بی دریغ شما زمام امور را بدست گرفت و با تأییدات خداوند متعال و به اتکاء شما مردم فداکار توانست با وجود مشکلات فراوان مبارزات خود را با اجانب در راه تأمین استقلال کشور ادامه دهد و بقدر امکان در انجام اصلاحات داخلی با وضع و اجرای لوایح قانونی سودمن قدمهایی بردارد.

در طی این مبارزه و اصلاحات که بنا بر اراده ملت ، دولت بدان دست برد البته منافع عده ای در خطر افتاد و مسلم بود که آنها حاضر نمیشدند به آسانی از مطامع خویش صرفنظر کنند و طبعاً هرچه دامنه اصلاحات توسعه می یافت بر عده ناراضی که این بار برخلاف گذشته نمیتوانستند با خدعه و تزویر خود را با وضع موجود تطبیق دهند افزوده میشد و بیگانگان نیز که از هر فرصتی استفاده میکنند با تحریک و تقویت این عده و هماهنگ ساختن فعالیت های آنها می کوشیدند تا هر روز مشکلات تازه ای ایجاد کرده و سر انجام دولت را به زانو درآورند.

حوادث غم انگیز نهم اسفند و توطئه قتل فجیع سرلشگر افشار طوس و تحریک برای ایجاد بلوا و آشوب در بین عشایر و حملات زننده به خدمتگذاران مملکت و استفاده از تریبون مجلس شورای ملی برای حملات غرض آلود به دولت و تعطیل مشروطیت با منجرف ساختن مجلس از ایفای وظیفه اصلی خود توسط اقلیت و بالاخره طرح نقشه سقوط دولت با بکار بردن دسایس اوضاعی بوجود آوردند که سد بزرگی در راه دولت ایجاد شود ، بطوری که قسمت اعظم وقت دولت مصروف آن میشد که از این اخلالگریها و کار شکنی ها جلوگیری کند و نگذارد عناصر ضد ملی در کار خویش توفیق حاصل کنند و نهضت ملی ایران را سرنگون سازند.

آنچه در این ماجرا شایان توجه میباشد این است که حملات و اعتراضات مخالفین به تحریک اجانب همواره وقتی رو به شدت می نهاد که ایران از لحاظ سیاست خارجی در موقعیت مناسبی قرار گرفته بود چنانکه کارشکنی مخالفین که منجر به انقلاب تاریخی سی ام تیر شد نیز هنگامی صورت گرفت که رأی دیوان لاهه در شرف صدور بود. بدیهی است تنها وقوع همین حوادث در چنین مواقع خاص کفایت مي نمود که مردم بیدار و هوشیار ایران از منشاء تحریک و منبع الهام مخالفین ادامه نهضت ملی ما بخوبی آگاه شوند.

در میان این مشکلات دولت به اتکاء ملت راه خود را با کمال استقامت ادامه میداد و چون از نعمت اعتماد مردم برخوردار بود از هیچ مشکلی هراس نداشت و در طی متجاوز از دوسال خدمتگذاری مراحل بسیاری از مبارزات ملت ایران را با حسن ختام به انجام رسانید اما این موفقیت ها آسان بدست نیامد و در تمام مراحل ملت ایران در خارج و داحل با کارشکنی ها و اخلالگری های اجانب مواجه بوده است و اکنون هم که مراحل چندی از این مبارزه با موفقیت طی شده و امید میرود بزودی با قطع نفوذ اجانب و تأمین استقلال واقعی مملکت آمال ملت ایران جامه عمل بپوشد.

هنوز آن تحریکات و دسایس باقی است و بیگانگان که براثر اتحاد کلمه واتفاق مردم مملکت خود را با اینگونه شکست مواجه می بینند مي کوشند تا این اتحاد و یگانگی را به اختلاف و نفاق مبدل سازند و مخالفین داخلی را که هر یک به عللی علم مخالفت برداشته اند به یکدیگر نزدیک نموده و به این طریق دولت را از میدان مبارزه بدر و راه را برای تأمین منافع دیرین خود بار دیگر هموار کند.

هموطنان عزیز ، چنانچه عرض شد قدمهائی که تاکنون برداشته شد بعد از مشیت الهی به واسطه اتحاد کلمه و پشتیبانی و حمایت عموم ملت ایران بوده است و هرکس ادعا کند که در این کار سهمی و حقی بیش از دیگران داشته ادعایش باطل و بی اساس است. ما همه در این مبارزه با هم همکاری کردیم و نتایجی هم که بدست آمده براثر همین همکاری متقابل و صمیمانه بوده است. امروز هم اگر براثر اغراض خصوصی عده ای منحرف شده باشند درصورتی که ملت ایران با منحرف شدگان همکاری نکند و آقایان را از خود براند اقدامات اجانب بجائی نخواهد رسید و دولت به هدایت ملت بی دغدغه خاطر راه خود را با کمال ثبات و استقامت ادامه خواهد داد.

در میان مخالفین امروزی عده قلیلی هستند که از شروع این نهضت از همقدمان و همراهان بوده اند ولی به علتی که ترک ذکر آن اولی است اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته و در تضعیف دولت و جلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفین قدیم هم پیش افتاده اند. اگر نهال نهضت ملی ایران که با خون پاک فرزندان برومند این کشور آبیاری شده به ثمر رسیده بود ویا در مبارزه دولت با اجانب و تأمین سعادت و استقلال ملت ایران اندک انحرافی حاصل شده بود اینگونه نفاق ها و خصومت های فردی و غرض ورزی های شخصی محملی داشت و ممکن بود مخالفت آنان را بطریقی موجه قلمداد نمود ولی با وضع فعلی هیچ نمیتوان گفت که این عده به کدام دلیل قابل قبول در این دقایق حساس خود را از سرنوشت ملت خویش جدا ساخته و علم مخالفت برافراشته اند؟

آیا مخالفین فعلی تصور نمیکنند درصورت ادامه این وضع ثمره فداکاری ها و جانبازی های چندین ساله ملت ایران که اکنون به آخرین مراحل خود نزدیک میشود بهدر رود لعن و نفرین ابدی برای آنان در تاریخ خواهد ماند؟ در مبارزه ای که اکنون در پیش گرفته ایم دو راه بیشتر

وجود ندارد ، یا مقاومت و پایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا انقیاد و تسلیم که نتیجه اش ننگ و رسوائی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مقاصد و مظالم حکومت های فردی و دیکتاتوری است.

هموطنان عزیز ، اکنون بیگانگان با تمام قوا میکوشند که در صفوف متحد ملت ایران رخنه کنند ، متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقاً میبایست بزرکترین مرکز مبارزه با اینگونه افکار باشد کانونی برای پیشرفت مقاصد سوء آنها تشکیل شده است. در این مجلس گروهی از مخالفین با پیروی از سیاست بیگانه، با بعضی از منحرف شدگان میکوشند که زمام امور را به دست دولتی بدهند که بتواند مطامع بیگانگان و منافع آنان را تأمین کند و برای انجام این منظور تریبون مجلس را وسیله ای برای تبلیغات مضره خود قرار داده اند.

با مشکلات فراوانی که در پیش است دولت نمیتواند این کار شکنی ها و دسایس را تحمل کند و به این عده مجال دهد که با سرنوشت ملت ایران بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه را بر اکثریت نمایندگان دلسوز و علاقمند به مصالح کشور تنگ کنند. شاید در هیچ یک از ادوار قانونگذاری سابقه نداشته باشد که عده ای از نمایندگان مجلس تا این حد احترام این مرجع بزرگ را که کانون آرزوها و آمال ملت است از بین ببرند. کسانی که برای حمله به دولت بیشتر اوقات از حربه عدم نظم و امنیت استفاده میکردند و به دولت اعتراض مینمودند خود آنها مرکزقانون گذاری را به صورت بی نظم ترین و نا امن ترین مراکزدرآورده اند وبجای اینکه دولت را در اجرای لوایح قانونی عام المنفعه و سودمند یاری کنند هر روز به نحوی در کار دولت و مجلس شورای ملی کارشکنی میکنند.

این آقایان برای آنکه مقاصد خود را جامه عمل پوشانده و بشدت به دولت بتازند موضوع مشکلات مملکت و فقر و بیچارگی مردم را بهانه و دستاویز میکنند و حال اینکه این مشکلات و فقر و بدبختی چیزی نبوده و نیست که در دوسال اخیر بوجود آمده باشد ، بلکه اینها ثمره صد و پنجاه سال تسلط اجنبی بر ایران بوده است. از اینها گذشته اگر در خلال یکی دو سال اخیر مشکلاتی از لحاظ مالی و بازرگانی بوجود آمده این موضوعی است که یک ملت وارد در مبارزه و پیکار باید آنرا تحمل کند زیرا هیچ کس نیست نداند متجاوز از دو سال است با یکی از مقتدر ترین دول استعماری روی زمین وارد یک مبارزه اقتصادی و سیاسی شده ایم و بدون شک در این پیکار حیاتی وضع حریف با همه کمک هایی که متحدینش به او میکنند از ما بد تر است و هنوز پس از 8 سال که از جنگ دوم جهانی میگذرد بسیاری از مواد خواربار در آن کشور جیره بندی است و از لحاظ مالی و اقتصادی به تصدیق مسؤلین آن کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارد.

بنابراین در روزهای جنگ سربازانی که بخاطر مقاصد عالی و هدفهای ملی قدم در میدان مبارزه میگذارند باید انتظار ناملایمات و محرومیت هائی را هم داشته باشند و کسانی که تنها راحت و آسایش خود را میخواهند هیچگاه نباید قدم به میدان کارزار بگذارند. ملت هایی که

برای احقاق حقوق از دست رفته و در راه آزادی و استقلال خود وارد پیکار شده اند سالها فداکاری و جانبازی و از خود گذشتگی کرده اند تا به مقصود خود نائل شده اند. ملت ایران نیز در طول تاریخ درخشان خود قرن ها با دشمنان خود پیکار کرده و فداکاری ها نموده و قربانی ها داده تا دست اجانب را از خاک وطن کوتاه کرده . مبارزاتی را هم که ملت ایران دو سال است آغاز نموده برای ریشه کن ساختن یک تسلط شوم صد و پنجاه ساله از بیگانگان است که با همه سرسختی و کینه توزی در عرض همین مدت کوتاه موفقیت های بزرگی نصیب آن شده و انعکاس آن حتی در کشور های مختلف گیتی موجب تحسین و تمجید ملل آزاد گردیده است.

در خلال 27 ماهی که از عمر این دولت میگذرد مخالفین نهضت ملی ایران که جز منافع خصوصی و اغراض شخصی منظوری ندارند در همه جا برعلیه مصالح مملکت قیام کرده اند. این مخالفت ها طی ماه های اخیر از صفحات بزحی از جراید و اجتماعات تجاوز کرده و به مجلس شورای ملی کشیده شده است بطوری که میتوان گفت مجلس در ماه های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اخلال گریها درآمده است.

هدف مخالفین و منافقین علاوه بر اخلال درکار دولت این است که اصالت نهضت ملی ایران را لکه دار کنند و به دنیا اینطور بفهمانند که دیگر کسی طرفدار این نهضت بزرگ تاریخی نیست ولی مردمی که موجد این رستاخیز عظیم هستند و با خون خود اوراق این نهضت مقدس را نگه داشته اند طی تظاهرات پر شور و پر هیجان خود نشان داده اند که نهضت ملی ایران با حیات و موجودیت آنها بستگی دارد و دست هیچ نامحرمی نمیتواند نهضت تاریخی مردم ایران را لکه دار کند. ملت ایران با قیام های دلیرانه خود بارها عدم رضایت خویش را نسبت به اعمال و رفتار دشمنان نهضت ملی ایران و نمایندگان مخالفی که پا بر روی مصالح ملت و مملکت میگذارند ابراز داشته است.

آن رادمردان و مجاهدینی که در صدر مشروطیت در راه آزادی و مشروطیت ایران نقد جان باختند و آن خون هائی که از پیکر افراد فداکار و از جان گذشته بر خاک وطن ریخته شد برای این بود که ملت ایران بتواند در سایه آزادی و قانون در خانه خود یعنی در وطن خویش با رفاه و آسایش و سربلندی و سرفرازی زندگی کند. آنها هیچگاه تصور نمیکردند که روزی عده ای در پناه قانون اساسی دست به هر بی قانونی بزنند و بنیان مشروطیت و قوانین مملکت را متزلزل سازند و در سایه مصونیت پارلمانی با سرنوشت کشور بازی کنند.

آنها هیچگاه باور نمیکردند که پس از مدت کوتاهی عده ای مجلس را به صورت سنگری علیه استقلال و حاکمیت ایران درآورند و راهی دنبال کنند که سرانجام آن اضمحلال مشروطیت و فنای آزادی باشد بهمین جهت وقتی دولت احساس کرد با این همه اخلال گریها و کارشکنی ها نمیتواند وظایف خود را انجام دهد و مسؤلیت بزرگی را که بر عهده دارد همچنان بدوش بگیرد تصمیم گرفت در این مورد از ملت رشید ایران استمداد کند. این نکته را جمعی از آقایان

نمایندگان نیز تشخیص داده و چون دیدند که با یک چنین اوضاع نامساعد ادامه خدمت مقدور نیست از مقام نمایندگی استعفا دادند.

هموطنان عزیز ، امروز یکبار دیگر دولت ناچار شده است این حقایق را بی پرده با شما در میان بگذارد و در رفع مشکلات خویش ازشما استمداد کند زیرا این رأی و نظر شما است که باید حق و باطل را از هم جدا سازد و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد ، شما همه از جریان کار مجلس شورای ملی خوب با خبر هستید و هیچ یک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کنونی مجلس، امید هیچ گونه موفقیتی در مبارزه ملت ایران نیست ناچار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را در بقا یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید. درصورتی که بین مجلس و افکار عمومی ملت اختلاف حاصل شود و مجلس به صورت یک دستگاه کارشکنی برعلیه دولت درآید مجلس منحل میشود و قضاوت امر را به عهده مردم محول مینماید ، چنانچه افکار عمومی با نظر دولت تطبیق کند نمایندگان دیگری انتخاب و روانه مجلس شوند و باین ترتیب بین دولت و مجلس همکاری ایجاد شود و چرخ اداره مملکت از کار نیفتد.

بنابراین تنها اراده قاطبه افراد ملت که دولت ومجلس به وجود آنها قائم است میتواند قضاوت قطعی در این باب را بنماید و آن کسانی که ادعا کنند ملت حق ندارد و نمیتواند در این مورد اظهار عقیده کند سخت در اشتباه هستند زیرا تنها ملت است که میتواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند.

پنجاه سال پیش ضرورت تاریخی ایجاب کرد که ملت ایران در راه آزادی و مشروطیت خود قیام نماید و با ایثار خون خویش به حق خود برسد و قانون اساسی را بوجود آورد ، اکنون نیز در این لحظات حساس که کشور ما در استانه مرگ و زندگی قرار دارد و دشمنان ایران علیه استقلال و آزادی ما بالاترین تلاش خود را بکار میبرند مصالح کشور ایجاب میکند که ملت ایران تصمیم خود را درباره نهضت ملی و وضع مجلس و دولت روشن کند. این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس و دولت است که میتواند در این باره اظهار نظر کند لاغیر ، قانونها ، مجلس ها و دولت ها همه برای خاطر مردم بوجود آمده اند نه مردم بخاطر آنها. وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند میتوانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند.

درکشورهای دمکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده مردم نیست. بهمین جهت دولت در این لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده با ملت در میان میگذارد و راجع به این مجلس از مردم سؤال میشود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس شورای ملی دوره هفدهم تقنینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافق هستند رأی به انحلال آن بدهند و مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند. طرز اجرای این منظور و استنباط

از افکار عمومی درمورد انحلال یا ابقای دوره 17 مجلس شورای ملی و مقرراتی که برای اجرای آن پیش بینی شده بعداً به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید تا با رعایت آن به ایفای وظایف ملی خود قیام فرمایند و یکبار دیگر ایمان و علاقمندی خود را به اصول و هدف نهضت مقدس ملی به جهانیان ثابت کنند.

6 مرداد 1332

شمس قنات آبادی که علاوه بر عضویت در فراکسیون نجات نهضت به رهبری دکتر بقائی نقش سخنگوی اقلیت را نیز به عهده دارد به خبرنگاران گفت ما نیز ازخبرهای آغاز مجدد مذاکرات نفت مستحضر میباشیم اما حقیقت قضیه این است که دکتر مصدق در مسأله غرامت که به هیچوجه مورد قبول ملت ایران نبوده و نیست و نخواهد بود قصد سازش با امریکائی ها را دارد و برای اجرای این منظور مسأله رفراندوم را پیش کشیده است و به اتکاء آن میخواهد مجلس را منحل کند و بعد به سازش خود با امریکائی ها و انگلیس ها در مسأله غرامت صورت قانونی بدهد. بدین جهت اعلام میکنم که مراجعه دکتر مصدق به آرای عمومی نه مربوط به اعمال اقلیت است و نه استیضاح زهری، بلکه دکتر مصدق فقط و فقط از نظر سازش با خارجی در مسأله غرامات شرکت نفت قصد اقدام به این عمل را دارد.

نظارت در نشر اسکناس

آقای مکی امروز اظهار داشت آقای نخست وزیر از انتخاب اینجانب به سمت نظارت بانک ملی عصبانی است، عصبانیت ایشان به این علت است که اگر اسکناس اضافی منتشر کرده باشد بیم دارد که اگر من از این مسأله خبردار شوم ملت ایران را در جریان خواهم گذاشت. اگر ایشان همانطور که همیشه متذکر شده اند مایلند همیشه ملت را در تمام امور بگذارند چرا مایل نیستند که ملت از این راز که با هستی آنها بستگی دارد مطلع شود پس عملی برخلاف مصالح ملت شده است که نمیخواهد ملت از آن آگاه شود.

ضمنا نامه ای به آقای دکتر نصیری مدیر بانک ملی نوشته ام مبنی بر اینکه از نظر مسؤلیتی که مجلس شورای ملی جهت نظارت در اندوخته اسکناس به اینجانب ابلاغ نموده است از نظر اجرای قانون هر نوع فعل و انفعال در نشر اسکناس و همچنین هر نوع فعل و انفعال در پشتوانه اسکناس به عمل آید باید با نظارت کامل اینجانب باشد و تخلف از آن موجب مسؤلیت خواهد بود. ضمنا رونوشت این نامه جهت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان دیوان عالی کشور و مجلس شورای ملی نیز فرستاده شده است.

اعلامیه فراکسیون آزادی

جناب آقای مصدق السلطنه چون ضمن پیام رادیوئی خود برای انحراف افکار عمومی متوسل به تهمت و افترا گردیده و روش ما را در انجام وظایف قانونی تخطئه نموده و خواسته اید با دلایل غیر موجه عمل انحلال مجلس را که خود قیام علیه مشروطیت ایران است صحیح و لازم

قلمداد کنید امروز بر هیچکس پوشیده نیست که عملیات و خیالات غیر قانونی جنابعالی برای فرار از جواب استیضاح نمایندگان و اغفال افکار عمومی میباشد ضمن پیام خود فرموده اید که اعمال و گفتار ما برای حفظ اصول قانون اساسی و حقوق مجلس و مجلسیان موجب اتخاذ چنان تصمیم غیر قانونی گردیده است. لذا با استظهار به ملت ایران و موکلین خود بدین وسیله به اطلاع آن جناب میرسانیم که اگر از فاش شدن حقایق باکی ندارید و واقعاً مؤمن به اصول دموکراسی هستید اجازه فرمائید ساعتی از وقت خود را در اختیار ما بگذارید تا بتوانیم به اتهامات ناروای جنابعالی پاسخ گفته نظریات خود را با ذکر دلایل در معرض قضاوت عامه هموطنان عزیز قرار دهیم.

7 مرداد 1332

اعلامیه کاشانی

جون رادیو که بودجه آن از مال این ملت فقیر است و باید صرف تبلیغات و مطالب و مباحث مفید بحال این ملت بشود فقط و فقط برای مقاصد شخصی و اغراض منافی مساعی ملت و مملکت و اشتباه کاری و بی آبرو نمودن مردم آبرومند و متهم داشتن اشخاص صالح و میهن پرستی که میتوانند سد راه دیکتاتوری آقای محمد مصدق بشوند بکار میرود و ممکن نیست بدان وسیله عقاید خود را به سمع هموطنان عزیز برساند بدین وسیله به اطلاع میرسانم :

ملت غیور ایران فراموش نکنید که از 10 سال به این طرف یک نهضتی در ایران پیدا شده و هر روز قوی تر و محکم تر گردیده تا توانست دولت های دست نشانده امثال هژیر و رزم آرا را از بین ببرد و نفوذ اجانب را نابود و یا لااقل ضعیف و نفت را ملی سازد و آقای دکتر مصدق از این نهضت استفاده کرده و هماهنگی با آن نشان داده تا بوسیله آن حریف های خود را از عرصه حکومت دور کرد و خود بر مسند صدارت نشست. اکنون 28 ماه است که ایشان زمامدار است و در تمام این مدت یک قدم مفید بحال شما که بتواند آنرا اسم ببرد برنداشته مگر موضوع ملی شدن نفت که با فداکاری و قیام عمومی ملت ایران بوده است.

هر روز وعده های بزرگ میدهد و فردا عذر میآورد که من میخواستم این کار ها را بکنم ولی عمال اجنبی کارشکنی کردند و به ادعای او عامل اجنبی هرکسی است که از او مؤاخذه کند یا بپرسد آن مواعیدی که شما در این مدت داده اید کجاست؟ یا چرا یک قدم اصلاحی برنمیدارید یا چرا اعمالی را که بدیگران ایراد میگیرید خودتان مرتکب میشوید.

با این ترتیب یعنی با هو و جنجال و ادعا و تهمت و افترا تمام قوه های موجود در مملکت را از بین برد و ساعت بساعت راه را برای رسیدن به دیکتاتوری و حکومت فردی و خودسری هموار ساخت تا بر تمام قوای مملکت مسلط گردید و اکنون به اتکای چند تانک و ارابه جنگی و انواع نظامی و پلیس و ژاندارمری که در دست دارد میخواهد رفراندوم و مجلس را منحل کند.

آقای دکتر مصدق مجلسی را که خودش انتخاب کرده و بیش از صد بار گفته که صدی هشتاد آن ملی است قبول ندارد و برای فرار از استیضاح و راه ندادن به ناظر بانک که از طرف مجلس انتخاب شده تا به حساب اسکناس های زیادی که منتشر ساخته و ظاهرا درحدود 450 میلیون تومان است مجلس را با وادار ساختن نوکران خود به استعفا تعطیل و برای انحلال آن رفراندوم میکند.

این مجلس وقتی به دکترمصدق اختیارات غیر قانونی میدهد ملی و وقتی او را استیضاح میکند عامل اجنبی است. رفراندوم مال ممالکی است که دولت آن معلوم نیست و مشروطیت و قانون اساسی ندارد ، یکبار رفراندوم میکنند که رژیم مملکت را معین سازند و الا در مملکتی که رژیم آن معین و قانون اساسی دارد و حکومت آن مشروطه است هیچ راهی برای فرار از استیضاح و دست ردن به رفراندوم نیست. در مملکت مشروطه مطابق قانون اساسی برای نخست وزیر حدود و ثغوری معین شده وهرکس برخلاف این قوانین قدمی برداراقدام برخلاف مشروطیت و قانون اساسی نموده و از لحاظ خیانت به کشور قابل تعقیب و مستحق شدید ترین مجازات است.

این نکته را برای این تذکر میدهم که وزرا و مأمورین لشگری و کشوری متوجه باشند مخصوصا وزیر دارائی از لحاظ پرداخت از بیت المال برای صرف رفراندوم خلاف قانون خصوصا متوجه گردند که درصورت انجام دستور های خلاف قانون در مورد رفراندوم و تضییع حقوق ملت ایران شریک و سهیم هستند و از تعقیب مصون نخواهند بود. آقای دکتر مصدق خوب میداند که اگر با آزادی و بطور طبیعی به آراء ملت مراجعه کند صدی نود و هفت مردم علیه او رأی میدهند ولی جون تمام قوای کشور را درز دست دارد و یک قانون من درآوردی امنیت اجتماعی و یک حکومت نظامی دائم مثل شمشیر بران بالای سر مردم نگاه داشته و یک مشت اوباش و رجاله و چاقوکش توی کوچه ها راه میاندازد که در حمایت تانک و ارابه جنگی و سرنیزه نظامی به مخالفین او هتاکی کنند رفراندوم میکند آنهم با ترکیبی که موافق از مخالف معلوم و نام و تمام مشخصات رأی دهنده معین باشد ، با این ترتیب تنیجه رفراندوم معلوم است.

هرکس چنین رفراندومی بکند نتیجه بکام اوخواهد بود، بازاگر مخالف از موافق معلوم نبود و رأی مخفی بود و مردم با آزادی میتوانستند رأی بدهند نتیجه عاید او نمیشد ، ایشان اگر راست میگویند و. میخواهند رفراندوم کنند و به عمل خلاف قانون دست بزنند وسایل ارعاب و تشویقی که در دست دارد به زمین بگذارد و خود استعفا بدهد و بعد رفراندوم کند تا بداند که در میان مردم چقدر موافق دارد.

ملت ایران ما و دکتر مصدق همه میرویم این مقام ها زود گذر است ولی مملکت و مردم ایران باید بماند اجازه ندهید که دکتر مصدق برای حکومت چند روزه خود راهی باز کند که همیشه قانون اساسی و مشروطیت و حتی استقلال و وحدت ملی شما در خطر باشد زیرا همین عملی که دکتر مصدق میکند اگر نافذ شد و پیشرفت کرد و شما قبول نمودید هر نخست

وزیری بعد از او حق خواهد داشت به مجلس که حکومت بر همه مقامات و قوا دارد اعتماد نکند و اگر خود را از مجلس درفشار دید رفراندوم کند و مجلس را منحل سازد و با این ترتیب بجای اینکه اختیار ماندن و رفتن دولت در دست مجلس باشد بقا و عدم مجلس بدست دولت خواهد افتاد.

هموطنان عزیز 28 ماه است که دکتر مصدق با هو و جنجال و عوام فریبی مردم را مشغول کرده و هر روز برای اینکه مردم به حساب گذشته او نرسند و به زمامداری ادامه بدهد حساب نو باز میکند و هر روز بهانه میگیرد و وعده نزدیکی میدهد. از روزی که آمده و زمام امور را در دست گرفته تا امروز به نظر بیاورید که چه وعده هایی داده و چطور هر روز حرف خود را عوض کرده و گناه را به گردن کسی انداخته و هر دفعه که تقاضائی داشته گفته اگر این تقاضای مرا انجام بدهید در فلان مدت بسیار کوتاه کار را تمام میکنم. روزی که خواست نخست وزیر شود گفت من در یک هفته کار نفت را تمام میکنم و الان بیش از دو سال از حکومت او گذشته و هنوز اندر خم یک کوچه است.

آقای دکتر مصدق در این مدت کاری برای مملکت نکرد ولی برای ادامه حکومت خود به خرابکاری های زیادی دست زده از آن جمله نشر محرمانه مقدارزیادی اسکناس است که گفتم درحدود 450 میلیون تومان است. به علاوه طبق اطلاعات حاصله آن جناب پشتوانه های موجود در افریقای جنوبی را به امریکا حمل و در آنجا به گرو گذاشته و چون جناب آقای مکی به سمت ناظر بانک ملی انتخاب شده و متوجه گشته است که عنقریب پرده از روی خلافکاری هایش پرده برداشته و رسوا میشود اقدام به تعطیل مجلس کرده است.

اعمال خلاف دولت چه در مورد نفت بخصوص 50 درصد تخفیف قیمت نفت خام و قبول غرامت و قطع منافع ایران از 230 شرکت فرعی و چه درمورد اقتصادیات از قبیل تثبیت ارز به بهای گزاف و زیان مردم و اقدامات خلاف مصلحت او در سیاست خارجی و داخلی به اندازه ای شدید شده است که آقای دکتر مصدق بخوبی میداند هرچه زودتر باید حساب خطا کاریهای خود را به ملت ایران بدهد و چون نه جوابی برای این اقدامات ناصواب و خلاف قانون دارد و نه جرئت حضور در مجلس را در خود می بیند چون غریقی به هر عمل خلاف قانون متشبث شده از جواب استیضاحات که حقا قانون اساسی برای نمایندگان معین نموده طفره میرود و برای مشوب کردن اذهان و افکار عمومی دست به تبلیغات غیر واقع زده به عنوان اینکه از طرف نمایندگان به من توهین و یا بنام اینکه برای کشتنم توطئه چیده اند از حضور در مجلس خودداری میکند.

شما هموطنان عزیز می بینید که تا امروز چه کسی به نفع اجنبی قدم برداشته و آنچه تا امروز کرده مستقیما به مصلحت اجنبی و زیان مملکت بوده است. شما مردم غیور ایران موظفید که از استقلال مملکت و وحدت ملی و آزادی مشروطیت دفاع کنید و اجازه ندهید با

عوام فریبی و هو و جنجال راهی باز کنند که زوال مشروطیت و آزادی و زیان استقلال مملکت و وحدت ملی شما باشد.

سید ابوالقاسم کاشانی

تحصن نمایندگان اقلیت در مجلس

نمایندگان غیر مستعفی مجلس که از دو هفته پیش به عنوان مخالفت با رفراندوم و غیر قانونی جلوه دادن آن درپ خارج مجلس فعالیت داشتند پس از نطق رادیوئی نخست وزیر و قطعیت یافتن رفراندوم چون برای آینده خویش مخاطراتی تصور میکنند پس از یک جلسه سه ساعته در حضور آیت الله کاشانی مصلحت را در این دیدند که بطور اجماع در مجلس متحصن شوند.

اطاعیه وزارت کشور در مورد برگذاری رفراندم و چگونگی اخذ آراء

به کلیه فرمانداران و بخشداران ، در اجرای تصویب نامه شماره 14160 هیأت وزیران راجع به مراجعه به آراء عمومی درباره ابقا یا انحلال مجلس شورای ملی که جداگانه ابلاغ شده است مراقبت و دقت لازم بفرمائید که این امر در کمال بی طرفی و صخت انجام یافته و مقررات تصویب نامه بطور صحیح و کامل به موقع اجرا گذاشته شود. برای آشنائی آقایان فرمانداران و بخشداران به طرز عمل جزئیات امور را واضح و روشن در این بخشنامه بیان نموده تا جای هیچگونه ابهام برای آقایان باقی نماند و چون پس ار 7 روز از اخذ آرائ در شهر تهران در سایر شهرها و مراکز بخش ها اخذ رأی به عمل خواهد آمد مقدمات کار باید طوری فراهم شود که به محض تعیین روز اخذ رأی در تهران در شهرستانها و بخشها برای تشکیل انجمن های نظارت اقدام شود و در روز قبل از اخذ رأی انجمن ها معین شوند و در روز مقرر اخذ آراء به عمل آید. لذا مقتضی است آقایان قرمانداران و بخشداران دستورهای ذیل رابا دقت هرچه تمام تر نصب العین قرار داده بموقع اجرا بگذرند.

اول - پس از تعیین روز اخذ رأی در مرکز که از طرف این وزارتخانه اعلام خواهد شد فرمانداران و بخشداران باید در تشکیل کمیسیون دو نفری برطبق ماده (1) تصویب نامه اقدام فوری معمول دارند.

دوم - پس از تشکیل کمیسیون دو نفری در هر شهر یا بخش باید بلافاصله در محلی که گنجایش کافی داشته باشد یکی برای رأی دهندگان موافق با انحلال دیگری برای رأی دهندگان مخالف با انحلال در نظر گرفته شود و برای اجرای این امر ممکن است از میدان ها و یا تکیه ها و یا مساجد استفاده نمود و بالای درهای ورودی به قطع بزرگ روی کاغذ یا پارچه نوشته شده باشد محل برای رأی دهندگان موافق با انحلال مجلس هفدهم یا محل برای رأی

دهندگان مخالف با انحلال مجلس هفدهم. و قبل از اخذ آرا فرماندار یا بخشدار باید موقعیت هریک از دو محل را برای اهالی محل آگهی کنند.

سوم - کمیسیون دو نفری به تناسب رأی دهندگان دو یا چند انجمن که اعضای هرکدام 7 نفر است بدین ترتیب تشکیل خواهد داد. عده ای مساوی 5 برابر عده اعضای انجمن ها از بین قضات دادگستری و استادان (اگر وجود داشته داشته باشند) و کارمندان دولت و یا معتمدین طبقات دیگر دعوت خواهند شد. مثلا چنانچه با در نظر گرفتن جمعیت محل ایجاب نماید که در یک شهر یا بخش فقط دو انجمن یکی برای موافقین و دیگری برای مخالفین انحلال تشکیل گردد باید پنج برابر افراد انجمن که 7 نفر میباشند یعنی 35 نفر دعوت شوند. پس از حضور در محل از دعوت شدگان درخواست شود از میان عده حاضر به تعداد لازم برای تشکیل انجمن ها از طریق قرعه کشی افراد لازم تعیین گردند.

چهارم - از طرف وزارت کشور روز اخذ رأی در شهر تهران و سایر شهرها و بخشهای کشور که 7 روز پس از اخذ آرا در مرکز خواهد بود اعلام خواهدگردید و برای اطلاع عموم اهالی محل پس از اینکه انجمن های نظارت تعیین شدند فرماندار یا بخشدار باید روزاخذ آرا را که فردای همان روز است که انجمن ها تشکیل شده اند آگهی خواهد کرد.

پنج - فرمانداران یا بخشداران باید عده کافی مأمورین انتظامی برای حفظ انتخابات در محل منظور دارند.

شش - انجمن های نظارت باید قبل از ساعت مقرر برای اخذ آراء در نقاط معین حاضر و آماده کار باشند. رأی دهندگان بعد ازانداختن رأی در صندوق انگشت خود را در مرکب مخصوصی که در حوزه اخذ رأی قبلا گذاشته شده است فرو میکند.

هفت - اوراق آراء چاپی با توجه به تعدادافرادی که احتمالا میتوانند رأی بدهند باید به مقدار کافی در انجمن ها وجود داشته باشند .

هشت - صندوق های آراء پس از پایان اخذ رأی باید با مهر اعضای انجمن مربوطه لاک و مهر شده و در فرمانداری یا بخشداری باقی میماند و پس از آنکه وزارت کشور نتیجه کل آراء را اعلام نمود فرماندار یا بخشدار محل آراء را معدوم خواهند ساخت.

تبصره - وزارت کشور بازرسانی برا نظارت در صحت اخذ رأی به نقاط مختلف کشور اعزام مینماید.

نامه آیت الله بهبهانی

حضرت اشرف آقای دکترمصدق، محترما بعرض میرساند غوغای رجوع بافکار عمومی که یک مملکت را متشنج و افکار را متزلزل کرده و ایجاد یک انقلاب روحی در تمام طبقات نموده است این ضعیف را هم مثل سایر افراد ملت متحیر نموده است. اینکه تاکنون عرضی نکرده بودم تصور میشد که خود حضرت عالی با حسن نیت از این کار منصرف و اقدام به چنین امر خطیری که مستلزم مراتب وخیمه است نخواهند فرمود و اگر گاهی اظهاراتی میشده حمل بر تصمطم قطعی نمیکرد.

اینک مشاهده میشود که حقیقتا بنا به انجام این کار دارید ، تصور میکنم حضرتعالی با ملاحظه حالت اینجانب که مراحل پایان عمر را میگذراند بیانات داعی را که محض خیرخواهی و مصالح ملت و مملکت است حمل بر غیر حقایق بفرمائید. با اختیاراتی که دارید و با تعطیل قهری مجلس و تسلط بر عموم اوضاع مملکت موجبی تصور نمیشد که اقدام به انحلال مجلس از راهی که در قوانین مملکت پیش بینی نشده و سابقه ندارد و مخالف افکارعامه مردم است بفرمائید. با آنکه اینجانب مدتی است از دخالت در امور سیاسی خودداری دارم ولی به جهت حفظ نوامیس دینی و ملت و مملکت و ایفاء به وصیت مقامی عرض میکنم که این عمل اساس مشروطیت را متزلزل و باعث ضعف و انحلال ابدی مجلس و قانون اساسی است و به نحوی که اطلاع دارم در نظر مردم نظیر مجلس مؤسسان اخیر است.

محمد الموسوی بهبهانی

نامه چند نفر از روحانیون مقیم نجف

حضور محترم حضرت مستطاب آیت الله میر سید محمد بهبهانی دامت برکاته العالی

اخیراً مسموع شده است بعضی از اشخاص که هدفی جز لطمه وارد ساختن بعالم اسلامی و علماء اسلامی ندارند بوسیله های مختلف نسبت بمقام شامخ روحانیت مخصوصا حضرت مستطاب آیت الله حاج سیدابوالقاسم کاشانی دامت برکاته العالی مطالب توهین آور و جسارت آمیزی گفتند و منتشر کردند و مسؤلین امر درصدد رفع و منع برنیامده اند ، حقا باعث تأثر و تألم است نسبت به مردی که عمری فداکاری و از خودگذشتگی برای سعادت وعظمت ملت مسلمان ایران نموده و این همه خدمات بزرگ به مسلمانه کرده است مورد حمله یک مشت مردم مفرض و معلوم الحال واقع شوند وعواطف دینی و احساسات ملت مسلمان ایران را جریحه دار سازند. این حوادث و انتشارات باعث تأثر شدید اینجانبان شده است و از حضرت مستطاب عالی خواهشمند هستیم که به مسؤلین امر، امر اکید فرموده که بشدت از بروز این انتشارات و تبلیغات جلوگیری نمایند و جامعه روحانیت ادامه این امر را غیر قابل اغماض میداند.

الاحقر جمال الموسوی الگلپایگانی ، الاحقر عبدالهادی الحسینی الشیرازی ، محمد حسین آل کاشف الغطاء ، الاحقر ابراهیم الحسینی الشیرازی الاصطهباناتی

11 مرداد 1332

اعلامیه کاشانی درمورد تحریم رفراندوم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

هموطنان و برادران عزیزم ضمن اعلامیه قبلی از مفاسد و مضار رفراندم شرحی متذکر و همه مستحضر گردیده و توجه دارید که عمل به آنچه ضررهایی برای دیانت و ملت و مشروطیت و مملکت در بر دارد. با این حال دوران خود را دوره انقراض دیانت و استقلال مملکت و ملت قرار ندهید و طوق رقیت و اسارت و بندگی را به گردن خود نگذارید. شرکت در رفراندوم خانه برانداز که با فتنه اجانب طرح ریزی شده مبغوض حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حرام است.

البته والبته هیچ مسلمان وطنخواهی شرکت نخواهد کرد گرچه ممکن است بعضی اشخاص غافل و بی اطلاع از حقایق و مضرات آن وخائنین وطنفروش برای انجام مقاصد شوم دیگران دررفراندوم شرکت کنند و یا اینکه دولت صندوق را از آرای قلابی پر کند علی ایحال عمل به رفراندوم خلاف قانون اساسی و مصلحت کشور و ملت بوده و هیچگونه اثر قانونی ندارد.

اعلامیه حزب ایران

مردم قهرمان تهران، ای پیشقراولان آزادگی و شرف میهن ، ملت ایران بکوشیم فردا میدان سپه را به جلوه گاه اراده عظیم ملت تبدیل کنیم، بکوشیم که دراین روز بزرگ به اراده ملت جان دهیم و مفهوم حکومت مردم ، مردمی آزاده و بند گسسته را که دیگربه قیمت خون خودهم حاضربتجدید دوران اسارت نیستند درمعرض مشاهده بگذاریم.

هم میهنان، در روز دوشنبه 12 مرداد فردا نام میدان سپه را عملا و با تجلی نیروهای عظیم خود به میدان ملت تبدیل کنیم.

جاوید باد ایران - کمیته مرکزی حزب ایران

اعلامیه جمعیت آزادی مردم ایران

کارگران ، زحمتکشان ، روشنفکران ، مردم ضد استعمار تهران برای درهم شکستن آخرین تلاش عمال بیگانه با شرکت آگاهانه خود در رفراندوم ثابت نمائید ملت ایران زنده و تا آخرین مرحله مبارزه ضد استعماری یار با وفای دکتر مصدق خواهند بود.

دو سال مبارزه پی گیر و ثمر بخش شما علیه ارتجاع خارجی و عمال سرشناس داخلی آن امروز نتایجی به بار آورده است که ارتجاع به ناچار برای مقابله با این پیروزی ها و برای درهم شکستن پیکار شما متوسل به وامانده ترین نوکران فرومایه خود شده است. عملیات غیر قانونی و روش ضد دموکراتیک وکلای جاه طلب و خائن مجلس امروز دکتر مصدق مظهر مبارزه ملت ما را وادار نموده است برای ادامه راه علیه استعمار به آراء عمومی مراجعه نموده و از شما مردم قهرمان بخواهد که نظر خود را در مورد انحلال مجلس هفدهم اعلام دارید.

جمعیت آزادی مردم ایران به پیروی از خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از کلیه هم مسلکان و جمیع مردم ایران دعوت مینماید برای خاتمه دادن به تشبثات بیگانگان و عوامل مزدور آنها و ادامه نهضت مقدس ملی همگان در روز دوشنبه 12 مرداد در میدان سپه در رفراندوم شرکت نموده و صراحتا اعلام نمائید که مردم ایران تا آخرین نفس پشتیبان دکتر مصدق بوده و هرنوع عمل ضد دموکراتیک را با اتکاء به اراده مستحکم خود نابود خواهند کرد.

هیأت اجرائیه جمعیت آزادی مردم ایران

اطلاعیه و استعفای دکتر معظمی

شرح حوادث وجریانات یک ماه اخیرمجلس شورای ملی بطور مفصل در اعلامیه مورخه 26 تیر ماه 1332 به استحضار هم میهنان عزیز رسید. اینجانب بر حسب وظیفه قانونی نمایندگی و ریاست مجلس شورای ملی برای وصول توافق و پیدا کردن راه حل جهت رفع اختلافات موجود بین افراد و دستجات مختلف پارلمانی و دعوت آقایان نمایندگان محترم به همکاری و اشتراک مساعی و تشکیل جلسات مجلس و حفظ حقوق مجلس آنچه در قوه داشتم بکار بردم متأسفانه زحمات شبانه روزی اینجانب به نتیجه نرسید و آقایان نمایندگان مستعفی حاضر به استرداد استعفای خود نشدند. با اینحال در روز 25 تیر ماه پس از وصول استعفا نامه دسته جمعی 26 نفر از آقایان نمایندگان برای تشکیل جلسه خصوصی از عموم آقایان نمایندگان دعوت کردم ولی بیش از عده معدودی حاضر نشدند ، متدرجا تعداد استعفا نامه ها هم زیاد شد و به 56 شماره رسید این بود که بنا به دستور آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی در روز 28 تیر ماه رسما از عموم آقایان نمایندگان حاضر در مرکز برای تشکیل جلسه علنی دعوت کردم که در مجلس حضور بهمرسانند تا طبق ماده 214 آئین نامه استعفا نامه ها قرائت و به عرض مجلس برسد اما به مناسبت عدم حصول اکثریت و حضور عده کمی در مجلس جلسه تشکیل نگردید و آقایان مستعفی تأیید نمودند که در استعفای خود باقی و مصمم هستند.

در خلال این اجوال عده زیادی از نمایندگان از تهران خارج و به شهرستان ها مسافرت نمودند و با این ترتیب حد نصاب قانونی برای تشکیل جلسه علنی از بین رفت. بدین سبب وسایل و موجبات انجام وظیفه دیگر با این وضع برای رئیس مجلس باقی نمانده است.

در وضع حاضر گرچه از نظر قانونی قطعی شدن استعفا که پس از انقضای 15 روز از تاریخ قرائت آن در جلسه علنی است و از وضعی نظیر آنچه اکنون پیش آمده است در آئین نامه

پیش بینی نشده معذالک پس از آنکه با وجود دعوتی که برای تشکیل جلسه خصوصی و جلسه علنی شده بود جلسه تشکیل نگردید و متجاوز از پانزده روز هم از نظر احتیاط و احتمال اینکه شاید نظر آقایان نمایندگان تغییر کند به انتظار گذراند و چون هیچ یک از آقایان استعفا نامه خود را مسترد نکردند لذا انجام تکالیف و وظایف مقرره در قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس چه از نظر مقام نمایندگی و چه از لحاظ ریاست مجلس شورای ملی با توجه به مشکلات و موانع فوق برای اینجانب غیر ممکن و غیر مقدور میباشد.

دکتر عبدالله معظمی

12 مرداد 1332

رفراندوم برای انحلال یا ابقاء مجلس دوره 17

از ساعت 8 بامداد امروز در تهران رأی گیری برای انحلال و یا ابقاء مجلس شورای ملی و مناطق ده گانه حومه تهران رأی گیری به عمل آمد و بلافاصله پس از پایان رأی گیری در ساعت 11 شمارش آرا شروع گردید . بعد از شمارش کامل آرا در هرمحل صورت جلسه تنظیم و به امضای کلیه اعضای نظارت کننده صورت جلسه ها به فرمانداری تهران تحویل داده شدند.

13 مرداد 1332

نتیجه رفراندوم تهران و حومه

نتایج شمارش آراء در تهران حومه نشان میدهد که 155544 رأی موافق با انحلال مجلس دوره 17 و 115 رأی مخالف با انحلال میباشد.

15 مرداد 1332

نطق رئیس جمهور امریکا

تهدید کمونیست ها نسبت به کشورهای آسیا برای امریکا بسیار خطرناک است. ایران نیز از این لحاظ با سایر کشورهای آسیا دریک ردیف و دارای همان وضعیت میباشد. اگر جبهه دموکراسی کشورهای آسیا و منابع خام کشورهای نظیر هنئوچین و غیره را از دست بدهد چطور ممکن است سرزمین پر ثروت اندونزی و موادخام هنگفت آن کشوررا که برای دنیای آزادکمال اهمیت را دارد نگاهداری نماید؟

در ضمن اخبار ایران را که در جراید صبح چاپ شده خوانده اید که آقای دکتر مصدق توانست بر پارلمان فایق آید و توانست خود را از مخالفت های پارلمان خلاص و آسوده سازد. آقای دکتر مصدق البته در این اقدام خود از حزب کمونیست ایران استفاده کرد و کمک گرفت.

18 مرداد 1332
با نزدیک شدن اثر عملی رفراندوم و شرکت مردم در رفراندوم اقلیت مجلس آخرین مراحل مبارزه خود را میگذراند تلاش دارد با هر وسیله ممکن که در اختیار دارد در راه تضعیف دولت کوشش کند. پس از نطق آیزنهاور و سخنان رئیس جمهور امریکا در مخالفت با رفراندوم اقلیت جنب و جوش چشم گیری از خود نشان میدهد بطوری که علاوه بر دو فراکسیون آزادی و نجات نهضت چند نفر از منفردین از جمله آقایان مکی و عبدالرحمن فرامرزی نطز با آنها همکاری نزدیکتری را شروع کرده اند.

بر این اساس امروز بعد از جلسه اقلیت با منفردین آقای میر اشرافی گفت اقلیت بالاخره تصمیم گرفت به سازمان ممل شکایت کند.

تلگراف فراکسیون آزادی به دبیر کل سازمان ملل
جناب آقای داک هامرشولد دبیر کل سازمان ملل ، چون سازمان ملل متحد به منزله پارلمان دنیای آزاد و متعلق به تمام ملل شیفته آزادی است فراکسیون آزادی مجلس شورا ملی ایران لازم دانست اوضاع تحمل ناپذیر و دردناکی را که بر سر ملت ما میگذرد بدین وسیله به اطلاع ملل شیفته آزادی برساند.

آقای دکتر مصدق که به موجب رأی مجلس ایران به نخست وزیری انتخاب شده بود در تاریخ 10 خرداد ماه 1332 طبق اختیاراتی که درقانون اساسی ایران به مجلس داده شده باتهام ایراد شکنجه و آزار بدنی زندانیان و پایمال ساختن اعلامیه حقوق بشر مورد استیضاح قرار گرفته و برای جوابگوئی به مجلس خوانده شد ولی نامبرده چون احساس نمود که در مجلس شورای ملی فاقد اکثریت است برخلاف قانون اساسی ایران از حضور در مجلس استنکاف و اعلام داشت که پارلمان را منحل خواهد کرد و برای اجرای مقصود خود و جلوگیری از قیام ملت مخالفان سیاسی خود را دستگیر و زندانی نمود و مطبوعات آزاد را توقیف و مدیران آنها را تبعید ساخت و درحالی که هیچگونه آزادی عقیده و عمل برای هیچکس وجود نداشت درسایه قدرت جکومت پلیسی و نظامی با کمک حزب کمونیست (توده) و تمام وسایل دولتی به مفتضح ترین صورتی اقدام به رفراندوم عجیبی نمود وکیسه های رأی را مانند کشورهای دیکتاتوری دیگر به نفع خود پر ساخت و اکنون قصد دارد به اتکای این عمل خلاف قانون اساسی ایران یک رژیم دیکتاتوری کمونیستی را بر ملت ایران مسلط کند.

ما اعضای فراکسیون نهضت آزادی مجلس شورای ایران درحالی که جان نمایندگان در خطر است به دنیای آزاد اعلام میکنیم که آقای دکتر مصدق رئیس یک حکومت یاغی است زیرا با توسل به زور علیه پارلمان وقانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر قیام و طغیان نموده است و هرگونه اقدام او برای ملت ایران الزام آور نیست.

17 مرداد 1332 مجلس شورای ملی ایران - لیدر اقلیت ابوالحسن حائری زاده

20 مرداد 1332

صبح امروزاعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه ثریا برای استراحت با هواپیمای اختصاصی به رامسر عزیمت نمودند. بقرار اطلاع این مسافرت ممکن است یک هفته تا ده روز طول بکشد و شاهنشاه برای سلام عید قربان به تهران مراجعت میفرمایند.

مقامات مسؤل وزارت دربار در مورد علت مسافرت شاه و ملکه اظهار داشتند چون هوای تهران برای کسالت علیاحضرت ملکه مساعد نیست و سبب تشدید آن میگردد، بنابراین این مشافرت به منظور تغییر آب وهوا و بهبود ملکه ثریا انجام گرفت.

23 مرداد 1332

اعلامیه وزارت کشور درباره نتیجه انتخابات رفراندم در سراسر کشور
در اجرای تصویب نامه شماره 14160 مورخ 4 مرداد 1332 دولت ایران مربوط به مراجعه به آراء عمومی درباره انحلال یا ابقاء مجلس هفدهم وزارت کشور به اطلاع هم میهنان محترم میرساند که نتیجه اخذ آراء همه پرسی نقاط کشور به استثنای دو بخش دشتیاری و پژمان بلوچستان تاکنون به این وزارت اعلام نگردیده است. چون در نقاط مذکور وسایل مخابرات موجود نیست وصول گزارش اخذ رأی در آن دو جا به مراکزی که واجد وسایل مخابرات باشند مدتی طول میکشد و آراء دو محل مذکور تأثیری در نتیجه امر ندارد وزارت کشور به استناد تصمیمی که هیأت محترم وزیران در جلسه 21 مرداد 1332 در این باب اتخاذ کرده اند اعلام میدارد:

درمراجعه به آراء عمومی در شهرستان تهران و سایر شهرستان های کشور دو میلیون چهل و چهار هزار و پانصد و نود شش رأی اخذ شده است که دو میلیون چهل و چهار هزار سیصد و هشتاد ونه رأی موافق با انحلال مجلس هفدهم و هزار و دویست و هفت رأی مخالف با انحلال مجلس هفدهم میباشد.

قطعنامه سوسیالیست های آسیا

رویتر - کنفرانس سوسیالیست های آسیائی که درحیدرآباد هنوستان تشکیل شده بود در قطعنامه پایان کنفرانس که باتفاق آراء کلیه اجزاب سوسیالیست به تصویب رسید از دول آسیائی درخواست نمودند که از نهضت ملی ایران پشتیبانی کنند و برای پشتیبانی اقتصادی نفت مورد احتیاج خود را از ایران خریداری نمایند.

24 مرداد 1332

دیروز آقای حائری زاده که برای تشکیل جبهه واحدی علیه دولت فعالیت میکند و با این هدف بیانیه ای از طرف عده ای از نمایندگان غیر مستعفی تدوین کرده است در ساعت 7 بعد از

ظهر به دیدن آیت الله کاشانی میرود و پس از ارائه مضمون نوشته شده از ایشان درخواست مینماید درصورتی که با آن موافقت دارند آنرا امضا نمایند ولی آیت الله کاشانی در عین ایکه صدور این اعلامیه را از طرف نمایندگان اقلیت مصلحت دانستند از امضای آن خودداری نمودند وگفتند انتشار این اعلامیه از طرف نمایندگان اقلیت مانعی ندارد ولی اگر لازم باشد در تأیید آن به منظور همآهنگی با آقایان از طرف من مطالبی انتشار یابد بصورت اعلامیه یا بیانیه در آینده منتشر خواهد شد.

24 مرداد 1332

کودتا علیه نهضت ملی ملت ایران

اطلاعیه دولت

درساعت 7 بامداد امروز آقای بشیر فرهمند سرپرست اداره کل تبلیغات این اعلامیه شخصاً در رادیو قرائت کرد :

هموطنان عزیز ... از ساعت یازده و نیم دیشب یک کودتای نظامی به وسیله افسران و افراد گارد شاهنشاهی به مرحله اجرا گذارده شد. بدین ترتیب که ابتدا از ساعت مذکور نفرات نظامی مسلح به شصت تیر و تپانچه دستی وزیر امور خارجه ، وزیر راه و مهندس زیرک زاده را در شمیران توقیف کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند ولی چون تیمسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بودند به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت یک بعد از نیمه شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیپ و یک زره پوش به منزل آقای نخست وزیر آمده به عنوان اینکه میخواهد نامه ای بدهد قصد اشغال خانه را داشته است ولی چون محافظین منزل آقای نخست وزیر مراقب کار خود بودند بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.

توطئه کنندگان قبل از توقیف اشخاص تلفون های منازل آنان را قطع کرده بودند ، همچنین ارتباط تلفنی ستاد ارتش را با پادگان گارد شاهنشاهی باغشاه قطع وتلفن خانه بازاررا بوسیله سرهنگ آزموده و همراهان مسلح اشغال کرده بودند و معاون ستاد ارتش را که برای سرکشی به باغشاه رفته بودهمان جا توقیف نمودند.

وزیرخارجه و وزیرراه ومهندس زیرک زاده را از توقیف گاه سعد آباد به وسیله چهار کامیون مسلح به شهر آورده به ستاد ارتش به تصور اینکه که همکارانش قبلا آنجا را اشغال کرده اند بردند ولی چون در آنجا وضع را مساعد ندیدند آنان را مجددا به سعد آباد میبرند و در توقیفگاه گارد شاهنشاهی تا ساعت 5 صبح نگاه داشتند. در این ساعت که نقشه کودتا فاش شده بود تیمسار سرتیپ کیانی معاون ستاد ارتش که از توقیف باغشاه رهائی یافته بود به سعد آباد رفته آقایان را به منزلشان برگردانید.

مأمورین انتظامی از این ساعت ابتکار عملیات را بدست گرفتند و اکنون چند تن از توطئه کنندگان را دستگیر کرده اند.

توضیحات رئیس ستاد ارتش

ساعت 9 صبح امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی تیمسار ریاحی رئیس ستاد به خبرنگاران داخلی و خارجی اظهار داشت:

ساعت 10 دیشب بدون قصد و اراده از منزلم که در شمیران است تصمیم گرفتم به ستاد ارتش بیایم در صد قدمی منزل خود در جاده شمیران یک جیپ ارتش را دیدم که به طرف بالا میرفت، این همان جیپی بود که برای دستگیری بنده فرستاده شده بود. افرادی که در این جیپ سوار بوده اند پس از اینکه به منزل بنده میرسند چون بنده را در منزل نمی بینند آقایان مهندس زیرک زاده و مهندس حقشناس را که با بنده هم منزل هستند دستگیر می کنند و گماشته منزل را هم به سختی کتک میزنند و مقداری از اوراق و نوشته های موجود در منزل را هم با خود میبرند.

مقارن ساعت ده و ربع شب بود که من به ستاد ارتش رسیدم و ساعت 11 آقای سرتیپ کیانی معاون خود را برای سرکشی به باغشاه که پادگان گارد مستقل شاهنشاهی در آنجا است فرستادم. سرتیپ کیانی به محض اینکه وارد باغشاه میشود از طرف سرهنگ نصیری دستگیر میگردد.

چون مراجعت سرتیپ کیانی به ستاد ارتش به تأخیرافتاد بنده حدس زدم که باید اتفاقی افتاده باشد لذا با تلفن به سرهنگ ممتاز فرمانده تیپ دوم کوهستانی که دیشب در کلانتری یک مأموریت داشت و سرهنگ شاهرخ فرمانده تیپ زرهی دستور دادم که با نفرات خود به باغشاه بروند و سرهنگ ممتاز هنگامی که از خیابان جشمت الدوله به باغشاه میرفته است با سرهنگ نصیری که به طرف منزل آقای نخست وزیر میرفته برخوردمیکند و چون نفرات وتجهیزات سرهنگ ممتاز بیشتر بوده است موفق به تسلیم نمودن و خلع سلاح سرهنگ نصیری و افراد او میشود و اورا دستگیر کرده به ستاد ارتش میآورند.

سرهنگ نصیری درستاد ارتش پس ازبازجوئی مختصری به زندان دژبان منتقل گردید وچهار کامیون سربازان گارد که همراه سرهنگ نصیری بوده اند طبق دستور به سعد آباد منتقل و به وسیله واحد های پادگان مرکز خلع اسلحه شدند و به آنها ابلاغ گردید چون فرمانده آنها سرهنگ نصیری عمل خائنانه ای انجام داده است این عمل درباره آنها صورت گرفته است. آنها هم بلافاصله اسلحه های خود را تحویل سربازان پادگان مرکز دادند و اکنون نگهبانی کاخ های سلطنتی به عهده افراد پادگان و افراد گارد میباشد.

البته این اطلاعاتی که بنده به آقایان دادم مختصری از جریان دیشب است. آقای سرتیپ ریاحی سپس گفت آقای نخست وزیر قبلا اطلاعاتی از اینکه ممکن است عده ای از افسران کودتا نمایند به وسیله مأمورین مخصوص کسب نموده بودند. ساعت 5 بعد از ظهر دیروز بنده خدمت ایشان بودم اجمالا موضوع را به بنده فرمودند و روی همین اطلاعات ما تقریبا آماده برای جلوگیری و حنثی نمودن اقدامات کودتا چیان بودیم. سابقا هم چندین مرتبه پیش بینی این عمل شده بود ولی احتمالا به جهاتی اقدام نکردند.

سرهنگ دوم آزموده هنگام شب در حال قطع تلفن های ناحیه بازار دستگیر گردید و در ایستگاه رادیو هم زدوخوردی روی نداد. توطئه کنندگان قصد این کار را داشتند ولی نتوانستند.

کودتا گران افسر نگهبان و ده نفر از پاسبانان کلانتری یک را نیز پس از خلع سلاح کردن بازداشت و به بازداشتگاه سعد آباد منتقل کردند.

طبق نظر یکی از افسران ستاد ارتش اغلب افسران و سربازان گارد شاهنشاهی از موضوع کودتا اطلاعی نداشتند زیرا سرهنگ نصیری برای آنها گفته بود امشب فداکاری کنیم زیرا کاخ سعد آباد در خطر است و عده ای قصد تصرف ان را دارند و افسران باید ازکاخ دفاع کنند.

جلسه وزراء در خانه نخست وزیر

بعد از گزارش آقای مهندس حقشناس در مورد چگونگی دستگیری و بازداشتن شب گذشته این بحث مطرح گردید که شرکت کنندگان در توطئه دیشب چگونه باید به مجازات برسند و عمل آنها منطبق با کدام قسمت از قوانین جاریه است؟ چند نفر از وزرا عقیده داشتند که باید با تشکیل دادگاه های صحرائی توطئه کنندگان را محاکمه و مجازات کرد زیرا اگر آنها موفق به انجام نقشه خود شده بودند عملی غیر از این نمیکردند ولی سایرین با این نظر مخالفت کردند و پس از مذاکرات مفصل قرار شد آقای لطفی وزیر دادگستری و دکتر صدیقی وزیر کشور از لحاظ انطباق عمل توطئه کنندگان با قوانین مجازات کشور مطالعاتی بکنند و نتیجه را در جلسه دولت به اطلاع برسانند.

محافظت از ایستگاه رادیو

دیشب به محض اطلاع از جریان توطئه مراکز حساس از جمله ایستگاه فرستنده رادیو مورد مراقبت و محافظت کامل قرار گرفت و آقای سرهنگ امیر غفاری آشتیانی با یک گردان سرباز از هنگ اقدسیه در ساعت یک بعد از نیمه شب در اطراف ایستگاه رادیو مستقر گردیدند. آقای بشیر فرهمند سرپرست رادیو تهران در تمام مدت دیشب مرتباً با آقای نخست وزیر و اداره بی سیم و رادیو تهران با تلفن در تماس بود.

خبر خبرگزاری آسوشیتد پرس

آقای شون خبرنگار امریکائی خبرگزاری آسوشیتد پرس در تهران طی خبری که از تهران مخابره کرده اطلاع میدهد در ملاقاتی که با آقای سرلشگر زاهدی داشته نامبرده فرمانی را که به امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاه در روز 22 مرداد رسیده است به وی نشان داده و اظهار داشته است که سرهنگ نصیری مأمور ابلاغ فرمان عزل نخست وزیری آقای دکتر مصدق بوده است.

دعوت فراکسیون نهضت ملی از مردم برای شرکت در متینگ

هموطنان عزیز

از شما مردم رشید تهران دعوت میشود که برای استماع مطالبی در باب توطئه دیشب و وقایع جاری کشور و شرکت در متینگ ملی در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در میدان بهارستان اجتماع فرمائید. در تعقیب این اعلامیه از طرف احزاب ایران ، نیروی سوم ، ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ، جنعیت آزادی مردم ایران و کمیته های محلی ، جامعه بازرگانی و اصناف و پیشه وران و کلیه اهالی تهران دعوت میشود که ضمن تعطیل عمومی در ساعت 5 بعد از ظهر در میدان بهارستان حضور بهمرسانند.

متینگ میدان بهارستان

میدان بهارستان و خیابان های اطراف آن مملو از جمعیت است. امواج انسان های خشمناک در سراسر خیابان ها منتهی به میدان بهارستان موج میزند ، درساعت پنج و نیم بعد از ظهر آقای جلالی موسوی عضو فراکسیون نهضت ملی متینگ را با سخنرانی خود آغاز کرد:

.... در نیمه شب گذشته دشمنان ملت ایران میخواستند با یک کودتای نظامی نهضت ملی ما را از مسیر خود برگردانند و چند تن از یاران نهضت ملی را توقیف نمایند. سربازان مسلح به خانه پیشوای ملت ایران رفتند و میخواستند با کمال وقاحت مردی را که 50 سال مبارزات خود را در راه وطن پشت سر گذاشته و پاکدامن و سرفراز بیرون آمده بازداشت کنند و بدست دژخیمان برسانند و بساط چپاول شرکت سابق نفت را دوباره برقرارسازند ولی هوشیاری مردم ستمدیده ایران و بیداری دولت ملی نقشه های آنها را نقش برآب کرد.

بیانات دکتر شایگان

....از دیر زمانی نمایندگان شما و شخص دکتر مصدق میدانستند که بیگانگان نقشه هائی کشیده اند به مقاماتی منوسل میشوند و او را وادار به اجرای نقشه خود میکنند ، آنها سعی کردند دربار را در مقابل نهضت ملی علم کنند ، دکتر مصدق و نمایندگان آنچه در عهده داشتند به عمل آوردند تا این اشتباه را رفع کنند و از خطری که نزدیک بود متوجه ملت ایران شود

جلوگیری کنند. سیاست دکتر مصدق این بود که شاه مشروطه در چهارچوب قانون اساسی محدود باشد و دخالتی در کارهای مملکت نکند چرا برای اینکه دخالت شاه در امور مملکت وضع مشروطیت را مختل میکرد و نه تنها به مشروطیت لطمه میخورد بلکه وسیله سهلی بود که خارجی ها مطامع خود را دانسته یا ندانسته وسیله دربار به ملت تحمیل کنند.

اگر دکتر مصدق و نمایندگان اصرار داشتند که شاه آلوده به این مطامع نشود و مواد هشتگانه را تنظیم کردند به خیر مملکت و نهضت ملی ایران و بخیر آن کسی که قدر ندانسته بود میخواستند او در مملکت زندگی کند ولی حکومت نکند. اجانب دیدند که اگر نهضت ملی ایران نضج گیرد پیشرفت مقاصد آنها میسر نیست کوشیدند تا دربارا مقابل نهضت قرار دهند ، یک نکته کوچک در همین قضایا یعنی در کشمکشی که بین ملیون و دربار پیش آمد به عرض شما میرسانم پس از وقایعی که به خاطر دارید و پس از اقدامات ناشایسته ای که از طرف اطرافیان دربار شد خود دربار تصمیم گرفت برای اینکه مردم مطلب را فراموش کنند شاه مسافرتی به خارج نماید ، هموطنان گرامی این عرضی را که میکنم از مسموعات بنده نیست از چیزهائی است که خودم به شخصه دیده ام. نمایندگان نهضت ملی که برای همین قصد به دربار رفته بودند وزیر دربار بطور نجوا به آنها گفت آقایان شما آیا صلاح میدانید به واسطه اینکه اعلیحضرت مریض هستند مسافرتی به خارج بکنند؟ نمایندگان نهضت ملی با کمال ادب به عرض ایشان رسانیدند ما تکلیف شاه مملکت را نمیخواهیم تعیین کنیم اگر میل دارند خودشان تصمیم خواهند گرفت.

این نمونه ای از وضع مماشات نمایندگان نهضت ملی و شخص دکتر مصدق است. شاهی که مکرر بدون مقدمه به جاهای بسیار ناشایسته به خارج از مملکت مسافرت کرده بود این سفر مصلحتی را بهانه کرده و آن غوغای عظیم را برپا کردند.

از چهار پنج روز پیش خارجی ها و ایادی داخلی آنها درصدد برآمدند دکتر مصدق را توقیف و سران تهضت ملی ایران را بازداشت و سپس اعدام کنند. این بیچاره ها تصور میکنند با از بین برداشتن نمایندگان ، شما ملت ایران دست از مبارزه خود برمیدارید زهی تصور باطل زهی خیال محال ، جان من و امثال من فدای شما بشود تا شما پا برجا باشید (جمعیت ما شاه نمیخواهیم) از هر قطره خون ما درختی برای نهضت ملی ایران به ثمر خواهد رسید ، کودتا چیان از گاردی که دولت ملی دکتر مصدق برای حفظ جان سلطان وقت گمارده بود استفاده کردند و خواستند به همین وسیله دولت را ساقط کنند ، نقشه این بود که عده ای به خانه پیشوای ما بروند او را توقیف کنند عده ای دیگر رئیس ستاد را توقیف کنند، جمعی دیگر اعضای فراکسیون را دستگیر کنند ولی خداوند نخواست. خداوند چنان هوشیاری به دکتر مصدق داده است که از پنج روز قبل از نقشه خائنانه آنها مطلع بود وهمه ما کم و بیش از این توطئه ها اطلاع داشتیم ولی پیشوای شما همه چیز را میدانست و بحمدالله در ظرف 22 دقیقه تمام آن افراد تحت توقیف دولت درآمدند.

قرار بر این بود که اگر این ایادی خائن در توطئه خود موفق گردند رادیوی تهران را امروز بکلی ساکت نگهدارند تا خبری علیه نهضت ملی و دکتر مصدق منتشر نشود. ثانیا این علامتی بود برای شاه مملکت که بداند آیا توطئه به نتیجه رسیده است یا نه و این علامتی باشد که اگر کودتا انجام گرفته باشد شاه یکسره به تهران بیاید و ملیون را تار و مار کند ولی خدای بزرگ نگذاشت این توطئه انجام گیرد و وقتی که آنها در رامسر و کلاردشت مترصد بودند رادیو تهران ساکت باشد رادیو خبر داد که ملیون بر توطئه کنندگان غلبه کرده اند طبق مثل معروف متاعی که باید به تهران بیاید به بغداد رفت.

هموطنان عزیز، به حول و قوه الهی دست رد به سینه اجانب زد و بیگانگان دانستند که با احساسات یک ملت بازی نمیتوان کرد. اینک ما نمایندگان نهضت ملی تقاضا میکنیم که دولت مصدق فوراً شورای سلطنتی تشکیل دهد و تکلیف آینده مملکت را تعیین کند.

مهندس زیرک زاده

من و دو نفر دیگر یعنی دکتر فاطمی و مهندس حقشناس و سران دولت شما را در قصر پادشاهی شاهنشاه ایران حبس کردند. آفرین بر چنین دشمنی، هرچه دشمن بیشتر بتازد طالع بلند مردم ایران افتضاح دشمنان را بیشتر ثابت میکند. کودتای مفتضح دیشب به جائی نرسید و یکبار دیگر ملت ایران فاتح گردید. مگر ملت ایران چه میگوید؟ مگر شما مردم چه میخواهید؟ مگر چز اخقاق حق خود چیز دیگری خواسته اید؟

انصافا باید گفت آنها که با حکومت دکتر مصدق سر جنگ دارند کمک به خارجی میکنند ولی اگر توطئه های آنها ملت ایران را دچار مشکل ساخت و در مقابل عده ای از دشمنان روز به روز بیشتر خود را معرفی کردند تا ماسک های خود را برداشتند و علنا وارد مبارزه با مردم ایران شدند و از طالع بزرگ ملت و از وجود رهبری مانند مصدق دشمنان خرد شدند (جمعیت مصدق پیروز است) آری مصدق پیروز است و از این احساسات باید حداکثر استفاده را بکنیم. آقایان دولتی را که اکنون برسر کار نگهداشته اید امروز بیشتر از همه وقت به کمک شما محتاج است ، به او کمک کنید برای اینکه دولت شما دشمن زیاد دارد. آنها کودتائی کردند و شکست خوردند و به خارج پناه بردند ، ما کار نداریم که سرنوشت آنها چه خواهد شد ملت ایران علت اصلی پیروزی های ما است.

ما راه خود را می پیمائیم و آنها که در جهت مخالف ما میخواهند قدم بردارند با ما نیستند ما حساب گذشته را خوب داریم و برای فردا رفتار دیروز را در نظر میگیریم دولت فعلی ما باید رفته را معرفی کند یعنی شاه را مستعفی بشناسد و شورای سلطنتی را تشکیل دهد.

نطق دکتر فاطمی

مردم قهرمان تهران من به این احساسات پاک شما تعظیم میکنم. وفاداری و ثبات شما مردم قهرمان تهران موجب این پیروزی ها میباشد. هموطنان وضع مزاجی من طوری نیست که بتوانم زیاد صحبت کنم و من در مقابل احساسات سرشار شما چند کلمه به عنوان تشکر عرض میکنم.

هموطنان عزیز«چو تیره شود مرد را روزگار- همه آن کند کش نباید بکار» دیشب وقتی تفنگ های گارد شاهنشاهی بطرف من نشانه روی میکرد من چون به اراده شما ایمان داشتم میدانستم که نهضت ملی نخواهد مرد.

هموطنان فرزند آن پدری که قرارداد سال 1933 را 60 سال تمدید کرد علیه نهضت ملی قیام نمود. پدرش بیست سال عامل کمپانی جنوب بود و چهل سال دیگر را برای پسرش باقی گذاشت. امروز شما باید نشان بدهید که روی پای خود می ایستید و هرکس که با شما مخالفت کند اورا از بین برمیدارید ، به آنها که میگویند نهضت شما رنگ خارجی دارد بگوئید آنکسی که خارج از مرز شما است خارجی است.

برای شما استعمار سیاه سفید ، سیاه و سرخ علی السویه است. هموطنان جنایات دربار پهلوی روی جنایات ملک فاروق را سفید کرد. هموطنان از اسلحه ای که با قیمت خون شما تهیه شده بود فرزند عاقد قرارداد 1933 میخواست علیه شما بکار برد.

روزی که صدای رادیو تهران بلند شد و گفت نقش کودتاچیان نقش بر آب شده وی راه اولین سفارتی را که انگلستان در خارج از ایران دارد در پیش گرفت ، امروز روزی است که فرد فردشما مانند سرباز باید بیدار باشید. امروز شما باید دست به دست فرزند رشید وطن دکتر مصدق بدهید و برای ایران نو از تحریکات اجنبی جلوگیری کنید. دربار پهلوی آنچنان منقرض شد که اراده خداوند اراده دیگری نمیتوانست بدون اینکه خون از دماغ کسی برود این کابوس مرگ نابود شد، هموطنان وظیفه سنگین خود را فراموش نکنید ار این دقیقه به بعد مواظب تر ، مراقب تر از همیشه باشید.

خدای ایران بزرگ است. خدای ایران نخواست نهضت شما واژگون شود. فرزند عامل قرارداد 33 میخواست بجنگ خدا برود ، میخواست به جنگ ملت و اجتماع که مظهر اراده خدا است برود ولی شما آنچنان او را بر زمین زدید که هیچکس در مخیله خود تصور نمیکرد.

نطق مهندس رضوی

هموطنان عزیزمن ، باز هم وقایع و حوادث ما را بر آن داشت که از شما مردم غیور و رشید تهران تقاضای حضور در این میدان تاریخی را بنمائیم. همانطور که میدانید ما هرگز برای خودمان موجودیت و شخصیتی را خارج از اراده و خواست ملت ایران نخواسته ایم و افتخار داریم که

همواره سربلندی وسرفرای شما مردم غیور ایران را هدف خود قرار دهیم. دیشب در پایتخت کشور یکی از نقشه های ارتجاعی به معرض آزمایش گذاشته شد و سعی کردند نظامی و افسر را وادار به عملیات قدرت نمائی و دیکتاتور تراشی بنمایند بحمدالله به منظور خود نائل نشدند.

هموطنان من امروزدیگر اراده یکنفر هرکسی که باشد سرنوشت مملکت را نمیتواند تغییر دهد امروز اراده ملت ایران به صورت نهضت ملی ظاهر شده و ارابه سیاست مملکت را در دست دکتر مصدق نخست وزیرسالخورده و با تدبیر ما داده است وهیچ قوه ای نیز ازاراده و خواست ملت ایران در سرنوشت مملکت تأثیر ندارد. اکنون ما استقلال حقیقی خود را بدست آورده ایم دیگر تحریکات بیگانگان و عمال آنها نمیتواند چرخ مملکت ما را از گردش باز دارد.

اما تکلیف مملکت اکنون که پادشاه از کشور خارج شده است به وسیله دولت باید تعیین گردد و برای شما مردم رشید در اطنجا وظیفه حساس تری است و آن توجه کامل به مصالح کشور اسن و من فقط به همین مختصر قناعت میکنم و همین قدر مجددا میگویم که کمال مطلوب ما آن است که استقلال سیاسی و اقتصادی کامل ملت ایران تأمین گردد. خلاصه آنکه امروز ما از دولت میخواهیم که اولا انفصال پادشاهی که پشت به ملت ایران کرده و با این اقدام خود سعی کرده از منافع خارجی ها حمایت کند به ملت اعلام گردد. ثانیا در بالا بردن وسایل معاش طبقات ایران کوشش عملی و حقیقی بکار برده و بالاخره با نهایت قدرت حکومت کرده مخالفان نهضت ملی را از هردسته و طبقه که باشد سرکوب نماید.

اکنون مجلس دوره هفدهم با آراء آزاد مردم منحل شده است بر عهده دولت است که هرچه زودتر اصلاحات لازم را در قانون انتخابات به عمل آورده وسایل انتخابات مجلس 18 را فراهم سازد.

قطعنامه متینگ

ما شرکت کنندگان در متینگ روز یکشنبه 25 مرداد 1332 میدان بهارستان به پیروی از افکار ملت ایران مواد ذیل را تصویب می نمائیم

اول - چون کودتای خیانتکارانه نیمه شی 25 مرداد سال 1332 به دستور بیگانگان برای سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق و از بین بردن نهضت مقدس ملت ایران بوجود آمده از دولت ملی دکتر مصدق میخواهیم تا هرچه زودتر مسببین و محرکین را به شدید ترین مجازات محکوم نمایند.

دوم - از دولت مصراً خواهانیم تا هرچه زودتر به تشکیل محکمه ملی اقدام و خنایتکاران به نهضت ملی ایران را مجازات نماید.

سوم - چون شاه فراری است از دولت ملی دکتر مصدق میخواهیم که به فوریت به تشکیل شورای سلطنت اقدام و با نهایت قوت و قدرت ب اتکالیف قانونی خود عمل نماید.

شاه و ملکه از بغداد عازم رم شدند

شاه در ملاقات با حسن صدر رئیس مجلس سنا و فاضل جمالی رئیس مجلس نمایندگان عراق و آیت الله شهرستانی اظهار داشت جون مصدق قانون شکنی میکرد او را معزول و سرلشگر زاهدی را به نخست وزیری تعیین کردم. شاه همچنین گفت کودتائی در بین نبوده و از مقام خود نیز استعفا نداده ام.

اظهارات شاه

رهبران سیاسی و مذهبی عراق دیروز پس از ملاقات با شاه اظهار داشتند که شاه ایران به آنها گفته است که پس از عزل دکتر مصدق و انتصاب ژنرال زاهدی بجای او به سمت نخست وزیری ایران بنا به میل و اراده خود ایران را ترک کرده است.

آنها هم چنین گفتند که شاه از اینکه دکتر مصدق از انجام آرزو ها و امیال وی و مردم ایران مبنی براینکه آقای دکتر مصدق باید کناره گیری کند سرباز زده است اظهار تأسف کرد. شاه اضافه کرد که ژنرال زاهدی کودتای نظامی انجام نداده و فقط سعی کرده که دکتر مصدق را از تصمیم شاه مستحضر نماید. شاه تأکید کرد من هنوز زاهدی نه دکتر مصدق را نخست وزیر قانونی ایران میدانم ، من ازحق قانونی خود برای حفظ منافع ملی ایرانیان استفاده کرده ام هدف اساسی من همیشه حفظ قانون اساسی است و در مملکت ما این را نمیتوان به عنوان پشت پا زدن به قانون اساسی تلقی کرد.

شاه گفت نمیتوان به دکتر مصدق اجازه داد که به عنوان یگانه دیکتاتور مطلق العنان در ایران حکومت کند.

سیاست امریکا در انقیاد انگلستان

روزنامه المصری در گزارشی از واشنگتن مینویسد محافل رسمی امریکا عقیده دارند وضع ایران فوق العاده نگران کننده شده است. در ماه های اخیر دیپلاسی امریکا در ایران کاملا تحت انقیاد سیاست انگلیس درآمده و این سیاستی است که ایران را مجبور به صبر و انتظار میگذارد تا پشتوانه ارزی او بکلی پایان یابد تا براثر وخامت مالی خود ناچار با تسلیم خواسته های انگلستان و امریکا شود و مسأله نفت را بخواست آنها حل و فصل نماید.

تظاهرات امروز

مقارن ساعت 9 بامداد گروهی های متشکلی از خیابان های جنوب شهر درحالیکه شعارهای « زنده باد شاه مرگ بر حزب توده» میدادند به طرف میدان سپه حرکت کردند. درحوالی میدان سپه عده ای دیگر که اکثرا با چوب دستی های بزرگ مجهز بودند به جمعیت قبلی که در میدان سپه مستقر شده بودند پیوسته از طرف خیابان های فردوسی به استانبول و شاه آباد به طرف میدان بهارستان حرکت کردند و شعارهائی بر ضد دولت و زنده باد شاه میگفتند. این گروه تظاهر کنندگان را چهار کامیون حامل سرباز و پاسبان که در جلو هریک از کامیون ها مسلسلی قرار داشت از جلو و عقب تظاهر کنندگان حرکت میکردند و شعاهای آنها را تکرار مینمودند.

حمله تظاهر کنندگان به احزاب و روزنامه های طرفدار دولت

درخدود ساعت 10 درحالیکه تظاهر کنندگان طرفدار مشروطیت و شاه چوبدستی های خود را بلند کرده و فریاد زنده باد پادشاه ومرگ بر جمهوری میدادند به حزب ایران نزدیک شدند و از دیوار بالا رفته و تابلوی جزب مزبور را پائین آورده وارد حیاط حزب شدند و کلیه صندلی ها و در وپنجره و اثاثیه جزب را شکسته اوراق را پاره کرده و آتش زدند و چند نفری را که در حزب بودند بشدن مضروب و مجروح کردند.

تظاهرکنندگان که بنظر میرسید اداره کنندگانی دارند به قصد حمله به حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم در خیابان صفی علیشاه حرکت کردند. پان ایرانیست ها که قبلا خود را آماده کرده بودند در پشت بام حزب رفته و با انداختن پاره آجر به طرف تظاهر کنندگان مانع ورود آنها به داخل حزب شدند ، تظاهر کنندگان که این وضع را دیدند شروع به دادن شعار کردند و آنقدر این وضع را ادامه دادند تا سنگ هائی که روی بام جمع شده بود به پایان رسید سپس چند تن از سردسته های تظاهر کنندگان از تیر چراغ برق بالا رفته و تابلو و پرچم ها را از بالای حزب پائین آوردند عده ای از آنها نیز بداخل حیاط حزب وارد شدند همه اثاثیه و صندلی ها را شکسته و پس از جنگ تن به تن که با اعضای حزب که بیش از چند نفر نبودند کردند با چند نفر مجروح و زخمی از خود و چند نفر از پان ایرانیست ها از حزب خارج شده بطرف اداره روزنامه باختر امروز که در غرب میذان بهارستان بود رهسپار شدند و بعد از به آتش کشیدن دفتر روزنامه بطرف خیابان اکباتان حرکت کرده در مقابل وزارت فرهنگ مجددا شعار و تظاهرات آنها افزایش یافت و به بهانه اینکه کارمندان فرهنگ توده ای و مخالفین شاه و مشروطیت هستند قصد حمله به وزارت رهنگ را داشتند که با شلیک چند تیر هوائی عقب نشینی کرده به طرف دفتر روزنامه شورش به راه افتادند و ضمن دادن شعارهای زنده باد شاه دفتر روزنامه شورش را نیز به آتش کشیدند.

بعد از به آتش کشیده شدن دفتر روزنامه شورش تظاهر کنندگان که عده ای از پرسنل نیروی هوائی شاهنشاهی نیز به آنها اضافه شده بودند از خیابان اکباتان واردخیابان سعدی شده

بطرف چهارراه مخبرالدوله براه افتادند. در خیابان مخبرالدوله نیز عده ای از افراد ارتش با آنها هم صدا شده بطرف خیابان سعدی شمالی براه افتادند هم صدا شده بطرف سعدی شمالی براه افتادند این گروه در مسیر خود وارد بازارمهران شده دفتر روزنامه حلجی بابا را بعد از غارت آنجا با با خاک یکسان کردند سپس به مسیر خود ادامه داده وارد خیابان ساهرضا واز آنجا به طرف حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) روانه شدند و آنجا رانیز به آتش کشیدند و چندین نفر را که در داخل حزب بودند با ضرب چوب و مشت و لگد مضروب و شدیدا مجروح نمودند ، سپس از طریق خیابان لاله زار وارد میدان سپه شدند.

در تمام طول این مسیر با وجود متمرکز بودن نیروهای انتظامی با هیچگونه عکس العمل آنها مواجه نشدند.

حرکت به سوی بازار

تظاهرکنندگان بعد از عبور از گلوبندک به طرف بازار حرکت کردند ، بازاریان و رهگذران به این وضع و تظاهرات غیرعادی با حالت تعجب و نگرانی شدید آنها را تماشا میکردند و تعجب بیشتر برای آنها این بود که مأمورین انتظامی هیچگونه عکس العملی از خود نشان نمیدادند. تظاهرکنندگان با شعار های زنده باد شاه مجددا به طرف میدان سپه براه افتادند.

حمله به ستاد ارتش و شهربانی ووزارت خارجه

تظاهرکنندگان درحالی که عده ای از افسران بازنشسته در لباس سویل رهبری آنها را به عهده داشتند برای تصرف شهربانی و ستاد ارتش به راه افتادند. در ساعت 12 مجددا در میان سپه اجتماع کردند و چند عکس بزرگ شاه را بالای مجسمه شاه سابق که چند روز پیش سرنگون شده بود قرار دادند. دراین وقت مأمورین مستقر در میدان شروخ به تیراندازی هوائی کردند و جمعیت تظاهر کننده پا به فرارگذاردند و در خیابان های کوچه های مجاور پناهنده شدند.

همزمان شلیک تیر در خیابان های ثبت و سوم اسفند شروع شد زیرا با بودن وزارت امور خارجه ، شهربانی و ستاد ارتش و دژبانی مأمورین انتظامی میخواستند بهر وسیله ازکشیده شدن تظاهرات بآن حدود جلوگیری نمایند.

در ساعت 12 و سی دقیقه گروهی از تظاهر کنندگان درحالی که عکس هائی از شاه در دست داشتند با فریادهای زنده باد شاه قصد عبور بداخل شهربانی را داشتند که با مشاهده نیروهای مسلح انتظامی دراطراف شهربانی از تصرف شهربانی منصرف شده به طرف وزارت امورخارجه به راه افتادند، عده ای از آنها نیز بطرف باشگاه افسران رفتند وجمعی نیز بقصد تصرف ستاد ارتش بدان سو گرفتند.

گروه های مسلح وارد عمل میشوند

فرماندارنظامی تهران سرهنگ ستادحسینقلی اشرفی میباشد و همه سربازانی که برای حفظ نظم در خیابان های تهران هستند ابوابجمعی فرماندار نظامی تهران هستند اما به نظر میرسد که فرماندار نظامی تهران دستور شلیک به تظاهر کنندگان را نداده است و ابوابجمعی او با تظاهر کنندگان همراهی و همکاری میکنند.

ساعت دو بعد از ظهر شهربانی و ستاد ارتش از طرف شش تانک و چند کامیون حامل سرباز محاصره شد و تظاهر کنندگان نیز اطراف آنها را گرفتند و قصد اشغال ستاد ارتش و شهربانی را داشتند ولی بعد از چند دقیقه این محاصره شکسته شد و چهار تانک و چند کامیون حامل سرباز و چهار اتوبوس که تظاهر کنندگان در آنها نشستند به طرف میدان سپه حرکت کردند و در آنجا توقف کرده ومجددا شعارهایی به نفع شاه و علیه دولت دادند. فرماندهی این گروه نظامیان و تانک ها با سرهنگ صمصام بود.

بعد از چند دقیقه نیروی مزبور وارد پست و تلگراف شده و عکس های شاه را بالای در آن وزارتخانه نصب کردند ، بعدا جمعیت در معیت تانک ها و زره پوشها به اداره انتشارات و تبلیغات رفته و آنجا را نیز متصرف شدند. جمعیت بداخل اداره تبلیغات رفته تمام اوراق و مطبوعات را بیرون ریخته و عکس شاه را در بالای این اداره نصب کردند.

جمعیت بعدا سوار تانکها شده و بطرف بی سیم رفتند تا آنجا را اشغال کنند.

اشغال ایستگاه رادیو

مقارن دو بعد از ظهر بعد از اشغال اداره انتشارات و تبلیغات تظاهرکنندگان همراه عده ای از زنان که به آنها ملحق شده بودند سوار بر تانک ها و در معیت سربازان بطرف بی سیم پهلوی حرکت کردند تا ایستگاه رادیو را تصرف کنند.

یکی از تانک ها به داخل محوطه ایستگاه رادیو آمد. برق ایستگاه فرستنده قطع شده بود با زحمت برق رادیو وصل شد. در ساعت 3 آقای میراشرافی اعلام کرد هموطنان عزیز تهران بوسیله مردم تسخیر شده است یکساعت است که رادیو کار میکند ولی احساسات مردم اجازه نمیدهد از استودیو با شما صحبت کنم مردم پایتخت در انتظار بازگشت شاهنشاه هستند مملکت را حفظ کنید. به همت زنان و مردم شاهدوست و پشتیبانی ارتش شاهنشاهی تهران تصرف شد و حکومت مصدق السلطنه ساقط گردید.

آقایان پیراسته و احمد فرامرزی ضمن اعلام نخست وزیری سرلشگر زاهدی و قرائت فرمان نخست وزیری ایشان به زمامداری مصدق حمله کردند. و اعلام کردند که ستاد ارتش به وسیله مردم ، سربازان وافسران تصرف شده است. شاهنشاه به وسیله تلگراف ازجریان مطلع شده اند مردم نگذارید مصدق و طرفداران او از دست شما فرار کنند.

گوینده رادیو اعلام داشت که آقای سرلشگر زاهدی نخست وزیر برای ابلاغ پیام اعلیحضرت به مردم به استودیو آمده اند . زاهدی اظهار داشت :

به نام خداوند قادر متعال ، ملت رشید و هموطنان عزیزم برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سمت نخست وزیری را پذیرفته ام و در قبول این خدمت بعد از امید به خداوندی و به نیروی شمت متکی هستم. دولت های گذشته خیلی به شما وعده داده اند ولی امیدوارم این خدمتگزار برخلاف آنها به وعده های خود عمل کنم. برنامه اینجانب بطور اجمال چنین است

حکومت قانون، بالا بردن سطح زندگی مردم، موتوریزه کردن کشاورزی پائین آوردن هزینه زندگی، بالا بردن مزدکارگران ، بهداشت عمومی و مجانی برای همه ، تقویت بنیه مالی کشاورزان، تعمیم وحفظ امنیت عمومی، تأمین آزادیهای فردی اجتماعی.

دردو بی پایان من به شما مردم ایران.

هموطنان نخست وزیر قانونی به امر اعلیحضرت تا مجلس روی کار بیاید اینجانب هستم.

یورش به خانه دکتر مصدق

از ساعت 12 یورش جمعیت به طرف خانه دکترمصدق شروع شد ولی هرگاه تیری هوائی شلیک میشد مهاجمین برای مدتی عقب نشینی میکردند و در خیابان های اطراف خیابان کاخ پنهان میشدند. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر چند تلنک به کمک تظاهر کنندگان آمدند در نتیجه مهاجمین که در سه راه شاه تا خیابان آقا شیخ هادی پراکنده بودند مجددا بطرف خیابان کاخ حرکت کردند. مدافعین خانه دکتر مصدق در ساختمانی در مدخل خیابان کاخ سنگر گرفته و از خیابان کاخ دفاع میکردند فرمانده مدافعین سرهنگ ممتاز بود.

با ورود تانک به صحنه مدافعین شروع به تیراندازی نمودند و در حالی که مهاجمین مجددا از صحنه نبرد فرار میکردند یکی از تانک ها با شکیک توپ تانکها یکی از طبقات ساختمان را ویران کرد ولی هنوز مدافعین با تفنگ و مسلسل به طرف تانک و مردمی که بر آن سوار شده بودند شلیک میکردند. به تدریج تعداد تانک ها که تعداد آنها به 27 میرسید وارد خیابان کاخ شده به

طرف منزل دکتر مصدق سرازیر شدند . مدافعین در ساختمان روبروی خانه دکتر مصدق نیز سنگر گرفته بودند و وقتی تانک ها و تظاهر کنندگان قصد شکستن درخانه و حمله بخانه را داشتند بار دیگر صدای شلیک ازخانه مقابل به طرف مهاجمین آغاز شد که تا ساعت هفت و نیم شب ادامه داشت با شلیک آخرین فشنگ خانه به تصرف تانک ها و مهاجمین قرار گرفت. هنگامیکه محافظین خانه با دادن سلاحهای خود تسلیم شدند مهاجمین به بردن اثاثه خانه پرداختند. بعد از چند دقیقه خانه به ویرانه ای تبدیل گردید. دو نفر از خادمین خانه که هنوز در خانه بودند به فرمان افسر فرمانده تانک ها با دو شلیک آنها را از پا درآوردند و خانه را به آتش کشیدند.

بعد از غارت خانه دکتر مصدق متوجه خانه های اطراف که منزل فرزندان آقای دکتر مصدق بود شدند و آنجا را نیز در مدت کوتاهی غارت کرده و آتش زدند. در ساعت 8 شب وقتی مهاجمین از خیابان کاخ خارج شدند ، سکوت همه جا را فرا گرفته بود فقط شعله های آتش از دو خانه آن زبانه می کشید.

اعلامیه سرلشگر زاهدی خطاب به آقای دکتر مصدق

چون از طرف ذات شاهانه دستور اکید برای حفظ جان جناب آقای دکتر مصدق صادر شده است مقتضی است خودشان را در ظرف 24 ساعت به اداره کل شهربانی یا فرمانداری نظامی معرفی سازند و برحسب اراده ملوکانه تا وقتی که تکلیف ایشان ازطرف ملت معلوم نشده باشد کاملا در حفظ جان ایشان جدیت به عمل خواهد آمد.

29 مرداد 1332

فرمان دستگیری وزرای سابق

هرچه زودتر صورت اسامی افسران و درجه داران که دیروز به نفع ملیون کارکرده اند تهیه شود تا ترتیب تشویق و تقدیر آنها داده شود و حتی به بعضی از آنها جایزه نقدی داده شود.

عموم وزرای سابق دستگیر و در شهربانی توقیف شوند و درباره آنها از رئیس شهربانی کسب تکلیف شود.

کلیه زعمای قوم و نزدیکان نخست وزیر سابق از قبیل دکتر شایگان ، مهندس زیرک زاده ، مهندس رضوی ، و سایرین که برخلاف قوانین جاریه عملیاتی کرده اند و مخالف منویات ملت ایران قیام نموده اند تحت پیگرد قانونی قرار دهند. همچنین سرتیپ محمد حسین جهانبانی احضار شوند.

رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ دفتری

دستخط شاه به سرلشگر زاهدی

به نام قادر متعال من از پشتیبانی مردم ایران نسبت به من و دفاع از قانون اساسی صمیمانه سپاسگزارم ، من از کلیه افراد ارتش و تمام مأموران غیر نظامی و همه مردم ایران را به متابعت از اوامر جناب آقای فضل الله زاهدی که طبق قانون اساسی به ریاست حکومت ملی و قانونی ایران از طرف من تعیین شده دعوت میکنم. من بیدرنگ به ایران و ملتم برمیگردم. خدا حافظ ایران و مردم ایران

محمد رضا پهلوی

تلگراف نخست وزیر

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ، مردم شاه دوست و ارتش فداکار در انتظار موکب همایونی با بی صبری دقیقه شماری میکنند. از خاکپای مبارک استدعای تسریع در عزیمت و ابلاغ ساعت نزول اجلال را دارد تا احساسات پاک مردم مطابق آرزوی خودشان ایثار قدوم مبارک گردد. چاکر - فضل الله زاهدی

تلگراف شاه به آیت الله بهبهانی

آیت الله بهبهانی تهران بنام خداوند تبارک و تعالی ، از محبتی که ملت ایران به من و حفظ قانون اساسی انجام داده است صمیمانه سپاسگزارم. بدینوسیله از تمام قوای مسلح و تمام مسؤلین کشوری و ملت ایران خواستارم دستورات نخست وزیر جناب فضل الله زاهدی که بر طبق اختیارات قانون اساسی از طرف من برای ریاست دولت قانونی و ملی ایران انتخاب شده اند اطاعت کنند. هرچه زود تر به ایران عزیز و ایرانیان برخواهم گشت خداوند بزرگ ایران و ملت ایران را حفظ کند.

پاسخ آیت الله به شاه

پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ، دستخط تلگرافی مبارک زیب وصول یافت از خداوند سلامتی وجود مبارک وبقای سلطنت عظمی اسلامی را خواهانم. اشاالله عین تلگراف مبارک را به عرض عامه رسانیده همه انتظار زیارت پادشاه معظم و محبوب خود را دارند و با امیدواری کامل به عطوفت ملوکانه مستدعی است در این موقع که الحمدالله موکب همایونی به مقرسلطنت معاودت میفرمایند امر عفو عمومی صادرفرمایند موجب مزید تشکر خواهد بود.

محمدالموسوی بهبهانی

اطلاعیه شماره 2 نخست وزیر

در اینموقع خطیر که با عنایت خداوند توانا و امراعلیحضرت همایون شاهنشاه و نیروی لایزال ملت و فداکاری افراد وطن دوست و ارتش ملی زمام امورکشور را بدست گرفته و درقبول این

خدمت هدفی جزحفظ استقلال ایران عزیز وتشیید مبادی دین مقدس اسلام و تأمین آسایش و رفاه واقعی مردم و احترام به اراده آزاد آنها ندارم ، از قاطبه هم میهنان گرامی و استانداران و فرمانداران و کلیه مأمورین دولت انتظار دارم با درایت و متانت مراقب اوضاع بوده و مطمئن باشند تشویق خدمت گداران و مجازات خیانتکاران برطبق قانون و مقررات مورد نظر و عمل خواهد شد.

نخست وزیر - سرلشگر زاهدی

سرلشگر زاهدی در وزارت امور خارجه

آقای سرلشگر زاهدی نخست وزیر ساعت 11 صبح امروز به وزارت امور خارجه رفته و پس ازمعرفی شدن اظهار داشتند :

اینجانب که در تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زمام امور را بدست گرفتم امیدوارم با کمک هم میهنان عزیز مخصوصا شما ها روابط دوستانه با کلیه کشور ها مخصوصا دول دوست و همسایه محفوظ و در تشیید آن کوشش وافر نمائیم. بطوری که میدانید حکومت سابق دراثر سوء سیاست اغلب کشورها را از خود رنجانده بود و اکنون وظیفه دولت و مخصوصا شما ها است که در ایجاد حسن تفاهم و روابط دوستانه بین کشور ایران و همه دول کوشیده تا جبران گذشته بشود.

مجلس و نمایندگان اقلیت

امروزصبح تقریبا تمام نمایندگان اقلیت مجلس هفدهم درمجلس بودند آقایان دکتر بقائی، حائری زاده ، قنات آبادی ، کریمی ، حمیدیه ، بهادری ، افشار صادقی ، کریمی ، حمیدیه ، هدی ، پور سرتیپ و میراشرافی و همچنین چند نفر از نمایندگان دوره شانزدهم که مخالف دکتر مصدق بودند از جمله آقایان شوشتری و صفائی در سرسرای مجلس اجتماع نمود بودند. این نمایندگان با دیدن یکدیگر نسبت به یکدیگر ابرازاحساسات کرده و به یکدیگر تبریک می گفتند. نمایندگان مزبور هنوز خود را نماینده میدانند.

آقای حایری زاده اظهارداشتند چون دولت ازما درباره وضع موجود و کابینه خود نظر خواسته درمنزل آیت الله کاشانی تشکیل جلسه داده و تبادل نظر نموده ایم اما نظرقاطع به جلسه امروز عصر موکول گردید.

دکتر مصدق در شهربانی

براساس گزارش سرهنگ ممتاز فرمانده گارد محافظ دکتر مصدق در مورد محل اختفای دکتر مصدق و همراهان مأمورین انتظامی طبق نشانی که در اختیار داشتند برای بازداشت آنان به منزل مهندس معظمی در خیابان اردیبهشت رهسپار شدند. درآن خانه آقایان دکتر مصدق، دکترشایگان ، دکتر صدیقی و مهندس معظمی بودند.

چهارنفر آقایان مزبور با دیدن مأمورین خود را در اختیار مأمورین قرار دادند. هریک از آنها درجیپ جداگانه ای نشسته و با مأمورین محافظ به طرف شهربانی حرکت نمودند. به محض رسیدن به شهربانی ابتدا آقای دکتر صدیقی پیاده شده سپس دکتر مصدق ومتعاقباً دکتر شایگان ودکتر معظمی پیاده شده باطاق سرتیپ دادستان فرماندار نظامی وارد شدند. پس از اطلاع به آقای نخست وزیر ایشان دستور دادندکه آقای دکتر مصدق و همراهان را به باشگاه افسران انتقال دهند. موقعی که آقای دکتر مصدق از پله های عمارت باشگاه افسران بالا رفتند آقای سرلشگر زاهدی بالای پله ها ایستاده بودند.

آقای دکتر مصدق وقتی آقای سرلشگر زاهدی رادیدند گفتند قربان تبریک عرض میکنم. آقای سرلشگر زاهدی به آقای دکتر مصدق سلام نظامی داده روی ایشان را بوسید و دست ایشان را فشرد. اقای سرلشگر زاهدی ضمنا به آقای دکتر مصدق گفتند مطمئن باشیدکه اعلیحضرت دستورداده اند موئی ازسرشما کم نخواهد شد.

ملاقات سرلشگر زاهدی با کاشانی

با توجه به احترامی که آیت الله کاشانی در مدت تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس نسبت به ایشان نموده بود آقای نخست وزیر به آیت الله اطلاع دادند که قصد ملاقات ایشان را دارند.

حضرت آیت الله منزلی را در تجریش معین کردند تا در آنجا ملاقات صورت گیرد. در این جلسه آقایان دکتر بقائی ، حائری زاده ، نادعلی کریمی و شمس قنات آبادی حضور داشتند. آیت الله کاشانی در مورد مسأله نفت از نخست وزیر سؤال کردند و اصرار داشتند نظر ایشان را در مورد مسأله غرامت بدانند.

آقای سرلشگر زاهدی اظهار مینمایند که من به هیچوجه تسلیم نظرات انگلیس نخواهم شد و غرامت تأسیسات نفت را هم به آنها نخواهم پرداخت.

در مورد تعقیب آقای دکتر مصدق آیت الله سؤال کردند. سرلشگر زاهدی پاسخ دادند که دکتر مصدق از دو نظر قابل تعقیب است. اول از جهت اقدامات خلاف قانون ایشان در زمان نخست وزیری و دیگر براثر اقداماتی که ایشان در زمانی که از نظر قانونی سمتی نداشته اند انجام

داده اند و با اینکه صدور فرمان نخست وزیری من به اطلاع ایشان رسیده بود اقداماتی کردند و از آن جمله مردم را به گلوله بستند.

17 آذر ۱۳۳۲

آخرین دفاع دکتر مصدق

ساعت ۴ بعد از ظهر سال ۱۳۳۲ در سلطنت آباد آخرین جلسه محاکمه دکتر محمد مصدق با آخرین دفاع دکتر مصدق بپایان خواهد رسید. دکتر مصدق در آخرین دفاع خود اعلام میدارد:

آری تنها گناه من وگناه بسیار بزرگ و بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراتوری های جهان را از این مملکت برچیده ام و پنجه در پنجه مخوف ترین سازمان های استعماری و جاسوسی بین المللی درافکندم و به قیمت از بین رفتن خود و خانواده ام و به قیمت جان و عرض و مالم خداوند مرا توفیق عطا فرمود تا با همت و اراده مردم آزاده این مملکت بساط این دستگاه وحشت انگیز را درنوردم.

من طی این همه فشار و ناملایمات ، این همه تهدید و تضییقات از علت اساسی و اصلی گرفتاری خود غافل نیستم و به خوبی میدانم که سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است درآتیه در سراسر خاورمیانه درصدد گسیختن زنجیر بندگی و بردگی استعمار برآیند. روز نهم اسفند سال قبل طنابی را که برای انداختن به گردن من آورده بودند همه دیدند. آن روز هم اگر موفق می شدند می گفتند مردان مسلمان وطن پرست و شاهدوست سزای یک مرد خائن را کف دستش گذاشتند.

من میخواهم از افتخاری که نصیب آن مرد (آزموده دادستان محکمه) شده یعنی توانسته است متهم لجوج و عنود ردیف یک را که برای اولین بار از روی لجاج و خیره سری به جنگ با استعمار برخاسته ، بر کرسی جرم و جنایت نشانیده استفاده کنم و شاید برای آخرین بار در زندگی خود ملت رشید ایران را از حقایق این نبرد وحشت انگیز مطلع سازم

حیات و عرض و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سر فرازی میلیون ها ایرانی و نسل های متوالی این ملت کوچک ترین ارزشی ندارد و از آن چه برایم پیش آورده اند هیچ تأسف ندارم. وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده ام. من به حس و عیان می بینم که این نهال برومند در خلال تمام مشقت هایی که امروز گریبان همه را گرفته به ثمر رسیده است و خواهد رسید. عمر من و شما و هر کس چند صباحی دیر یا زود به پایان میرسد ولی آنچه می ماند حیات و سرفرازی یک ملت مظلوم و ستمدیده است.

آن مرد گفت که من و اقدامات دولتم سبب شد که آبروی ایران و ایرانیان در انظار خارجیان ریخته شود و لابد الان که من و همفکران و همکاران مرا به نام مجرم و جانی و خائن می نامند و روی کرسی اتهام می نشانند آبروی ریخته شده باز میگردد. آن مرد باید بداند که

اقداماتش برای بازگشت حیثیت از دست رفته در انظار جهانیان کافی نیست و باید صبر کند تا پس از افتتاح مجدد سفارت و کنسولگری هایی که بسته شده اند ، و پس از استقرار مجدد کمپانی سابق نفت جنوب به همان لباس یا به لباس یک کمپانی بین المللی، آن وقت ادعا کند که لکه ننگ ملی شدن صنعت نفت ، ملی شدن شیلات و و .... از دامان او و حامیانش زدوده شده است.

چون از مقدمات کار و طرز تعقیب و جریان دادرسی ، معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم به کار برده ام خاموش خواهند شد و دیگر جز این لحظه نمی توانم با هموطنان عزیز صحبت کنم.

از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع می کنم و تأکید می نمایم که در راه پرافتخاری که قدم برداشته اند ازهیچ حادثه ای نهراسند و یقین بدانند که خدا یار و مددکار آنها خواهد بود.

(همانطور که کرومیت روزولت در آخرین ملاقات خود به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر توصیه کرده بود محکمه نظامی شاه دکتر مصدق را به سه سال حبس در زندان سلطنت آباد و اقامت اجباری تا آخرین روزهای عمر در دهکده احمد آباد محکوم نمود).